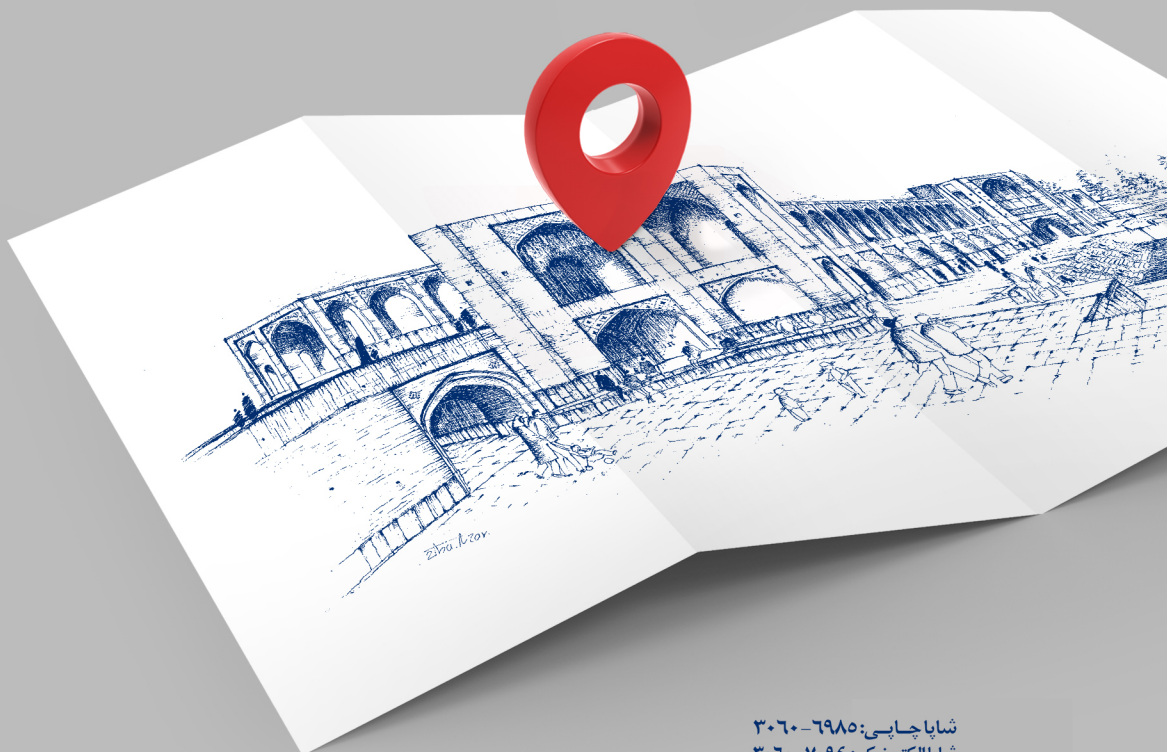


فصلنامه علمی پژوهشهای فضا و مکان در شهر

دوره هشتم، پیاپی (۳۱)، تابستان ۱۴۰۳



- بازخوانی گفتمان تاب‌آوری اجتماعات محلی، مدل محله تاب‌آور با اتکا بر عرصه اجتماعی-فضایی
- بررسی میزان مطلوبیت و پاسخگویی فضاهای عمومی شهری در راستای حضور زنان (مورد مطالعه: شهر شهرکرد)
- تدوین چهارچوب مفهومی تحقق‌پذیری مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری
- الگوسازی توسعه فضایی در شهرهای کوچک برپایه سنجش نیاز ساکنان (مورد مطالعه: شهر دهرسخ)
- تأثیر منظر فضاهای شهری بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان شهر تبریز
- مطالعه شیوه‌های اعلان وقت و ساعت در ارسن نقش جهان اصفهان در دوره صفوی با نگاهی به شیوه‌های مرسوم در شهرهای بزرگ اسلامی





نشریه علمی پژوهش‌های فضا و مکان در شهر



دوره هشتم، پیاپی ۳۱، تابستان ۱۴۰۳



مدیر داخلی: الهام قاسمی	صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی
مدیر اجرایی: خاطره امیری	مدیر مسئول: مهدی ژیانپور
کارشناس اجرایی: ریحانه سجادی	سر دبیر: محمد مسعود
ویراستار ادبی: آیدا قویدل	دبیر تخصصی: احسان رنجبر
ویراستار انگلیسی: زهرا سادات اسماعیلیان	هیئت تحریریه:
طراح جلد و بونیرفرم: عرفان غلامی	نعمت‌الله اکبری، حامد بخشی، فروزنده جعفرزاده‌پور، علی حسنی،
کروکی روی جلد: زیبا آذر	زاهد شفیعی، نعمت‌الله فاضلی، ایرج قاسمی، محمود قلعه‌نویی،
صفحه آرا: جعفر خدادی	محمد مسعود، مهدی منتظرالحجه، مرتضی میرغلامی

مقالات این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه خواهد شد:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

سایت اختصاصی: www.jspr.jdisf.ac.ir

ایمیل: jsprjdisf@gmail.com

jspr.es@acecr.ac.ir

مجموع شماره ۷۸۵۳۹ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شاپا چاپی: ۳۰۶۰-۶۹۸۵

شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۷۰۹۴

فهرست مقالات

بازخوانی گفتمان تاب‌آوری اجتماعات محلی، مدل محله تاب‌آور با اتکا بر عرصه

اجتماعی-فضایی ۵

فاطمه شمس، محمدرضا پورجعفر، سید مهدی خاتمی، علی سلطانی

بررسی میزان مطلوبیت و پاسخگویی فضاهای عمومی شهری در راستای حضور زنان

(مطالعه موردی: شهر شهرکرد) ۳۱

مریم رضائی، مرضیه رونقی، سارا کوهی کمالی

تدوین چهارچوب مفهومی تحقق‌پذیری مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری ۵۱

پسند مهدوی سعیدی، مصطفی بهزادفر، محمد مسعود، سید محمد رشتیان

الگوسازی توسعه فضایی در شهرهای کوچک بر پایه سنجش نیاز ساکنان (مورد مطالعه:

شهر دهسرخ) ۷۵

داریوش مرادی چادگانی، نرگس سلطانی، نیلوفر راست قلم، کیخسرو ایرجی

آسیابادی

تأثیر منظر فضاهای شهری بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان

شهر تبریز ۹۳

علی زینالی عظیم، علی آذر، سولماز بابازاده اسکوئی، حدیث سلوکانه میانداوب

مطالعه شیوه‌های اعلان وقت و ساعت در ارسن نقش جهان اصفهان در دوره صفوی با

نگاهی به شیوه‌های مرسوم در شهرهای بزرگ اسلامی ۱۲۱

امیرمحمد چنگیزی محمدی، زینب طالبی ریزی، ناصر جدیدی

مجله «پژوهش‌های فضا و مکان در شهر» یکی از چند تلاش سازنده برای معرفی مفهوم «شهرشناسی» و بازسازی حوزه «مطالعات شهری» در مجموعه جهاد دانشگاهی است. این هدف‌گذاری از درک یک شکاف برمی‌آید؛ شکاف میان موقعیت این حوزه در جهان و ایران. مطالعات شهری در اوایل قرن بیستم مورد پذیرش دانشگاهی قرار گرفت، و در اوایل دهه ۱۹۷۰ به سرعت گسترش یافت. برخی از صاحب‌نظران نیز بر این عقیده‌اند که حوزه مطالعات شهری هرگز تا این اندازه نیرومند نبوده است. با این وجود در سپهر علمی پژوهشی کشورمان این حوزه هنوز به رسمیت شناخته نشده و عمدتاً به یکی از رشته‌های زیرمجموعه‌اش فروکاسته شده است. مطالعات شهری بر اساس اجماع مراکز معتبر علمی در دنیا حوزه‌ای میان رشته‌ای است که اصلی‌ترین هدفش شناخت و فهم شهرها از دیدگاه‌های علمی و نظری معتبر است. این حوزه میان‌رشته‌ای انجمن‌های حرفه‌ای، مجلات و نظریات خود را دارد و عمدتاً از روش‌های علوم اجتماعی استفاده می‌کند. محققین رشته‌های شهرسازی، معماری، و طراحی شهری همچنین تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی و مردم‌شناسی بیشترین دانش مطالعات شهری را تولید کرده‌اند.

مجله «پژوهش‌های فضا و مکان در شهر» با تایید این گزاره که با وجود موضوعات نو و چالش‌برانگیزی که در قرن ۲۱ بوجود آمده است اکنون هم بهترین و هم بدترین زمان برای مطالعه شهرهاست، برای اجتناب از دامن زدن به آشفتگی نظری و روش‌شناختی موجود با تعهد به مرزهای حوزه مطالعات شهری از میان موضوعات بی‌شمار بر مطالعه «فضای شهری» متمرکز خواهد بود. مرکزیت یافتن این موضوع/مفهوم مستلزم اعتقاد به پیچیدگی شهر به عنوان یک پدیده چندوجهی با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی است. بر این اساس تلاش شده است اعضای هیات تحریریه مجله صاحب‌نظرانی متناسب با این ابعاد باشند.

در پایان ضمن دعوت از همه محققین، صاحب‌نظران و فرهیختگان علاقه‌مند به موضوع شهر و حوزه مطالعات شهری به مشارکت مجدانه در انتشار دستاوردهای علمی‌شان، امیدوارم تلاش مجموعه جهاد دانشگاهی و گروه علمی اجرایی مجله منجر به تقویت نگاه میان‌رشته‌ای به موضوعات مختلف از جمله شهر، به رسمیت‌شناسی حوزه مطالعات شهری و مفهوم شهرشناسی و ورود ایده‌ها و رویکردهای جدید به موضوع فضای شهری باشد.

مهدی ژبانیپور

مدیر مسئول



بازخوانی گفتمان تاب آوری اجتماعات محلی، مدل محله تاب آور با اتکا بر عرصه اجتماعی- فضایی*

فاطمه شمس

پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمد رضا پورجعفر^۲

استاد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

سید مهدی خاتمی

دانشیار شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

علی سلطانی

استاد شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

تمرکز بر تعریف جوامع محلی تاب آور، ظرفیت‌های نهادی و انطباقی، مهارت‌ها، انرژی و منابع را در اختیار افراد، نهادها و گروه‌های محلی قرار می‌دهد. با وجود اهمیت مفهوم تاب آوری، بررسی آن به صورت یک پدیده چندوجهی در اجتماعات محلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف این پژوهش اعمال تفکر تاب آوری در عرصه اجتماعی- فضایی محله‌های شهری و ارائه مدل محله تاب آور از منظر اجتماعی- فضایی از طریق مروری تحلیلی- توصیفی بر ادبیات نظری موجود است. در این راستا، روش‌شناسی در چهارچوب پارادایم تفسیرگرایی در دو گام مرور نظام‌مند مطالعات و استخراج منابع اصلی (۳۵ سند) و تحلیل محتوای کیفی هدایت شده با رویکرد استقرایی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مدل اجتماعات محلی تاب آور سه لایه یا سطح قابل شناسایی است: لایه فوقانی یا سطح اول شامل سیستم مدیریتی- نهادی و دربردارنده عوامل توانمندکننده اجتماعات محلی است و وظایف تصمیم‌سازی و قاعده‌مندسازی در این لایه جریان دارد. این سطح با سطح زیرین خود، یعنی لایه مرکزی، که ناظر بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اجتماعات است و وظیفه ارائه خدمات عمومی با هدف حمایت و حفاظت در برابر بحران را بر عهده دارد، در تعامل نزدیک است. سطح زیرین نیز بستر کالبدی- فضایی سطوح فوق را ایجاد می‌کند و شامل عناصر و اجزای محیطی و الگوهای فضایی و یا نمود عینی اجتماع محلی است. مضامین سه‌گانه شامل ظرفیت بسیج‌شوندگی، ظرفیت تجربه‌پذیری و ظرفیت نقش‌پذیری محله در کلیه سطوح مذکور برقرارند و از طریق مقوله‌های دوازده‌گانه بیان شده، در سیکلی رفت و برگشتی، جریان هرچه تاب آورتر شدن اجتماعات محلی را بازتولید می‌کند. **واژگان کلیدی:** تاب آوری، مکان، اجتماعات محلی، عرصه اجتماعی- فضایی، ظرفیت بسیج‌شوندگی، ظرفیت تجربه‌پذیری.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان «شناسایی و تبیین تاثیرات متقابل همه‌گیری‌ها و ابعاد ادراکی- کالبدی نظام فضایی و اجتماعی محلات» است که در دانشگاه تربیت مدرس با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم انجام شده است.

۲. ایمیل نویسنده مسئول: pourja_m@modares.ac.ir

مفهوم را به عنوان توانایی گروه‌ها و یا جوامع برای مقابله با تنش‌های خارجی و اختلالات در مواجهه با تغییرات اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی تعریف می‌کند (Adger, 2000).

گفته می‌شود توانایی سیستم اجتماعی در پاسخ به نابسامانی‌ها و بازیابی از بحران‌ها، شامل آن شرایط ذاتی است که به سیستم اجازه می‌دهد اثرات را جذب کند و با رخداد مواجه شود (Cutter et al., 2008) و به ظرفیت جوامع و گروه‌های اجتماعی برای بازگشت و پاسخ مناسب به مصیبت‌ها اشاره دارد (Ripp et al., 2024). در واقع تاب‌آوری اجتماعی اشاره به وضعیتی دارد که یک جامعه در مواجهه با نیروهای بیرونی از خود نشان می‌دهد. همان‌گونه که اشاره کردیم، تعریف شاملی از تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان مفهومی چندوجهی ارائه نشده است، اما به‌طور کلی، تاب‌آوری اجتماعی به ظرفیت‌های افراد، سازمان‌ها و یا جوامع برای تحمل، جذب، تطبیق و تبدیل در برابر تهدیدهای اجتماعی می‌پردازد (پرتوی و همکاران، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر، این مفهوم به توانایی گروه‌ها و جوامع برای مقابله با اختلال‌ها و استرس‌های بیرونی به‌عنوان نتیجه تغییرات محیطی، سیاسی و اجتماعی برمی‌گردد.

تمرکز بر تعریف جوامع تاب‌آور است که ظرفیت‌های نهادی و انطباقی محلی و منابع را در اختیار افراد و گروه‌های محلی برای به دست گرفتن کنترل جوامع خود می‌دهد تا تعیین کنند چگونه می‌توان جوامعی قوی، سالم و پر جنب‌وجوش ساخت که در آن مردم به حضور در آن افتخار کنند. اگرچه انتظار می‌رود حکمروایی محلی به سمت تدقیق این چهارچوب‌های مفهومی حرکت کند، همواره این نگرانی وجود دارد که، از آنجایی که برخی از جوامع دارای سطوح بالایی از سرمایه اجتماعی یا «تاب‌آوری بالفطره» هستند، این

طی سال‌های اخیر با پیشرفت مطالعات، نظریه‌پردازان شهری به تدریج متوجه شده‌اند که شهر یک سیستم پویا از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی و منطبق با تغییر و تحولات است که به‌دشواری می‌توان آن را در یک وضعیت ثابت نگه داشت؛ از این‌رو، به ماهیت پیچیده و چندرشته‌ای تاب‌آوری شهری اذعان کرده‌اند. هرچند پیشگیری از رخداد فجایع، مدیریت منابع محیطی و تغییرات اجتماعی و نهادی براساس رویکردهای پیشگیری، آمادگی و پاسخگویی (Mehmood, 2016; Pascariu et al., 2023)، تاریخچه‌ای طولانی دارد، با این حال، یک اجماع کلی در ادبیات وجود دارد که تاب‌آوری یک مفهوم چندوجهی و در عین حال یکپارچه‌ساز است. اگرچه درخصوص فرمول‌بندی و طبقه‌بندی دقیق آن اختلاف نظر وجود دارد، اکثر تلاش‌ها برای عملیاتی کردن این مفهوم با تمایز بین چندین بعد تاب‌آوری در برابر بلایا شروع می‌شود (Doorn, 2019; Winkens et al., 2024). تاب‌آوری اجتماعی-فضایی، کانون تمرکز این پژوهش، نمونه‌ای از همین تلاش است. به‌طور عام، تاب‌آوری به‌عنوان موضوعی که در حوزه نظری و سیاستی در دهه اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و تصمیم‌گیران را به خود معطوف کرده است و به سبب پیچیدگی موضوعات مرتبط با نظام شهر مجموعه‌ای از علوم را شامل می‌شود که این امر ارائه تعریف قابل پذیرش از سوی اکثریت را ناممکن ساخته است (Zabaniotou, 2020). تاب‌آوری یکی از مفاهیم گسترده به‌لحاظ موضوعی است که ابتدا در مباحث اکولوژی مطرح شد و سپس به حوزه‌های دیگر از جمله حیطه اقتصادی و اجتماعی گسترش یافت. اصطلاح تاب‌آوری اجتماعی را نیز نخستین بار آجر (۲۰۰۰) مطرح کرده است که این

مفهوم‌سازی به بهانه‌ای برای دولت‌ها برای عقب‌نشینی و رها کردن جوامع برای مقابله با این مشکلات مبدل شود (Shaw & Maythorne, 2013). با توجه به وابستگی متقابل تاب‌آوری در سطوح مختلف، همچنین اینکه تاب‌آوری افراد به‌طور جدایی‌ناپذیری با تاب‌آوری جوامعی که در آن زندگی می‌کنند مرتبط است، این احتمال وجود دارد که منابع در سطح جامعه در معرض اثرات مستقیم بر روی تاب‌آوری روانی در سطح فردی، بینافردی و همچنین بر رابطه بین مواجهه جمعی با فاجعه تأثیر گذارد (Lowe et al., 2015)، پیشنهاد شده است که یک تغییر پارادایم مورد نیاز و یک فرهنگ محلی و ملی جدید تاب‌آوری در برابر بلایا رخ دهد. در مورد اینکه دقیقاً منظور از تاب‌آوری اجتماعات محلی چیست، تا زمانی که این سؤال اساسی حل نشود، تلاش‌ها برای اندازه‌گیری یا افزایش تاب‌آوری ناکارآمد خواهند بود (National Research Council, 2012)

جوامع محلی به‌عنوان سلول حیات شهری و همچنین بستر سکونت، جزئی از سازمان فضایی شهرند که مؤید معنا هستند. محله‌ها از منظر جامعه‌شناسی به مفهوم واحدهای اجتماعی مجموعه‌ای هستند که تا حدی به‌صورت ناخودآگاه به وجود می‌آیند (خالقیان و قندهاری، ۱۴۰۱). امکان تحقق گفتمان دموکراسی محلی در نظام اجتماعی محله‌ها، مبحث مورد تمرکز بسیاری از مطالعات است (مرادی چادگانی و امیری، ۱۴۰۲). بررسی سیستماتیک ادبیات تاب‌آوری محله به‌عنوان اجتماع شهری کالبدیافته، که در دو دهه اخیر منتشر شده است، نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته، عدم شفافیت عمیق در مفهوم‌سازی تاب‌آوری اجتماعات محلی یکی از دلایل اصلی سردرگمی در مورد مفاهیم وابسته است

(Mochizuki et al., 2018)، به‌طوری‌که می‌توان گفت تا به امروز، یک مدل جامع از تاب‌آوری جامعه محلی که عملکرد تمام اجزای فیزیکی و اجتماعی-اقتصادی را از تأثیر فوری تا مرحله بازیابی در مواجهه با بحران را دربرگیرد، در دسترس نبوده (Koliou et al., 2020) و یا شفاف کردن مفهوم و عملیاتی کردن مکانیسم‌هایی که به افزایش ظرفیت جامعه محلی برای تاب‌آوری منجر می‌شود، نادیده گرفته شده است (Mayer, 2019)، و تا زمانی که درک صحیح و دقیقی از مفهوم وجود نداشته باشد، حرکت به‌سوی عملیاتی کردن آن در بستر واقعی شهر نیز امکان‌پذیر نیست. این خلاء پژوهشی، بر جنبه نوآوری مطالعه پیش‌رو تأکید می‌کند.

در حال حاضر، تعاریف در این زمینه یا بر جنبه‌های خاصی از مفهوم متمرکزند که ممکن است به اعتماد بیش از حد به تاب‌آوری یک جامعه معین منجر شود که تبعاتی در پی دارد (توجه‌ذی‌نفعان را از رسالت اصلی خود منحرف می‌کند (Uscher et al., 2013))، و یا به‌سمت تعریف‌های فراگیر گرایش دارند که معمولاً برای اعمال در سطح محلی بسیار پیچیده‌اند. برخی با پیشنهاد اینکه باید تلاش برای یک تعریف واحد و دقیق از تاب‌آوری جامعه محلی را کنار گذاشت و در عوض، آن را به‌عنوان یک اصطلاح جامع برای طیف وسیعی از مؤلفه‌ها و عناصری که ممکن است برای جامعه‌ای که با یک فاجعه مواجه است یا در حال بهبودی است مهم باشد، در نظر گرفت (Chandra et al., 2011)، معرفی‌ش خصصه‌های اصلی این مفهوم را ضروری می‌دانند. از سویی، از آنجاکه به‌طور کلی، تعریف تاب‌آوری شهری بسته به اینکه چه بازیگران اجتماعی و عاملان، شبکه‌ها و سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی در حال تعامل هستند، متفاوت است (Uscher et al., 2013)، این در حالی است که محله‌های شهری، ظرفیت و

پتانسیل بسیار بالایی در جهت ارتقای کیفیت‌های شهری و همچنین برآورد نیازهای شهروندان را دارا هستند. این نیازها و توقع‌ها و چگونگی ترفیع آنها به‌ویژه در زمان حساس بحران (داخلی یا بیرونی) به‌مراتب اهمیت بیشتری می‌یابند. بنابراین، ضرورت پرداختن به این موضوع در جهت هرچه پایدار کردن سکونتگاه‌های انسانی در مقیاس خرد محلی بیش از پیش احساس می‌شود. هدف این مقاله، اعمال تفکر تاب‌آوری در عرصه اجتماعی-فضایی محلات شهری و ارائه مدل محله تاب‌آور از منظر اجتماعی از طریق مروری تحلیلی-توصیفی از ادبیات نظری است، در این راستا، پرسش‌های اصلی بدین شرح مطرح می‌شود: یک تعریف متقن از اجتماع محلی تاب‌آور ناظر بر چه ابعادی است؟ و مضامین، مقوله‌ها و سطوح مدل محله شهری تاب‌آور در عرصه اجتماعی-فضایی آن چیست؟ در راستای پاسخ به این سؤالات، این پژوهش در چهار بخش شامل مروری بر ادبیات موضوع، روش پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری

پژوهشگران به مطالعات تاب‌آوری اجتماعی از زوایای مختلف از جمله مطالعات مفهومی با هدف اطلاع‌رسانی (Cutter et al., 2008)، مطالعات نظری با هدف دستیابی به درک بهتر از تاب‌آوری (Obrist et al., 2010)، مطالعات روش‌شناختی با هدف ارائه ابزاری برای اندازه‌گیری تاب‌آوری (Cutter et al., 2010) و مطالعات تجربی که سعی در شناسایی عوامل مرتبط با پاسخ یا بازبانی سیستم‌های اجتماعی در زمان تجربه مخاطرات دارند (Odiase et al., 2021) نزدیک شده‌اند. علاوه بر آن ابتکارات جهانی مانند «سند ۱۰۰ شهر تاب‌آور بنیاد راکفلر»^۱ (۲۰۱۶) و «استراتژی

بین‌المللی سازمان ملل برای کاهش بلاها از طریق کارت امتیاز تاب‌آوری»^۲ (۲۰۱۴) و مانند آن، که مورد استقبال جوامع قرار گرفته است، سعی در ارائه مدل مطلوبی از جوامع تاب‌آور داشته‌اند.

اگرچه بررسی کاتر (۲۰۱۰) به‌طور گسترده پنج بعد کلیدی تاب‌آوری جامعه را پوشش می‌دهد، اما تحلیل محدودی از شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی ارائه کرده است. بررسی چهارچوب‌های ارزیابی تاب‌آوری در بعد اجتماعی که توسط شریفی (۲۰۲۳) انجام شد، ساختار اجتماعی، سرمایه اجتماعی، ایمنی و رفاه، برابری و تنوع و فرهنگ محلی را به‌عنوان پنج بعد فرعی در مفهوم تاب‌آوری اجتماعی شناسایی کرد. مرور وی به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های هریک از پنج بعد فرعی تاب‌آوری اجتماعی محدود می‌شود و شامل بررسی دقیق شاخص‌ها یا اقدامات نیابتی مورد استفاده برای عملیاتی کردن ویژگی‌های تاب‌آوری اجتماعی پیشنهادی نمی‌شود. پلاتز-فالور و رابینسون (۲۰۱۵) با هدف بررسی ویژگی‌های کلیدی تاب‌آوری جامعه محلی در شفیلد، بریتانیا، تعدادی از عوامل استرس‌زای کلیدی (محرومیت، درآمد و نرخ بیکاری) را با تعدادی از معیارهای تأثیر محله (از جمله میزان جرم و جنایت و رفتار ضداجتماعی) در هریک از صد محله مقایسه کردند و دریافتند که جنبه‌های مختلف بافت اجتماعی و کالبدی محله در توسعه تاب‌آوری آن در برابر عوامل استرس‌زا اثرگذار است. در تورتو، تامپسون و گارتتر (۲۰۱۴) تعداد کمی محله تاب‌آور در شهر شناسایی کردند که فاقد سطوح فقر بالاتر از حد متوسط، خانوارهای تک‌سرپرستی، ساکنان سیاه‌پوست، مهاجران و در رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال بودند. بهادر و همکاران (۲۰۱۰) با نگاهی جامع‌تر به پذیرفتن اهمیت

2. United Nations International Strategy for Disaster Reduction Resilience Scorecard (UNIDSR 2014)

1. Rockefeller Foundation 100 Resilient Cities (100RC)

ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی در ارتقای تاب‌آوری پرداخته‌اند؛ زیرا ارتباط بین افراد می‌تواند تأثیر مثبتی بر همکاری در یک جامعه داشته باشد که به دسترسی عادلانه‌تر به منابع طبیعی و تاب‌آوری بالاتر منجر شود. مشارکت جامعه و تخصیص دانش محلی، سطح بالایی از تنوع در گروه‌هایی که عملکردهای متفاوتی را در یک اکوسیستم انجام می‌دهند، در دسترس بودن فرصت‌های اقتصادی و درجه بالایی از برابری اجتماعی و اقتصادی در سیستم‌های اجتماعی از مؤلفه‌های معرفی شده توسط آن است. مایر (۲۰۱۹) سه روند را در ادبیات مربوط به تاب‌آوری جامعه محلی تشخیص داده است؛ پیشرفت در اندازه‌گیری تاب‌آوری و مکانیسم‌های مرتبط با آن با استفاده از داده‌های اولیه و ثانویه، سرمایه اجتماعی همچنان یک مکانیسم مرکزی است که از طریق آن تاب‌آوری را افزایش می‌دهد و برنامه‌ها در سرتاسر جهان در حال پیشبرد عملکرد بهبود تاب‌آوری از طریق مداخله‌های اجتماعی برای ارتقای ظرفیت‌های سازگاری هستند.

مدل چهارعاملی تاب‌آوری جامعه پافرام و همکاران (۲۰۱۵) با چهار حوزه: الف) ارتباط و مراقبت (شامل مشارکت، ارزش‌های مشترک، حمایت و پرورش، برابری، عدالت، امید و تنوع)؛ ب) منابع (شامل منابع طبیعی، فیزیکی، اطلاعاتی، انسانی، اجتماعی و مالی)؛ ج) پتانسیل دگرگونی (برگرفته از توانایی جوامع در قالب‌بندی تجربه‌های جمعی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های مربوطه، ارزیابی عملکرد جامعه، و ایجاد مهارت‌ها) و د) مدیریت بلایا (توجه به پیشگیری و کاهش، آمادگی، واکنش و بازیابی) با توجه به اهمیت اطلاعات و ارتباطات در تاب‌آوری جامعه بیان شده است. مدل وانگ و همکاران (۲۰۱۸) که ویژگی‌های جوامع تاب‌آور را از سه جنبه کلی شامل

الگوهای فضایی، مؤلفه‌های محیطی، خدمات و مدیریت جوامع شهری معرفی می‌کنند، نمونه‌ای دیگر از مدل جامعه تاب‌آور است. آنها مدل اجتماع تاب‌آور را براساس اهداف کلیدی آن چنین تعریف کردند؛ محیط فیزیکی^۱ در لایه اساسی مدل اجتماع تاب‌آور قرار دارد که شامل دو بعد عملکردی است: اول؛ الگوی فضایی معابر، ساختمان‌های مسکونی، محدوده‌های فعالیت و محوطه‌سازی‌ها و دوم؛ زیرساخت زندگی و تفریح، خدمات عمومی شهرداری، شبکه شهرداری، اطلاعات و ارتباطات. این دو بعد به‌مثابه پشتیبانی و حمایت کالبدی از کل اجتماع تاب‌آور و ضمانت سخت‌افزاری برای مقابله با انواع خطرات طبیعی و انسانی است. علاوه بر آن، خدمات عمومی در لایه مرکزی و اصلی مدل تاب‌آوری اجتماع قرار دارد، این بعد شامل خدمات عمومی است که به کلیه ساکنان، توزیع اطلاعات، آموزش و پرورش، فرهنگ، سرگرمی، مراقبت‌های پزشکی، مشاوره روان‌شناسی و سایر خدمات را ارائه می‌دهد. به عقیده وانگ، این تجسم فرهنگ محلی و روح اجتماعی کل جامعه است که راهی برای بهبود واکنش در برابر ریسک و بهبود ارتقای پس از فاجعه است. سیستم مدیریت نیز در لایه فوقانی مدل اجتماع تاب‌آور قرار دارد، این بعد متشکل از دولت محلی، املاک، کمیته‌های ساکنان، سازمان‌های خودگردان و ساکنان جامعه است که با یکدیگر همکاری می‌کنند و هرکدام وظایف خود را انجام می‌دهند. همچنین، بعد مدیریت، عامل رفتار و سازوکار تصمیم‌گیری اجتماع تاب‌آور برای مقابله با خطرات و بلایاست.

یافته‌های حاصل از مرور تعاریف ارائه شده در مطالعات مختلف نشان می‌دهد که تاب‌آوری اجتماع محلی

1. Physical Environment

جدول شماره (۱): تعریف‌های منتخب ارائه شده از تاب‌آوری اجتماعات محلی

پژوهشگران	سال	توصیف
Coles & Buckle	۲۰۰۴	بهبودی مؤثر تنها زمانی حاصل می‌شود که جامعه آسیب‌دیده به‌طور کامل در فرآیند بهبود مشارکت داشته باشد و در جایی که ظرفیت، مهارت‌ها و دانش لازم را داشته باشد تا مشارکت خود را معنادار کند، ظرفیت‌ها، مهارت‌ها و دانش جامعه به او امکان مشارکت کامل را می‌دهد.
بنیاد راکفلر	۲۰۰۹	رویکرد تاب‌آوری خاطر نشان می‌کند که حکومت، ساختارها و فرآیندهایی که توسط آن جوامع قدرت را به اشتراک می‌گذارند، اقدامات فردی و جمعی را شکل می‌دهد و می‌تواند به‌طور رسمی نهادینه شود. بنابراین، نیاز به نهادهای چندمرکزی و چندلایه برای بهبود تناسب بین دانش، عمل و زمینه‌ای وجود دارد که در آن جوامع می‌توانند در مقیاس‌های مناسب‌تر به‌طور سازگارانه‌تر واکنش نشان دهند.
Kennedy et al.	۲۰۱۳	کاهش فاجعه به‌عنوان اقدامات انجام شده توسط یک جامعه برای از بین بردن یا به حداقل رساندن تأثیر یک فاجعه تعریف می‌شود. تاب‌آوری جامعه تحت تأثیر یک موقعیت فاجعه‌بار ممکن است در تفاوت بین یک پاسخ با یک حس مانند امید، غرور جامعه، تدبیر، یأس، ناامیدی و سرزنش سنجیده شود. ارزیابی آسیب‌پذیری‌های جامعه، توسعه زیرساخت‌های انعطاف‌پذیر، ایجاد یادداشت‌های تفاهم و برنامه‌ریزی برای پاسخگویی پایدار به کاهش یک رویداد منجر می‌شود.
.Stratta et al.	۲۰۱۵	ما تاب‌آوری را به‌عنوان یک فرآیند محافظتی با ظرفیت جهت‌دهی و هدایت توانایی‌های مقابله‌ای به‌سمت یک نتیجه موفقیت‌آمیز در جمعیتی که در معرض بلایای طبیعی قرار دارند، فرض می‌کنیم.
Pfefferbaum et al.	۲۰۱۵	تاب‌آوری را به‌عنوان یک ویژگی مانند توانایی، ظرفیت، فرآیند و یا یک نتیجه مرتبط با سازگاری موفقیت‌آمیز و بهبودی از ناملايمات تعريف کردند که بسته به زمینه متفاوت است.
Ostadtaghizadeh et al.	۲۰۱۵	در بررسی اخیر بر روی مدل‌های ارزیابی و ابزارهای تاب‌آوری جامعه در برابر بلایا، تعریفی از تاب‌آوری جامعه ارائه کردند که اکنون توسط استراتژی بین‌المللی سازمان ملل برای کاهش بلایا استفاده می‌شود: توانایی یک سیستم یا جامعه در معرض خطر است، که مقاومت، جذب، سازگاری و بازیابی از اثرات یک خطر به‌موقع و کارآمد از طریق حفظ و بازسازی ساختارها و عملکردهای اساسی آن را در دستور کار دارد.
.Wang et al.	۲۰۱۸	تاب‌آوری واحد همسایگی را می‌توان به‌عنوان ثبات یک سیستم اقتصادی-اجتماعی برای حفظ وضعیت خود در هنگام شوک‌ها یا توانایی بازگشت آن برای بازیابی اجتماعی و اقتصادی، پس از ضربه‌های خارجی توسط مداخله در منابع از طریق دولت و نهادهای اجتماعی دانست.
Spialek & Houston	۲۰۱۹	تاب‌آوری جامعه از دو مؤلفه فیزیکی و ادراکی تشکیل شده است. برای انجام اقداماتی برای ایجاد تاب‌آوری، ساکنان محلی و سازمان‌های اجتماعی باید نقاط قوت و ضعف جامعه خود را ارزیابی کنند تا ظرفیت‌های انطباقی را حفظ کنند، مشکلات را تشخیص دهند و مداخله‌ها را پیشنهاد کنند.
Mayer	۲۰۱۹	تاب‌آوری جامعه محلی در برابر بلایا به‌عنوان یک الگوی راهنما در جهت کاهش خطر بلایا و امکان بازیابی از طریق سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های محلی برای انطباق با یک محیط متغیر و نامطمئن، نویدبخش است. سرمایه اجتماعی همچنان یک مکانیسم مرکزی است که از طریق آن تأثیر بلایا کاهش و بازیابی افزایش می‌یابد.
Clark-Ginsberg et al.	۲۰۲۰	تاب‌آوری جامعه از طریق توانایی مقاومت در برابر شوک‌ها و استرس‌ها با حفظ عملکردهای اصلی، سازگاری، شوک‌فایی و شکل‌گیری توصیف می‌شود که باعث می‌شود جمعیت و سیستم‌ها بتوانند شوک‌ها را قبل از بحران از طریق مجموعه‌ای از روش‌ها بهتر مدیریت کنند.
Ellis et al.	۲۰۲۲	مدل تاب‌آوری جامعه محلی، چهارچوب پویایی را برای تعریف و اندازه‌گیری شاخص‌های کلیدی تولید شده از طریق تجربه جوامع برای اندازه‌گیری پیشرفت به‌سمت برابری با شناسایی و خنثی کردن خروجی‌های خاص نژادپرستی ساختاری فراهم می‌کند.
Wardekker et al.	۲۰۲۳	تاب‌آوری اجتماعات محلی در مواجهه با بلایا، با مؤلفه‌های میراث فرهنگی به‌واسطه ایجاد تنوع در معیشت، کمک به ایجاد ارتباطات اجتماعی و گنجاندن دانش و آگاهی محلی ارتباط مستقیم دارد.
Irasanti et al.	۲۰۲۳	مدل تاب‌آوری اجتماعات محلی در برابر بحران‌ها باید الزامات فرهنگی و محلی خاص را در برگیرد، به این معنی که تجربه‌های جمعی را قالب‌بندی کند و فرد را از تعلق به گروهی قدرتمند مطمئن و مشارکت فعال را به‌صورت حمایت‌های مادی، معنوی و اجتماعی نمایان سازد.
Milenković et al.	۲۰۲۴	تاب‌آوری جوامع محلی متأثر از روستایی و شهری بودن، تحت تأثیر فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی همچنین زیرساخت‌ها، ظرفیت‌های تحلیل ریسک و توسعه نهادهای مدنی است.

تقریباً یک مفهوم بی‌شکل است که توسط گروه‌های مختلف پژوهشی به‌طور متفاوتی درک می‌شود و هیچ مدرکی دال بر یک تعریف مشترک و مورد توافق از این مفهوم وجود ندارد (جدول شماره ۱). با وجود این، به نظر می‌رسد سه دسته تعریف کلی یافت شد: ۱) تعاریف معطوف به «فرآیند» (یعنی فرآیند مداوم تغییر و انطباق (Obirst et al., 2010)); ۲) تعاریف معطوف به «عدم اثر نامطلوب» (توانایی حفظ عملکرد پایدار) و ۳) تعاریف معطوف به «محدوده و ویژگی‌ها» (یعنی مجموعه وسیعی از توانایی‌های مرتبط با پاسخ). این تلاش‌ها در مفهوم‌سازی، لزوماً با یکدیگر رقابتی نیستند، بلکه حوزه تحقیق و توسعه رو به رشدی را نشان می‌دهند (Clark-Ginsberg et al., 2020). مطالعات جدیدتر تمایل به پذیرش نوع اول از تعریف را داشتند. با این حال، با وجود تفاوت در مفهوم و کاربرد، عناصر درک‌شده‌ای وجود دارد که به‌طور گسترده به‌عنوان مؤلفه مهم برای یک جامعه تاب‌آور پیشنهاد شده‌اند. تمرکز بر این عناصر ممکن است سازنده‌تر از تلاش برای مطالعه تاب‌آوری جامعه به‌عنوان یک مفهوم نوپدید باشد. برآیند تعاریف فوق را می‌توان چنین بیان کرد: «با درک تاب‌آوری به‌عنوان یک فرآیند، تاب‌آوری اجتماعات محلی را می‌توان چهارچوبی یکپارچه شامل تعاملات بین عوامل توانمندکننده (شهروندان، نهادها، توجه همگانی و حمایت دولت) و ظرفیت‌ها (مانند مقابله، سازگاری و ارائه راهکار) که در سطوح مختلفی جاری است، معرفی کرد. در واقع تاب‌آوری اجتماعات محلی توانایی جامعه برای مقاومت در برابر بحران‌ها یا اختلالات تعریف می‌شود که بر متغیرهای مربوط به رهبری، کارایی جمعی، دلبستگی به مکان، آمادگی، یادگیری و اعتماد اجتماعی تأکید می‌کند. در پرتو تاب‌آوری، اجتماع محلی به‌عنوان یک کل باید به‌طور

مؤثر با ناملایمات کنار بیاید و از آن درس بگیرد.»

روش‌شناسی

در راستای نیل به هدف اصلی پژوهش، روش‌شناسی در دو گام اصلی دنبال می‌شود؛ مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده به‌عنوان گام اول، جهت تحلیل توصیفی ویژگی‌های عمومی این مطالعات، شامل روند انتشار و توزیع زمانی و جغرافیایی و استخراج منابع اصلی جهت انجام تحلیل محتوای کیفی به‌عنوان گام دوم. **گام اول:** برای مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده از روش پریسما^۱ به‌دلیل روشن بودن مراحل و بررسی دقیق‌تر، همان‌طور که در شکل شماره ۱) نشان داده شده است، استفاده شد. پریسما روشی تثبیت‌شده برای هدایت مرور نظام‌مند ادبیات آکادمیک است که مشتمل بر چهار مرحله است (Page et al., 2021). پس از تعیین پایگاه‌های استنادی WoS و Scopus (به‌دلیل جامعیت داده‌های این پایگاه‌ها و سهولت دسترسی به آنها برای کاربر ایرانی)، در مرحله اول (شناسایی) کلمات کلیدی در سه دسته (Social or Societal or Resilience or Vulnerability)، (Communal) و (Neighborhood or Community) و دیگر معادلات نوشتاری آنها در جست‌وجو برای شناسایی تمام مقالات پژوهشی و کتاب‌ها استفاده شد. پس از اعمال فیلتر موضوعی و خارج کردن موضوعات غیر مرتبط، محدود کردن به زبان انگلیسی و بازه ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۴، تعداد ۷۰۴ سند شناسایی شد. در مرحله دوم (غربالگری)، علاوه‌بر آنکه از محدودکننده‌های جست‌وجو در نشریات مرتبط با بلایا مانند علوم اجتماعی و مطالعات چندرشته‌ای استفاده شد و سایر نشریات حذف شدند، اسنادی که در مرحله انتشار کامل بودند نیز شناسایی شدند. در نتیجه ۳۱۹ سند در این مرحله انتخاب

1. PRISMA

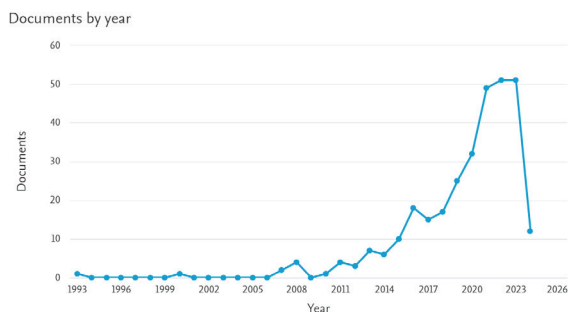


شکل شماره (۱): فرایند مرور نظام مند پژوهش با استفاده از روش پرسیما

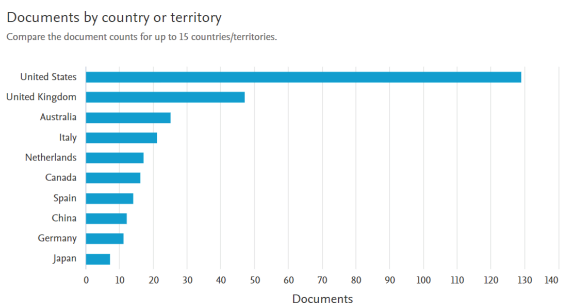
تفاوت‌های بین بخش‌های متن تأکید می‌کند، در نتیجه فرصت‌هایی را برای تحلیل محتوای آشکار و نهفته ارائه می‌دهد (Graneheim et al., 2017). تحلیل محتوای اسناد نهایی و کدگذاری داده‌ها براساس مضامین انجام شده است و نگارندگان با تفسیر متن به تلخیص و فهم داده‌های متنی موجود پرداخته‌اند. این تحلیل در چهار مرحله شامل: الف) تلخیص؛ فرآیند کوتاه کردن متن در عین حفظ معنای اصلی؛ ب) کدگذاری: عنوان یا برجستگی که توضیح می‌دهد که این واحد معنای فشرده خاص در مورد چیست؛ ج) طبقه‌بندی: سازمان‌دهی کدها براساس شباهت‌ها یا تفاوت‌های محتوای متن به گروه‌های کوچک‌تری از زیرمجموعه‌های مرتبط و د) کشف مضامین: به‌عنوان بیان‌کننده معنای زیربنایی و محتوای پنهان، که در دو یا چند دسته یافت می‌شود، انجام می‌گردد (Erlingsson & Brysiewicz, 2017).

شد. در مرحله سوم (بررسی صلاحیت) عنوان اسناد غیرمرتبط حذف و در نهایت ۸۸ سند برای بررسی دقیق چکیده‌ها انتخاب شد. در مرحله چهارم (مرحله ورود)، براساس بررسی چکیده مقالات ۳۱ سند انتخاب نهایی شد. پس از آن، با استفاده از تکنیک گلوله برفی، چهار مقاله هم‌ارجاع نیز اضافه شد. بر این اساس، در مجموع ۳۵ سند برای تجزیه و تحلیل دقیق انتخاب شدند (شکل شماره (۱)). تحلیل‌های توصیفی مجموعه اسناد، در قالب نمودارهای (۱-۴) آمده است.

گام دوم: در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش و در چهارچوب پارادایم تفسیرگرایی، از روش تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده با رویکرد استقرایی استفاده شده است. روش تحلیل محتوا بر پایه فرآیندی مبتنی بر ارزش است که با واقعیت‌های چندگانه و توسعه ادراکات چندوجهی از پدیده‌ها مشخص می‌شود. این روش برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است که بر زمینه تمرکز و بر تنوع اجزا و عناصر، تشبیهات درون و



نمودار شماره (۱): پراکنش زمانی مطالعات حوزه تاب‌آوری اجتماعات محلی

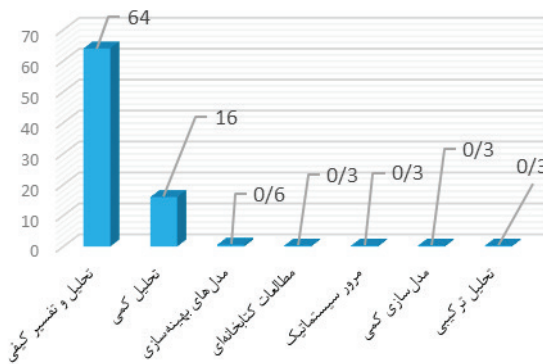


نمودار شماره (۲): پراکنش جغرافیایی مطالعات حوزه تاب‌آوری اجتماعات محلی

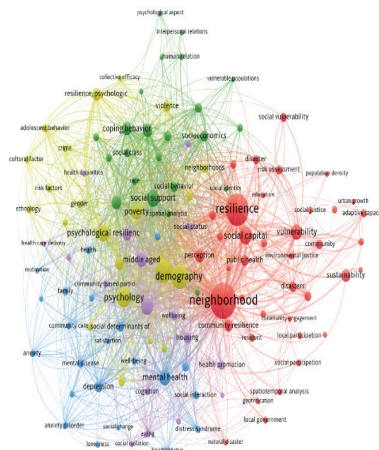
بحث

- تحلیل‌های توصیفی: در این بخش ابتدا به بررسی تحلیل توصیفی کلیه مطالعات انجام‌شده در حوزه تاب‌آوری اجتماعات محلی پرداخته می‌شود. همان‌طور که نمودار پراکنش زمانی مطالعات نشان می‌دهد، از ابتدا تا سال ۲۰۱۵ که نظریات تاب‌آوری به‌طور جدی‌تری مطرح شد، روند نسبتاً ثابتی داشته است. پس از آن این روند افزایشی، سرعت بالایی می‌گیرد و در بازه سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ به نقطه اوج خود می‌رسد. این دوره هم‌زمان است با شروع همه‌گیری کووید-۱۹ در سراسر جهان و از سرگیری ایده‌های مدیریت محلی و برنامه‌ریزی خرد مقیاس، محلات خودکفا و

اجتماعات تاب‌آور که برگرفته از اقتضانات زمانی آن دوره بود، موجب روند صعودی این دسته از مطالعات شد (نمودار شماره (۱)). هرچند اطلاعات دقیقی از نحوه ترسیم نمودار پراکنش جغرافیایی مطالعات وجود ندارد، اگر فرض بر این باشد که منظور مکان مورد مطالعه در پژوهش و نه محل کار/تحصیل نگارندگان باشد، این نمودار گویای این مطلب است که چنانچه تمایل به انجام پژوهش در زمینه تاب‌آوری اجتماعات محلی در کلیه کشورها هم‌سطح در نظر گرفته شود، از آنجاکه عموم تحلیل‌های ابعاد مختلف تاب‌آوری به دسترسی به کلان‌داده‌ها نیاز دارند، کشور آمریکا در رتبه نخست و پس از آن انگلستان و استرالیا قرار دارند



نمودار شماره (۵): نمودار ابری- شبکه‌ای کلیدواژه‌های به‌کاررفته در مطالعات در بازه زمانی ۱۹۹۳-۲۰۱۵



نمودار شماره (۶): نمودار ابری- شبکه‌ای کلیدواژه‌های به‌کاررفته در مطالعات در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۲۴

تعدد واژگان کلیدی مورد استفاده رشد چشمگیری داشته است و عموماً از حوزه‌های کلی و عمومی مانند افراد، بزرگسالان، والدین، زیرساخت‌ها، فضای سبز و مانند آن، به سمت ریزحوزه‌های تخصصی‌تر مانند روان‌شناسی محیطی، فقر فضایی، قشر آسیب‌پذیر، مباحث نژادی و اقلیتی و جنسیتی، حکمرانی محلی، ادراک محیطی، اختلالات روانی، بهزیستی، رفتار مواجهه، خشونت محیطی و.. حرکت کرده است

از آنجاکه به نظر می‌رسد روند بررسی مطالعات این حوزه کاملاً یکنواخت نیست، در جست‌وجوی دو مرحله‌ای که انجام شد، دو خروجی مختلف (بازه زمانی ۱۹۹۳-۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴) از اسناد گرفته شد، که پس از بارگذاری در نرم‌افزار VOSviewer، نمودار ابری- شبکه‌ای کلیدواژه‌های به‌کاررفته به تفکیک دو دوره زمانی ترسیم شد. همان‌طور که مشخص است، علاوه بر تعدد رابط‌ها در نمودار دوره دوم یا متاخر،

(نمودار شماره ۵ و ۶).

است موقعیت این اجزا را در سیستم تغییر دهد، اما تا زمانی که روابط بین این اجزا مشابه باقی بماند، بقای سیستم ادامه خواهد داشت (Holling, 1996). این تعبیر هولینگ از تداوم روابط سیستم بعدها به معیاری برای تاب‌آوری سیستم‌های اجتماعی تبدیل می‌شود. براساس مجموعه مطالعات مرور شده، زمانی که اعضای جامعه به خوبی به یکدیگر متصل می‌شوند و یک کل منسجم را تشکیل می‌دهند، تأثیراتی مثبت بر جامعه محلی و اعضای آن در طول بحران رخ می‌دهد. ارتباط یک جامعه، که «شبکه اجتماعی» نیز نامیده می‌شود، با پیوندهای درهم‌تنیده درون یک جامعه تعریف می‌شود. ایجاد پیوندها بین اعضای جامعه براساس روابط اجتماعی (Pfefferbaum et al., 2015) و یا ارتباطات برون‌مرزی بین جوامع نمونه‌هایی از این ارتباط هستند. انسجام یک جامعه براساس ماهیت این پیوندهاست که معمولاً به‌عنوان پیوندهای ضعیف یا قوی توصیف می‌شود. عوامل متعددی که قدرت اعضا و نهادها را تعیین می‌کنند، از جمله اعتماد اجتماعی و عدالت و برابری با افزایش تاب‌آوری اجتماع محلی مرتبط است. درخصوص عمق و گستره اتصال شبکه‌ها و انسجام آنها نیز به‌کرات به‌عنوان جنبه‌های مهم سرمایه اجتماعی بحث شده است (Cox & Hamlen, 2015).

مقاله کارآمدی و توانمندسازی جمعی:

آنچه جامعه در مورد فرآیندهای خود برای تحمل و واکنش به یک فاجعه از آن آگاه است، در تلاش‌های امدادی بسیار مهم است، به‌ویژه اگر جامعه تنها به منابع در دسترس خود وابسته باشد. کارآمدی و توانمندسازی جمعی به‌عنوان باور مشترک جامعه در مورد توانایی آن برای غلبه بر مشکلات احتمالی ناشی از یک فاجعه، برای مثال از طریق اتکای به خود، تعریف می‌شود.

- **تحلیل محتوایی:** تحلیل محتوای اسناد نهایی با تلخیص متون و کدگذاری با حفظ مشخصات پژوهشگران، شروع شده است، سپس طبقه‌بندی و سازمان‌دهی کدها (در قالب مقوله‌ها) براساس دفعات تکرار، شباهت‌ها یا تفاوت‌های محتوای متن به گروه‌های کوچک‌تری از زیرمجموعه‌های مرتبط با یکدیگر انجام شده و درنهایت، مضامین این پژوهش‌ها به‌عنوان مدل اجتماع تاب‌آور تبیین می‌شود. در ادامه به معرفی مضامین و مقوله‌های مربوط به هر یک می‌پردازیم.

الف) مضمون اول؛ ظرفیت بسیج‌شوندگی:

این مضمون که به‌عنوان مهم‌ترین خصلت هر اجتماع محلی قلمداد می‌شود، ناشی از مجموعه‌ای از بارزمنندی‌های فضایی، اجتماعی و فرهنگی است که افراد متعلق به یک گروه را در جهت پاسخگویی به هر اختلال یا چالشی گرد هم می‌آورد. روح اجتماع‌پذیری که در کلیه افراد محله وجود دارد، همچون یک آهنربای قدرتمند، براده‌های آهن را به خود مجذوب می‌کند تا اقدامات لازم را در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با بالاترین حد از هماهنگی پیش‌بینی کنند. قدرت بسیج‌شوندگی مقوله‌های چهارگانه (۱) شبکه‌ها و روابط اجتماعی؛ (۲) کارآمدی و توانمندسازی جمعی؛ (۳) مشارکت و حمایت عمومی و (۴) حکمرانی و رهبری را در برمی‌گیرد.

مقاله شبکه‌ها و روابط اجتماعی:

هولینگ به‌جای حالت‌های پایداری که باید پس از یک اختلال به آن بازگردند، استدلال می‌کند که مجموعه‌ای از روابط بین تعدادی از عناصر مختلف سیستم، هرکدام حول تعادل‌های فردی سازمان‌دهی شده‌اند. یک چالش یا اختلال ممکن

به کار گرفتن ظرفیت‌های موجود در اجتماعات محلی مزایایی از جمله توانمندسازی افراد و گروه‌ها در اجتماعات محلی مشخص، توسعه مهارت‌ها، دانش و اطمینان و افزایش پیوندهای اجتماعی و بسیج منابع جهت نیازهای اجتماعات محلی را به دنبال دارد (Stratta et al., 2015). چاندرا و همکارانش اهمیت توانمندسازی را از طریق آمادگی فردی و اجتماعی، مسئولیت مدنی، پاسخ‌های مؤثر کنشگران و اتکای به جامعه مطرح کردند (Chandra et al., 2011). حوزه دیگری از تفکر در مورد اهمیت توانمندسازی جمعی نه به ساختار آنها، بلکه به ماهیت نقش‌های محوله‌ای که افراد می‌توانند در جهت افزایش تاب‌آوری ایفا کنند، مربوط می‌شود. رویکرد کارآمدی بر اهمیت افراد، گروه‌ها و نهادهایی تأکید می‌کند که می‌توانند یادگیری به روش‌های ایمن، نظارت بر نتایج و کسب دانش جدید را تأمین کنند (Carpenter, 2013).

مقوله مشارکت و حمایت عمومی:

مشارکت محلی احساس کنترل را در بین ساکنان ایجاد می‌کند و احساس آسیب‌پذیری را در برابر بلایا کاهش می‌دهد. تعهدات اجتماعی ساکنان محله به خروجی‌های اجتماع محور مانند مشارکت‌های مدنی، روابط غیررسمی و حل مسائل و معضلات محله یاری می‌رساند. داشتن مشارکت و نمایندگی محلی در برنامه‌ریزی استراتژیک، واکنش حین و پس از فاجعه و بازیابی توسط چندین پژوهشگر بیان شده است. علاوه بر این، مشارکت عمومی ممکن است شامل داشتن رهبران محلی باشد که منحصر به فرد بودن و آرمان‌های یک جامعه خرد مقیاس را درک و آن را راهبری می‌کنند. احساس توانمندسازی جامعه خروجی دیگری از رهبری است (Chandra et al., 2011; Norris et al., 2008).

مقوله حکمرانی و رهبری:

احساس تعلق خاطر، ارتباط با نهادهای اجتماعی مافوق (Erving & Hills, 2021; Lenzi et al., 2013) و تمایل به رهبری و رهبرپذیری را در افراد ساکن در اجتماعات محلی ایجاد می‌کند. حکمرانی و رهبری نحوه مدیریت جوامع را با بحران‌ها شکل می‌دهد. دو عنصر فرعی در حکومت و رهبری قابل شناسایی است: زیرساخت‌ها و خدمات و همچنین مشارکت و حمایت عمومی. برای زیرساخت‌ها و خدمات یک جامعه، اثربخشی، کارایی و قابلیت پاسخگویی سریع، به عنوان عوامل مهم ذکر شده‌اند. گفته می‌شود که زیرساخت‌ها باید ظرفیت مقابله با فاجعه و ارائه پاسخ‌های مطلوب را در بحبوحه بحران داشته باشند. مثلاً، زیرساخت باید به فرآیندهایی برای رسیدگی به اطلاعات دریافتی در مورد یک فاجعه و ارسال دستورالعمل‌ها و اجرای پاسخ در طول و پس از فاجعه مجهز باشد (Pfefferbaum et al., 2015).

ب) مضمون دوم؛ ظرفیت معنویت‌گرایی:

وجود جریان‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در شالوده اجتماعات محلی، موجب گردیدن عموم افراد به این جریان‌ها می‌شود و از آنجاکه بارزۀ این جریان‌ها، همگرایی همه‌جانبه میان اعضای جامعه است، شاهد نوعی نگرش معناگرا در مواجهه با بحران‌ها هستیم. این نگرش که قصدمندانه و خردگرایانه تلقی می‌شود، هم‌پیوندی ملموسی با اخلاق، معرفت، تعارض‌ها، جست‌وجوی حقیقت در جمع خلق‌شده و مفاهیمی از این دست دارد (جابرین و همکاران، ۱۳۹۶) که در مواقع بحرانی نیز بروز می‌یابد. (۱) ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی؛ (۲) چشم‌انداز ذهنی و (۳) تنوع اجتماعی، عناصر این مضمون هستند.

مقوله ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی:

پس از یک فاجعه، عدم اطمینان یک احساس رایج در میان جمعیت آسیب‌دیده است؛ این عدم قطعیت خود را به روش‌های مختلف نشان می‌دهد. از اضطراب در مورد آینده گرفته تا نگرانی در مورد تأثیرات بلندمدت بر جامعه، عدم اطمینان به مرزهای فردی و گروهی نیز می‌رسد. جست‌وجوی معنا و کیفیت معنای مرتبط با فاجعه نیز بر دیدگاه جامعه تأثیر می‌گذارد. بنابراین، چشم‌انداز ذهنی یک جامعه در شکل دادن به تمایل و توانایی اعضای جامعه برای ادامه زندگی در مواجهه با عدم قطعیت اهمیت دارد. مثلاً، امیدواری و انتظار بهبود اوضاع، به افراد کمک می‌کند تا با عدم اطمینان ناشی از یک فاجعه کنار بیایند. گانور و بن لای (۲۰۰۳) امید را به‌عنوان چشم‌اندازی از جامعه توصیف کردند که آینده‌ای بهتر را پس از یک فاجعه به تصویر می‌کشد. علاوه بر امید، سازگاری را می‌توان به‌عنوان توانایی و تمایل به تغییر پس از یک فاجعه تعریف کرد (Ganor & Ben-Lavy, 2003). بسیاری از پژوهشگران جنبه‌های مختلف سازگاری را که ریشه در امیدواری دارد به‌عنوان یک جنبه ذاتی تاب‌آوری ذکر کردند (Stratta et al., 2015).

مقوله تنوع اجتماعی:

مهم‌ترین ویژگی سیستم‌های تاب‌آور، تنوع اجتماعی است. به نظر می‌رسد که تنوع بالا در محدوده گروه‌های عملکردی در یک سیستم به میزان زیادی به تاب‌آوری سیستم‌ها یاری می‌رساند (Holling, 1996; Carpenter, 2013). رویکرد چهار مؤلفه تاب‌آوری بر اهمیت پرورش تنوع زیست‌محیطی تأکید می‌کند، اما همچنین بر نیاز به طیف وسیعی از فرصت‌های اقتصادی موجود، تنوع مشارکت‌ها، و اهمیت آوردن حوزه‌های انتخابی مازاد به عرصه سیاست‌گذاری تأکید می‌کند (Berkes & Ross, 2012). گفته می‌شود

ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی نقش مهمی در ایجاد تاب‌آوری دارند. رویکرد پنج سرمایه اجتماعی یا هنجارها و شبکه‌های اعتماد را به‌عنوان یکی از پنج عنصر مهم مورد نیاز برای ایجاد سیستم‌های تاب‌آور می‌داند (Mayunga, 2007). در اینجا، استدلال می‌شود که نهادهای قوی جامعه مدنی می‌توانند همکاری و هماهنگی را در یک جامعه تقویت کنند که به‌نوبه خود به اعتماد و احترام بیشتر در بین اعضای آن منجر می‌شود. این خود می‌تواند به دسترسی عادلانه‌تر به منابع و تاب‌آوری هرچه بیشتر منجر شود. استروم (۲۰۰۹) درخصوص توانایی کاربران سیستم در سازماندهی برای مدیریت بهتر اکوسیستم بحث و استدلال می‌کند که درجه بالایی از اعتماد و استانداردهای اخلاقی مشترک دستیابی به توافق‌ها را آسان‌تر می‌کند و نیاز به نظارت دقیق استفاده از منابع توسط کاربران مختلف را کاهش می‌دهد (Ostrom, 2009). توییگ (۲۰۰۷) همچنین هنگامی که فرهنگ‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها را جزء تاب‌آوری می‌داند، بر این نکته تأکید می‌کند که ارزش‌های مشترک جامعه از ویژگی‌های جوامع مقاوم در برابر بلایا هستند (Isaacs et al., 2019). تاب‌آوری معنوی نیز به‌عنوان توانایی حفظ احساس و هدف فرد از طریق اعتقادات، اصول و ارزش‌ها، هر زمان که با مشکلات، استرس و آسیب روبه‌رو شود، تعریف می‌شود (Manning et al., 2018) که در اجتماعات محلی نمود می‌یابد.

مقوله چشم‌انداز ذهنی:

دیدگاه‌های ذهنی به‌عنوان نگرش‌ها و احساسات در هنگام مواجهه با عدم اطمینانی که پس از یک فاجعه رخ می‌دهد یا هنگام تفکر در آینده تعریف می‌شوند.

1. Spiritual Resilience

اشکال مختلف تنوع اجتماعی به یکدیگر مرتبط هستند؛ مثلاً، معیشت و رفاه روستایی به شدت به تنوع و سلامت اکوسیستم‌ها و خدماتی که ارائه می‌کنند وابسته است.

ج) مضمون سوم؛ تجربه‌پذیری:

قدرت گشودگی نسبت به تجربه‌ها، که به دنبال خود انعطاف‌پذیری، تنوع‌طلبی، استقلال در ادراک، کنجکاوی و خلاقیت را به همراه می‌آورد، در بافت اجتماعی محلات شهری به عنوان یک مؤلفه در جهت ارتقای تاب‌آوری پدیدار می‌شود. تجربه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن فرد رویدادها، وقایع و رخدادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرامی‌گیرد، درونی می‌کند و آنها را در آینده‌نگری خود لحاظ می‌کند. (۱) دانش محلی؛ (۲) یادگیری؛ (۳) آمادگی؛ (۴) ارتباطات و (۵) نوآوری، این مضمون را شکل می‌دهند.

مقوله دانش محلی:

چنانچه جامعه محلی آسیب‌پذیری‌های موجود خود را درک کند، اثرات فاجعه کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل کاهش است. اعتقاد بر این است که این آسیب‌پذیری‌ها، اگر پیش از وقوع فاجعه مورد توجه قرار گیرند، باعث ایجاد تاب‌آوری بیشتر در جامعه می‌شوند. مثلاً، کندی و همکاران (۲۰۱۳) بر اهمیت داشتن جامعه‌ای که آسیب‌پذیری‌های خود را ارزیابی و درک کند، تأکید کرد، جامعه‌ای که دانش و مهارت‌های قابل ترجمه برای مقابله با فاجعه (Cox & Hamlen, 2015) و دانش اجتماعی (Adgar, 2000) رویارویی مناسب با رویدادها را داشته باشد. پایگاه دانش واقعی جامعه، دانشی است که به عنوان اطلاعات، آموزش و تجربه کسب‌شده در رابطه با بلایا تعریف می‌شود و

شامل اطلاعات آموخته‌شده خاص مرتبط با آمادگی در برابر بلایا می‌شود.

مقوله یادگیری:

تعدادی از رویکردهای بررسی‌شده نیاز به فرآیندهای تکراری و یادگیری سازمانی در ابتکارات برای ارتقای تاب‌آوری اجتماعات را برجسته می‌کند. یادگیری یکی از سه مؤلفه اصلی تاب‌آوری برای رویکرد خودسازماندهی یادگیری است که آن را با ایده ظرفیت انطباقی ادغام می‌کند (کارپنتر و همکاران، ۲۰۰۱). یادگیری همچنین در مفهوم مدیریت تطبیقی جوامع، محور مباحث است (Gunderson & Holling, 2001). یادگیری طیفی از فرضیه‌های قابل قبول در مورد تغییرات آتی در سیستم را در نظر می‌گیرد که استراتژی‌های ممکن را در برابر مجموع‌های گسترده از آینده‌های بالقوه ارزیابی می‌کند (Ross et al., 2024). مور و همکارانش (۲۰۱۲) شیوه‌هایی را در آموزش جامعه محلی یافتند که شامل آموزش عمومی بلایای طبیعی در برنامه‌های آموزشی معمول، هشدار اولیه و مشارکت با رسانه‌ها برای آموزش عمومی و ارتباط با جمعیت آسیب‌پذیر از طریق خبرنامه می‌شد. آنها با تأکید بر اینکه آموزش مؤثر باید به یادگیری منجر شود، تمرین را به عنوان عنصری از تاب‌آوری جامعه با فعالیت‌هایی مانند آموزش جامعه و برای ایجاد دانش و ظرفیت محلی پیشنهاد کردند (Moore et al., 2013). کاتر و همکاران (۲۰۰۸) بر اهمیت یادگیری نحوه واکنش مؤثر به شرایط اضطراری تأکید کردند (Cutter et al., 2008). برکس و راس (۲۰۱۲) در رویکرد چهار مؤلفه تاب‌آوری استدلال می‌کنند که به خاطر سپردن اینکه جوامع چگونه رویدادها را در گذشته تحمل کرده‌اند برای مقابله موفقیت‌آمیز با رویدادهای غیرمنتظره حیاتی است (Berkes & Ross, 2012).

این ایده را می‌توان به صورت تحلیلی بسط داد تا نشان داد که تاب‌آوری یک جامعه ممکن است با حفظه آن از آشفته‌گی‌های گذشته سنجیده شود.

مقوله آمادگی:

آماده‌سازی به‌عنوان مشخصه سیستم‌های تاب‌آور، به معنی پذیرش اینکه تغییر رخ خواهد داد و نیازمند ایجاد آمادگی برای آن هستیم، مطرح است. ایجاد آمادگی، فرآیندها، ظرفیت‌ها و مسیرهای پاسخ در یک گروه، جامعه یا سیستم امکان شکست جزئی در آن را بدون فروپاشی کامل فراهم می‌کند (بنیاد راکفلر، ۲۰۰۹). بسیاری پیشنهاد کرده‌اند که سیستم‌های مدیریت اضطراری باید پیش از وقوع فاجعه برنامه‌هایی در مورد نحوه عملکرد فرآیندهای واکنش به بلایا ایجاد کنند. به‌طور مشابه، اعتقاد بر این بود که ارزیابی ریسک به آمادگی افراد در هنگام مواجهه با بلایا کمک می‌کند (Cox & Hamlen, 2015). مشارکت فعال ذی‌نفعان و ذی‌نفعان جامعه در برنامه‌ریزی پیش از وقوع فاجعه و اجرای تمرینات با تمرکز بر مدیریت ریسک در ارتقای تاب‌آوری مؤثر است که معمولاً در اجتماعات محلی به‌مرور اتفاق می‌افتد (Moore et al., 2013; Chandra et al., 2011). کارلسون و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی اقدامات پیشگیرانه و آمادگی کلی برای پاسخگویی و بازیابی پایدار توسط جامعه و کاهش احتمال آسیب به اعضای جامعه اشاره کرده‌اند.

مقوله ارتباطات:

ارتباط مؤثر از نظر اکثر پژوهشگران این حوزه اهمیت دارد، نوریس و همکاران (۲۰۰۸) ارتباطات را به‌عنوان ایجاد معانی و درک مشترک و فراهم کردن فرصت‌هایی برای اعضا برای بیان نیازها، دیدگاه‌ها و نگرش‌ها تعریف کردند (Norris et al., 2008). اگر جامعه از معانی مشترک برای درک همگان استفاده و فرصت‌هایی

برای گفت‌وگوی آزاد فراهم کند، ارتباطات مؤثر رخ می‌دهد. یکی دیگر از جنبه‌های ارتباط مؤثر، ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی مناسب است که می‌توان آن را در شرایط پیش یا پس از فاجعه هماهنگ کرد. چاندرا و همکاران (۲۰۱۱) خاطرنشان کردند که شبکه‌های ارتباطی قوی برای تاب‌آوری جامعه حیاتی هستند و پیشنهاد کردند که شبکه‌ها باید از طریق استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای پشتیبانی و ترویج پیام‌های اضطراری، ترجیحاً با استفاده از یک منبع اطلاعاتی قابل اعتماد، تنوع حالت، وضعیت و محتوا داشته باشند (Chandra et al., 2011). مقامات دولتی هنگام ایجاد پیام‌های مخاطره‌آمیز باید هنجارهای جامعه و دامنه باورهای فردی را در نظر بگیرند، تا اطمینان حاصل کنند که پیام‌ها به انتظارات اعضای جامعه می‌پردازند و در یک زمینه اجتماعی مناسب برای کمک به افراد جامعه قرار می‌گیرند و عموم مردم قادر به درک آن هستند. در طول یک فاجعه، ارتباطات بحران باید اطلاعات به‌روزی را در مورد تلاش‌های امدادی در اختیار اعضای جامعه محلی قرار دهد. گانور و بن لاری دریافتند که جریان اطلاعات بلادرنگ برای تلاش‌های امدادی ضروری است (Ganor & Ben-Lavy, 2003). رویکرد ارتباطاتی، غالباً بر تعاملات بین فرآیندهای ارتباطی استراتژیک، مانند شایستگی جامعه و روایت‌های جامعه و روابط اجتماعی، مانند سرمایه اجتماعی و روابط رسانه‌ای، ویژگی‌های جامعه مانند برابری و منابع جامعه مانند زیرساخت‌های ارتباطی و رسانه‌های سنتی و اجتماعی متمرکز است.

مقوله نوآوری:

در مواجهه با عدم قطعیت استدلال می‌شود که حکمرانی شهری به مهار شبکه‌های اجتماعی نوآوری شهری برای حفظ خدمات اکوسیستم نیاز دارد، در

جدول شماره (۲): مضامین، مقوله‌ها و کدهای چهارچوب نظری اجتماع محلی تاب‌آور

مضامین	مقوله‌ها	کدهای مستخرج
ظرفیت توانمندسازی جمعی	شبکه‌ها و روابط اجتماعی	شبکه‌های اجتماعی (Cox & Hamlen, 2015)، همبستگی اجتماعی (Woolf et al., 2016)، انجمن‌های همسایگی، شبکه‌های عمیقاً ادغام شده، سازمان‌های مدنی (Johansen et al., 2017)، شبکه‌های اجتماعی، حس اجتماع (Alshehri et al., 2015)، شبکه‌های مشارکت و فعال‌سازی شبکه‌ها (Wells et al., 2013)، شبکه‌های خانوادگی و خویشاوندی (Cutter et al., 2008)، انسجام (ظرفیت اجتماعی، حمایت اجتماعی، و انسجام اجتماعی) و اثربخشی (Lowe et al., 2015)، فضاهای باز همگانی در محله (Tokazhanov et al., 2021)، فضای اجتماعات (Bojovic et al., 2022)، دلسوزی اجتماعی، عضویت در انجمن‌های محلی (Odiase et al., 2021).
	کارآمدی و توانمندسازی جمعی	سرمایه اجتماعی (Qasim et al., 2016)، ثبات اجتماعی (Adgar, 2000)، سلامت (Ainuddin et al., 2015)، خدمات اجتماعی (Kusumastuti et al., 2014)، ظرفیت اجتماع (Cutter et al., 2010)، کارآمدی و توانمندسازی جمعی (مانند دانش خودتکایی، خودیاری و خودکفایی (Chandra et al., 2011)، ساختار، نقش‌ها و مسئولیت‌ها (Pfefferbaum et al., 2015).
	مشارکت و حمایت عمومی	حمایت (Johansen et al., 2017)، مشغولیت اجتماعی (Parsons et al., 2016)، مشارکت (Woolf et al., 2016)، حمایت اجتماعی (Qasim et al., 2016)، مشارکت مدنی (EC & HR, 2020)، سازمان‌های داوطلبانه (Yoon et al., 2016)، ایجاد اعتماد و روابط قوی (Carpenter, 2013)، مشارکت (Chandra et al., 2011)، یکپارچگی دولت و سازمان‌های غیردولتی (Dobalian et al., 2010)، اقدام جمعی و تصمیم‌گیری (Norris et al., 2008).
	حکمرانی و رهبری	سازمان‌های اجتماعی (Johansen et al., 2017)، رهبری و سیاست، حکمروایی (Parsons et al., 2016)، رهبری (Cohen et al., 2013)، پشتیبانی به‌عنوان مثال رهبری جامعه و حمایت متقابل (Coles & Buckle, 2004)، اعتبار و عضویت در انجمن‌های مدیریت ریسک (Odiase et al., 2021).
ظرفیت معنویت‌گرایی محله	ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی	اعتقاد شخصی و دیدگاه‌ها (Alshehri et al., 2015)، ارزش‌های مشترک (EC & HR, 2020)، منابع مشترک (Adgar, 2000)، شایستگی اجتماعی، سبک زندگی و جامعه (Stratta et al., 2015; Ostadtaghizadeh et al., 2015)، ارزش‌های مشترک (Carpenter, 2013).
	چشم‌انداز ذهنی	اعتماد به مسئولان (Alshehri et al., 2015)، مشروعیت (Adgar, 2000)، معانی و درک مشترک (Pfefferbaum et al., 2015)، امید؛ باور؛ وارد کردن معنا به زندگی (Ganor & Ben-Lavy, 2003)، امید و غرور (Kennedy et al., 2013).
	تنوع اجتماعی	تنوع بالا در محدوده گروه‌های عملکردی (Holling, 1996; Carpenter, 2013)، جمعیت بالای ۷۰ سال، زنان (Yoon et al., 2016)، مردان جوان، همگنی نژادی (Pijper et al., 2021).
ظرفیت تجربه‌پذیری محله	دانش محلی	فهم فاجعه و خطر (Kusumastuti et al., 2014)، دانش اجتماعی (Adgar, 2000)، دانش و مهارت‌ها (Cox & Hamlen, 2015)، درک آسیب‌پذیری‌ها (Kennedy et al., 2013).
	یادگیری	آموزش جامعه (Moore et al., 2013)، یادگیری (Alshehri et al., 2015)، ظرفیت برای تجربه‌های مولد و احساسات مثبت، یادگیری در پاسخ (Cutter et al., 2008).
	آمادگی	ارزیابی ریسک (Cox & Hamlen, 2015)، آگاهی از ریسک (Alshehri et al., 2015)، آمادگی اجتماعی (Kusumastuti et al., 2014)، مدیریت ریسک (Moore et al., 2013; Chandra et al., 2011).
	ارتباطات	شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی (Chandra et al., 2011)، اطلاعات و ارتباطات (Alshehri et al., 2015)، اطلاعات و مشغولیت (Parsons et al., 2016)، جریان اطلاعات بلادرنگ (Ganor & Ben-Lavy, 2003).
	نوآوری	نوآوری و خلاقیت در مواجهه با عدم قطعیت (Ernstson et al., 2010)، استقلال در ایده (Ostrom, 2009).

1. European Commission & High Representative

حالی که گفتمان‌هایی را پرورش می‌دهد که شهر را به‌عنوان بخشی از اکوسیستم‌های منطقه‌ای قرار می‌دهد (Ernstson et al., 2010). فولک همچنین در این مورد بحث می‌کند که دیدگاه‌های مسلط سنتی به‌طور ضمنی محیطی پایدار و بی‌نهایت انعطاف‌پذیر را فرض کرده‌اند که در آن جریان‌های منابع را می‌توان کنترل کرد و طبیعت به‌خودی‌خود به تعادل می‌رسد. این در حالی است که دیدگاه جدید تاب‌آوری، سیاست‌ها را به گروه‌ها و جوامع واگذار می‌کند. اساساً، یک رویکرد غیرتعادلی استدلال می‌کند که بازگرداندن تعادل ممکن است یک سیستم را به حالتی برگرداند که در برابر تأثیر همان بحران آسیب‌پذیر باشد. از سوی دیگر، زمانی که افراد استقلال کامل در سطح انتخاب جمعی برای ایجاد و اجرای برخی از قوانین خود را دارند، با هزینه‌های تراکنش کمتر و دفاع از یک سیستم مواجه می‌شوند (Ostrom, 2009).

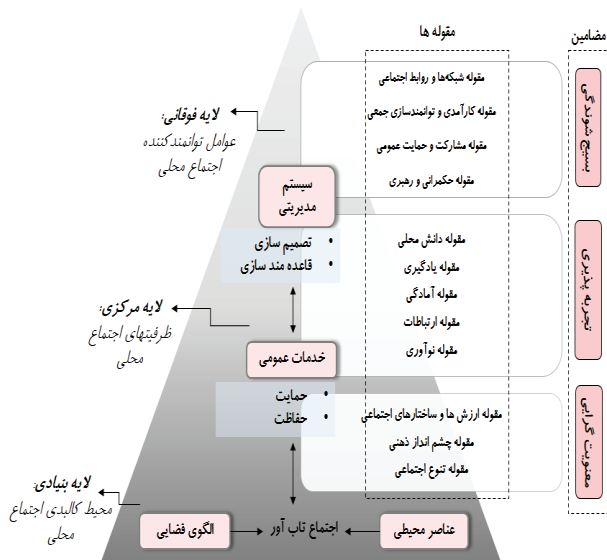
در تکمیل آنچه گفتیم، کدهای شناسایی شده هریک از مقولات به تفکیک پژوهشگرانی که به معرفی آنها پرداخته‌اند در جدول زیر بیان شده است (جدول شماره ۲).

نتیجه‌گیری

نظریه‌پردازان در حوزه‌های اجتماعی به مطالعه تاب‌آوری اجتماعات محلی از زوایای مختلف پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد مجموعه بارزمندی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی این اجتماعات، کل سیستم را در مسیر مواجهه بهتر با چالش‌ها و بحران‌ها قرار می‌دهد. بارزهایی چون دلبستگی به مکان (عدم تمایل به مهاجرت و حس تعلق)، همبستگی اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی و حس جامعه محلی)، حمایت اجتماعی، روابط اجتماعی (روابط رسمی و غیررسمی)، مشارکت (توزیع عادلانه دانش و قدرت،

همکاری و مشارکت شهروندان، ارتباط و همکاری سازمان‌ها و فعالیت شهروندی)، آگاهی (درک خطر از سوی جامعه، فراگیری اجتماعی، روایت‌ها و اطلاعات قابل اعتماد، پیش‌بینی تنش و ظرفیت یادگیری)، تنوع منابع (دسترسی به منابع مالی، دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی)، عدالت و برابری، هویت، کارایی جامعه محلی و اعتماد به آنکه هرکدام بخشی از مفهوم تاب‌آوری اجتماعی را تشریح می‌کند (پرتوی و همکاران، ۱۳۹۵)، هرچند وابسته به مشخصه‌های زمین‌های محدوده مورد مطالعه می‌تواند متفاوت باشد، اما در کنار یکدیگر، جریانی را شکل خواهند داد که جامعه در برابر معضلات داخلی و خارجی کمتر آسیب‌پذیر خواهد بود.

این پژوهش که با هدف اعمال تفکر تاب‌آوری در عرصه اجتماعی محلات شهری و ارائه مدل محله تاب‌آور از منظر اجتماعی از طریق مروری تحلیلی-توصیفی بر ادبیات نظری انجام شده است، در پی پاسخ به پرسش اول یعنی "یک تعریف متقن از اجتماع محلی تاب‌آور ناظر بر چه ابعادی است؟"، پس از بررسی مطالعات این حوزه، و با در نظر گرفتن اینکه به نظر می‌رسد سه دسته تعریف کلی قابل شناسایی است؛ تعاریف ناظر بر فرآیند تاب‌آوری، تعاریف ناظر بر خنثی کردن اثر نامطلوب و توانایی حفظ عملکرد پایدار و تعاریفی که به محدوده ویژگی‌های اجتماعات تاب‌آور می‌پردازند، چنین تعریفی ارائه می‌کند: «با درک تاب‌آوری به‌عنوان یک فرآیند، تاب‌آوری اجتماعات محلی را می‌توان چهارچوبی یکپارچه شامل تعاملات بین عوامل توانمندکننده (شهروندان، نهادها، توجه همگانی و حمایت دولت) و ظرفیت‌ها (مانند مقابله، سازگاری و ارائه راهکار) که در سطوح مختلفی جاری است، معرفی کرد. در واقع تاب‌آوری اجتماعات محلی توانایی



شکل شماره (۲): چهارچوب نظری اجتماع تاب آور محلی، سطوح، مضامین و مقوله‌ها

سال ۲۰۱۵ نظریات تاب‌آوری به‌طور جدی‌تری مطرح شده‌اند. این روند افزایشی، با سرعت بسیار بالا ادامه می‌یابد تا اینکه در بازه سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ به نقطه اوج خود می‌رسد. این دوره مقارن است با شروع همه‌گیری و از سرگیری ایده‌های مربوط به مدیریت نرم محلی و برنامه‌ریزی خرد مقیاس در محلات خودکفا و مستقل و اجتماعات تاب‌آور. همچنین در جست‌وجوی دومرحله‌ای که انجام شد (بازه زمانی ۱۹۹۳-۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴)، نمودارها گویای آن است که علاوه بر تعدد رابطه‌ها در دوره دوم، در دوره متأخر، تعدد واژگان کلیدی مورد استفاده رشد چشمگیری داشته است و عموماً از حوزه‌های کلی و عمومی به سمت ریزحوزه‌های حرکت کرده است. در گام بعد، تحلیل محتوای اسناد نهایی انتخاب شده در گام اول و کدگذاری داده‌ها براساس مضامین انجام شده است و نگارندگان براساس تفسیر متن به تلخیص و فهم داده‌های متنی موجود و تبیین مضامین اولیه و ثانویه

جامعه برای مقاومت در برابر بحران‌ها یا اختلالات تعریف می‌شود که بر متغیرهای مربوط به رهبری، کارایی جمعی، دلبستگی به مکان، آمادگی، یادگیری و اعتماد اجتماعی تأکید می‌کند. اجتماع محلی به‌عنوان یک کل باید به‌طور مؤثر با نامالیقات کنار بیاید و از آن درس بگیرد. در پاسخ به پرسش دوم نیز دو گام شامل گام اول؛ مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده از روش پریسما و گام دوم؛ در چهارچوب پارادایم تفهیرگرایی، از روش تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده با رویکرد استقرایی طی شده است، تا بر موضوع و زمینه پژوهش تمرکز کرده و با تأکید بر تنوع اجزا و عناصر، تشبیهات درون و تفاوت‌های بین بخش‌های متن، در نتیجه فرصت‌هایی را برای تحلیل محتوای آشکار و توصیفی و همچنین محتوای نهفته و تفسیری ارائه دهد. تحلیل توصیفی کلیه مطالعات انجام‌شده در حوزه تاب‌آوری اجتماعات محلی نشان می‌دهد که پس از طی کردن روندی ثابت از ابتدا، در

می‌دهد، در این پژوهش با عمق و دقت بیشتری در قالب مؤلفه‌های بنیادین تفسیر شده است. پژوهش پیش‌رو، با چهارچوب‌های ارزیابی تاب‌آوری در بعد اجتماعی که توسط شریفی (۲۰۲۳) انجام شد و ساختار اجتماعی، سرمایه اجتماعی، ایمنی و رفاه، برابری و تنوع و فرهنگ محلی را به‌عنوان پنج بعد فرعی در مفهوم تاب‌آوری اجتماعی شناسایی کرد، تا حدودی هم‌راستاست؛ با این تفاوت که کلان‌دسته‌هایی برای مؤلفه‌های زیرین متصور شده است. تشابه مقوله‌های کارآمدی و توانمندسازی جمعی و شبکه‌ها و روابط اجتماعی شناسایی شده در این پژوهش، با بررسی بهادر و همکاران (۲۰۱۰) که با نگاهی جامع به پذیرفتن اهمیت ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی در ارتقای تاب‌آوری پرداخته‌اند؛ چراکه ارتباط بین افراد می‌تواند تأثیر مثبتی بر همکاری در یک جامعه داشته باشد که به دسترسی عادلانه‌تر به منابع طبیعی و تاب‌آوری بالاتر منجر شود، هم‌سوست. مقوله‌های شبکه‌ها و روابط اجتماعی که در ذیل مضمون بسیج‌شوندگی تعریف می‌شود با مؤلفه‌های پیشنهادی جانسون و همکاران (۲۰۱۷) و آشری و همکاران (۲۰۱۵) یک مفهوم را معرفی می‌کنند. مفهوم شایستگی اجتماعی، سبک زندگی و جامعه که توسط استراتا و همکاران (۲۰۱۵) و مؤلفه ارزش‌های مشترک کارپنتر (۲۰۱۳) با مقوله ساختارهای اجتماعی از مضمون نقش‌پذیری به یک مفهوم اشاره دارند. همچنین مؤلفه دانش اجتماعی معرفی شده توسط آجر (۲۰۰۰) و مؤلفه دانش و مهارت‌های پژوهش کاکس و هملن (۲۰۱۵) با مقوله دانش محلی که در ذیل مضمون تجربه‌پذیری آمده است دارای قرابت مفهومی است. بنابراین، در راستای تقویت تاب‌آوری اجتماعات محلی، برخی مسئولیت‌ها، همچون ایجاد احساس تعلق

پژوهش پرداخته‌اند. این تحلیل که در چهار مرحله شامل تلخیص، کدگذاری، طبقه‌بندی و کشف مضامین انجام شده است، براساس دفعات تکرار، شباهت‌ها با تفاوت‌های محتوای متن به گروه‌های کوچک‌تری از زیرمجموعه‌های مرتبط با یکدیگر (کدها) انجام شده و درنهایت، مضامین این پژوهش‌ها به‌عنوان مدل اجتماع تاب‌آور تبیین می‌شود (شکل شماره ۲)).

در این مدل، سه لایه یا سطح قابل شناسایی است، سطح اول شامل سیستم مدیریتی-نهادی و دربردارنده عوامل توانمندکننده اجتماعات محلی است، و وظایف تصمیم‌سازی و قاعده‌مندسازی در این لایه جریان دارد. این سطح با سطح زیرین خود یعنی لایه مرکزی که ناظر بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اجتماعات است و وظیفه ارائه خدمات عمومی با هدف حمایت و حفاظت در برابر بحران را بر عهده دارد، در تعامل نزدیک است. سطح زیرین نیز بستر کالبدی-فضایی سطوح فوق را ایجاد می‌کند و شامل عناصر و اجزای محیطی و الگوهای فضایی و یا نمود عینی اجتماع محلی است. مضامین سه‌گانه شامل ظرفیت بسیج‌شوندگی، ظرفیت تجربه‌پذیری و ظرفیت نقش‌پذیری در کلیه سطوح مذکور برقرارند و از طریق مقوله‌های دوازده‌گانه، در سیکلی رفت‌وبرگشتی، جریان هرچه تاب‌آورتر شدن اجتماعات محلی را میسر می‌سازند. نوآوری این پژوهش در مدل معرفی شده به‌خوبی مشهود است؛ چراکه برخلاف مطالعات پیشین، علاوه بر آنکه مفهوم محله تاب‌آور از دید برنامه‌ریزی شهری برای نخستین بار به تفکیک مضامین و مقوله‌های آن مورد کاوش قرار گرفت، بلکه در ارتباط با سطوح سه‌گانه عوامل توانمندکننده، ظرفیت‌ها و لایه کالبدی-فضایی نیز تعریف شد. آنچه در نظریه کاتر (۲۰۱۰) که به‌طور گسترده پنج بعد کلیدی تاب‌آوری جامعه را پوشش

خاطر، زمینه‌سازی ارتباط با نهادهای اجتماعی مافوق، ارتقای اعتماد اجتماعی و در نتیجه تمایل به مشارکت اجتماعی و رهبرپذیری و ترسیم چشم‌انداز ذهنی یک جامعه در سطح کلان بر عهده سیستم مدیریت شهری است. تأمین خدمات عمومی و زیرساخت‌های ارتباطی مورد نیاز، آموزش‌های همگانی مستمر، کمک به ارتقای دانش محلی شهروندان در مواجهه با بحران‌ها، فراهم کردن مشارکت با رسانه‌ها، خبرنامه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ایجاد آمادگی همه‌جانبه و چندسطحی، تمرکز بر فضاهای باز همگانی در محله‌ها و تأکید بر محورهای اصلی تعاملات اجتماعی-فرهنگی در محله از جمله راهکارهای سطح میانی مدل اجتماع محلی تاب‌آور قرار می‌گیرد که عموماً در ذیل مضمون تجربه‌پذیری تعریف می‌شوند. تسهیل و تسریع در سازوکارهای اجرایی و برنامه‌ریزی گروه‌های محلی و پرهیز از تشریفات غیرضروری، تشویق و گسترش نهادهای قوی جامعه مدنی، ارج نهادن به سازمان‌های داوطلبانه مردم‌نهاد، تأکید بر حکمروایی محلی از پایین به بالا، فراهم آوردن بستر فعالیت‌ها و برنامه‌های جمعی خردمقیاس در سطح محله، خروج تصمیم‌گیران غیربومی و تقلیل نقش آنها به تسهیل‌کننده و نه راهبر در امور محله، معرفی سفیر محله در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و... و ارتباط پیوسته با سفیران از سوی سیستم مدیریت شهری، یاری کردن در زمینه بازشناخت تاریخیچه محله در جهت احیای هویت فراموش‌شده آن و پیشنهادهایی از این‌دست، در لایه سوم در بازتعریف مؤلفه‌های زمینه‌ساز تاب‌آوری اجتماعات محلی مؤثر است. سخن آخر آنکه شناسایی شاخص‌های هریک از این مقوله‌های دوازده‌گانه معرفی شده و تلاش در جهت ارزیابی و سنجش آنها، نقش عمده‌ای در جهت ارتقای تاب‌آوری اجتماعات محلی و شهری به‌خصوص در

بافت‌های واجد ارزش و میراثی ایفا می‌کند که لزوم پرداختن به آن در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود. ازجمله محدودیت‌های این پژوهش عدم دسترسی آسان و کامل به برخی از پایگاه‌های داده‌ای خارج از کشور بوده است که بخشی از منابع بالقوه و ارزشمند را از دسترس پژوهشگران خارج کرده است.

پی‌نوشت

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقالات (Holling (1973).

۲. ترجمه‌شده اصطلاحات Social Resilience, Community Resilience

منابع

۱. پرتوی، پروین؛ بهزادفر، مصطفی و شیرانی، زهرا. (۱۳۹۵). طراحی شهری و تاب‌آوری اجتماعی، بررسی موردی: محله جلفای اصفهان، نامه معماری و شهرسازی، ۹(۱۷)، ۹۹-۱۱۶.
<https://doi.org/10.30480/aup.2016.323>
۲. خالقیان، سیما، قندهاری، شیما. (۱۴۰۱). معیارهای تعیین مرز محلات تاریخی اصفهان (نمونه مطالعاتی: منطقه ۹ شهر اصفهان)، پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، ۴(۲۵)، ۶۹-۸۵.
<https://doi.org/10.22034/jspr.2023.702168>
۳. جابریان، نفیسه؛ ربیعی، علی و محدثی گیلوایی، حسن و زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۹۶). نگاهی جامعه‌شناختی به گسترش معنویت‌گرایی نوپدید در شهر تبریز، تحقیقات فرهنگی ایران، ۲(۳۸)، ۱۱۹-۱۵۰.
<https://doi.org/10.22631/jicr.2017.1513.2210>
۴. مرادی چادگان، داریوش و امیری، خاطره. (۱۴۰۲). سیر دگرگونی و تکامل مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری درگذر زمان برپایه انگاشت‌های

disaster resilience and the rural resilience index. *American Behavioral Scientist*, 59(2), 220-237. <https://doi.org/10.1177/0002764214550297>

13. Cutter, S. L., Barnes, L., Berry, M., Burton, C., Evans, E., Tate, E., & Webb, J. (2008). A place-based model for understanding community resilience to natural disasters. *Global environmental change*, 18(4), 598-606. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2008.07.013>

14. Cutter, S. L., Burton, C. G., & Emrich, C. T. (2010). Disaster Resilience Indicators for Benchmarking Baseline Conditions. *Journal of Homeland Security and Emergency Management*, 7, 1-22. <http://dx.doi.org/10.2202/1547-7355.1732>

15. Dobalian, A., Claver, M., & Fickel, J. J. (2010). Hurricanes Katrina and Rita and the Department of Veterans Affairs: a conceptual model for understanding the evacuation of nursing homes. *Gerontology*, 56(6), 581-588. <https://doi.org/10.1159/000302713>

16. Doorn, N., Gardoni, P., & Murphy, C. (2019). A multidisciplinary definition and evaluation of resilience: The role of social justice in defining resilience. *Sustainable and Resilient Infrastructure*, 4(3), 112-123. <https://doi.org/10.1080/23789689.2018.1428162>

17. Erlingsson, C., & Brysiewicz, P. (2017). A hands-on guide to doing content analysis. *African journal of Emergency Medicine*, 7(3), 93-99. <https://doi.org/10.1016/j.afjem.2017.08.001>

18. Ernstson, H., Van Der Leeuw, S. E., et al., (2010). Urban transitions: On urban resilience and human-dominated ecosystems. *Ambio*, 39, 531-545. <https://doi.org/10.1007/s13280-010-0081-9>

ارتباطات و مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی، پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، ۵(۲۹)، ۴۳-۵۸. <https://doi.org/10.22034/jspr.2024.2030548.1074>

5. Alshehri, S. A., Rezgui, Y., & Li, H. (2015). Delphi-based consensus study into a framework of community resilience to disaster. *Natural Hazards*, 75, 2221-2245. <https://doi.org/10.1007/s11069-014-1423-x>

6. Berkes, F., & Ross, H. (2012). Community Resilience: Toward an Integrated Approach. *Society & Natural Resources*, 26(1), 5-20. <https://doi.org/10.1080/08941920.2012.736605>

7. Carpenter, A. (2013). Social ties, space, and resilience. FRB Atlanta Community and Economic Development Discussion, (2013-02). <https://doi.org/10.1007/s11069-015-1797-4>

8. Chandra, A., Acosta, J., Howard, S., et al. (2011). Building community resilience to disasters: A way forward to enhance national health security. *Rand health quarterly*, 1(1). <https://doi.org/10.7249/TR915>

9. Cohen, O., Leykin, D., Lahad, M., et al. (2013). The conjoint community resiliency assessment measure as a baseline for profiling, *Technological Forecasting and Social Change*, 80(9), 1732-1741. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2012.12.009>

10. Coles, E., & Buckle, P. (2004). Developing community resilience as a foundation for effective disaster recovery. *Australian Journal of Emergency Management*, 19(4), 6-15.

11. National Research Council. (2012). Disaster resilience: A National Imperative. <https://doi.org/10.17226/13457>

12. Cox, R. S., & Hamlen, M. (2015). Community

- (2019). An Exploration of the Family Resilience Needs of a Rural Community in South Africa: A Sequential Explanatory Mixed Methodological Study Design. *Curr Psychol* 38, 1634–1648. <https://doi.org/10.1007/s12144-017-9722-5>
27. Johansen, C., Horney, J., & Tien, I. (2017). Metrics for evaluating and improving community resilience. *Infrastructure Systems*, 23(2), 04016032. [https://doi:10.1061/\(ASCE\)IS.1943-555X.0000329](https://doi:10.1061/(ASCE)IS.1943-555X.0000329)
28. Kennedy, G., Richards, M., Chicarelli, M., Ernst, A., Harrell, A., & Stites, D. (2013). Disaster mitigation: initial response. *Southern medical journal*, 106(1), 13–16. <https://doi.org/10.1097/SMJ.0b013e31827cb037>
29. Koliou, M., van de Lindt, J. W., McAllister, T. P., et al. (2018). State of the research in community resilience: progress and challenges. *Sustainable and resilient infrastructure*, No Volume, 10.1080/23789689.2017.1418547. <https://doi.org/10.1080/23789689.2017.1418547>
30. Kusumastuti, R. D., Husodo, Z. A., Suardi, L., & Danarsari, D. N. (2014). Developing a resilience index towards natural disasters in Indonesia. *Disaster Risk Reduction*, 10, 327-340. <https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2014.10.007>
31. Lenzi, M., Vieno, A., Pastore, M., & Santinello, M. (2013). Neighborhood social connectedness and adolescent civic engagement. *Environmental Psychology*, 34, 45-54. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2012.12.003>
32. Lowe, S. R., Sampson, L., Gruebner, O., & Galea, S. (2015). Psychological resilience after Hurricane Sandy: the influence of individual- and community-level factors on mental health after a large-scale natural disaster. *PloS one*, 19. Erving, C. L., & Cobb, R. J. (2021). Neighborhood Social Group Participation and Depressive Symptoms among Mid-to-Late Life Black Americans: Does the Association Differ by Ethnicity? *Journal of immigrant and minority health*, 23(3), 478–486. <https://doi.org/10.1007/s10903-020-01070-x>
20. Ganor, M., & Ben-Lavy, Y. U. L. I. (2003). Community resilience: Lessons derived from Giló under fire; 79(2/3):105-8. <https://archive.jpr.org.uk/object-bjpa1223>
21. Qasim, S., Qasim, M., Shrestha, R. P., et al. (2016). Community resilience to flood hazards in Khyber Pukhthunkhwa province of Pakistan. *Disaster Risk Reduction*, 18, 100-106. <https://doi:10.1016/j.ijdr.2016.03.009>
22. Graneheim, U. H., Lindgren, B. M., & Lundman, B. (2017). Methodological challenges in qualitative content analysis: A discussion paper. *Nurse education today*, 56, 29-34. <https://doi:10.1016/j.nedt.2017.06.002>
23. Holling, C.S. (1996). Engineering Resilience versus Ecological Resilience. In: Schulze, P.E., Ed., *Engineering within Ecological Constraints*, National Academy Press, Washington DC, 31-43.
24. Holling, C. (2001). Understanding the Complexity of Economic, Ecological, and Social Systems. *Ecosystems* 4, 390–405. <https://doi.org/10.1007/s10021-001-0101-5>
25. Irasanti, S. N., Respati, T., Januarita, R., et al. (2023). Domain and perception on community resilience: comparison between two countries. *Frontiers in public health*, 11, 1157837. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2023.1157837>
26. Isaacs, S.A., Roman, N.V. & Savahl, S.

- can the United States learn from experiences in other countries?. *Disaster medicine and public health preparedness*, 7(3), 292–301. <https://doi.org/10.1001/dmp.2012.15>
40. Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., et al. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American journal of community psychology*, 41(1-2), 127–150. <https://doi.org/10.1007/s10464-007-9156-6>
41. Odiase, O., Wilkinson, S., & Neef, A. (2021). Urbanisation and disaster risk: the resilience of the Nigerian community in Auckland to natural hazards, 131-147. Routledge. ISBN:9781003171430
42. Ostadtaghizadeh, A., Ardalan, A., Paton, D., et al. (2015). Community disaster resilience: a systematic review on assessment models and tools. *PLoS currents*, 7, <https://doi.org/10.1371/currents.dis.f224ef8efbdfcfl1d508dd0de4d-8210ed>
43. Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., et al. (2021). The PRISMA 2020 statement: an updated guideline for reporting systematic reviews. *BMJ*, 372. <https://doi.org/10.1136/bmj.n71>
44. Parsons, M., Glavac, S., Hastings, P., et al. (2016). Top-down assessment of disaster resilience: A conceptual framework using coping and adaptive capacities. *Disaster Risk Reduction*, 19, 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2016.07.005>
45. Pascariu, G., Banica, A. & Kourtit, K. (2023). Sustainable Resilience for Smart Spatial Planning. *Appl. Spatial Analysis* 16, 993–999. <https://doi.org/10.1007/s12061-023-09515-0>
- 10(5), e0125761. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0125761>
33. Manning, L. K., & Miles, A. (2018). Examining the Effects of Religious Attendance on Resilience for Older Adults. *Journal of religion and health*, 57(1), 191–208. <https://doi.org/10.1007/s10943-017-0438-5>
34. Mayer B. (2019). A Review of the Literature on Community Resilience and Disaster Recovery. *Current environmental health reports*, 6(3), 167–173. <https://doi.org/10.1007/s40572-019-00239-3>
35. Mayunga, J. S. (2007). Understanding and applying the concept of community disaster resilience: a capital-based approach. *Summer academy for social vulnerability and resilience building*, 1(1), 1-16. <https://doi.org/10.1146/annurev.energy.32.051807.090348>
36. Mehmood, A. (2016). Of resilient places: planning for urban resilience. *European planning studies*, 24(2), 407-419. <https://doi.org/10.1080/09654313.2015.1082980>
37. Milenković, D., Cvetković, V. M., & Renner, R. (2024). A Systematic Literary Review on Community Resilience Indicators: Adaptation and Application of the BRIC Method for Measuring Disasters Resilience. *International Journal of Disaster Risk Management*, 6(2), 79-104. <https://doi.org/10.18485/ijdr.2024.6.2.6>
38. Mochizuki, J., Keating, A., Liu, W., et al. (2018). An overdue alignment of risk and resilience? A conceptual contribution to community resilience. *Disasters*, 42(2), 361–391. <https://doi.org/10.1111/disa.12239>
39. Moore, M., Chandra, A., & Feeney, K. C. (2013). Building community resilience: what

- trauma spectrum symptoms prediction: A structural equation modeling approach. *Personality and Individual Differences*, 77, 55-61. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2014.12.035>
53. Tokazhanov, G., Tleuken, A., Durdyev, S., et al. (2021). Stakeholder based weights of new sustainability indicators providing pandemic resilience for residential buildings. *Sustainable Cities and Society*, 75, 103300. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2021.103300>
54. Uscher-Pines, L., Chandra, A., & Acosta, J. (2013). The promise and pitfalls of community resilience. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 7(6), 603-606. <https://doi.org/10.1017/dmp.2013.100>
55. Wardekker, A., Nath, S., & Handayaningsih, T. U. (2023). The interaction between cultural heritage and community resilience in disaster-affected volcanic regions. *Environmental Science & Policy*, 145, 116-128. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2023.04.008>
56. Wells, K. B., Tang, J., Lizaola, E., et al. (2013). Applying community engagement to disaster planning: developing the vision and design for the Los Angeles County Community Disaster Resilience initiative. *Public Health*, 103(7), 1172-1180. <https://doi.org/10.2105/AJPH.2013.301407>
57. Winkens, A. K., Lemke, C., & Leicht-Scholten, C. (2024). How to teach resilience thinking in engineering education. *Sustainable and Resilient Infrastructure*, 9(5), 513-530. <https://doi.org/10.1080/23789689.2024.2356492>
58. Woolf, S., Twigg, J., Parikh, P., Karaoglou, A., & Cheaib, T. (2016). Towards measurable resilience: A novel framework tool for the as-
46. Pfefferbaum, R. L., Pfefferbaum, B., Nitiéma, P., et al. (2015). Assessing community resilience: An application of the expanded CART survey instrument with affiliated volunteer responders. *American Behavioral Scientist*, 59(2), 181-199. <https://doi.org/10.1177/0002764214550295>
47. Pijper, L. K., Breetzke, G. D., & Edelstein, I. (2021). Building neighbourhood-level resilience to crime: The case of Khayelitsha, South Africa. *South African Geographical*, 103(3), 342-357. <https://doi.org/10.1080/03736245.2020.1807398>
48. Ripp, M., Egusquiza, A., & Lückerath, D. (2024). Urban Heritage Resilience: An Integrated and Operationable Definition from the SHELTER and ARCH Projects. *Land*, 13(12), 2052. <https://doi.org/10.3390/land13122052>
49. Rockefeller Foundation 100 Resilient Cities Program (100 RC) (2013) or in the Asian Cities Climate Change Resilience Network (ACCCRN 2014). <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2019.06.021>
50. Ross, H., Haque, C. E., & Berkes, F. (2024). Transmission of knowledge and social learning for disaster risk reduction and building resilience: A Delphi study. *Sustainable Development*, 32(2), 1525-1537. <https://doi.org/10.1002/sd.2685>
51. Shaw, K., & Maythorne, L. (2013). Managing for local resilience: Towards a strategic approach. *Public Policy and Administration*, 28(1), 43-65. <https://doi.org/10.1177/0952076711432578>
52. Stratta, P., Capanna, C., Dell'Osso, L., Carmassi, C., et al. (2015). Resilience and coping in

60. Zabaniotou, A. (2020). A systemic approach to resilience and ecological sustainability during the COVID-19 pandemic: Human, societal, and ecological health as a system-wide emergent property in the Anthropocene. *Global transitions*, 2, 116-126. <https://doi.org/10.1016/j.glt.2020.06.002>

assessment of resilience levels in slums. *Disaster Risk Reduction*, 19, 280-302. <https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2016.08.003>

59. Yoon, D. K., Kang, J. E., & Brody, S. D. (2016). A measurement of community disaster resilience in Korea. *Environmental Planning and Management*, 59(3), 436-460. <https://doi.org/10.1080/09640568.2015.1016142>

نحوه ارجاع به این مقاله:

شمس، فاطمه، پورجعفر، محمدرضا، خاتمی، سید مهدی و سلطانی، علی. (۱۴۰۳). بازخوانی گفتمان تاب‌آوری اجتماعات محلی، مدل محله تاب‌آور با اتکا بر عرصه اجتماعی-فضایی، پژوهش‌های فضا و مکان در شهر. ۸(۳۱)، ۳۰-۵. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2049697.1096>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2049697.1096>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_720050.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





بررسی میزان مطلوبیت و پاسخگویی فضاهای عمومی شهری در راستای حضور زنان (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)

مریم رضائی^۱

مدرس گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (واحد خوراسگان)، اصفهان ایران

مرضیه رونقی

استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان اصفهان، اصفهان، ایران

سارا کوهی کمالی

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه نور هدايت شهرکرد، شهرکرد، ایران

چکیده

زنان بخش عظیمی از جمعیت هر شهر را به خود اختصاص می‌دهند. حضور زنان در زمینه‌های مختلف نسبت به سال‌های قبل چشمگیر بوده و این حضور امروزه به یک الزام تبدیل شده است؛ با این حال فضاهای شهری بدون در نظر گرفتن نیاز زنان ایجاد شده‌اند، به طوری که آنها برای حضور در این فضاها با محدودیت روبه‌رو هستند؛ بنابراین، توجه به خواسته‌ها و نیازهای این گروه از شهروندان امری ضروری است. هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان مطلوبیت و پاسخگویی فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان شهر شهرکرد است؛ اینکه این فضاها تا چه میزان با نیازهای زنان این شهر انطباق داشته و در حضور آنها مؤثرند. نوع پژوهش کاربردی و روش بررسی توصیفی-تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش پیمایشی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و بهره‌گیری از آزمون‌هایی همچون آزمون T تک‌نمونه‌ای و آزمون تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام انجام شده است. عوامل و شاخص‌های مؤثر بر حضور زنان، در چهار بعد امنیت، میزان دسترسی، نیازهای اجتماعی-فرهنگی و شرایط کالبدی سنجش و بررسی شده‌اند. یافته‌های حاصل از آزمون T تک‌نمونه‌ای، نشان می‌دهد که مقادیر میانگین شاخص‌های مورد بررسی، کمتر از میزان متوسط است که این نشان‌دهنده عدم جوابگویی فضاهای شهری شهرکرد به نیازهای زنان است. همچنین در تحلیل رگرسیون، شاخص امنیت با ضریب تأثیر ۰/۴۴۶ بیشترین اهمیت را برای زنان داشته و نقش مؤثرتری در افزایش حضور زنان و میزان فعالیت آنها خواهد داشت. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که در زمینه طراحی و برنامه‌ریزی شهری برای حضور زنان در شهر شهرکرد اقدامات مناسب و کافی صورت نگرفته و هیچ‌یک از فضاها و شاخص‌های مورد سنجش در محدوده مورد مطالعه از لحاظ میزان انطباق با نیازهای زنان وضعیت مطلوبی ندارند.

کلیدواژه‌ها: فضاهای عمومی شهری، حضورپذیری، امنیت زنان، شهر شهرکرد.

در فضاهای عمومی شهری و ایجاد تعاملات معمول و روزمره اجتماعی، بیشتر از سایر طبقات مورد غفلت واقع شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲).

در سال‌های اخیر با وجود روند شتابان حضور زنان در فضاهای عمومی شهری، این امکان بدون در نظر گرفتن نیاز زنان طراحی شده و مردان از امکانات بیشتری جهت بهره‌برداری از فضاهای شهری برخوردارند (عظیمی، ۱۳۹۵: ۱۲۲). به عبارتی دیگر، اگرچه فضاهای عمومی به منظور استفاده عموم مردم فارغ از جنسیت، قومیت و... ایجاد می‌شوند، ولی زنان، دسترسی محدودتری نسبت به مردان به این گونه فضاها داشته و حتی در مواردی به طور کامل از فضاهایی که عموماً برای مردان و حضور آنها آزاد است، طرد می‌شوند. عوامل محدودکننده‌ای مانند خطر و ترس، از مهم‌ترین عناصر در تجربه زنان در فضای شهری بوده و استفاده آنان را ناامن کرده، در نتیجه زنان به واسطه وجود چنین مشکلاتی، دسترسی خود را به فضای عمومی محدود می‌کنند (راش، ۲۰۱۲: ۹).

جامعه همواره زنان را به‌عنوان مادر، خانه‌دار و نهایتاً دارای مشاغل پاره‌وقت در نظر گرفته است. چنین نگرشی به زنان و نقش آنان این دیدگاه را القا کرده است که فعالیت زنان محدود به اطراف خانه است (خاتم، ۱۳۸۶: ۳۹). واقعیت این است که زنان به فضای مناسب‌تر شهری حتی در چهارچوب نقش‌های حمایتی‌شان نیاز بیشتری دارند (جارویس و همکاران، ۲۰۱۱: ۸۵). بررسی‌های صورت گرفته در خصوص زنان و فضای شهری نشان می‌دهد که عرصه‌های عمومی در زندگی روزمره زنان به نسبت مردان تأثیرگذارتر است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵). چراکه زنان به‌ناچار در طول روز وظایف گوناگون و در نتیجه مسیرها و مقاصد متفاوت و بیشتری را طی

شهرنشینی در سراسر جهان به‌سرعت در حال افزایش است، به طوری که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰ ۱/۲ میلیون کیلومتر مربع افزایش یابد که تقریباً سه برابر وسعت شهرهای جهان در سال ۲۰۰۰ است (لیو و همکاران، ۲۰۲۳: ۲). افزایش جمعیت شهرنشین به معنای افزایش حضور مردم در فضاهای شهری و مواجهه آنان با امکانات و همچنین محدودیت‌ها و مشکلات مختلف شهری است (پرتویی، ۱۳۹۱: ۱۶).

فضاهای شهری مؤلفه‌های مهمی در درون شهرها هستند (قهرمانی و همکاران، ۲۰۲۱: ۱) که هرروزه دانسته و ندانسته توسط شهروندان در طول مسیر فهم و درک می‌شوند (جاویدانی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)، حضور همه طبقات جامعه در فضای شهری فارغ از عواملی، همچون جنسیت، قومیت، وضعیت جسمانی، موقعیت اجتماعی و... امری حیاتی است (شهرستانی، ۱۳۹۱: ۱۵). بدون حضور فعال و مؤثر همه شهروندان، بهبود کیفیت فضای زندگی در شهرها، امری غیرممکن است که این امر به درک مناسب و آگاهانه نیازها و مطلوبیت‌های تمام شهروندان نیاز دارد. عدم ادراک درست مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان این نوع از فضاها از نیازهای طبقات مختلف اجتماعی جهت حضور و فعالیت در عرصه‌های عمومی، ناکارآمدی فضاهای عمومی شهری را در آینده به‌دنبال خواهد داشت؛ به بیانی دیگر، اگر در جهت دستیابی به شرایطی هستیم که حضور تمامی اقشار و گروه‌های مردم در فضاهای شهری را تداوم بخشیم، باید شناختی کامل از مخاطبان و نیازهایشان داشته باشیم. در این میان، با توجه به شواهد، این گونه برمی‌آید که زنان به‌عنوان یکی از گروه‌هایی باشند که نیازهایشان جهت حضور

می‌کنند. حضور بالای زنان در اماکن عمومی، همچون پارک‌ها، مراکز خرید، معابر ارتباطی و وسایل نقلیه حاکی از این امر است (ویکرل، ۲۰۱۰: ۱۰). به بیانی دیگر، زنان ویژگی‌های زیستی، وظایف و دیدگاه‌های متفاوتی در قیاس با مردان دارند که نوع ارتباط آنها با فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این گروه از شهروندان شرایط خاصی از فضا را خواهان هستند که با خصیصه‌های فیزیکی و خواسته‌های عاطفی و روانی آنها هماهنگ باشد و زندگی، کنش و فعالیت‌های روزمره‌شان را تسهیل بخشد (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، پرداختن به احتیاج‌ها و خواسته‌های آنها در ابعاد مختلف و در تمامی بخش‌ها از جمله مدیریتی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی کالبدی و فضایی ضرورت دارد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵). به عبارتی دیگر، بودن و حضور در فضاهای مختلف از جمله حقوق اولیه زنان است و به مانند مردان، آنها باید شرایط و امکانات مساوی جهت حضور در فضاهای عمومی داشته باشند. در راستای تحقق این مهم، جوامع شهری باید با در نظر گرفتن تفاوت‌ها، عوامل بازدارنده را برطرف و امکان حضور و مشارکت اجتماعی یکسان را فراهم کنند (مدنی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۹). ایجاد هرگونه محدودیت در استفاده زنان از این فضاها مانعی بر سر راه توسعه محسوب می‌شود (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)؛ از این رو، در جوامع پیشرفته برنامه‌ریزان و مسئولان در پی ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت پی‌ریزی یک جامعه متعادل و متناسب با نیازهای مردان و زنان هستند تا از حداکثر توانمندی آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف توسعه بهره‌برند (عظیمی، ۱۳۹۵: ۱۲۲). شهر شهکرد به عنوان یکی از شهرهای میانه و مرکز استان چهارمحال بختیاری، همانند اکثر شهرهای ایران دارای ساختاری مردم‌محور از نظر فضاهای عمومی و کالبدی

است. این امر امروزه مشکلاتی را برای حضور زنان در فضاهای عمومی این شهر که تقریباً نیمی از جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند، ایجاد کرده است؛ بنابراین، در این پژوهش سعی شده متغیرها و معیارهایی که بر حضور زنان در فضاهای عمومی شهکرد نقش دارند سنجش و ارزیابی شوند. به همین منظور و با توجه به مطالب مطرح شده سؤال اصلی پژوهش این است که آیا فضاهای شهری شهکرد با نیازهای زنان انطباق دارد و پاسخگویی نیاز آن‌ها هستند؟ مطلوبیت این فضاها به چه صورت است؟ و به چه اندازه این فضاها در فعالیت و حضور زنان مؤثرند؟

پیشینه پژوهش

در خصوص زنان و فضاهای شهری پژوهش‌های زیادی صورت گرفته که در ادامه به ذکر تعدادی از آنها می‌پردازیم:

نقدی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «دسترسی زنان به فضاهای شهری (مطالعه موردی: زنان شهر ایلام)»، به واکاوی تجربه و درک زنان از حضور و دسترسی به فضاهای شهری طراحی شده می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد که بدن زنانه یکی از عوامل مهم ایجاد محدودیت است. ترس از تعرض و تجاوز، زنان را از فضاهای شهری دور نگه می‌دارد. طراحی محیطی شهر که برای زنان دارای فرزند و زنان خانه‌دار و همین‌طور فیزیولوژی خاص زنان جایی در نظر نگرفته است، در دسترسی نداشتن زنان به این فضاها نقش مهمی دارد. از طرف دیگر، باید به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر شهر اشاره کرد که حضور زنان را به شرایطی منوط می‌داند که این شرایط برساخته اجتماع است و عموماً فضاها را به تملک مردان درمی‌آورد یا به نوعی زنان را برای حضور در فضاها به همسران و کودکان خود وابسته می‌کند.

پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی میزان انطباق فضاهای شهری ارومیه با نیازهای زنان پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین شاخص‌های دسترسی، کالبدی و امنیت فضاهای عمومی در شهر ارومیه با خواسته‌های زنان انطباق مناسب دیده نمی‌شود، در صورتی که در خصوص عامل ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی بر اساس معیارهای پژوهش، میزان انطباق مطلوب و در حد متوسط است.

حاجی احمدی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به شناسایی معیارهای تأثیرگذار بر افزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری محله پونک تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که با افزایش ایمنی و امنیت، زمان فعالیت و معاشرت‌پذیری در فضاهای شهری نیز افزایش می‌یابد.

بیضانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی نیازها و محدودیت‌ها، امکانات موردنیاز و علایق بانوان در جهت حضور بیشتر در فضاهای شهری در بوستان بانوان ملت مشهد پرداخته‌اند. از مهم‌ترین نتایج به‌دست آمده در این پژوهش؛ اهمیت بسیار زیاد مؤلفه ایمنی و امنیت در خصوص حضور زنان در فضاهای شهری است.

بهشتی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رویکرد عدالت جنسیتی در فضاهای شهری با مطالعه موردی شهر تبریز پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل کالبدی، دسترسی و فرهنگی - اجتماعی به ترتیب با سطح معناداری ۰/۰۴۳، ۰/۰۱۶ و ۰/۰۳۳ انطباق مطلوبی با نیاز زنان ندارند و فقط عامل امنیت با سطح معناداری ۰/۲۲۰ وضعیت مطلوبی از نظر پاسخگویان را نشان می‌دهد.

بل^۱ (۱۹۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «زنان و امنیت اجتماع

1. Bell

محلی استرالیا» به این نتیجه رسید که با برنامه‌ریزی شهری متناسب با شرایط گروه‌های مختلف از جمله زنان، محیط نواحی شهری امن‌تر و سالم‌تر خواهد بود. ویکرل^۲ (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «فضاهای جنسیتی باز ساخت: سیاست‌های جنسیتی در ساخت شهر» به این نتیجه رسید که اعمال سیاست‌های جنسیتی در برنامه‌های شهری و باز ساخت فضاهای شهری نقش مهمی در رضایت‌مندی و بهبود وضعیت زنان خواهد داشت.

آبادا^۳ (۲۰۱۵) در مطالعه خود با عنوان «شهر فراگیر» شهر دوستدار زن در مونترال کانادا را بررسی کرده است. این مطالعه بر دو حوزه مشخص متمرکز شد: نخست، مشارکت و حضور زنان در زندگی شهری و دوم، مشارکت و حضور زنان در موقعیت‌های رهبری، تصمیم‌گیری و سایر مدیریت‌ها. در این مطالعه چهار موضوع اصلی مشارکت سیاسی، اشتغال، امنیت و مسکن بررسی شده و در این راستا راهبردهایی را طراحی و اجرا کرده است.

تاندوگان و ایلهان^۴ (۲۰۱۶) پژوهشی تحت عنوان «ترس از جرم در فضاهای عمومی از دیدگاه زنان» را انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که زنان بیشتر در معرض ترس از جرم در شهرها قرار دارند و بیشتر ترجیح می‌دهند که در محل‌های بسته و محافظت‌شده حضور داشته باشند تا فضاهای عمومی.

کنعانی (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «رابطه حضور زنان در فضاهای شهری با شاخص مطلوبیت شهری» نشان می‌دهد به ترتیب عوامل راحتی و آسایش، ایمنی در شب، دسترسی فیزیکی، امکان انتخاب فعالیت‌ها، به‌طور مستقیم بر

2. Wekerle

3. Abada

4. Tandogan and Ilhan

حضور زنان در فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد. تحلیل کلی پیشینه پژوهش‌های مرتبط با زنان و فضاهای شهری نشان می‌دهد که این حوزه به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته و نیازهای خاص زنان در طراحی و مدیریت فضاهای شهری به‌خوبی بررسی شده است. در این حوزه مواردی، همچون محدودیت‌های امنیتی و فرهنگی، عدم انطباق با نیازها، اهمیت سیاست‌گذاری جنسی و بررسی شده‌اند. به‌طور کلی، پیشینه پژوهش‌های مرتبط با زنان و فضاهای شهری نشان‌دهنده چالش‌های متعددی است که زنان در فضاهای عمومی با آن‌ها مواجه‌اند. این چالش‌ها نه تنها به امنیت و دسترسی مربوط می‌شود، بلکه به عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز وابسته است. بنابراین، طراحی و برنامه‌ریزی شهری باید با توجه به این نیازها و محدودیت‌ها صورت گیرد تا فضایی امن و مناسب برای حضور زنان فراهم شود. در همین راستا، پژوهش حاضر به بررسی میزان انطباق و پاسخگویی فضاهای شهری در ارتباط با نیازهای زنان در شهر شهرکرد پرداخته است.

مبانی نظری پژوهش

فضای شهری عرصه‌ای است که از طریق عملکرد گروه‌های مختلف انسانی، فعالیت‌ها و رفتارهای آنها شکل می‌گیرد و ارتباطات و تعاملات اجتماعی و فرهنگی شهروندان با همدیگر در این فضا اتفاق می‌افتد (بیبیجیون، ۲۰۱۷: ۳۲۶). از اواسط قرن بیستم تا به امروز، مفهوم فضای شهری، با رجوع به نظریه‌های پتریک گدس^۱، لویس مامفورد^۲، جین جکوبز^۳، کوین لینچ^۴ و دیگر اندیشمندان مکتب آمایش انسانی و فرهنگ‌گرایان که همگی در تثبیت و تداوم مفهوم فضای

1. Patrick Geddes
2. Lewis Mumford
3. Jane Jacobs
4. Kevin Lynch

شهری و شاخصه‌های آن نقش به‌سزایی داشته‌اند، بر این اصل متکی است که فضای شهری بخشی از ساختار شهر بوده که دارای کلیتی پیوسته و هماهنگ و از لحاظ کالبدی محصور است. این عرصه باید دارای زیبایی، نظم و آرایش خاصی باشد و جهت عملکردهای شهری انسجام یابد و سازماندهی شود (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۴). تا اواخر قرن بیستم مفهوم فضای شهری در مباحث فضایی و کالبدی خلاصه می‌شد. اما از سال ۱۹۹۰، مفاهیم دیگری همچون مفاهیم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با فضای شهری مورد توجه قرار گرفت (همان). براین اساس، فضای شهری جزئی از ساخت شهر است و مفهوم آن تنها مبین یک هویت کالبدی نیست، بلکه فضایی است عملکردی که فرصت ارتباط و تعامل شهروندان را فراهم می‌آورد. فضاهای شهری نقش مهمی در زندگی و حیات شهروندان، ایجاد حس آرامش، سرگرمی، برقراری ارتباطات و برخوردهای اجتماعی بر عهده دارند. فضاهای مطلوب شهری امکان حضور بیشتر شهروندان را در محیط فراهم می‌آورند و دارای ابعاد انسانی و کالبدی هستند. خصایص فضاهای شهری به‌شدت تحت تأثیر نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان آن‌ها قرار دارند (فرهادیان و نفتی، ۱۳۹۲: ۲).

یک نوع از فضاهای شهری، فضاهای عمومی شهری هستند؛ این‌گونه فضاها، که اولین گام برای افزایش تعامل در شهرها هستند (الزهرانی، ۲۰۲۲: ۲)، بستری فراهم می‌کنند که نیازهای روزمره برطرف می‌شوند و زندگی عمومی شهری در آنها جریان می‌یابد. این عرصه‌ها در طی زمان و با توجه به شرایط مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحول می‌شوند (رضازاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸). همچنین فضاهای عمومی محیطی هستند که شهروندان با

یکدیگر ملاقات می‌کنند، روابط اجتماعی برقرار می‌کنند، فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند و به‌صورت خیابان، پارک، میدان، فضای مکث و.. ساخته شده است (یسلامز، ۲۰۱۸: ۳). در حقیقت فضای عمومی عرصه‌ای برای تحقق طیف وسیعی از نقش‌های اجتماعی است (گالکاسکی و آنتوسز، ۲۰۲۲: ۱). حضور مؤثر افراد در فضاهای عمومی شهری، سطح روابط اجتماعی را ارتقا می‌دهد و حس مشارکت و شهروندی را بهبود می‌بخشد. از جمله علل ارزش و اهمیت این‌گونه فضاها مواردی همچون امکان برقراری تعاملات اجتماعی، ممانعت از ایجاد مشکلات روحی و روانی، افسردگی، انزوا، بالا بردن حس اعتماد به نفس و.. است (پاکزاد، ۱۴۰۰، ۸۵).

در همین راستا، فضاهای عمومی موفق فضاهایی اند که به‌صورتی عادلانه از اجتماع‌پذیری بالایی برخوردارند، دسترسی و کالبدی زیبا و مناسب دارند، موجبات آسایش و راحتی افراد را فراهم می‌کنند و زمینه تعاملات اجتماعی را در بستری ایمن و با امنیت، ایجاد و انجام فعالیت‌های متنوع را امکان‌پذیر می‌کنند (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷).

در نهایت می‌توان گفت، ایجاد فضای عمومی موفق و پاسخگو، به توجه خاص و همه‌جانبه مدیران، برنامه‌ریزان، معماران و طراحان شهری نیازمند است. در این راه همچنین نباید از مشارکت کاربران و سنجش تجربه آنها در استفاده از این مکان‌ها غافل شد (گالیانو و همکاران، ۲۰۱۷). از آنجاکه تمامی شهروندان در فضاهای عمومی شهری سهم هستند و این فضاها متعلق به کلیه آنهاست، باید به‌نحوی برنامه‌ریزی و طراحی شوند که نیازهای روزمره افراد و گروه‌های مختلف را پاسخ دهند. ایجاد چنین فضایی، نیازمند توجه به ابعاد گوناگون آن بر اساس تئوری مکان است که

این ابعاد شامل ابعاد کالبدی، فعالیتی و معنایی هستند. در این بین آنچه حائز اهمیت است، عملکرد اجتماعی این فضاها و تأثیر آن بر حیات جمعی شهرواست که بعد جدیدی به این مکان‌ها می‌بخشد و آن هم بعد اجتماعی فضاهای عمومی است که نقشی مساوی و یا حتی بیشتر از ابعاد دیگر دارد (چرخچیان و دانش‌پور، ۱۳۸۸: ۲۸).

در این فضاهای عمومی، زنان به‌عنوان نیمی از جامعه انسانی، برای انجام بهینه فعالیت و ایفای نقش، به قوانین و مقررات و همچنین برخورداری از عوامل و مؤلفه‌های حمایتی نیازمند هستند (صادقی و پورغلامی، ۱۳۹۹: ۴۲۷). این در حالی است که اندیشمندان فمینیست توافق دارند که شهر، مردساخته است؛ زیرا زنان سهم اندکی در برنامه‌ریزی و ساخت آن داشته‌اند و از محصور بودن در محیط مردساخته منافع اندکی می‌برند. محیط ساخته‌شده بازتاب‌دهنده فعالیت‌های مردان، ارزش‌های مردانه و گرایش‌های مردان به فضای سکونتی است (گات‌دندر و هاتیشون، ۲۰۱۱: ۱۴۸). در چنین فضایی مردان آزادی بیشتری در رفت‌وآمد و دسترسی به فضاهای عمومی دارند. درحالی‌که زنان به دلایلی از جمله نحوه پوشش و ویژگی‌های جسمانی متفاوت دارای محدودیت بیشتری بوده و فعالیتشان در فضاهای شهری به زمان‌های خاصی محدود است (مک‌داول، ۱۳۹۲: ۸). این بدان معناست که بیشتر فضاهای شهری ماهیتی جنسیتی یافته‌اند؛ یعنی عملاً فضای شهری در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کند (کیانی سلمی، ۱۳۹۹: ۵۰۱).

در همین زمینه، امروزه به‌ضرورت بازنگری در رویکردها و سیاست‌های شهری، با اهداف اصلاح بنیادی نابرابری جنسیتی توجه شده است (زاهدی، ۱۳۸۸: ۸۵-۸۹). اولین منشور بین‌المللی برابری



شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش (با بهره‌گیری از منابع مختلف)

شهری است، از نگاه برخی از اندیشمندان، به‌علت تسلط دیدگاه مردسالارانه، هیچ تلاش مؤثری در راستای خلق فضاهای شهری منطبق با نیازهای آنها صورت نگرفته است و همه مطالعات انجام‌شده صرفاً در حیطه موضوع امنیت زنان در شهر بوده‌اند (سیفایی، ۱۳۸۴: ۱۰۶). در حالی که عرصه‌های عمومی شهری به‌منزله محل زندگی و عملکرد شهروندان باید دارای این پتانسیل باشند که با در نظر گرفتن تفاوت‌ها و شباهت‌های میان افراد از نظر جنسیت، سن، وضعیت جسمانی و همچنین جایگاه اجتماعی، فضایی امن، پایدار، سالم و جذاب برای کلیه افراد جامعه از جمله زنان مهیا کند و پاسخگویی نیازهای گروه‌های مختلف اجتماعی باشد (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۷).

از آنجایی که شرایط حاکم بر فضاهای شهری متفاوت

حقوق زنان و مردان در سال ۱۹۴۵، برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی زنان با شعار عدالت، توسعه و صلح در مکزیکوسیتی در سال ۱۹۷۵، در نظر گرفتن برقراری عدالت جنسیتی و توانمندی زنان به‌مثابه یکی از اهداف مهم کنفرانس هزاره سوم در سال ۲۰۰۰، کنفرانس ساختن مکان‌های امن‌تر و امنیت زنان در شهرها در ۲۰۰۵ در لندن و نمونه‌هایی از تغییر نگرش نسبت به زنان در عرصه جهانی و تلاش در راستای ارتقای جایگاه زنان در جامعه شهری است (زاهدی، ۱۳۸۸: ۸).

با این وجود، برخلاف تلاش‌های صورت گرفته در راستای گسترش فعالیت‌های اقتصادی زنان و شرکت همه‌جانبه آنها در امور فرهنگی و اجتماعی که مستلزم حضور مؤثر و فعال آنها در شهر و عرصه‌های عمومی

جدول شماره (۱): آلفای کرونیخ پرسشنامه در هر یک از متغیرهای مورد مطالعه

نوع متغیر	متغیرها	آلفای کرونیخ
متغیر مستقل	امنیت	۰/۷۵۲
	دسترسی	۰/۷۲۳
	فرهنگی- اجتماعی	۰/۸۴۰
متغیر وابسته	کالبدی و مبلمان	۰/۸۰۹
	حضور زنان	۰/۷۸۸

جامعه آماری پژوهش، زنان و دختران ۱۵ تا ۵۵ سال شهر شهرکرد هستند که با بهره‌گیری از فرمول کوکران، ۳۸۴ پرسشنامه در بین افراد نمونه، که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند، توزیع شد. بدین صورت که ابتدا از ۱۴ محله شهر شهرکرد، ۵ محله (واقع در شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهرکرد) به‌عنوان محلات نمونه به‌صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله بعد، به نسبت جمعیت محلات، پرسشنامه در بین زنان ۱۵ تا ۵۵ ساله توزیع شد. این پرسشنامه حاوی ۴۲ سؤال با سؤالات عمومی و تخصصی است که به‌صورت طیف لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق با مقیاس ترتیبی ارزش‌گذاری و طراحی شده است. در جدول شماره (۲) متغیرهایی به‌کاررفته در این پژوهش ارائه شده است. نتایج حاصل از پرسشنامه، با استفاده از نرم‌افزار spss و آزمون‌های T تک‌نمونه‌ای و رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل و ارزیابی شده‌اند.

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

بررسی آمار توصیفی مطابق جدول شماره شماره (۳) نشان می‌دهد با توجه به داده‌های جمعیت‌شناختی، در بین افراد نمونه پژوهش، تقریباً ۳۵ درصد حجم نمونه در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ ساله قرار دارند، به‌لحاظ

است؛ به همین دلیل میزان رضایت از این فضاها نیز متغیر است. در راستای بررسی مطلوبیت فضاهای شهری باید معیارها و شاخص‌های مشخصی وجود داشته باشد. بنابراین، در پژوهش حاضر، مبنای مطالعه، مفهوم استفاده زنان از فضای شهری و شاخص‌هایی برای پاسخگویی این فضاها به نیازهای زنان است که به افزایش حضور و فعالیت آنها در فضاهای شهری منجر خواهد شد. این شاخص‌ها و مفاهیم شامل شرایط کالبدی-فیزیکی، شرایط اجتماعی-فرهنگی، مسئله امنیت و همچنین مسئله دسترسی است که خود دارای زیرمعیارهایی هستند که در شکل شماره (۱) به تصویر کشیده شده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش از نوع پژوهش‌های توصیفی و تحلیلی است. از لحاظ زمانی نیز جزو پژوهش‌های مقطعی است که داده‌ها در یک زمان مشخص جمع‌آوری می‌شوند و چشم‌انداز طولی و تاریخی وجود ندارد. در اولین گام با استفاده از بررسی و مطالعه کتاب‌ها و اسناد مختلف مرتبط با موضوع، شناخت وضع موجود و تعیین شیوه جمع‌آوری اطلاعات به گردآوری شاخص‌های مورد نیاز برای بررسی و تنظیم پرسشنامه پرداخته شده است. در گام بعدی، جهت بررسی روایی ابزار پژوهش، پرسشنامه تنظیم‌شده در اختیار چند تن از استادان و کارشناسان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت که با تأیید آنان اعتبار روایی آن تأیید شد. پایایی ابزار از طریق انجام پایلوت و آزمون آلفای کرونیخ بررسی شد. مطابق جدول شماره (۱) مقدار آلفای کرونیخ برای شاخص‌های مختلف بین ۰/۷۵۲ تا ۰/۸۴۰ متغیر بوده و با توجه به اینکه بالای ۰/۷۰ است، پایایی آن تأیید شد (جدول شماره (۱)).

جدول شماره (۲): متغیرهای پژوهش

مقیاس	گویه	شاخص‌ها
ترتیبی (از کاملاً مخالفم با کد ۱ تا کاملاً موافقم با کد ۵)	<p>۱. عدم تهدید امنیت در هنگام استفاده از پل‌های عابر پیاده</p> <p>۲. وجود ایستگاه‌های اتوبوس دارای روشنایی و امنیت کافی</p> <p>۳. وضعیت پیاده‌روها به لحاظ روشنایی و امنیت</p> <p>۴. قابل اطمینان بودن رانندگان تاکسی شهری و تهدید نشدن امنیت</p> <p>۵. مناسب بودن مسیربندی تاکسی‌ها از لحاظ امنیت زنان</p> <p>۶. استفاده راحت و امن از فضاهای شهری به هنگام تاریکی شب</p> <p>۷. نبود خطر و عدم تهدید به هنگام خلوتی فضاهای شهری</p> <p>۸. استفاده زنان از همه امکانات سطح پارک حتی به تنهایی و بدون مزاحمت</p> <p>۹. عدم ورود وسایل نقلیه موتوری و دوچرخه‌ها به حریم پیاده‌رو</p>	امنیت
ترتیبی (از کاملاً مخالفم با کد ۱ تا کاملاً موافقم با کد ۵)	<p>۱۰. مناسب بودن مصالح به کاررفته در پیاده‌روها</p> <p>۱۱. وجود پل‌های هوایی متناسب با فیزیولوژی زنان</p> <p>۱۲. کافی و مناسب بودن فضای اختصاص داده شده اتوبوس برای زنان</p> <p>۱۳. برخوردار بودن فضاهای شهری عمومی از راحتی نسبی برای نشستن، راه رفتن و سایر فعالیت‌های دلخواه</p> <p>۱۴. مناسب بودن مبلمان، نیمکت‌ها و محل‌های نشستن در پارک‌ها برای زنان</p> <p>۱۵. مناسب بودن سرویس‌های بهداشتی و آبخوری‌ها موجود در فضاهای شهری برای استفاده زنان</p> <p>۱۶. وجود فضاهایی برای فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و گذران اوقات فراغت برای زنان</p> <p>۱۷. عدم سردرگمی به هنگام ورود به فضاهای شهری عمومی (مثل پارک، کتابخانه، اماکن ورزشی و...)</p>	شرایط کالبدی
ترتیبی (از کاملاً مخالفم با کد ۱ تا کاملاً موافقم با کد ۵)	<p>۱۸. پذیرفتن امر رانندگی زنان در این شهر از نظر فرهنگی</p> <p>۱۹. عدم محدودیت زنان برای شرکت در جشنواره‌ها و مراسم‌های شهرداری</p> <p>۲۰. امکان برخورداری زنان از آموزش‌های شهروندی برگزار شده توسط شهرداری</p> <p>۲۱. وجود فضاهای ورزشی شهری به اندازه کافی برای زنان</p> <p>۲۲. کفایت کتابخانه‌های شهر برای پاسخگویی به نیازهای زنان</p> <p>۲۳. وجود فضای مناسب برای گفت‌وگوی زنان</p> <p>۲۴. امکان مشارکت زنان در مدیریت شهری</p>	نیازهای اجتماعی و فرهنگی
ترتیبی (از کاملاً مخالفم با کد ۱ تا کاملاً موافقم با کد ۵)	<p>۲۵. دسترس بودن و مناسب بودن وسایل بازی موجود در پارک‌ها برای زنان</p> <p>۲۶. دسترس بودن ناوگان اتوبوس‌رانی شهر مجهز</p> <p>۲۷. دسترس بودن رستوران و کافی‌شاپ در فضاهای شهری برای حضور زنان</p> <p>۲۸. مطلوب بودن رفت‌وآمد و مراجعه به فضاهای شهری برای زنان</p> <p>۲۹. دسترسی زنان به فضاهای مختلف شهر با تنوعی از وسایل حمل‌ونقل عمومی</p> <p>۳۰. در دسترس بودن پارک‌های ویژه زنان به اندازه کافی</p> <p>۳۱. دسترس بودن سرویس‌های بهداشتی برای استفاده زنان</p>	دسترسی
ترتیبی (از کاملاً مخالفم با کد ۱ تا کاملاً موافقم با کد ۵)	<p>۳۲. تمایل به استفاده از فضاهای شهری</p> <p>۳۳. احساس راحتی و امنیت در فضاهای شهری</p> <p>۳۴. مراجعه مکرر به فضاهای شهری جهت مکث و استراحت</p> <p>۳۵. داشتن حس مطلوب از بودن در فضاهای شهری</p> <p>۳۶. افزایش حضور و فعالیت در فضاهای شهری</p>	حضور زنان

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی وضعیت پاسخگویان بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

ویژگی	گزینه‌ها	فراوانی	درصد	تعداد کل
تاهل	متاهل	۲۲۱	۴۲/۶	۳۸۴
	مجرد	۱۶۳	۵۷/۴	
سن	بین ۱۸ تا ۲۵	۷۶	۱۹/۸	
	۲۵-۳۵	۱۳۴	۳۴/۹	
	۳۵-۴۵	۱۱۶	۳۰/۲	
	۴۵-۵۵	۵۸	۱۵/۱	
میزان تحصیلات	زیر دیپلم	۲۳	۶/۰	
	دیپلم	۵۵	۱۴/۳	
شغل	فوق‌دیپلم	۱۱۰	۲۸/۶	
	لیسانس	۱۴۲	۳۷/۰	
	فوق‌لیسانس و بالاتر	۵۴	۱۴/۱	
	شاغل	۶۶	۱۷/۲	
شغل	بیکار	۷۸	۲۰/۳	
	در حال تحصیل	۷۱	۱۸/۵	
	بازنشسته	۲۲	۵/۷	
	خانه‌دار	۱۴۷	۳۸/۳	

وضعیت تاهل، ۵۷/۵ درصد متاهل هستند، ۳۷ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی بوده و ۳۸/۳ درصد از زنان جامعه آماری شغل خود را خانه‌دار اعلام کردند که دارای بیشترین فراوانی در این نمونه آماری مورد بررسی هستند (جدول شماره (۳)).

با توجه به یافته‌های پژوهش در مورد نحوه تردد، ۴۰/۱ درصد (۱۵۴ نفر) زنان شرکت‌کننده در پژوهش وسیله ترددشان در محدوده محله تمامی موارد ذکر شده (با دوچرخه، پیاده، با ماشین همسر و ماشین شخصی و وسایل نقلیه عمومی) بود که بیشترین آمار فراوانی را به خود اختصاص داد (جدول شماره (۵)).

یافته‌های استنباطی

تحلیل سطح مطلوبیت شاخص‌های پژوهش در فضاهای شهری از دیدگاه زنان شهرشهرکرد

با توجه به یافته‌های پژوهش مربوط به دلیل مراجعت به بیرون از منزل، ۲۱/۴ درصد (۸۲ نفر) زنان شرکت‌کننده در پژوهش برای خرید و ۴۴/۵ درصد (۱۷۱ نفر) برای تمامی موارد ذکر شده (کار، خرید، اوقات فراغت، تحصیل و کارهای فرزندان) از منزل بیرون می‌رفتند که بیشترین آمار فراوانی را به خود اختصاص داد (جدول شماره (۴)).

جدول شماره (۴): شاخص‌های توصیفی مربوط به دلیل مراجعت به بیرون از منزل

تعداد کل	درصد فراوانی	تعداد (فراوانی)	متغیر	دلیل مراجعت به بیرون از منزل
۳۸۴	۱۳/۳	۵۱	کار	
	۱۰/۷	۴۱	تحصیل	
	۲۱/۴	۸۲	خرید	
	۷/۸	۳۰	فرزندان	
	۲/۳	۹	اوقات فراغت	
	۴۴/۵	۱۷۱	همه موارد	

جدول شماره (۵): شاخص‌های توصیفی مربوط به نحوه تردد

تعداد کل	درصد فراوانی	تعداد (فراوانی)	متغیر	وسیله تردد
۳۸۴	۱۵/۶	۶۰	پیاده	
	۳/۴	۱۳	با دوچرخه	
	۱۷/۷	۶۸	با ماشین همسر	
	۱۶/۷	۶۴	با ماشین شخصی	
	۶/۵	۲۵	وسایل نقلیه عمومی	
	۴۰/۱	۱۵۴	همه موارد	

جدول شماره (۶): ارزیابی فضاهای شهری شهرکرد به لحاظ امنیت زنان

مطلوبیت عددی آزمون = ۳						
۹۵٪ سطح معناداری		تفاوت از حد مطلوب	سطح معناداری	آماره آزمون T	میانگین	شاخص امنیت
پایین تر	بالاتر					
۱/۲۹۶۴	-۱/۱۳۵	-۱/۲۱۶	۰/۰۰۰	-۱۰/۰۳۳	۱/۷۸۳	تهدید امنیت هنگام استفاده از پل‌های عابر پیاده
-۱/۷۶۸۰	-۱/۵۵۴	۰/۶۶۱	۰/۰۰۰	-۶/۹۸۱	۲/۳۳۸	ایستگاه‌های اتوبوس دارای روشنایی و امنیت کافی
-۱/۳۹۶۵	۰/۱۷۶	۰/۲۸۶	۰/۰۰۰	-۱/۹۱۱	۲/۷۱۳	وضعیت پیاده‌روها به لحاظ روشنایی کافی و امنیت
۰/۲۱۲۲	۰/۰۱۴۳	۰/۱۰۹	۰/۰۰۰	۱/۷۱۸	۳/۱۰۹	قابل اطمینان بودن رانندگان تاکسی شهری و تهدید نشدن امنیت
-۰/۰۸۴	۰/۱۴۲	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰	۰/۵۸۱	۳/۰۳۳	مناسب بودن مسیربندی تاکسی‌ها از لحاظ امنیت
-۰/۹۲۴۴	-۰/۷۴۲	۰/۸۳۳	۰/۰۰۰	-۸/۹۹۷	۲/۱۶۶	استفاده راحت از فضاهای شهری به هنگام تاریکی شب
-۱/۱۳۹۸	-۰/۹۹۶	۱/۰۶۷	۰/۰۰۰	-۱۱/۵۳۲	۱/۹۳۲	نبود خطر و عدم تهدید به هنگام خلوتی فضاهای شهری
-۱/۱۸۸۳	-۱/۴۰۸	۱/۱۱۴	۰/۰۰۰	-۹/۷۱۲	۱/۸۸۵	استفاده زنان از همه امکانات سطح پارک به تنهایی و بدون مزاحمت
-۱/۲۳۷۵	-۱/۰۸۵۴	۱/۱۶۱	۰/۰۰۰	-۱۲/۰۳۱	۱/۸۳۸	عدم ورود وسایل نقلیه موتوری و دوچرخه‌ها به حریم پیاده‌رو

جدول شماره (۷): ارزیابی فضاهای شهری شهرکرد به لحاظ دسترسی زنان

مطلوبیت عددی آزمون = ۳					
شاخص دسترسی	میانگین	آماره آزمون T	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	
				بالاتر	پایین تر
در دسترس بودن و مناسب بودن وسایل بازی موجود در پارک‌ها برای زنان	۲/۵۸۳	-۷/۷۷۲	۰/۰۰۰	-۰/۴۲۴	-۰/۳۲۴
در دسترس بودن ناوگان اتوبوس‌رانی شهری مجهز	۳/۴۸۳	۸/۹۴۵	۰/۰۰۰	۰/۹۸۲	۱/۱۲۳
در دسترس بودن رستوران و کافی‌شاپ در فضاهای شهری برای حضور زنان	۲/۳۹۲	-۱۱/۰۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۶۰۵	-۰/۵۱۲
مطلوب بودن رفت‌وآمد و مراجعه به فضاهای شهری برای زنان	۲/۲۹۸	-۸/۲۱۴	۰/۰۰۰	-۰/۷۱۲	-۰/۸۹۲
دسترسی زنان به فضاهای مختلف شهر با تنوعی از وسایل حمل‌ونقل عمومی	۲/۷۰۸	-۴/۴۲۱	۰/۰۰۰	۰/۲۹۸	۰/۱۵۰۷
در دسترس بودن پارک‌های ویژه زنان به اندازه کافی	۱/۶۶۶۷	-۱۹/۰۴۲	۰/۰۰۰	۱/۳۳۴	-۱/۴۳۲
در دسترس بودن سرویس‌های بهداشتی برای استفاده زنان	۳/۰۴۱	۳/۵۲۶	۰/۰۰۳	۰/۰۴۱	۰/۱۵۵

جدول شماره (۸): ارزیابی فضاهای شهری شهرکرد به لحاظ نیازهای اجتماعی و فرهنگی زنان شهرکرد

مطلوبیت عددی آزمون = ۳					
شاخص اجتماعی - فرهنگی	میانگین	آماره آزمون T	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	
				بالاتر	پایین تر
پذیرفتن امر رانندگی زنان در این شهر از نظر فرهنگی	۳/۸۸۹	۱۱/۰۶۵	۰/۰۰۰	۰/۸۸۹	۱/۰۶۵
عدم محدودیت زنان برای شرکت در جشنواره‌ها و مراسم‌های شهرداری	۳/۵۳۱۳	۱۰/۵۶۸	۰/۰۰۰	۰/۵۳۱۲	۰/۰۵۰۲۷
امکان برخورداری زنان از آموزش‌های شهروندی برگزارشده توسط شهرداری	۳/۰۷۲	۸/۲۳۵	۰/۰۰۱	۰/۰۷۲	۰/۶۳۴
وجود فضاهای ورزشی شهری به اندازه کافی برای زنان	۲/۱۵۱	-۷/۴۹۷	۰/۰۰۰	-۰/۸۴۸۹	۱/۰۱۰
کفایت کتابخانه‌های شهر برای پاسخگویی به نیازهای زنان	۲/۴۲۱	۹/۹۷۹	۰/۰۰۰	۰/۵۷۸۱	۱/۱۳۵
وجود فضای مناسب برای گفت‌وگوی زنان	۳/۰۲۸۶	۰/۴۶۱	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸۶۵	۱/۲۱۶
امکان مشارکت زنان در مدیریت شهری	۲/۷۸۹	۳/۹۱۱	۰/۰۰۰	-۰/۲۱۰۹۴	-۰/۴۵۶

شاخص امنیت: نتایج به دست آمده از آزمون T تک‌نمونه‌ای در ارتباط با شاخص امنیت نشان می‌دهد که با در نظر داشتن میانگین حد مطلوب عددی ۳ و ارزیابی زیر معیارهای مختلف مورد بررسی فضاهای شهری شهرکرد به لحاظ امنیت زنان، میانگین نمره بیشتر زیرمعیارهای امنیت از میزان متوسط (میانگین = ۳) پایین تر بوده است. در این میان تهدید نشدن امنیت از طرف رانندگان تاکسی (با میانگین ۳/۱) و شاخص مناسب بودن مسیربندی تاکسی‌ها از لحاظ امنیت (۳/۰۳) از حد مطلوب بالاتر است و وضعیت بهتری را نسبت به سایر شاخص‌های امنیت نشان می‌دهند (جدول شماره (۶)).

جدول شماره (۹): ارزیابی شاخص فضاهای شهری شهرکرد به لحاظ بررسی فضاهای کالبدی و مبلمان

مطلوبیت عددی آزمون = ۳						
شاخص کالبدی و مبلمان	میانگین	آماره آزمون T	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب		۹۵٪ سطح معناداری
				بالاتر	پایین تر	
مناسب بودن مصالح به کاررفته در پیاده‌روها	۲/۷۵۳	-۴/۵۵۴	۰/۰۰۰	۰/۲۴۷-	-۰/۱۴۵	-۰/۳۶۵
مناسب بودن پل‌های هوایی موجود متناسب با فیزیولوژی زنان	۲/۳۹۱	-۷/۹۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۰۹-	-۰/۷۸۵	-۰/۴۷۸
کافی و مناسب بودن فضای اختصاص داده شده اتوبوس برای زنان	۲/۵۲۸	-۸/۵۲۱	۰/۰۰۰	۰/۴۷۱۳-	-۰/۵۹۴	-۰/۳۴۸
برخوردار بودن فضاهای شهری عمومی از راحتی نسبی برای نشستن، راه رفتن، امکان مشاهده دیگران و سایر فعالیت‌های دلخواه	۲/۲۱۰۹	۱۳/۷۸۵-	۰/۰۰۰	۰/۷۸۹۰۶-	-۰/۹۰۱	-۰/۶۷۶
مناسب بودن مبلمان، نیمکت‌ها و محل‌های نشستن در پارک‌ها برای زنان	۲/۴۵۱	-۱۰/۳۷۴	۰/۰۰۰	۰/۵۴۹-	-۰/۴۵۷	-۰/۶۵۶
مناسب بودن سرویس‌های بهداشتی و آبخوری‌های موجود در فضاهای شهری برای استفاده زنان	۳/۱۰۲	۱/۷۷۴	۰/۰۰۰	۰/۱۰۲	۰/۲۱۳	-۰/۱۰۵
وجود فضاهای مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و اوقات فراغت برای زنان	۲/۶۳۲	-۶/۳۴۴	۰/۰۰۰	۰/۳۶۸-	-۲۵۶	-۰/۴۶۷
عدم سردرگمی به هنگام ورود به فضاهای شهری عمومی (مثل پارک، کتابخانه، اماکن ورزشی و...)	۳/۰۰۱	۱/۳۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۹۱	-۰/۱۰۲

آزمون است (جدول شماره (۸)). از میان آنها، سه عامل «امکان برخوردار شدن از آموزش‌های شهروندی برگزار شده توسط شهرداری، پذیرفتن امر رانندگی زنان در این شهر از نظر فرهنگی و عدم محدودیت زنان برای شرکت در مراسم‌ها و جشنواره‌های شهرداری» میانگین بالاتر از حد مطلوبیت مشاهده می‌شود. کرانه‌های بالا و پایین مثبت این زیر معیارها و مقدار T مثبت آنها هم حاکی از این امر است. البته زیر معیارهای وجود فضاهای ورزشی و کتابخانه و همچنین زیر معیار امکان مشارکت زنان در مدیریت شهری پایین تر از حد مطلوب بیان شده است.

شاخص کالبدی و مبلمان: بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون T تک نمونه‌ای در ارزیابی زیر معیارهای مختلف مورد بررسی فضاهای شهری شهرکرد به لحاظ شاخص کالبدی و مبلمان میانگین نمره اکثر این عوامل

شاخص دسترسی: نتایج بررسی دسترسی به عنوان یکی از شاخص‌های تأثیرگذار در ارزیابی فضاهای شهری در جدول شماره (۷) بیان شده است. طبق یافته‌ها زنان در محدوده مورد بررسی اذعان داشته‌اند که اکثر زیر معیارها در این شاخص از حد مطلوب پایین تر است، مقدار منفی آماره T، کرانه‌های بالا و پایین منفی تأییدکننده این وضعیت است. در این میان تنها زیر معیارهای در دسترس بودن ناوگان اتوبوس رانی شهری و همچنین در دسترس بودن سرویس‌های بهداشتی برای استفاده زنان، وضعیت به نسبت مطلوب تری را نشان می‌دهند و میانگین آنها از حد مطلوب بالاتر بیان شده است.

شاخص اجتماعی و فرهنگی: برای شاخ اجتماعی و فرهنگی، میانگین نتایج نشان می‌دهد که بیشتر زیر معیارهای این شاخص، بالاتر از حد مطلوبیت

جدول شماره (۱۰): نتایج ضریب همبستگی چندگانه

سطح معن اداری (Sig)	آماره-F	خطای برآورد استاندارد	ضریب تعیین (R ²)	ضریب همبستگی چندگانه (R)	متغیرهای پیش‌بین	گام‌ها	الگوها
۰/۰۰۰	۵۴/۷۸	۰/۷۳	۰/۲۰	۰/۴۴۶	امنیت	۱	گام به گام
۰/۰۰۰	۳۳/۶۸	۰/۷۱	۰/۲۳	۰/۴۸۵	امنیت+ دسترسی	۲	
۰/۰۰۰	۲۴/۳۸	۰/۷۱	۰/۲۵	۰/۵۰۱	امنیت+ دسترسی + ابعاد کالبدی	۳	

شهری و میزان حضور زنان را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار بالای F مشخص می‌شود که این رگرسیون از معناداری بالایی برخوردار است. چنان‌که مشاهده می‌شود، ابعاد امنیت، دسترسی و شرایط کالبدی طی سه گام، قادر به پیش‌بینی میزان حضور زنان در فضاهای شهری بوده‌اند. برپایه آنچه در جدول شماره (۱۰) ارائه شده، طی گام اول، تنها بعد امنیت با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۴۶، ۲۰ درصد از واریانس میزان حضور زنان را تبیین کرده است. در گام دوم، شرایط دسترسی با ضریب بتای استاندارد ۰/۲، به بعد امنیت (با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۴۶) افزوده شده و توان تبیین فعالیت و حضور زنان را به ۰/۲۳ درصد رسانده که از این مقدار، ۰/۳۶ درصد به صورت انحصاری و افزوده مربوط به ابعاد دسترسی بوده است. در گام سوم، ابعاد کالبدی با ضریب بتای استاندارد ۰/۱۳۴، به بعد امنیت (با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۴۶) و دسترسی با ضریب بتای ۰/۲ افزوده شده و توان تبیین کارایی را به ۰/۲۵ درصد رسانده که از این مقدار، ۰/۱۶ درصد به صورت انحصاری و افزوده به ابعاد کالبدی مربوط بوده است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون حاکی از این است که سه متغیر مستقل پژوهش (امنیت، دسترسی و ابعاد کالبدی) در سه گام، با متغیر وابسته یعنی میزان فعالیت زنان رابطه معناداری داشته است.

از میزان متوسط معیار نمرة (میانگین=۳) پایین‌تر بوده است که نشان‌دهنده مخالفت پرسش‌شوندگان در تأیید مطلوبیت شاخص مورد بررسی بوده است. مقدار T منفی، کرانه‌های بالا و پایین منفی تأییدکننده این وضعیت نامطلوب است. مطابق با جدول ذیل، در میان عوامل مورد بررسی، «عدم سردرگمی هنگام ورود به فضاهای شهری عمومی (مثل پارک، کتابخانه، اماکن ورزشی و...)» و «مناسب بودن سرویس‌های بهداشتی و آب‌خوری‌های موجود در فضاهای شهری برای استفاده زنان» دارای شرایطی به نسبت بهتر و بالاتر از حد مطلوبیت آزمون هستند (جدول شماره ۹)).

تحلیل رگرسیون شاخص‌های فضاهای شهری و میزان حضور و فعالیت زنان

جهت بررسی نقش شاخص‌های فضاهای شهری (شامل شرایط کالبدی، امنیت، دسترسی و فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی) به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش و میزان حضور زنان در فضاهای شهری به عنوان متغیر وابسته و همچنین مشخص کردن اینکه تغییرات متغیر وابسته، تحت تأثیر تغییرات کدام یک از متغیرهای مستقل قرار می‌گیرد؛ یا به بیان دیگر کدام یک از متغیرهای مستقل به صورت معناداری با میزان حضور زنان ارتباط دارند، از روش رگرسیون گام به گام چندمتغیره استفاده شده است. جدول شماره (۱۰) نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون شاخص‌های فضای

جدول شماره (۱۱): ضرایب استاندارد و غیراستاندارد پیش بینی میزان فعالیت زنان از طریق متغیرهای پیش بین در رگرسیون

الگوها	گامها	مقادیر ثابت و پیش بین	ضریب بتای غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب بتای استاندارد	T مقدار	معناداری
گام به گام	۱	مقدار ثابت	۰/۵۷۱	۰/۲۸۲	-	۲/۰۲	-
		امنیت	۰/۶۶۸	۰/۰۹۰	۰/۴۴۶	۷/۴۰	۰/۰۴
	۲	مقدار ثابت	-۰/۵۸۰	۰/۴۵۳	-	-۱/۲۸	-
		امنیت	۰/۶۵۳	۰/۰۸۹	۰/۴۳۶	۷/۳۷	۰/۰۴
		دسترسی	۰/۴۵۷	۰/۱۴۳	۰/۲۰	۳/۲۰	۰/۰۲
	۳	مقدار ثابت	۰/۸۶۷	۰/۴۶۹	-	-۸۵۱	-
		امنیت = x1	۰/۵۹۶	۰/۰۹۲	۰/۳۹۸	۶/۴۸	۰/۰۴
		دسترسی = x2	۰/۴۱۳	۰/۱۴۳	۰/۱۷۱	۲/۸۹	۰/۰۲
		ابعاد کالبدی = x3	۰/۱۹۶	۰/۰۹۱	۰/۱۳۴	۲/۱۵	۰/۰۲

بنابراین، معادله رگرسیونی به صورت زیر درآمده است:

$$E(Y|x_1, x_2, x_3) = 0.867 + 0.596(x_1) + 0.413(x_2) + 0.196(x_3)$$

نتیجه گیری

زنان به عنوان نیمی از شهروندان و از گروه های اصلی حاضر در عرصه عمومی شهرها هستند. حضور آنها در فضاهای عمومی شهری و تلاش برای رفع محدودیت ها امری است که مورد توجه خاص برنامه ریزان شهری قرار می گیرد و درک اینکه چگونه زنان از محیط زندگی و فضای شهری بهره مند شوند و در آن مشارکت کنند، از مسائل مورد توجه است. این پژوهش میزان پاسخگویی فضاهای عمومی شهری را به نیاز زنان در شهر شهرکرد بررسی می کند. نتایج حاصل از این پژوهش به شرح زیر است:

در فضاهای شهری شهرکرد دارای میانگین بالاتر از حد مطلوبیت آزمون نبودند و از میان ۴ شاخص اصلی مورد بررسی، شاخص فعالیت های فرهنگی - اجتماعی، وضعیتی به مراتب بهتر از سایر شاخص ها در محدوده مورد مطالعه داشت. به طور کلی، با توجه به نتایج این بخش می توان گفت فضاهای شهری شهرکرد پاسخگوی نیازهای زنان نیست. نتایج پژوهش مورد نظر با پژوهش پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۴) همسوست. شهرها را مردانی طراحی کرده اند که شناخت محدود و یا اندکی از نیازهای زنان داشته اند. فیزیولوژی خاص زنان در بسیاری از موارد آنان را از فضاهای شهری دور می کند. نامناسب بودن طراحی شهری، خیابان، پیاده رو و... سبب می شود در بسیاری از موارد توان دسترسی زنان، به دلایلی که گاهی خود نیز دقیقاً از آن اطلاع ندارند، سلب شود.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام جهت بررسی تأثیر مطلوبیت فضاهای شهری بر حضور زنان، گویای آن است که متغیر «امنیت» بیشترین تأثیر را بر متغیر

بررسی نتایج به دست آمده از آزمون T تک نمونه ای گویای آن است که در خصوص شاخص های کلی پژوهش، هیچ یک از شاخص های حضورپذیری زنان

ملاک دارد. یافته‌های پژوهش هم‌سو با یافته‌های پژوهش بیضایی و همکاران (۱۳۹۷) است که نشان داد شاخص امنیت در خصوص حضور زنان در فضاهای شهری دارای اهمیت بسیار زیادی است. این امر بدین معنی است که زنان جامعه ما در فضاهای شهری همچنان با حس ناامنی روبه‌رو هستند و این عامل یکی از عوامل اصلی در بازدارندگی و محدودیت استفاده از فضاهای شهری است.

بعد دوم: امنیت
زنان به‌علل مختلف فرهنگی و امنیتی و نیز محدودیت‌های قانونی و عرفی از بسیاری از فضاهای فراغتی و تفریحی کنار گذاشته شده‌اند. بیشتر زنان شرکت‌کننده در پژوهش معتقدند بسیاری از فضاها به‌لحاظ امنیت و راحتی فاقد جو مناسب حضور زنان،

آن‌هم به‌تنهایی هستند. در این میان حتی فضاهایی مثل بوستان بانوان شهرکرد که منحصرأً برای زنان این شهر ایجاد شده است با مشکلات امنیتی روبه‌روست، بدین صورت که بر اساس اظهارات افراد نمونه این پژوهش، امنیت در این پارک برای بانوان پایین است؛ زیرا این بوستان فاقد نگرانی است و دیوارهای آن هیچ‌گونه حفاظتی ندارند. همچنین داشتن دید از بین دیوارها برای استفاده‌کنندگان حس ناامنی ایجاد می‌کند. از نظر زنان فضای شهر بیش از آنکه به‌لحاظ کالبدی و امکانات فیزیکی اهمیت داشته باشد، از نظر جو حاکم بر فضای شهری و احساس راحتی و امنیت مهم است. هرچه میزان تردد زنان در پهنه‌های مورد مطالعه بیشتر بوده است، احساس امنیت بیشتری داشته‌اند. با ارتقای حیات شبانه فضا و افزایش کارایی حمل‌ونقل عمومی میزان احساس امنیت درک شده از فضا بیشتر می‌شود.

بعد سوم: اجتماعی-فرهنگی
یکی از موارد افزایش حضور اجتماعی زنان در فضاهای شهری، استفاده از ایده‌ها و دیدگاه‌های آنان در برنامه‌های مختلف شهری است. می‌توان گفت با توجه به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان نسبت به این بعد رضایت بیشتری داشتند. اما آن‌ها خواستار وجود فضاهایی برای ورزش، همچنین مشارکت خود در مدیریت شهری بودند. زنان معتقد بودند اگر مسئولیت برنامه‌ها و

تحلیل نتایج پژوهش مورد بررسی بیانگر آن است که زنان در محدوده مورد مطالعه مدت‌هاست به سختی‌ها و مشکلات پیش‌روی خود در فضاهای شهری پی برده‌اند. زندگی شهری زنان مملو از تجربه موقعیت‌ها و شرایطی است که آنان را با مسائلی متفاوت از مردان مواجه ساخته است. برنامه‌ریزان باید رویکردهای قدیمی خود به توسعه محیط را کنار بگذارند و ماهیت وجودی زنان و روش‌های کاربردی آنان از فضای شهری را درک کنند. درک نادرست نیازهای شهری زنان، نخستین دلیل برای بروز نابرابری میان فضای شهری زنان و مردان است و در نهایت حضور کمتر زنان در فضاهای شهری را رقم می‌زند. در ادامه، به تحلیل نتایج به‌دست آمده به تفکیک ابعاد مورد بررسی می‌پردازیم:

بعد اول: دسترسی
موضوعی که زنان در پاسخ‌هایشان به آن تأکید داشتند موضوع حمل‌ونقل و دسترسی به آن بود. از آنجاکه زنان در مقایسه با مردان کمتر با وسیله نقلیه شخصی رفت‌وآمد می‌کنند و به دلایل مختلف بیشتر به وسایل حمل‌ونقل عمومی نیاز دارند، این نکته باید مورد توجه صاحب‌نظران شهری و برنامه‌هایشان باشد. وسایل حمل‌ونقل عمومی مانند سایر عناصر کالبدی شهر به حضور زنان در فضاهای شهری کمک می‌کند. همچنین سطح دسترسی به اماکن تفریحی، رستوران‌ها

طرح‌های مختلف شهری را زنان برعهده داشته باشند، به دلیل نگاه زنانه به جامعه، در تغییر و بهبود وضعیت فضای شهری موفق‌تر عمل خواهند کرد.

بعد چهارم: کالبدی و مبلمان شهری

بیشتر زنان در محدوده مورد مطالعه به مشکلات کالبدی فضای شهر، مانند پل‌های عابر پیاده که مناسب ویژگی جسمانی زنان نیست، چاله‌ها و فرورفتگی‌های سطح پیاده‌رو، پله‌های مرتفع و بسیاری دیگر از این موارد اشاره کرده‌اند. این موارد برای زنان در مقایسه با مردان مشکلات و سختی‌های بیشتری ایجاد می‌کند. شرایط نامناسب پل‌های عابر پیاده باعث می‌شود تا بسیاری از زنان از اتوبان برای عبور استفاده کنند. در این میان، زنان دارای فرزند با مسائل متفاوت و دوچندانی در زندگی شهری مواجه هستند، از جمله همراه داشتن کودکان مخصوصاً با کالسکه در فضاهای شهری با وجود سطح نامناسب پیاده‌روها و وجود موانع متعدد در مسیر رفت‌وآمد و نیاز به مکان‌هایی جهت شیردهی به کودکان خود از جمله مسائلی است که از ورود زنان دارای فرزند به فضاهای شهری جلوگیری می‌کند. ترس زنان به خصوص در شب که احساس خطر از فضاهای خالی و کم‌نور و اجتناب از آن‌ها تشدید می‌شود، مانع استفاده آن‌ها از فضای شهری می‌شود.

با توجه به ابعاد مورد بررسی و نتایج به دست آمده، در راستای پاسخگویی فضاهای شهری به نیازهای زنان پیشنهادی زیر ارائه می‌شود:

سطح کلان

- نظرسنجی از زنان برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری قبل از انجام آن؛
- تأمین امنیت روزانه و شبانه شهروندان به ویژه زنان با کارهایی، مثل تأمین نور کافی و دید عابران؛
- تأمین دسترسی به وسایل نقلیه عمومی در ساعات

مختلف روز؛

- زمینه‌سازی برای حضور و مشارکت زنان و نشان دادن توانایی‌ها و استعدادهایشان در برنامه‌های مختلف شهری به منظور افزایش تعلق زنان به زندگی شهری و تحقق حقوق شهروندی آنان؛

- مکان‌یابی فضاهای عمومی با در نظر گرفتن دسترسی‌های آسان به آن.

سطح خرد

- شناسایی مکان‌های آسیب‌پذیر و ناامن و افزایش تردد در آن‌ها در محدوده مورد مطالعه؛

- ایجاد پیاده‌راه در فضای شهری برای زنان در شرایط مختلف با چرخ، کالسکه و... با پیش‌بینی تمهیدات لازم برای دسترسی، از جمله رمپ، پل و...
- برگزاری کلاس‌های فرهنگی هنری و ویژه زنان به

تفکیک گروه‌های سنی؛

- اختصاص زمان برگزاری نمایشگاه‌های فصلی، مسابقات ورزشی و حراج دوره‌ای به شب و افزایش امنیت آنها جهت حضور بیشتر زنان؛

- شفاف‌سازی بدنه‌ها و جدارهای عمومی و به حداقل رساندن نقاط کور؛ رؤیت‌پذیری از طریق مناسب‌سازی کالبدی فضاهای گم‌شده و محوطه‌آرایی فضاهای شهری؛

- استفاده از مبلمان و تجهیزات طراحی شده ویژه نیازهای زنان؛

- جلوگیری از به وجود آمدن فضاهای رهاشده در سطح فضای شهری و محلات که امنیت محیطی را کاهش می‌دهد؛

- برنامه‌ریزی مناسب برای خدمات محله‌ای که زمینه‌ساز حضور اختیاری و اجتماعی زنان در فضا می‌شود.

منابع

۱. بیضایی، میترا و غروی، غنچه. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه‌های موثر بر حضور بانوان در فضاهای شهری و تحلیل اثرات تک جنسیتی شدن فضاها (نمونه پژوهش: بوستان بانوان ملت مشهد). نشریه جغرافیا و روابط انسانی، ۳۱(۳)، ۸۳۸-۸۱۹. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26453851.1397.1.3.48.3>
۲. بهشتی اصل، احد، ولیزاده، رضا و احمدزاده، حسن. (۱۴۰۱). تأملی بر رویکرد عدالت جنسیتی در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شهر تبریز). مجله مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۵(۵۵)، ۹۱-۱۰۹. doi: 10.30495/jss.2021.1924188.1307
۳. پارسی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). شناخت محتوای فضای شهری، نشریه هنرهای زیبا، ۱۱(۱۱)، ۴۹-۴۱.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۴۰۰). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی.
۵. پرتویی، پروین. (۱۳۹۱). کارگروه زنان و فضاهای عمومی شهری. مقاله‌های اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۶. پورا احمد، احمد، رشیدی، یوسف و اشرفی، طلا. (۱۳۹۲). دگرگونی‌های حضور زنان در فضاهای عمومی شهری موردکاوی: پارک ائل گلی و خاقانی تبریز. ۱۱(۳)، ۳۷۶-۳۵۱. jwdp.2013.36533/doi.org/10.22059/jwdp.2013.36533
۷. پورمحمدی، محمدرضا، خضرنژاد، پخشان، احمدی، پولاد و جهان‌بین، رضا. (۱۳۹۳). بررسی میزان انطباق فضاهای عمومی شهری با نیازهای زنان شهر ارومیه، نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) ۱۳، ۱(۱)، صص. ۴۰-۲۳. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2013.36533>
۸. چرخ‌چیان، مریم و دانش‌پور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۸). بررسی مؤلفه‌های طراحی فضاهای عمومی باسرخگو، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز). ۳۰(۱۴)، ۸۵-۵۳.
۹. جاویدانی، نیره. (۱۳۹۱). زنان و فضاهای شهری، مجموعه مقالات اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری، تهران، ۶۲-۵۷.
۱۰. حاجی احمدی همدانی، آذین، ماجدی، حمید و جهان‌شاهلو، لعلا. (۱۳۹۴). بررسی معیارهای تأثیرگذار بر افزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: محله پونک (۲۰ متری گلستان)، شهر تهران). فصلنامه مطالعات شهری، ۴(۱۴)، صص. ۵۹-۴۷.
۱۱. حیدری چپانه، رحیم، حاضری، صفیه، تیموری، راضیه و احمدی، توحید. (۱۳۹۳). سنجش میزان موفقیت پارک‌های بانوان از دیدگاه شهروندان (نمونه موردی: کلان شهر تبریز). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۵(۲۰)، ۱۴۲-۱۲۷.
۱۲. خاتم، اعظم. (۱۳۸۶). تغییر نقش زنان در حوزه عمومی و خصوصی. گفت‌وگو با اعظم خاتم. نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۸۷، ۴۶-۳۶.
۱۳. رضازاده، راضیه و محمدی، مریم. (۱۳۸۷). طراحی فضای محله‌ای با تکیه بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی. فصلنامه معماری و شهرسازی، ۱۱(۱)، ۷۲-۵۵.
۱۴. زاهدی، شمس‌السادات. (۱۳۸۸). زنان در عرصه مدیریت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۵. سیفایی، مهسا. (۱۳۸۴). مطلوبیت‌سنجی فضاهای عمومی شهری جهت استفاده گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) در الگوی برنامه‌ریزی مشارکتی مورد مطالعه: میدان نبوت (هفت حوض). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، گروه شهرسازی.

۱۶. شهرستانی، لیلا. (۱۳۹۱). حقوق شهروندی زنان در فضاهای شهری، مجموعه مقالات اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری.
۱۷. صادقی، علی رضا، احمدی، فریال، غفاری سروسستانی، نازنین و رفیعیان مجتبی. (۱۳۹۱). تدقیق انگاره‌های حاکم بر حضور زنان مسلمان در عرصه‌های عمومی شهری (نمونه موردی: شهر شیراز). فصلنامه مطالعات شهری، ۱(۲)، ۷۱-۸۵.
۱۸. صادقی، علی و پورغلامی، محمدرضا. (۱۳۹۹). تحلیلی بر عناصر محیطی مؤثر بر احساس امنیت زنان در فضاهای شهری مورد مطالعه: شهرری، دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی و اجتماعی زنان و خانواده، ۸(۲)، ۴۴۹-۴۲۵. ۲۰/۱۰۰۱/۱/۲۳۲۲۴۲۷۴/۱۳۹۹/۸/۲/۶/۳
<https://dor.isc.ac/dor>
۱۹. عظیمی، میترا. (۱۳۹۵). شهرهای دوستدار زن و استراتژی‌های دستیابی به آن، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۱(۲)، ۱۴۴-۱۱۹. <https://doi.org/10.22054.urdp/2016/7259>
۲۰. فرهادیان، نفیسه و نفتی، ملیکا. (۱۳۹۲). بررسی و ساماندهی فضاهای شهری در جهت افزایش حضورپذیری زنان، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری، تبریز.
۲۱. کارمونا، متیو؛ هیت، تیم؛ تر، اک. تیسدل، استیون. (۱۳۹۴). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، ترجمه فریبا قرانی، مهشید شکوهی، زهرا اهری، اسماعیل صالحی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۲۲. کیانی‌سلمی، صدیقه. (۱۳۹۹). بررسی و تبیین الگوی گذران اوقات فراغت، سنجش نگرش‌ها و شناسایی موانع در فضاهای گردشگری فراغتی ویژه بانوان (نمونه موردی: کاشان)، دوفصلنامه پژوهش‌های
- انتظامی و اجتماعی زنان و خانواده، ۸(۲)، ۵۲۲-۴۹۳. ۲۰/۱۰۰۱/۱/۲۳۲۲۴۲۷۴/۱۳۹۹/۸/۲/۶/۳
<https://dor.isc.ac/dor>
۲۳. مدنی‌پور، علی. (۱۳۹۶). طراحی فضاهای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان چهارمحال بختیاری.
۲۵. مک‌داول، ال. (۱۳۹۲). جداسازی جنسیتی در فضای شهری، ترجمه پرتو فرهودی، نشریه زن‌نگار، شماره ۱۲.
۲۶. نقدی، اسدالله و دارابی، سارا. (۱۳۹۳). دسترسی زنان به فضاهای شهری (مطالعه موردی: زنان شهر ایلام)، نشریه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، ۴۶۱.۲۰۱۴/۵۶۰۲۰-۴۷۰، (۴)۶ <https://doi.org/10.22059/jwica>
27. Abada, N. (2013). Understanding Women-Friendly Cities: Distilling Elements from United Nations Designated Cities, Indiana: Ball State University .
28. Beebeejaun, Y. (2017). Gender, urban space, and the right to everyday life, Journal of Urban Affairs, 39 (3), 323-334. <https://doi.org/10.1080/07352166.2016.1255526>.
29. Alzahrani, A. (2022). Classification of Urban Spaces: An Attempt to Classify Al-Baha City Urban Spaces Using Carmona's Classification, journals.sagepub.com/home/sgo, 1-20. <https://doi.org/10.1177/21582440221097892>.
30. Bell, W. (1998). Women and Community Safety, Safer Communities: Strategic Direction in Urban Planning.
31. Franck, K., Paxson, L. (1989). Woman and Downtown Open Spaces, In I.Altman and E.

- 10.22034/ijumes.2022.713781.
38. Liu, Z., Liu, L., Li, Y., Li, X. (2023). Influence of urban green space landscape pattern on river water quality in a highly urbanized river network of Hangzhou city, *Journal of Hydrology*, 621(2). <http://dx.doi.org/10.1016/j.jhydrol.2023.129602>.
39. Rush, Liz m. (2012). An Autoethnography of Fuencarral43: Women in Masculine Public Space, *the Journal for Undergraduate Ethnography*, 2(1), 1-13. <https://doi.org/10.15273/jue.v2i1.8120>.
40. Tandogana, O., Ilhan, B. S. (2016). Fear of crime in public spaces: from the view of women living in cities. *Procedia Engineering*, 161, 2011–2018. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2016.08.795>.
41. Wekerle, Gerda R. (2010). Gendered spaces of a pluralistic citizenship, in *Democracy, citizenship and the global city*, Elgin F. Is in Rutledge, London.
42. Wekerle, Gerda (2005). Gender and the global city: Social exclusion, spatial inequality and claims for justice, in H.H. Hiller (Eds), Oxford University Press, Toronto, pp.225 – 245.
43. Yilmaz, M.,)2018(. Public Space and Accessibility, *International Journal of Architecture and Planning*, Vol. 6 (Special Issue), 1-14. <https://doi.org/10.15320/ICONARP.2018.46>.
- Zube Eds, *Public Places and Space*, New York: Plenum Press.
32. Jarvis, H., Cloke, J., Kantor, P. (2011). *Cities and gender*. Routledge. London and Newyork.
33. Galkowski, M., Antosz, P. (2022). The hidden boundaries of public space: Awareness of civil rights restrictions in privatized urban squares in Poland, *Journal of Cities*, 127(12). <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2022.103722>
34. Galiano, A., Echarri, V., & Espinosa, A. (2017). Public participation in the process of improving quality of the urban frame. *International Journal of Sustainable Development and Planning*, 12(4), 644–654. <http://dx.doi.org/10.2495/SDP-V12-N4-644-654/030>.
35. Ghahremani; H., Afsari Bajestani, S., McCarthy; L., and Jalalianhosseini, M. (2021). Transformation of Urban Spaces within Cities in the Context of Globalization and Urban Competitiveness, *Journal of Urban Planning and Development*, Volume 147 (3). [http://dx.doi.org/10.1061/\(ASCE\)UP.1943-5444.0000703](http://dx.doi.org/10.1061/(ASCE)UP.1943-5444.0000703).
36. Gottdiener, M, Hutchison, R. (2011). “The new urban sociology”, westview press.
37. Kanaani, C. (2022). The relationship between the presence of women in urban spaces and the indicator of urban desirability. *International Journal of Urban Management and Energy Sustainability*, 3(4), 108-119. doi:

نحوه ارجاع به این مقاله:

رضائی، مریم؛ رونقی، مرضیه، و کوهی کمالی، سارا. (۱۴۰۳). بررسی میزان مطلوبیت و پاسخگویی فضاهای عمومی شهری در راستای حضور زنان (مورد مطالعه: شهر شهرکرد). پژوهشهای فضا و مکان در شهر. ۸(۳۱). ۵۰-۳۱. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2046121.1089>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2046121.1089>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_719838.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



OPEN ACCESS



تدوین چهارچوب مفهومی تحقق‌پذیری مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری*

پسند مهدوی سعیدی

دانشجوی دکتری رشته شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مصطفی بهزادفر**

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

محمد مسعود

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

سید محمد رشتیان

استادیار گروه شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

مقتدرسازی در توسعه زنان راهی برای تعریف، به چالش کشیدن و غلبه بر موانع زندگی آنهاست که از طریق آن، توانایی خود را برای شکل دادن به زندگی افزایش می‌دهند. فرآیند مقتدرسازی نه تنها می‌تواند مهارت‌ها و دسترسی آنها به منابع تولیدی را ارتقا دهد، بلکه در ارتقای کیفیت، منزلت و جایگاه کار در جامعه نیز موفق خواهد بود. تأثیر مقتدرسازی زنان تأثیر قدرتمندی بر هنجارها، ارزش‌ها و در نهایت قوانین حاکم بر این جوامع ایجاد می‌کند. در همین راستا، هدف پژوهش حاضر تلفیق و ترکیب نتایج مطالعات صورت گرفته در خصوص تحقق‌پذیری مقتدرسازی زنان شهری است.

پژوهش حاضر، بر اساس رویکرد کیفی و از لحاظ هدف پژوهشی کاربردی است. در این پژوهش با روش فراترکیب به مرور نظام‌مند چهل و سه پژوهش در بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۴ پرداخته شد. جامعه آماری مشتمل بر کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و اسناد علمی مرتبط با مقتدرسازی زنان شهری بود و منابع پژوهش به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد.

نتایج بیانگر آن است که مقتدرسازی زنان شهری منوط به تحقق‌پذیری ۵ مقوله یا معیارهای متمایزکننده، ۲۴ زیرمقوله و ۱۶۶ کد است. بر اساس نتایج حاصل از یکپارچه‌سازی داده‌های پژوهش در فرایند فراترکیب، مقوله گفتمان اصلی توسعه، ۳۳/۷۳ درصد کل کدهای استخراج‌شده را به خود اختصاص داده است. مقوله نوع دانش مورد نیاز برای توسعه ۳۲/۵۴ درصد، مقوله مراحل اقتداربخشی ۶/۰۳ درصد، مقوله ظرفیت‌سازی ۸/۶۷ درصد و

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان: «مقتدرسازی زنان به منظور ارتقای جایگاه آنان در محیط تصمیم‌گیری (موردپژوهی اصفهان)» با راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) است.

** ایمیل نویسنده مسئول: behzadfar@iust.ac.ir

مقوله نهادسازی ۹/۰۳ درصد، کل کدهای استخراج شده را به خود اختصاص داده است. از این رو، بیشترین کدهای استخراج شده متعلق به مقوله گفتمان اصلی توسعه است. ضریب کاپای کوهن پژوهش حاضر معادل ۷۷۴/۰ با معناداری ۰/۰۰۰ می باشد که نشانگر توافق معتبر و مناسب بودن پایایی (بالتر از ۰/۶) است. پژوهش حاضر با تلفیق و سنتز نتایج مطالعات پیشین توانسته است چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان شهری را ارائه کند و زمینه را برای کاربست آن در فضاهای شهری فراهم آورده است.

واژگان کلیدی: مقتدرسازی، مقتدرسازی زنان، عاملیت، جریان اصلی، فضای شهری، فراترکیب.

تولید مثل، افزایش می‌دهد که به‌نوبه خود برای موفقیت بلندمدت برنامه‌های جمعیت ضروری است. تجربه نشان می‌دهد که برنامه‌های جمعیت و توسعه زمانی بیشترین تأثیر را دارند که گام‌هایی به‌طور هم‌زمان برای بهبود وضعیت زنان برداشته شده باشد (Zhang et al., 2014; Tabasum Niroo & Crompton, 2022). شناسایی عوامل مقتدرسازی زنان موجب می‌شود درک نقش زنان در تغییرات اجتماعی جوامع آسان شود. پنجاه و سومین جلسه کمیسیون وضعیت زنان^۳ بر اهمیت انجام تحقیقات و توسعه شاخص‌های حساس جنسیتی برای اطلاع‌رسانی به سیاست‌گذاری و امکان انجام ارزیابی‌ها تأکید کرده است (Wiklander, 2010: 9). از این‌رو، مقتدرسازی زنان بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق بشر و توسعه است. توسعه به‌عنوان یک کل مسئول کاهش نابرابری بین زن و مرد است، درحالی‌که مقتدرسازی زنان روند توسعه را تسریع می‌بخشد. مقتدرسازی زنان فرآیندی چندبعدی است که در بسترهای جامعه‌شناختی، روانی و اقتصادی در سطوح مختلف، یعنی سطوح فردی، گروهی و اجتماعی رخ می‌دهد. مقتدرسازی زنان لزوماً به معنای دادن قدرت به آن‌ها نیست، بلکه مقتدرسازی آن‌ها برای اعمال این قدرت است. بسیاری از زنان در حال حاضر قدرت زیادی در دانش و انگیزه خود دارند، اما همیشه عضو طبقه مقتدر نیستند. مقتدرسازی زنان فرآیندی است که از طریق آن، زنان مسائل جنسیتی را که مانع رشد آن‌ها می‌شود، می‌شناسند و اصلاح می‌کنند. مقتدرسازی زنان شرط لازم برای ایجاد یک ملت خوب است؛ وقتی زنان مقتدر شوند، جامعه‌ای با ثبات تضمین می‌شود. مقتدرسازی زنان امری ضروری است؛ زیرا نظام ارزشی آن‌ها به توسعه خانواده خوب، جامعه خوب و در نهایت

مقتدرسازی^۱ در بسیاری از نهادهای توسعه به‌واژه‌ای آشنا تبدیل شده است. اهداف مقتدرسازی نیز با فراوانی در اسناد سیاستی صادرشده توسط دولت‌ها، به‌ویژه اسناد راهبردی مربوط به کاهش فقر، ظاهر شده است (Alsop et al., 2006:1). مقتدرسازی زنان^۲ و بهبود وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی آنان به‌خودی‌خود هدف بسیار مهمی است. علاوه‌بر این، برای دستیابی به توسعه پایدار ضروری است. مشارکت و شراکت کامل زنان و مردان در ایجاد یک زندگی مولد و بارور، از جمله مسئولیت‌های مشترک برای مراقبت و پرورش کودکان و نگهداری از خانواده ضروری است. در تمام نقاط جهان، زنان به‌دلیل فشار بیش از حد کار و عدم قدرت و نفوذ خود با تهدیداتی برای زندگی، سلامت و رفاه خود مواجه هستند. در بیشتر مناطق جهان، زنان نسبت به مردان آموزش رسمی کمتری دریافت می‌کنند و در عین حال، دانش، توانایی‌ها و مکانیسم‌های مقابله‌ای خود زنان اغلب ناشناخته می‌مانند. روابط قدرتی که مانع دستیابی زنان به زندگی سالم و رضایت‌بخش می‌شود، در بسیاری از سطوح جامعه، از شخصی‌ترین تا کاملاً عمومی، عمل می‌کند. دستیابی به تغییر مستلزم اقدامات سیاسی و برنامه‌ای است که دسترسی زنان به معیشت امن و منابع اقتصادی را بهبود می‌بخشد، مسئولیت‌های افراطی آنان را در مورد مشاغل خانگی کاهش می‌دهد، موانع قانونی برای مشارکت آنها در زندگی عمومی را برطرف می‌کند و آگاهی اجتماعی را از طریق برنامه‌های مؤثر آموزش و ارتباطات جمعی افزایش می‌دهد. افزون بر این، بهبود وضعیت زنان ظرفیت تصمیم‌گیری آنها در تمام سطوح در همه عرصه‌های زندگی را، به‌ویژه در حوزه جنسی و

3. The 53rd session of the Commission on the Status of Women (CSW)

1. Empowerment
2. Women's empowerment

یک ملت خوب منجر می‌شود. مقتدرسازی زنان به‌عنوان فرآیندی است که از طریق آن، زنان توانایی انتخاب‌های استراتژیک زندگی را در شرایطی به دست می‌آورند که قبلاً این توانایی از آنها سلب شده بود. به همین علت، در دهه‌های اخیر، دولت‌ها در سراسر جهان قاطعانه‌تر خود را متعهد به مقتدرسازی زنان کرده‌اند؛ چراکه اگر زنان فرصت توسعه توانایی‌ها و مهارت‌های خود را داشته باشند، به عنصری پویا و حیاتی در جامعه تبدیل می‌شوند. زنان در دین اسلام جایگاه ویژه و به تناسب آن حقوق ویژه‌ای دارند. بنابراین، تأمین حقوق مشروع زنان در جامعه و افزایش قدرت فردی و اجتماعی زنان مورد تأکید است. در این میان، به موضوع مقتدرسازی زنان در ایران کمتر توجه شده و پژوهش‌های جامع در خصوص چهارچوب مفهومی آن صورت نگرفته است. از طرف دیگر، پژوهش‌های صورت‌گرفته از جنبه‌ای خاص به مقتدرسازی زنان پرداخته‌اند و چهارچوب مقتدرسازی زنان را که از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است، مورد توجه قرار نداده‌اند. بنابراین، نوعی شکاف پژوهشی در این حوزه وجود دارد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با استفاده از روش فراترکیب، سعی کرده است این خلاء را پوشش دهد و با بررسی منابع موجود، چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری را ارائه کند. از این رو، هدف پژوهش حاضر تدوین چهارچوب مفهومی تحقق‌پذیری مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری است به‌گونه‌ای که ابعاد چندبعدی بعدی آن را پوشش دهد.

مبانی نظری

مقتدرسازی زنان همواره یکی از موضوع‌های مورد توجه در سراسر جهان بوده است. شهرنشینی به تغییر سبک زندگی زنان در دنیای مدرن منجر شده است. با وجود این، زنان باید تمام موانع را بشکنند تا از پوسته

خود بیرون بیایند و خود را در همه زمینه‌ها ثابت کنند. تمدن بشری به‌طور اساسی تغییر کرده و تأثیر قابل توجهی بر جامعه در سراسر جهان داشته است. این یک مغلطه است که زنان شهری برای تطابق با نیازهای مدرنیزاسیون و جهانی شدن قدرت می‌گیرند (Menon et al., 2020: 55). از دیدگاه چودری و نوشین^۱ (۲۰۰۹)، استقلال شخصی، تصمیم‌گیری خانوادگی، مشاوره اقتصادی و استقلال سیاسی، از مهم‌ترین عواملی هستند که به مقتدرسازی زنان کمک می‌کنند. در این رابطه، شاخص‌های تعیین‌کننده شامل تحصیلات زنان، دسترسی به رسانه‌ها، هنجارهای اجتماعی، وضعیت کاری زنان و مشارکت خانواده و آشنایی با مفهوم اسلامی مقتدرسازی زنان است (Chaudhry & Nosheen, 2009). عوامل مقتدرسازی زنان شامل میزان متفاوتی از قدرت در سطوح فردی، اجتماعی و خانوادگی است. عوامل فردی متشکل از وضعیت شغلی، درآمد، احساس کنترل، مالکیت دارایی، آگاهی از قانون، احساس ارزشمندی و درک جنسیت است. عوامل سطح خانواده مشتمل بر سن ازدواج، حمایت شوهر و وضعیت به‌عنوان سرپرست خانواده است. عوامل اجتماعی/ فرهنگی شامل استفاده از تلفن همراه است (Batool & Batool, 2018). مهم‌تر از همه، نتایج پژوهش‌ها تاکنون انواع مختلفی از مؤلفه‌های بسیار متفاوت در خصوص مقتدرسازی زنان را مورد مطالعه قرار داده است. در واقع، تحقیقات تجربی (Stromquist, 2015; Islamic Development Bank, 2019; Debnath et al., 2019; Sharaunga et al., 2019) مقتدرسازی زنان را با معیارهایی نظیر عاملیت، خودمختاری، ظرفیت عمل، تعیین سرنوشت و اعتمادبه‌نفس بررسی

1. Chaudhry & Nosheen

کرده است. باوجوداین، همه تعاریف تأکید می‌کنند که مقتدرسازی زنان یک مفهوم چندوجهی است و شامل عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانی است (Huis et al., 2017: 3).

ایده مقتدرسازی اغلب با مفهوم روابط قدرت مرتبط است، که به‌طور خاص به کسب قدرت بیشتر یا کمتر در میان بازیگران اشاره دارد. باوجوداین، مقتدرسازی زنان با مقتدرسازی سایر گروه‌های محروم به‌دلیل پویایی درون خانوار متفاوت است. مقتدرسازی زنان و برابری جنسیتی اغلب دوروی یک سکه در نظر گرفته می‌شوند: پیشرفت به‌سوی برابری جنسیتی مستلزم مقتدرسازی زنان است، از سوی دیگر، مقتدرسازی زنان به افزایش برابری جنسیتی کمک می‌کند. در مورد نابرابری یا تبعیض جنسیتی، عموماً اعتقاد بر این است که زنان از نظر تصمیم‌گیری و دسترسی به منابع اقتصادی و اجتماعی محروم یا طرد هستند. همه تعاریف مقتدرسازی زنان به توانایی زنان در زمینه‌های خاصی اشاره می‌کنند، به‌ویژه در کنترل زندگی خود، داشتن آزادی در تصمیم‌گیری و داشتن ورودی برای تغییر انتخاب‌های زندگی. مقتدرسازی زنان معمولاً با موقعیتی که زنان دارند ترکیب می‌شود، که اغلب با کسب منابع و کنترل آنها نشان داده می‌شود که نه تنها شامل منابع مادی و مالی می‌شود، بلکه شامل منابع اجتماعی و انسانی نیز می‌گردد؛ منابعی که می‌توانند توانایی زنان برای اعمال انتخاب‌هایشان را افزایش دهد. نمونه‌هایی از این منابع عبارت‌اند از: سن، تحصیلات، اشتغال، سرمایه اجتماعی، شبکه و مالکیت دارایی (Wei et al., 2021:2). شاراونگا و همکاران¹ (۲۰۱۹)

گزارش داده‌اند که مقتدرسازی زنان مفهومی چندبعدی است و زنانی که در یک بعد قدرتمند و توانمند شده‌اند،

لزوماً در بعد دیگر مقتدر نیستند. همچنین ثابت شده است که زنان برای دستیابی به نتایج زندگی خود به منابع و احساس عاملیت نیاز دارند. مفهوم چندبعدی عاملیت شامل حوزه‌های مختلفی از جمله اختیار تصمیم‌گیری، کنترل بر امور مالی و آزادی حرکت است. داشتن اختیار در تصمیم‌گیری و استفاده بیش از حد از پول، توصیف درست و دقیق‌تری از قدرت زنان است (Sharaunga et al., 2019).

اگرچه هیچ تعریف واحدی از مقتدرسازی زنان در ادبیات وجود ندارد، اما به شکل‌های مختلفی به‌عنوان یک فرآیند یا نتیجه، یک حالت غایت یا وسیله‌ای برای رسیدن به هدف، یک ظرفیت، یک موضوع کسب قدرت و به‌عنوان یک عاملیت مفهوم‌سازی شده است. با توجه به دامنه وسیع نگرانی‌های پیرامون مقتدرسازی، پژوهشگران بسیاری از موضوعات را در طیف وسیعی از زمینه‌ها بررسی کرده‌اند. مطالعات بسیاری از موضوعات، از جمله پیشرفت تحصیلی، مشارکت سیاسی، خشونت خانگی مبتنی بر جنسیت، کنترل منابع، کارآفرینی، رفاه، تصمیم‌گیری در خانه، فقر زمانی و سلامت را بررسی کرده‌اند. مقتدرسازی زنان سلامت و آموزش کودکان را بهبود، مرگ و میر کودکان را کاهش، اثربخشی سازمانی کسب‌وکارها را بهبود، بهره‌وری کشاورزی را افزایش، رشد اقتصادی را افزایش و فقر را کاهش می‌دهد. مقتدرسازی زنان و کاهش فقر در چهارچوب مقتدرسازی در هم تنیده شده‌اند. مقتدرسازی برای کاهش فقر درآمدی و مصرفی مفید است. مقتدرسازی زن به‌عنوان عضوی از یک خانواده فقیر خود به مقتدرسازی کل خانواده کمک می‌کند.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت داده از نوع کیفی مبتنی بر تحلیل متنی

1. Sharaunga et al

است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادکاوی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش متشکل از کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و اسناد علمی مرتبط با مقتدرسازی زنان شهری بود و منابع پژوهش به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در چهار مرحله توصیف، تحلیل، استنتاج و تبیین انجام پذیرفته است. افزون بر این داده‌های پژوهش از پایگاه‌های معتبر نظیر ساینس دایرکت، امرالد، سیج، اشپرینگر و... انتخاب شده است. محدوده زمانی منابع پژوهش از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۴ است.

علت استفاده از روش فراترکیب در پژوهش حاضر این است که فراترکیب با تلفیق و یکپارچه‌سازی نتایج مطالعات مختلف، خروجی‌های به دست آمده را قابل تعمیم‌تر و کاربردی‌تر می‌کند. به بیان بهتر، نتایج حاصل از آن، قابلیت تعمیم‌پذیری و درک جامع و عمیقی از مقتدرسازی زنان در فضای شهری را فراهم می‌سازد. فراترکیب، علاوه بر ایجاد نظریه جدید، برای توسعه مدل‌های مفهومی یا گسترش درک از دانش موجود و به‌ویژه کشف شباهت‌ها و تفاوت‌ها در مفاهیم، تصورات و دیگر ایده‌های مربوط به یک پدیده، استفاده می‌شود. در این رویکرد، شواهد به دست آمده از مطالعات کیفی منفرد در مورد موضوعات مشابه، از طریق مقایسه و تحلیل مفهومی، ترکیب می‌شوند (Mertens, 2014:536). به طوری که پژوهشگر، اطلاعات استخراج شده از مطالعات را در قالب جدول‌هایی که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را پررنگ می‌کند، نمایش می‌دهد و از روش‌های کیفی مانند شناسایی عناصر و مضامین اصلی و مشترک موجود در داده‌ها، برای ترکیب یافته‌ها و یا گونه‌شناسی استفاده می‌کند (Cronim, Ryan & Coughlan, 2008:40). در این

راستا، می‌توان با ایجاد طبقه‌بندی از یافته‌ها به صورت استقرایی و توسعه آن از طریق رفت و برگشت مستمر بین یافته‌ها و طبقه‌بندی، ارتباطات سلسله‌مراتبی یافته‌ها در هر دسته را مشخص کرد (Sandelwski & Barroso, 2007). این امر می‌تواند در قالب هشت مرحله شامل صورت‌بندی سؤالات پژوهش، تهیه و اعتبارسنجی پروتکل بررسی منابع، جست‌وجو در ادبیات، غربالگری برای شمول، ارزیابی کیفیت، استخراج داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها و ترکیب آن‌ها و در نهایت گزارش یافته‌ها

(Xiao & Watson, 2011) صورت می‌گیرد. همچنین می‌تواند از طریق مراحل هفت‌گانه سندلوفسکی و باروسو شامل تنظیم سؤال‌های پژوهش، بررسی متون به صورت نظام‌مند، جست‌وجو و انتخاب متون مناسب، استخراج اطلاعات متون، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی، کنترل کیفیت و ارائه یافته‌ها صورت گیرد (Sandelwski & Barroso, 2007). در پژوهش حاضر، از مراحل هفت‌گانه سندلوفسکی و باروسو استفاده می‌شود.

از سویی، چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان بر اساس مقوله‌ها یا معیارهای تمایز بخش استخراج شده در فرایند فراترکیب انجام می‌شود. چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان همانند مدل، انتزاعی از واقعیت و ابزاری مهم برای تحلیل و شناخت است. چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان معمولاً چندبعدی، مفهومی و پیچیده‌تر از طبقه‌بندی ساده (به معنای فرایند گروه‌بندی مجموعه‌ای از موجودیت‌ها یا پدیده‌ها) است. اعضای یک طبقه (برای مثال دو طبقه جنسیت مردان و زنان) تشابه اندکی با یکدیگر دارند و عضویت آن‌ها در اختیار ما می‌گذارد. درحالی‌که چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان اغلب اطلاعاتی کامل‌تر و

جدول شماره (۱): سؤال‌های پژوهش

معیارهای تنظیم سؤال	سؤال‌های پژوهش
چه چیزی (What)	چهارچوب مفهومی تحقق‌پذیری مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری از چه مقوله‌هایی تشکیل شده است؟
جامعه موردنظر (Who)	از چه پایگاه‌های داده‌ای برای تدوین چهارچوب مفهومی تحقق‌پذیری مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری استفاده شده است؟
چه موقع (When)	بازه زمانی منابع مورد استفاده در پژوهش حاضر از چه سال‌هایی است؟
چگونگی روش (How)	روش تحلیل داده‌های پژوهش حاضر چیست؟

برای درک عمیق هر یک از مفاهیم فضاهای دانش بنیان است. سؤالات مربوط به جست‌وجو و انتخاب اولیه مقالات برای انجام فراترکیب نیز براساس پارامترهایی چون چه چیزی، جامعه مورد مطالعه، محدوده زمانی و چگونگی تنظیم شده است. جدول شماره (۱)، به سؤال‌های پژوهش اشاره کرده است.

گام دوم: بررسی متون به صورت نظام‌مند

با توجه به اینکه تعداد منابع لازم برای فراترکیب، وابسته به غنای داده‌های آن منابع است و از ابتدای فرایند مشخص نیست و اینکه جست‌وجوها در فرایند فراترکیب با یک مجموعه از پیش تعیین شده نهایی از منابع تمام نمی‌شود، علاوه بر جست‌وجوی نظام‌مند پایگاه‌های داده‌ها، از شیوه دست‌چینی و انتخاب مجموعه‌ای از منابع طی چند مرحله و کسب بخشی از اطلاعات در هر مرحله نیز استفاده شده است (Barroso, et al., 2003). بدین ترتیب، در مرحله نخست با جست‌وجوی نظام‌مند کلیدواژه‌ها شامل مقتدرسازی، مقتدرسازی و توسعه، مقتدرسازی زنان، ابعاد مقتدرسازی زنان، مؤلفه‌های مقتدرسازی زنان، مقتدرسازی زنان شهری، چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان، به زبان فارسی و انگلیسی موتورهای جست‌وجو گوگل و گوگل اسکولار^۱ و پایگاه‌های اطلاعات علمی معتبر نظیر ساینس

تصویر دقیق‌تر از اجزای خود ارائه می‌کنند. چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان، تقسیم‌بندی داده‌ها با توجه به مشخصات آن‌ها و بر پایه مؤلفه یا مؤلفه‌های (معیارهای) خاص عینی (جنس، نژاد و...) یا ذهنی (ایدئولوژیک و...) است. از این رو، ارزش چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان به جامعیت و مانعیت مؤلفه‌های منتخب است؛ چراکه هر چهارچوب مفهومی با توجه به مؤلفه‌های منتخب، نوعی زاویه دید و نگاهی خاص با نظریات دارد و جوهری از واقعیت را برجسته می‌کند و یا نادیده می‌انگارد (Bailey, 1994:3). بنابراین، در فرایند انجام مراحل هفت‌گانه سندلوفسکی و باروسو، مقوله‌ها یا محورهای تمایز مقتدرسازی زنان شهری، به عنوان چهارچوب بررسی، صورت‌بندی می‌شود.

بحث و یافته‌ها: مراحل دستیابی به چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری

در بخش حاضر، با استفاده از مراحل هفت‌گانه سندلوفسکی و باروسو، کدها و مقوله‌ها یا معیارهای متمایزکننده مقتدرسازی زنان شهری شناسایی و تحلیل می‌شوند و براساس آن چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان انجام می‌شود.

گام نخست: تنظیم سؤال‌های پژوهش

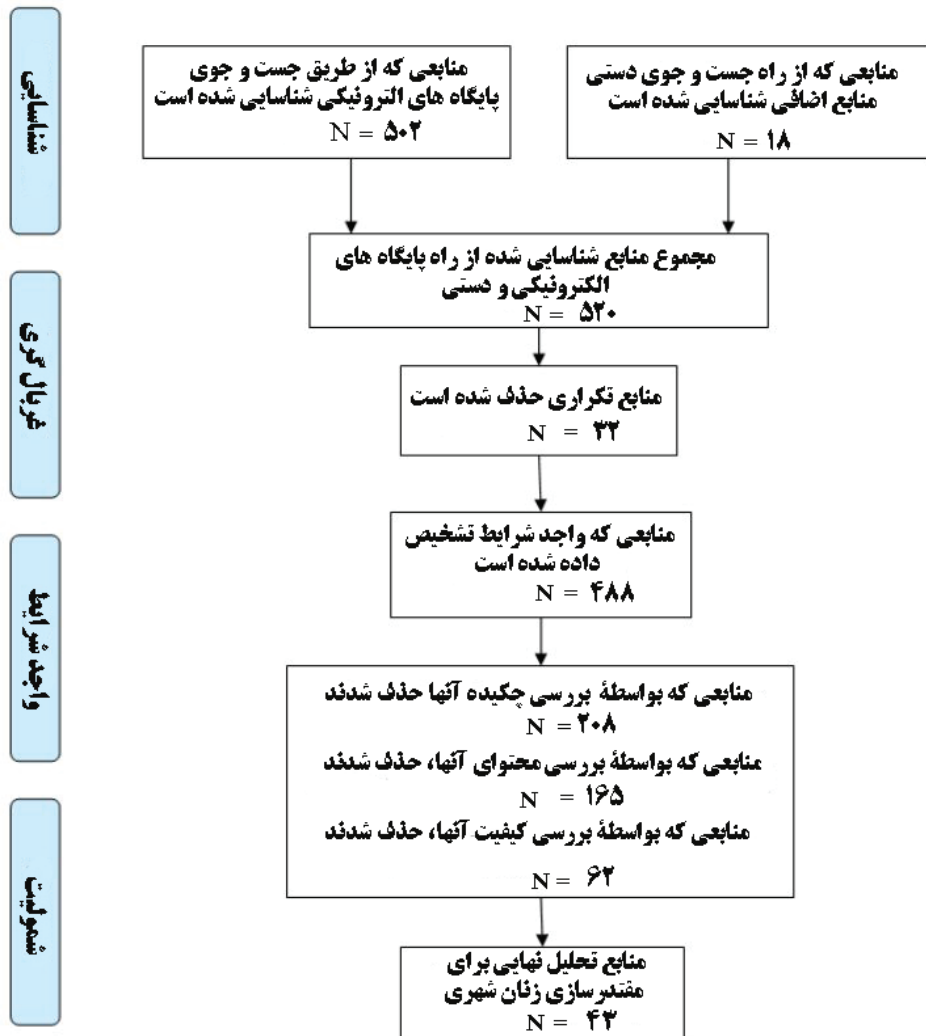
سؤالات ماهوی پژوهش مبتنی بر ابعاد گوناگونی مانند چه چیز، چرا، چه زمانی، کجا، چه کسانی و چگونه

1. Google & Google Scholar

جدول شماره (۲): منابع انتخاب شده برای تجزیه و تحلیل نهایی

عنوان	سال	منبع
Understanding and operationalising empowerment	2007	Luttrell et al.
A New Weave of Power, People and Politics: The Action Guide for Advocacy and Citizen Participation	2007	VeneKlasen & Miller
Does microfinance empower women? Evidence from Self-Help Groups in India	2009	Swain & Wallentin
Women empowerment through participation in micro credit programme : a case study from Bangladesh	2009	Hoque & Itohara
The Determinants of Women's Empowerment in Southern Punjab (Pakistan): An Empirical Analysis	2009	Chaudhry & Nosheen
The process of empowerment: a model for use in research and practice	2010	Cattaneo & Chapman, 2010
Women Empowerment in Different Household Issues of Bangladesh' Bangladesh	2012	Zaman et al
Concept and Types of Women Empowerment	2013	Mandal
Women Empowerment through Decision Making	2013	Yogendrarajah
Empirical investigation on the impact of microcredit on women empowerment in urban Peninsular Malaysi	2014	Al-Mamun et al
Patriarchal accommodations: Women's mobility and policies of gender difference from urban Iran to migrant Mexico	2014	Andrews & Shahrokni
Empirical investigation on the impact of microcredit on women empowerment in urban Peninsular Malaysia	2014	Al-Mamun et al
Empowerment of Women: A Conceptual Framework	2015	Dandona
Decolonizing liberation: toward a transnational feminist psychology	2015	Kurtiş & Adams
Women's empowerment and education: linking knowledge to transformative action	2015	Stromquist
The effects of financial inclusion on children's schooling, and parental aspirations and expectations	2016	Chiapa et al
Women's empowerment: What works	2016	Cornwall
Exploring links between women's business ownership and empowerment among Maasai women in Tanzania	2016	Dutt et al
A 'How to' Guide to Measuring Women's empowerment, Sharing experience from Oxfam's impact evaluations	2017	Lombardini et al
A Three-Dimensional Model of Women's Empowerment: Implications in the Field of Microfinance and Future Directions	2017	Huis et al
Empowerment in their hands: Use of WhatsApp by women in Nigeria	2018	Abubakar & Dasuki
Measuring women's empowerment in sub-Saharan Africa: exploratory and confirmatory factor analyses of the demographic and health surveys	2018	Asaolu et al

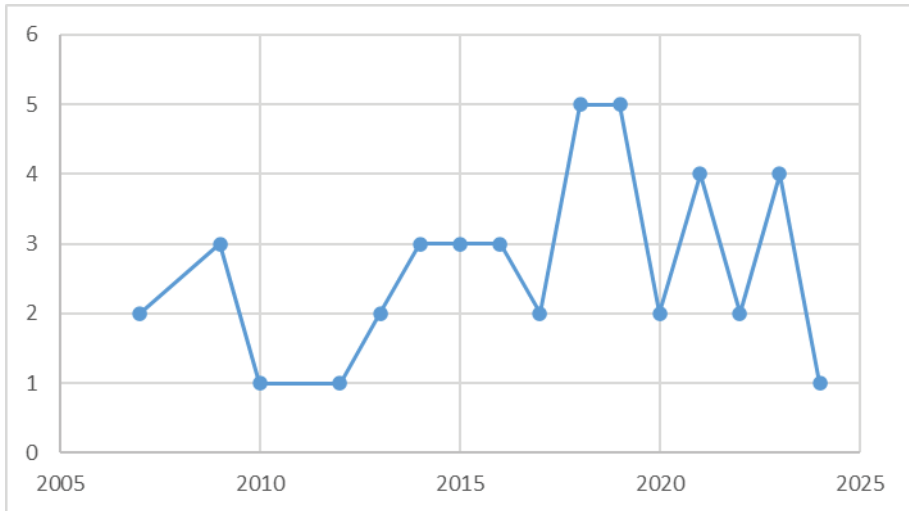
عنوان	سال	منبع
Women's empowerment in action: Evidence from a randomized control trial in Africa	2018	Bandiera et al
Determinants of women's empowerment in Punjab, Pakistan	2018	Batool
Individual, Familial, and Socio-Cultural Determinants of Women's Empowerment	2018	Batool & Batool
Empowering Women Through Financial Inclusion: A Study of Urban Slum	2019	Bhatia & Singh
Women Empowerment Policy	2019	Islamic Development Bank
Empowering women through microcredit in bangladesh: An empirical study	2019	Debnath et al
Conceptualisation and Measurement of Women's Empowerment Revisited	2019	Sharaunga et al
A comparative study on women empowerment in urban and rural setting in Tamil Nadu	2019	Saravanakumar & Varakumari
The State of Women's Participation and Empowerment: New Challenges to Gender Equality	2020	Norris
A Study on the Status of Women's Empowerment in urban Bangalore, India	2020	Menon et al
The Influence of Women's Empowerment on Poverty Reduction in the Rural Areas of Bangladesh: Focus on Health, Education and Living Standard	2021	Wei et al
Women's Empowerment and Gender Equality in Urban Areas: New Threats and Potentials in Nigeria	2021	Ojo & Pojwan
Role Of Women's Empowerment In Achieving Sustainable Development Goals: Empirical Evidence From Central Punjab-Pakistan	2021	Batool & Afzal
Empowering Women for Sustainable Development	2021	Gangwar
Empowerment of Women - A Conceptual Framework	2022	Murthy
Women's empowerment through the use of technolog	2022	Tabasum Niroo & Crompton
Non-Governmental Organizations' approaches to women's empowerment amid the COVID-19 Pandemic: Towards decolonizing development praxis in northern Ghana	2023	Akurugu et al
Women Empowerment: A Multidimensional Approach	2023	Jain
Urbanization and Women Empowerment: Evidence from India	2023	Dhamija et al
Economic empowerment of rural and urban women in India: A comparative analysis	2023	Biswas & Banu
The impact of women's empowerment and access to finance on greenhouse gas emissions: A framework for securing environmental tranquility	2024	Li et al



شکل شماره (۱): فرآیند انتخاب منابع پژوهش

دایرکت، امرالد، سیج، اشپرینگر و... مقالات مربوط به ۳۰ سال اخیر (سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۴) مدنظر قرار گرفته است. همچنین با شناسایی نویسندگان پر ارجاع در این حوزه‌های مفهومی و جست‌وجوی دیگر مقاله‌های ایشان، فهرستی از مقالاتی که در عنوان، چکیده و کلمات کلیدی آن‌ها از کلید واژه‌های مورد جست‌وجو استفاده شده بود، تهیه شده است.

گام سوم: جست‌وجو و انتخاب متن‌های مناسب پس از بررسی و شناسایی مقاله‌ها، با الگوریتمی مبتنی بر پارامترهای عنوان، چکیده، محتوا و کیفیت پژوهش، مقاله‌ها به صورت مرحله‌ای غربال شدند. پس از جست‌وجوی پایگاه‌های الکترونیکی و دستی، ۵۲۰ منبع شناسایی شده است. پس از آن، ۳۲ منبع تکراری حذف شد. در مرحله بعد، ۲۰۸ منبع با بررسی چکیده



شکل شماره (۲): بازه زمانی منابع پژوهش (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

در مرتبه بعدی سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ قرار دارد که هرکدام حدود ۷ درصد منابع را به خود اختصاص داده‌اند (۲۸ درصد کل منابع). در مرتبه بعدی سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۱۳، ۲۰۱۷، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲ قرار دارد که مجموعاً حدود ۲۳ درصد منابع را به خود اختصاص داده‌اند. در نهایت، سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۲ و ۲۰۲۴ قرار دارد که ۷ درصد منابع متعلق به آن‌هاست. شکل شماره (۲) بازه زمانی منابع پژوهش را نشان داده است.

گام چهارم: استخراج اطلاعات متون

با توجه به سؤالات پژوهش در مورد چیستی، چرایی، زمان، مکان، کنشگران و چگونگی هریک از مفاهیم چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری، ۵ مقوله مطابق جدول شماره (۲) استخراج شده است.

گام پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

همان‌طور که در جدول شماره (۲) نشان داده شده است، پس از استخراج ویژگی‌ها یا متغیرها در قالب

حذف شد. در مرحله بعد، ۱۷۵ منبع با بررسی محتوای آن‌ها حذف شد. در نهایت، ۶۲ منبع با بررسی کیفیت آن‌ها (با استفاده از ابزار ارزیابی حیاتی کسب و انتخاب مقالات دقیق، معتبر و مهم با طرح سؤالات ده‌گانه) حذف شد و در نتیجه، ۴۳ منبع برای انجام فراترکیب انتخاب شده است (جدول شماره (۲)).

شکل شماره (۱) فرآیند انتخاب منابع را نشان داده است. شایان ذکر است، فرآیند انتخاب منابع پژوهش بر اساس معیارهایی نظیر ثبت پژوهش در پایگاه‌های معتبر، مرتبط بودن حوزه کلی اسناد با هدف پژوهش، منطبق بودن هدف‌ها و سؤال‌های پژوهش با اهداف و پرسش‌های پژوهش حاضر، تکراری نبودن و دارای کیفیت مناسب صورت پذیرفته شده است.

منابع انتخابی پژوهش از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۴ است. بیشترین منابع مربوط به سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ است که حدود ۲۳ درصد منابع را در بر گرفته‌اند. پس از آن، سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۱، بیشترین منابع را به خود اختصاص داده‌اند که حدود ۱۹ درصد منابع هستند.

جدول شماره (۳): کدهای مرتبط با مقتدرسازی زنان شهری

ردیف	مقوله	زیرمقوله	کد	مأخذ
۱	توسعه اقتصادی		کنترل بر درآمد	Luttrell et al., 2007; Swain & Wallentin, 2009; Mandal, 2013; Al-Mamun et al., 2014; Chiapa et al., 2016; Cornwall, 2016; Asaolu et al., 2018; Bhatia & Singh, 2019; Wei et al., 2021; Ojo & Pojwan, 2021; Jain, 2023; Li et al., 2024
۲			مالکیت دارایی‌ها و زمین	
۳			کمک نسبی به حمایت خانواده	
۴			دسترسی و کنترل منابع خانواده	
۵			دسترسی به اشتغال	
۶			دسترسی به اعتبار	
۷			مشارکت و نمایندگی در انجمن‌های تجاری محلی	
۸			دسترسی به بازارها	
۹			تعداد مدیران عامل زن	
۱۰			نمایندگی منافع اقتصادی زنان در سیاست‌های کلان اقتصادی و بودجه	
۱۱			تعداد مدیران عامل زن	
۱۲	گفتمان اصلی توسعه		آزادی حرکت	Luttrell et al., 2007; Swain & Wallentin, 2009; Mandal, 2013; Dandona, 2015; Asaolu et al., 2018; Bhatia & Singh, 2019; Jain, 2023
۱۳			عدم تبعیض علیه دختران	
۱۴			تحصیل دختران/تعهد به تربیت دختران	
۱۵			مشارکت در تصمیم‌گیری داخلی	
۱۶			کنترل روابط جنسی	
۱۷			توانایی تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری، استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری، سقط جنین	
۱۸			کنترل بر انتخاب همسر و زمان ازدواج	
۱۹			آزادی از خشونت	
۲۰			دسترسی و دیده شدن در فضاهای اجتماعی	
۲۱			دسترسی به حمل و نقل مدرن	
۲۲			وجود و قدرت گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی خارج از خانواده	
۲۳			تغییر در هنجارهای مردسالارانه (مانند ترجیح پسر)	
۲۴			بازنمایی زن در اسطوره و آیین	
۲۵			تغییر در نظام‌های ازدواج و خویشاوندی که نشان‌دهنده ارزش و استقلال بیشتر برای زنان است (مانند ازدواج‌های بعدی، انتخاب خود همسر، کاهش مهریه، پذیرش طلاق)	
۲۶			کمپین‌های محلی علیه خشونت خانگی	
۲۷			سواد و دسترسی به طیف وسیعی از گزینه‌های آموزشی	
۲۸			تصاویر رسانه‌های مثبت از زنان و نقش‌ها و مشارکت آنها	

ردیف	مقوله	زیرمقوله	کد	مأخذ
۲۹	توسعه اجتماعی- فرهنگی	توسعه اجتماعی- فرهنگی	روندهای منطقه‌ای/ ملی طرفدار زنان در زمان ازدواج، گزینه‌های طلاق	Luttrell et al., 2007; Swain & Wallentin, 2009; Mandal, 2013; Dandona, 2015; ..Asaolu et al Bhatia & Singh, 2019; ;2018 Jain, 2023
۳۰			حمایت سیاسی، قانونی، مذهبی برای (یا عدم مخالفت فعال با) چنین تغییراتی	
۳۱			سیستم‌های بهداشتی که دسترسی آسان به پیشگیری از بارداری، سقط جنین ایمن، خدمات بهداشت باروری را فراهم می‌کند.	
۳۲	توسعه قانونی	توسعه قانونی	آشنایی با حقوق و سازوکارهای قانونی	Mandal, 2013; Dandona, 2015; Wei et al., 2021; Jain, 2023
۳۳			حمایت خانوادگی برای اعمال حقوق	
۳۴			انسجام جامعه برای پیگیری حقوق شهروندی	
۳۵			کمپین برای آگاهی از حقوق	
۳۶			دسترسی به سازوکارهای قانونی	
۳۷			اجرای مؤثر محلی حقوق قانون	
۳۸			قوانین حمایت از حقوق زنان، دسترسی به منابع و گزینه‌ها	
۳۹			دفاع از حقوق و قانون‌گذاری	
۴۰		استفاده از سیستم قضایی برای جبران نقض حقوق		
۴۱	گفتمان اصلی توسعه	توسعه سیاسی	شناخت نظام سیاسی و ابزارهای دسترسی به آن	Luttrell et al., 2007 ..Mandal, 2013;Bandiera et al Bhatia & Singh, 2019; ;2018 Jain, 2023
۴۲			حمایت خانوادگی برای مشارکت سیاسی	
۴۳			توانایی اعمال حق رأی	
۴۴			مشارکت یا بسیج در نظام سیاسی/کارزارهای محلی	
۴۵			حمایت از نامزدهای خاص یا قانون	
۴۶			نماینده‌گری در دولت محلی	
۴۷			نماینده‌گری در دولت منطقه‌ای و ملی	
۴۸			قدرت به‌عنوان یک بلوک رأی	
۴۹		نماینده‌گری از مافع زنان در لابی‌ها و گروه‌های ذی‌نفع مؤثر		
۵۰	توسعه روان‌شناختی	توسعه روان‌شناختی	اعتمادبه‌نفس	Cattaneo & Chapman, 2010;Mandal, 2013; Dandona, 2015; Kurtiş & Adams, 2015; Dutt et al., 2016; Akurugu et al., 2023; Jain, 2023
۵۱			خودکارآمدی	
۵۲			سلامت روانی	
۵۳			آگاهی جمعی از بی‌عدالتی	
۵۴			پتانسیل انسجام‌بخشی	
۵۵			عبارت‌های جمعی از شمول و استحقاق	
۵۶			پذیرش سیستمی استحقاق و شمول زنان	

ردیف	مقوله	زیرمقوله	کد	مأخذ
۵۷	دانش فردی		ارتقای عزت نفس	VeneKlasen & Miller, 2007; Lombardini et al., 2017
۵۸			دانش فردی در خصوص شیوه‌های کشاورزی، صنعتی یا خدماتی	
۵۹			دانش فردی در خصوص نظام قضایی	
۶۰			دانستن اینکه کجا باید برود و در صورت خشونت چه باید کرد	
۶۱			نظرها (نگرش و باورها) در مورد نقش اقتصادی زنان	
۶۲			نظرها (نگرش و باورها) در مورد حقوق جنسیتی	
۶۳			دانش غیرقابل قبول بودن خشونت مبتنی بر جنسیت	
۶۴			نظرها (نگرش و باورها) در مورد قدرت در خانواده	
۶۵			نظرها (نگرش و باورها) در مورد حقوق مالکیت	
۶۶			نظرها (نگرش و باورها) در مورد آزادی حرکت	
۶۷			به رسمیت شناختن مراقبت	
۶۸			توانایی فردی (به‌کارگیری دانش)	
۶۹			دانش پیرامون خشونت علیه زنان	
۷۰	استقلال شخصی	دانش عمومی	پیشرفت تحصیلی	Huis et al., 2017; Menon et al., 2020; Gangwar, 2021; Ojo & Pojwan, 2021; Biswas & Banu, 2023
۷۱	سواد مالی			
۷۲	دانش تنظیم خانواده			
۷۳	دانش تربیتی			
۷۴	سواد رسانه‌ای			
۷۵	دانش مالی		دانش بازپرداخت	Huis et al., 2017; Gangwar, 2021
۷۶			دانش استفاده از منابع	
۷۷			دانش نحوه پس انداز	
۷۸			دانش دسترسی به اعتبار	
۷۹			دانش رمز ارزهای دیجیتال	
۸۰	دانش سلامت		دانش شاخص‌های سلامت فیزیکی	Huis et al., 2017; Saravanakumar & Varakumari, 2019
۸۱			دانش خودمراقبتی	
۸۲	دانش رابطه‌ای		دانش ایجاد سرمایه اجتماعی	VeneKlasen & Miller, 2007; Lombardini et al., 2017; Huis et al., 2017
۸۳			مشارکت در گروه‌های اجتماع	
۸۴			سطح حمایت ارائه شده توسط گروه‌ها برای پیگیری ابتکارهای خود	
۸۵			مشارکت سیاسی	
۸۶			نگرش‌ها و باورهای افراد نزدیک به زن (حمایت مردان از حقوق زنان)	
۸۷				

مأخذ	کد	زیرمقاله	مقاله	ردیف
VeneKlasen & Miller, 2007; Lombardini et al., 2017; Huis et al., 2017	نگرش‌ها و باورهای افراد نزدیک به زن (حمایت رهبران جامعه برای تشویق زنان جهت دسترسی به دادگاه‌ها)		نوع دانش مورد نیاز برای توسعه	۸۸
	میزان نفوذ در اداره گروه‌های اجتماع			۸۹
	شرکت در رویدادهای عمومی			۹۰
	کمک به نیازهای اجتماعی جامعه			۹۱
	مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار			۹۲
	دانش تصمیم‌های هزینه			۹۳
	دانش تصمیم‌های سرمایه‌گذاری			۹۴
	دانش تصمیم‌های مدیریت خانوار			۹۵
	کنترل بر دارایی‌های خانوار			۹۶
	کمک به درآمد خانوار			۹۷
	قدرت در بازارها			۹۸
	کنترل بر تمایلات جنسی			۹۹
	تجربه خشونت مبتنی بر جنسیت			۱۰۰
	کنترل در طول زمان			۱۰۱
	توانایی کاهش زمان اختصاص داده شده به مسئولیت‌های مراقبت			۱۰۲
	توانایی توزیع مجدد بار مسئولیت‌های مراقبتی			۱۰۳
توانایی داشتن زمان بیشتر برای اوقات فراغت و معاشرت	۱۰۴			
VeneKlasen & Miller, 2007; Lombardini et al., 2017	دسترسی به خدمات حقوقی	دانش محیطی		۱۰۵
	امنیت حرکت در خارج از خانه			۱۰۶
	شکستن کلیشه‌ها			۱۰۷
	توانایی نفوذ در سطوح سیاسی			۱۰۸
	حمایت از تغییر برای زنان			۱۰۹
	کیفیت خدمات حقوقی			۱۱۰
Batoool & Batoool, 2018; Batoool & Afzal, 2021; Murthy, 2022; Dhamija et al., 2023	وضعیت شغلی	فردی	مراحل اقتداربخشی	۱۱۱
	درآمد			۱۱۲
	احساس کنترل			۱۱۳
	مالکیت دارایی			۱۱۴
	آگاهی از قانون			۱۱۵
	احساس ارزشمندی			۱۱۶
	درک جنسیت			۱۱۷
Batoool & Batoool, 2018; Batoool & Afzal, 2021; Murthy, 2022; Dhamija et al., 2023	سن ازدواج	خانوادگی		۱۱۸
	حمایت شوهر			۱۱۹
	وضعیت به‌عنوان سرپرست خانواده			۱۲۰

ردیف	مقاله	زیرمقاله	کد	مأخذ
۱۲۱	دسترسی		خدمات بهداشتی با کیفیت، از جمله خدمات بهداشت باروری و مادر	Hoque & Itohara, 2009; Batool, 2018; Islamic Development Bank, 2019; Debnath et al., 2019
۱۲۲			آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی و آموزش حرفه‌ای، ترویج تجارت‌های غیرسنتی مانند علوم، فناوری، ریاضیات و مهندسی و همچنین فرصت‌هایی برای توسعه مهارت‌ها و ظرفیت‌های سده بیست و یکم	
۱۲۳			زیرساخت‌هایی که مقتدرسازی زنان را تسهیل می‌کند (مانند تحرک فراگیر و پایدار، خدمات آب و فاضلاب، منابع انرژی پاک و مقرون‌به‌صرفه و تأسیسات ذخیره‌سازی)	
۱۲۴			فرصت‌های اقتصادی و اشتغال عادلانه و شایسته، با تمرکز بر حمایت از شرایط لازم برای شرکت‌های خرد، کوچک و متوسط تحت مالکیت زنان، زنان کارآفرین، کشاورزان، تجار و کسانی که در بخش غیررسمی هستند	
۱۲۵			منابع مالی و تولیدی از جمله فناوری	
۱۲۶			فرصت‌های بازار و پیشرفت در زنجیره ارزش با مشارکت بخش خصوصی	
۱۲۷	شفافیت	طرفیت‌سازی	حمایت از مشارکت/شراکت زنان در چرخه پروژه	Batool, 2018; Islamic Development Bank, 2019; Debnath et al., 2019
۱۲۸			شناسایی شاخص‌های کمی و کیفی مرتبط که بر اساس جنسیت تفکیک شده‌اند	
۱۲۹			تخصیص منابع مالی و انسانی لازم برای حمایت از مؤلفه‌ها/فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده مرتبط با مقتدرسازی زنان	
۱۳۰			ایجاد سیستم ردیابی برای نظارت بر نتایج مرتبط با مقتدرسازی زنان	
۱۳۱	عاملیت		توسعه توانایی‌ها و مهارت‌های رهبری و سازمانی زنان	Stromquist, 2015; Islamic Development Bank, 2019; Debnath et al., 2019; Sharaunga et al., 2019
۱۳۲			افزایش آگاهی از نقش زنان در توسعه اجتماعی-اقتصادی کشورها و جوامع خود	
۱۳۳			مشارکت دادن مردان و پسران در سطح محلی به‌عنوان شرکای ارتقا و مقتدرسازی زنان	
۱۳۴			ترویج مشارکت زنان در تصمیم‌گیری محلی و نهادهای مدیریت ارائه خدمات	
۱۳۵			مداخلات آزمایشی که نقش زنان را به‌عنوان عوامل تغییر در ایجاد تاب‌آوری جامعه در برابر شوک‌های اقلیمی، درگیری‌ها و بحران‌ها تقویت می‌کند.	
۱۳۶	یادگیری		تولید محصولات دانش برای شناسایی، جذب و انتشار بهترین شیوه‌ها و همچنین برجسته کردن روندهای جدید در مقتدرسازی زنان و دختران	Islamic Development Bank, 2019; Debnath et al., 2019
۱۳۷			تسهیل همکاری با کشورها و تبادل تخصص و دانش بین کشورها درخصوص سیاست‌ها و استراتژی‌ها/برنامه‌های ملی که برای مقتدرسازی زنان کار می‌کنند	
۱۳۸			تلاش برای افزایش دانش درخصوص جریان‌سازی جنسیتی در بخش‌ها/زیربخش‌های خاص (مانند انرژی، زنجیره‌های ارزش خاص) یا زمینه‌ها (مانند بلاای طبیعی/تاب‌آوری اقلیمی)	

ردیف	مقوله	زیرمقوله	کد	مأخذ
۱۳۹	ظرفیت‌سازی	فناوری	استفاده از تلفن همراه	Abubakar & Dasuki, 2018; Tabasum Niroo & Crompton, 2022
۱۴۰			میزان استفاده از اپلیکیشن‌های موبایل	
۱۴۱			میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی	
۱۴۲			میزان استفاده از منابع برخط	
۱۴۳			میزان استفاده از ویدئوها	
۱۴۴			میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	
۱۴۵			میزان آشنایی با هوش مصنوعی	
۱۴۶	استقلال		اعتراض به خشونت خانگی و اعتیاد به الکل	Andrews & Shahrokni, 2014; Huis et al., 2017; Ojo & Pojwan, 2021
۱۴۷			استقلال خانوار	
۱۴۸			استقلال در خرید و فروش منابع خانگی	
۱۴۹	تعامل اجتماعی		عضویت در حزب سیاسی محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد	Chaudhry & Nosheen, 2009; Huis et al., 2017
۱۵۰			صدای مخالف جرایم اجتماعی	
۱۵۱			آزادی تحرک بدون مجوز	
۱۵۲	فرهنگی		ترویج ارزش‌های برابری جنسیتی نقش زنان در سیاست	Zaman et al., 2012; Norris, 2020; Menon et al., 2020
۱۵۳			ترویج ارزش‌های برابری جنسیتی نقش زنان در اشتغال	
۱۵۴			ترویج ارزش‌های برابری جنسیتی نقش زنان در آموزش	
۱۵۵	مدنی		کاهش یا حذف شکاف‌های جنسیتی برای مشارکت	Zaman et al., 2012; Norris, 2020; Menon et al., 2020
۱۵۶			کاهش یا حذف شکاف‌های جنسیتی برای فعالیت حزبی	
۱۵۷			کاهش یا حذف شکاف‌های جنسیتی در سازمان‌های غیردولتی	
۱۵۸	نهادسازی	سیاست‌گذاری	به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های مدنی زنان در خصوص مالکیت	Zaman et al., 2012; Norris, 2020; Menon et al., 2020
۱۵۹			به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های مدنی زنان در خصوص دسترسی به عدالت	
۱۶۰	تصمیم‌گیری		درصد زنان در قوه مقننه	Zaman et al., 2012; Yogendrarajah, 2013; Norris, 2020; Menon et al., 2020
۱۶۱			درصد زنان در قوه مجریه	
۱۶۲			درصد زنان در قوه قضائیه	
۱۶۳			قدرت تصمیم‌گیری زنان در خرید دارایی‌ها و جواهرات خانگی	
۱۶۴			قدرت تصمیم‌گیری زنان در دسترسی به پول	
۱۶۵			قدرت تصمیم‌گیری زنان در داشتن تحرک برای رفتن به خانه اقوام	
۱۶۶			قدرت تصمیم‌گیری زنان در دریافت امکانات بهداشتی	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

فناوری، استقلال و تعامل اجتماعی) و نهادسازی (دارای زیرمقوله‌های مدنی، فرهنگی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری) است. شایان ذکر است، آزمون کیفیت هر پنج مقوله تأیید شده است. در جدول شماره (۳) به این مقوله‌ها اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر، نشان‌دهنده آن است که مطالعات مقتدرسازی زنان، تحول‌های فراوانی را با گذر زمان تجربه کرده است. به طوری که پژوهش‌های مقتدرسازی زنان را می‌توان به سه دوره زمانی تقسیم کرد. دوره نخست بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ است که مطالعات بر افزایش ظرفیت افراد فقیر برای تأثیرگذاری بر نهادهای دولتی مؤثر بر زندگی آنهاست و این تأثیرگذاری از راه تقویت مشارکت افراد در فرآیندهای سیاسی و تصمیم‌گیری محلی صورت می‌گیرد. در این مسیر بر کاهش یا حذف موانع سیاسی، قانونی و اجتماعی تأکید می‌شود. در این میان، بر آموزش، افزایش آگاهی، دموکراسی و تمرکززدایی تأکید ویژه‌ای شده است تا افراد فقیر با گسترش دارایی‌ها و قابلیت‌ها بتوانند زمینه‌های مشارکت، مذاکره، نفوذ، کنترل و پاسخ‌گو کردن نهادهایی را که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، فراهم سازند. در این مرحله، عمده تمرکز بر مقتدرسازی سیاسی و مبارزه جمعی علیه روابط اجتماعی ظالمانه است. دوره دوم، بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ است که مطالعات بر ابراز وجود (عاملیت)، عزت متقابل، تأمل انتقادی، تعیین سرنوشت، مشارکت گروهی، فرصت مشارکت مؤثر و معنادار با دولت، افزایش انتخاب‌ها، افزایش قابلیت‌ها، توانایی بازیگران محلی برای مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری، تغییر روابط قدرت و تغییرات ساختاری متمرکز است. در واقع، بر غلبه بر نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و

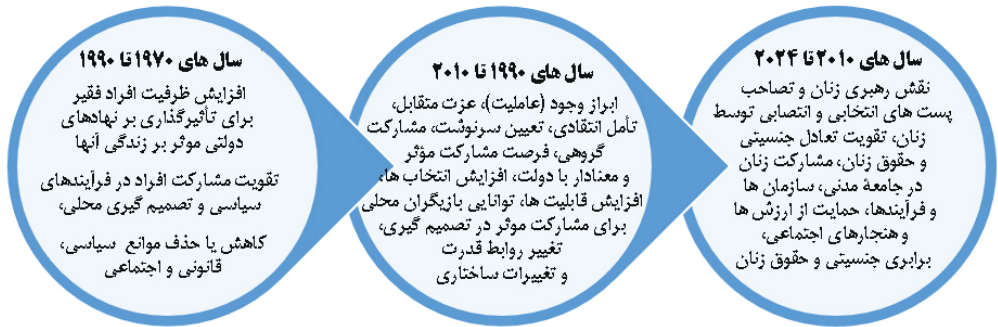
کدها و براساس سؤالات پژوهش، کدهای دارای ارتباط ساختاری و محتوایی در ذیل یک دسته یا مضمون مقوله‌بندی شده‌اند. در واقع، در این مرحله، تحلیل مضمون صورت گرفته است. به طوری که ۱۶۶ کد در قالب ۲۴ زیرمقوله استخراج‌شده در قالب ۵ مقوله یا معیارهای متمایزکننده مقتدرسازی زنان دسته‌بندی شده‌اند. در انتخاب و ساخت مقولات، تلاش شده است که در عین اختصار، وضوح و قابلیت فهم بیشتری داشته باشند.

گام ششم: کنترل کیفیت

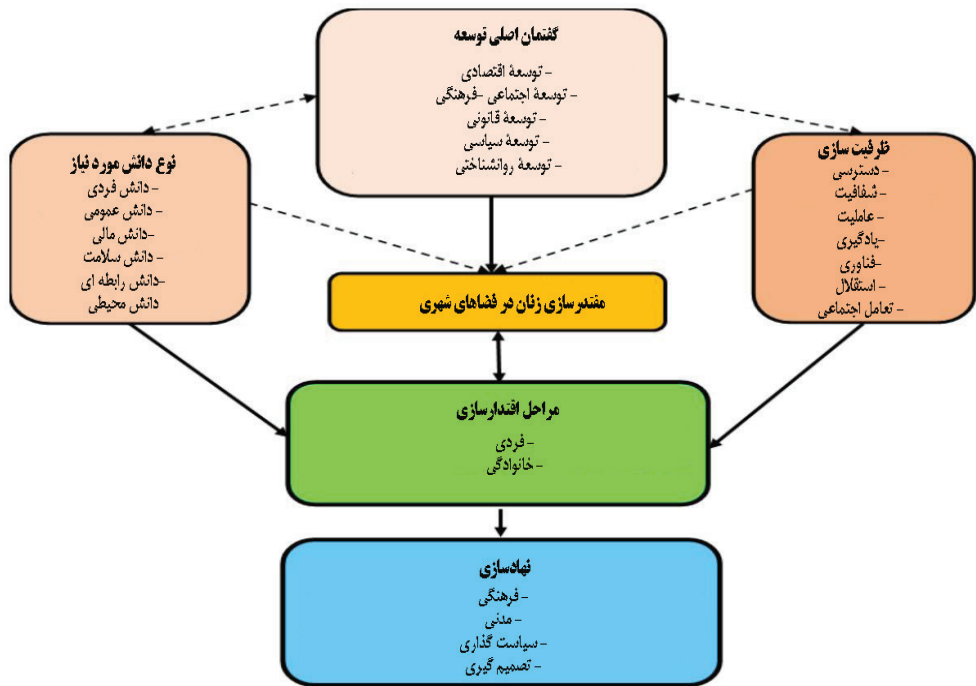
در این پژوهش از ضریب کاپای کوهن برای آزمون پایایی درونی و کیفیت استفاده شده است. بدین منظور نتایج حاصل از کدهای استخراج‌شده و مقوله‌ها یا معیارهای متمایزکننده مقتدرسازی زنان برای دو نفر از نخبگان، ارسال و پس از جمع‌آوری نظرها، ضریب کاپای کوهن بر مبنای توافق یا عدم توافق در استخراج مفاهیم محاسبه شد. بدین ترتیب، ضریب کاپای کوهن برای این پژوهش ۷۷۴/۰ با معنی‌داری ۰/۰۰۰ محاسبه شد که موید توافق معتبر و مناسب بودن پایایی (بالا تر از ۰/۶) است.

گام هفتم: ارائه یافته‌ها

با توجه به نیاز به درک چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان که تصویری روشن و جامع و درکی عمیق و منسجم از آن را ارائه کند، استخراج مقوله‌ها صورت گرفته است. مقوله‌های پژوهش مشتمل بر گفتمان اصلی توسعه (دارای زیرمقوله‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، قانونی، سیاسی و روان‌شناختی)، دانش مورد نظر (دارای زیرمقوله‌های دانش فردی، عمومی، مالی، سلامت، رابطه‌ای و محیطی)، مراحل (دارای زیرمقوله‌های فردی و خانوادگی)، ظرفیت‌سازی (دارای زیرمقوله‌های دسترسی، شفافیت، عاملیت، یادگیری،



شکل شماره (۳): تحول زمانی مطالعات مقتدرسازی زنان (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)



شکل شماره (۴): چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

سایر نابرابری‌های قدرت تأکید ویژه‌ای شده است. دوره سوم، بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ است که تمرکز مطالعات بر مقتدرسازی زنان از جنبه‌هایی نظیر تحرک، امنیت اقتصادی، توانایی خریدهای کوچک و بزرگ، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان، مشارکت در اعتراضات عمومی و مبارزه‌های سیاسی، آزادی نسبی از سلطه خانواده و آگاهی سیاسی و حقوقی است. در این مسیر بر نقش رهبری زنان و تصاحب پست‌های انتخابی و انتصابی توسط زنان، تقویت تعادل جنسیتی و حقوق زنان، مشارکت زنان در جامعه مدنی، سازمان‌ها و فرآیندها، حمایت از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، برابری جنسیتی و حقوق زنان تأکید ویژه‌ای می‌شود.

اقتداربخشی، کمترین کدهای استخراج شده را به خود اختصاص داده است.

منابع

1. Abubakar, N. H., & Dasuki, S. I. (2018). Empowerment in their hands: Use of WhatsApp by women in Nigeria. *Gender, Technology, and Development*, 22(2), 164- 183.
2. Akurugu, C.A., Nyuur, R.B., & Dery, I. (2023). Non-Governmental Organizations' approaches to women's empowerment amid the COVID-19 Pandemic: Towards decolonizing development praxis in northern Ghana. *World Development*, 3(100079), 1-11.
3. Al-Mamun, A., Wahab, S. A., Mazumder, M. N. H., & Su, Z. (2014). Empirical investigation on the impact of microcredit on women empowerment in urban Peninsular Malaysia. *The Journal of Developing Areas*, 48(2), 287-306.
4. Al-Qahtani, A. M., Elgzar, W. T., Ibrahim, H. A., and El Sayed, H. A. (2018). Empowering Saudi women in higher educational institutions: development and validation of a novel women empowerment scale. *Afr. J. Reprod. Health*, 25(1), 13-25. doi: 10.29063/ajrh2021/v25i1s.2.
5. Alsop, R., Bertelsen, M. & Holland, J. (2006) *Empowerment in Practice From Analysis to Implementation*. Washington, DC: World Bank.
6. Andrews, A., & Shahrokni, N. (2014). Patriarchal accommodations: Women's mobility and policies of gender difference from urban Iran to migrant Mexico. *Journal of Contem-*

به بیان بهتر، مقتدرسازی جنبه‌ای چندبعدی پیدا کرده و به فرآیندی چندبعدی برای دستیابی به قابلیت‌های اساسی، حقوق قانونی و مشارکت در حوزه‌های کلیدی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تبدیل شده است. شکل شماره (۳)، تحولات و پویایی مطالعات در زمینه مقتدرسازی زنان را نشان داده است.

باوجوداین، هریک از پژوهش‌های صورت گرفته، از دیدگاهی تک‌بعدی به مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری پرداخته‌اند و از توجه به جنبه کل‌نگر مقتدرسازی زنان شهری غافل شده‌اند. پژوهش حاضر، به این شکاف تحقیقاتی توجه کرده و آن را پوشش داده است. به طوری که چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری را استخراج و ارائه کرده است (شکل شماره (۴)). در این راستا، چهارچوب مفهومی مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری مشتمل بر پنج مقوله اصلی مشتمل بر گفتمان اصلی توسعه، دانش مورد نظر، مراحل اقتداربخشی، ظرفیت‌سازی و نهادسازی، ۲۴ زیرمقوله و ۱۶۶ کد است. نتایج حاصل از یکپارچه‌سازی داده‌های پژوهش در فرایند فراترکیب نشان‌دهنده آن است که مقوله گفتمان اصلی توسعه، ۳۳/۷۳ درصد کل کدهای استخراج شده را به خود اختصاص داده است. مقوله نوع دانش مورد نیاز برای توسعه، ۳۲/۵۴ درصد کل کدهای استخراج شده را شامل شده است. مقوله مراحل اقتداربخشی، ۶/۰۳ درصد کل کدهای استخراج شده را به خود اختصاص داده است. مقوله ظرفیت‌سازی، ۱۸/۶۷ درصد کل کدهای استخراج شده را شامل شده است. در نهایت، مقوله نهادسازی، ۹/۰۳ درصد کل کدهای استخراج شده را به خود اختصاص داده است. از این رو، بیشترین کدهای استخراج شده متعلق به مقوله گفتمان اصلی توسعه است. در عین حال، مقوله مراحل

- minants of Women's Empowerment. *Paradigms: A Research Journal of Commerce, Economics, and Social Sciences*, 12(1), 82-87
14. Bhatia, S., & Singh, S. (2019). Empowering Women Through Financial Inclusion: A Study of Urban Slum. *Vikalpa: The Journal for Decision Makers*, 44(4), 182-197.
15. Biswas, B., & Banu, N. (2023). Economic empowerment of rural and urban women in India: A comparative analysis, *Spatial Information Research*, 31(1):73-89
16. Cattaneo, B., & Chapman, A. R. (2010). The process of empowerment: a model for use in research and practice. *American Psychologist*, 65(7):646-59.
17. Chaudhury, I. M., & Nosheen, F. (2009). The Determinants of Women's Empowerment in Southern Punjab (Pakistan): An Empirical Analysis, *European Journal of Social Sciences*, 10(2), 216-229
18. Chiapa, C., Prina, S., & Parker, A. (2016). The effects of financial inclusion on children's schooling, and parental aspirations and expectations. *Journal of International Development*, 28(5), 683-696.
19. Cornwall, A. (2016). Women's empowerment: What works. *Journal of International Development*, 28(3), 342-359.
20. Cronin, P., Ryan, F., & Coughlan, M. (2008). Undertaking a literature review: a step-by-step approach. *British Journal of Nursing*, 17(1), 38-43.
21. Dandona, A. (2015). Empowerment of Women: A Conceptual Framework. *The International Ethnography*, 43(2), 148-175
7. Asaolu, I.O., Alaofè, H., Gunn, J.K., Adu, A.K., Monroy, A.J., Ehiri, J.E., Hayden, M. H. & Ernst, K. C. (2018). Measuring women's empowerment in sub-Saharan Africa: exploratory and confirmatory factor analyses of the demographic and health surveys. *Front Psychology*, 9(994), 1-10.
8. Bailey, K.D. (1994). Typologies and taxonomies: an introduction to classification techniques, Sage University papers: Quantitative applications in the social sciences, No. 07-102. Thousand Oaks, CA, Us: Sage Publication, Inc.
9. Bandiera, O., Buehren, N., Burgess, R., Goldstein, M., Gulesci, S., Rasul, I., & Sulaiman, M. (2018). *Women's empowerment in action: Evidence from a randomized control trial in Africa*. Washington, DC: World Bank.
10. Barroso J., Gollop C., Sandelowski M., Meynell J., Pearce P. & Collins L (2003). The challenge of searching for and retrieving qualitative studies, *Western Journal of Nursing Research* 25(2), 153-178.
11. Batool, H., & Afzal, M. (2021). Role Of Women's Empowerment In Achieving Sustainable Development Goals: Empirical Evidence From Central Punjab-Pakistan. *Webology*, 18(6), 6778-6809.
12. Batool, S. A. (2018). *Determinants of women's empowerment in Punjab, Pakistan*. PhD Thesis in Economics, University of the Punjab, Lahore, Pakistan.
13. Batool, S. A., & Batool, S. S. (2018). Individual, Familial, and Socio-Cultural Deter-

- Women Empowerment Policy*. Women and Youth Empowerment Division Resilience and Social Development Department.
30. Kumari, S.D.S. & Dias, S.N.R.F. (2021). Impact of Microfinance on Women Empowerment.
31. Kurtis, T., & Adams, G. (2015). Decolonizing liberation: toward a transnational feminist psychology. *Journal of Social and Political Psychology*, 3(1), 388–413.
32. Li, J., Li, J., Nassani, A. A., Naseem, I., Zaman, K. (2024). The impact of women's empowerment and access to finance on greenhouse gas emissions: A framework for securing environmental tranquility. *Borsa Istanbul Review*, 24(2), 341-351.
33. Lombardini, S., Bowman, K., & Garwood, R. (2017). *A 'How to' Guide to Measuring Women's empowerment, Sharing experience from Oxfam's impact evaluations*. Oxfam GB.
34. Luttrell, C., Quiroz, S. Scrutton, C., & Bird, K. (2007). *Understanding and operationalising empowerment*. Swiss Agency for Development and Cooperation, Intercooperation and Overseas Development Institute
35. Mandal, K. C. (2013). Concept and Types of Women Empowerment. *International Forum of Teaching and Studies*, 9(3), 17-30.
36. Menon, S., Ranjitha, M., & Shweta S. (2020). A Study on the Status of Women's Empowerment in urban Bangalore, India. *Journal of International Women's Studies*, 21(5), 54-64.
37. Mertens, D. (2014). Literature Review *International Journal of Indian Psychology*, 2(3), 35-45.
22. Debnath, D., Rahman, M. S., Acharjee, D. C., Latif, W. U., & Wang, L. (2019). Empowering women through microcredit in bangladesh: An empirical study. *International Journal of Financial Studies*, 7(3), 1-11,
23. Dhamija, G., Roychowdhury, P., & Shankar, B. (2023). Urbanization and Women Empowerment: Evidence from India, *GLO Discussion Paper*, No. 1323, Global Labor Organization (GLO), Essen, pp. 19--68.
24. Dutt, A., Grabe, S., & Castro, M. (2016). Exploring links between women's business ownership and empowerment among Maasai women in Tanzania. *Analyses of Social Issues and Public Policy (ASAP)*, 16(1), 363–386.
25. Gangwar, R. (2021). Empowering Women for Sustainable Development. *Just Agriculture*, 1(11), 1-8.
26. Hoque, M., & Itohara, Y. (2009). Women empowerment through participation in micro credit programme : a case study from Bangladesh, *Journal of Social Sciences*, 5(3): 244-250.
27. Huis, M.A., Hansen, N., Otten, S., & Lensink, R. (2017). A Three-Dimensional Model of Women's Empowerment: Implications in the Field of Microfinance and Future Directions. *Frontiers in Psychology*, 8(1678), 1-14.
28. Jain, M. (2023). Women Empowerment: A Multidimensional Approach. *Journal of Women Empowerment and Studies*, 03(04), 36-42.
29. Islamic Development Bank. (2019).

- Education*, 50(3), 307–324.
45. Swain, R. B., & Wallentin, F. Y. (2009). Does microfinance empower women? Evidence from Self-Help Groups in India. *International Review of Applied Economics*, 23(5), 541–556.
46. Tabasum Niroo, W., & Crompton, H. (2022). Women's empowerment through the use of technology. *Asian Journal of Distance Education*, 17(2), 135-152.
47. VeneKlasen, L., & Miller, V. (2007). *A New Weave of Power, People and Politics: The Action Guide for Advocacy and Citizen Participation*. Practical Action Publishing
48. Wei, W., Sarker, T., Zukiewicz-Sobczak, W., Roy, R., Alam, G.M.M., Rabbany, M.G., Hossain, M.S., & Aziz, N. (2021). The Influence of Women's Empowerment on Poverty Reduction in the Rural Areas of Bangladesh: Focus on Health, Education and Living Standard. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(1), 6909.
49. Wiklander, J .(2010). *Determinants of women's empowerment in rural india:An intra household study*. Master's thesis, Department of Economics, Lunds Universitet, Sweden.
50. Xiao Y, Watson M, (2019). Guidance on Conducting a Systematic Literature Review. *Journal of Planning Education and Research*, 39(1):93-112
51. Yogendrarajah, R .(2013). Women Empowerment through Decision Making, *The International Journal of Economics and Business Management*, 3(1), 1-10.
- and Focusing the Research. In D. Mertens, *Research and Evaluation in Education and Psychology* (4 ed., p.536), SAGE.
38. Murthy, K. S. (2022). Empowerment of Women - A Conceptual Framework. *International Journal of Advanced Research*, 10(04), 802-812
39. Norris, P. (2020). *The State of Women's Participation and Empowerment: New Challenges to Gender Equality*. UN Women Expert Group Meeting Sixty-fifth Session of the Commission on the Status of Women, September 2020.
40. Ojo, S.N., & Pojwan, M.A .(2021). Women's Empowerment and Gender Equality in Urban Areas: New Threats and Potentials in Nigeria. *International Journal of Research and Innovation in Social Science (IJRISS)*, V(VI), 724-728.
41. Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer Publishing Company.
42. Saravanakumar, P. & Varakumari, J . E .(2019). A comparative study on women empowerment in urban and rural setting in Tamil Nadu. *International Journal of Community Medicine and Public Health*, 6(3):1108-1111.
43. Sharaunga, S., Mudhara, M., & Bogale, A. (2019). Conceptualisation and Measurement of Women's Empowerment Revisited. *Journal of Human Development and Capabilities*, 20(1), 1–25.
44. Stromquist, N. P. (2015). Women's empowerment and education: linking knowledge to transformative action. *European Journal of*

53. Zhang, A. Y., Song, L. J., Tsui, A. S., and Fu, P. P. (2014). Employee responses to employment-relationship practices: the role of psychological empowerment and traditionalism. *J. Organ. Behav.* 35(1), 809–830.

52. Zaman, U.R., Rahaman, M.M., Hussain, S.M.A., & Zaki, M. (2012). Women Empowerment in Different Household Issues of Bangladesh' Bangladesh, *Medical Journal*, 37(2), 41-45.

نحوه ارجاع به این مقاله:

مهدوی سعیدی، پسند، بهزادفر، مصطفی، مسعود، محمد و رشتیان، سید محمد. (۱۴۰۳). تدوین چهارچوب مفهومی تحقق‌پذیری مقتدرسازی زنان در فضاهای شهری. پژوهش‌های فضا و مکان در شهر. ۳۱(۸)، ۷۴-۵۱. <https://doi.org/10.22034/jspr.2024.2045395.1085>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2024.2045395.1085>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_719279.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.
This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





الگوسازی توسعه فضایی در شهرهای کوچک بر پایه سنجش نیاز ساکنان (مورد مطالعه: شهر دهسرخ)

داریوش مرادی چادگانی

استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

نرگس سلطانی*

استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

نیلوفر راست قلم

دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

کیخسرو ایرجی آسیابادی

کارشناس ارشد مهندسی عمران، شهرداری دهسرخ، اصفهان، ایران

چکیده

الگوی توسعه فضایی برای هدایت و کنترل مسیر توسعه شهرها در آینده اهمیت ویژه‌ای دارد و دستورکارهای مداخله در ساختار فضایی شهر را برای سیستم مدیریت شهری ایجاد می‌کند. در این مقاله با به‌کارگیری رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی فضای شهری مشکل سو، مبتنی بر سنجش نیاز و رضایت ساکنان در شهر دهسرخ (یک شهر کوچک و در حال گذار از روستا به شهر)، الگوی توسعه فضایی شهر در سطح راهبردی تولید و ویژگی‌های متمایز آن ردیابی و معرفی شده است. به‌منظور انجام تحلیل‌های مرتبط با نیازسنجی و رضایت‌سنجی از شیوه کمی و کیفی (ترکیبی^۲) بهره گرفته شده است که فنون و روش‌های کمی (چون تحلیل‌های آماری توصیفی و آزمون میانگین فریدمن) و کیفی (چون تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل متون برآمده از گروه هیئت منصفه ذی‌نفعان کلیدی) و نیز از لحاظ هدف بیرونی کاربردی و توصیفی-تحلیلی-تجویزی است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش بیانگر ضرورت مداخله بر اساس مفاهیم بنیادین، چون پایداری، همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی است که مانع از گسیختگی اجتماعی و گسستگی کالبدی در ساختار فضایی شهر می‌شود و در مسیر ارتقا و بهبود دسترسی ساکنان به خدمات و امکانات پشتیبان سکونت، روند توسعه شهر را هدایت و کنترل می‌کند. ارتقای سطح رضایتمندی ساکنان (به‌ویژه در سطح محلات) ارتباط مستقیم با فراهم شدن دسترسی عادلانه و متعادل به امکانات و زیرساخت‌های شهری دارد.

کلیدواژگان: نیازسنجی، رضایتمندی، برنامه‌ریزی راهبردی فضایی شهری، دهسرخ.

*. ایمیل نویسنده مسئول: n.soltani@ashrafi.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

به منظور رفع کاستی‌ها در برنامه‌های جامع و تفصیلی و کاهش غلبه چهارچوب شناخت‌شناسی اثبات‌باور بر الگوهای توسعه شهری و منطقه‌ای، رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی فضایی به‌عنوان یک راه‌حل جایگزین معرفی شد، به‌گونه‌ای که اصولی چون عدم قطعیت، احتمالی بودن فرایند برنامه‌ریزی، ارتقای سطح مشارکت عمومی، امکان‌پذیر شدن بازگشت به مراحل پیشین و پسین در فرایند برنامه‌ریزی، پذیرش محدودیت در منابع، دانش و نیروی انسانی، سطح بندی برنامه در دو سطح راهبردی و عملیاتی و تعمیم فرایند برنامه‌ریزی به سطح اجرا را در فرایند و محتوای برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای جایگزین کرد (Steinberg, 2000). برنامه‌ریزی راهبردی فضایی، فرآیندی اجتماعی فضایی منعطف و متمرکز است که توسط بخش عمومی راهبری می‌شود و برون‌داد آن بیانیه‌های چشم‌انداز، اهداف کلان و خرد، راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌های عملیاتی و پروژه‌هاست. در این رهیافت حل همه مشکلات شهر در دستورکار قرار ندارد و تمرکز بر موضوعات راهبردی و حل مشکلات اصلی و دارای اولویت است (مؤمنی و مصطفوی، ۱۳۹۶). در بیشتر شهرهای ایران رهیافت برنامه‌ریزی عقلانی جامع (با نام برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی) که ویژگی‌های اصلی آن به‌کارگیری اصل قطعیت، پذیرش نامحدود بودن منابع و دانش، خطی بودن فرایند برنامه‌ریزی، انعطاف‌پذیری اندک و کالبدی بودن (در برابر فضایی بودن) در دستور کار رسمی بخش عمومی (چون شهرداری‌ها و اداره‌های کل راه و شهرسازی) قرار دارد که پاسخگوی نیازهای فعلی شهرها نیست و میزان تحقق اهداف پیش‌بینی شده در آن‌ها ناچیز است (رعنایی، ۱۳۸۹). بنابراین گذار از الگوی برنامه‌ریزی جامع به سمت برنامه‌ریزی راهبردی

فضایی در شهرها، با توجه به ویژگی‌های ترکیبی، انعطاف‌پذیر بودن و پویایی آن در جهت حل مسائل و مشکلات و سازگاری با تحولات آینده ضروری به نظر می‌رسد (عبدی دانشپور، ۱۳۸۲). فرایند برنامه‌ریزی راهبردی فضایی شهری را با دو شیوه متفاوت هدف‌سو و مشکل‌سو می‌توان پیاده‌سازی و اجرا کرد (Bryson, 1995: 74). شیوه هدف‌سو فرایند برنامه‌ریزی با تأکید بر اصل آینده‌بینی صریح مشکلات آتی تحت فشارهای ساختار قدرت در جامعه قرار دارد، درحالی‌که در تضاد با شیوه نخست می‌توان شیوه‌ای را برگزید که با تحلیل مشکلات گذشته و کنونی تلاش می‌کند تا عمل برنامه‌ریزی با توجه به کاهش بار و پیامدهای آتی مشکلات موجود انجام گیرد (Rock, 2012). در این شیوه که در مقایسه با گزینه نخست به عمل برنامه‌ریزی نزدیک‌تر است، انتخاب پدیده مورد برنامه‌ریزی برای شناخت مشکلات گذشته و جاری آن اهمیت بسزایی دارد (Albrechts 2004). فرایند برنامه‌ریزی راهبردی فضایی تغییر و توسعه شهری همراه با انتخاب شیوه مشکل‌سوی برنامه‌ریزی هر دو جنبه برنامه‌ریزی شهری یعنی تغییر فضاهای موجود و توسعه فضاهای جدید را در بر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر کوشش برنامه‌ریزی در جهت تأثیرگذاری، تغییر، توسعه و کنترل نیروها توأم با برنامه‌ریزی برای تغییر است (صرافی، ۱۳۸۰). در این فرایند انتخاب پدیده برنامه‌ریزی‌شده به منظور تحلیل مشکلات و شناسایی مفاهیم پایه برنامه‌ریزی (موضوعات راهبردی) اهمیت ویژه‌ای دارد (Buyukdamgaci & Nuket, 2006: 671). در این مقاله، به منظور دستیابی به الگوی توسعه فضایی در شهر دهرسخ برپایه اصول برنامه‌ریزی راهبردی فضایی مشکل‌سو که در آن بیانیه مشکلات با انجام نیازسنجی و رضایت‌سنجی از

ساکنان پشتیبانی می‌شود، مسیرهای چهارگانه شامل: (۱) تحلیل اسناد فرادست با هدف ردیابی مشکلات و اولویت‌بندی آن‌ها در طرح‌ها و برنامه‌های ملی و منطقه‌ای و شناسایی خط‌مشی کلی جهت شیوه تغییر و توسعه شهر؛ (۲) نیازسنجی از شهروندان با هدف دستیابی به اولویت نیازهای شهروندان؛ (۳) مصاحبه با ذی‌نفعان و تصمیم‌گیرندگان با هدف شناسایی مشکلات، چالش‌ها و نگرانی‌های آن‌ها در وضعیت موجود و (۴) تحلیل ساختار فضایی شهر با هدف شناسایی کمبودها و مقایسه با استانداردها، طراحی و تدبیر شده‌اند و با یکپارچه‌سازی و تحلیل تطبیقی آن‌ها با یکدیگر، بیانیه نهایی مشکلات جهت تولید الگوی توسعه شهر دهسرخ اسناد برنامه تدوین شده است.

شهر دهسرخ تا پیش از سال ۱۳۹۸ ه.ش. در سلسله مراتب تقسیمات کشوری استان اصفهان روستا بود و پس از آن به جایگاه شهری در شهرستان مبارکه از توابع بخش گرکن جنوبی ارتقا یافت. افزایش جمعیت یک روستا و تبدیل آن به شهر، تغییرات اقتصادی ناشی از تحول اقتصاد مبتنی بر دامداری به اقتصاد مبتنی بر خدمات شهری، افزوده شدن امکانات و تسهیلات شهری، توسعه حمل‌ونقل همگانی، محدودیت‌های توسعه ناشی از وجود اراضی کشاورزی در شهر، تغییر در ضوابط و قوانین و مقررات شهری، افزایش ارزش زمین و تغییرات جمعیتی از نتایج تغییرات اخیر شهر دهسرخ است (شهرداری دهسرخ، ۱۴۰۲) و در آن سابقه‌ای از برنامه‌ریزی راهبردی بر پایه سنجش نیاز و رضایت وجود ندارد. پرسش‌های تدبیر شده برای این مقاله را این‌گونه می‌توان معرفی کرد: نخست، نیازهای اصلی ساکنان شهر دهسرخ در سطح محلات شهر چیست؟ دوم، میزان رضایت ساکنان شهر دهسرخ از خدمات ارائه شده توسط شهرداری در سطح محلات

شهر چگونه است؟ سوم، چگونه الگوی توسعه شهر دهسرخ بر پایه برنامه‌ریزی راهبردی فضایی مشکل‌سو برآمده از نیازها و رضایت ساکنان دگرگون می‌شود؟ در تناظر با پرسش‌ها، اهداف سه‌گانه این پژوهش شامل: (۱) دستیابی به نیازهای اصلی ساکنان در محلات شهر دهسرخ؛

(۲) دستیابی به میزان رضایت ساکنان از خدمات ارائه شده توسط شهرداری دهسرخ و (۳) ارائه الگوی مداخله در ساختار فضایی شهر دهسرخ در سطوح راهبردی و عملیاتی در راستای سیاست‌گذاری و توسعه شهری و ارتقای سطح رضایتمندی ساکنان و تأمین نیاز آن‌ها می‌شوند.

۲. ادبیات نظری پژوهش

انتقاد از رهیافت‌های سنتی و کالبدی برنامه‌ریزی شهری، به شکل‌گیری نظریه‌های گزینه که هم کارکرد اجتماعی و اقتصادی و هم ساختار کالبدی را در نظر آورد، منجر شده است. تفکر راهبردی؛ تفکر مشکل‌گشایی و دیدگاه ساختاری-کارکردی بیانگر چنین تغییری در دیدگاه سنتی برنامه‌ریزی بوده است (Rock, 2012). از دهه ۱۹۶۰م جنبش‌های انتقادی به کارکرد برنامه‌ریزی در سطوح شهری و فراشهری سبب برانگیختن گفتمان مشارکت در برنامه‌ریزی شهری و در دستورکار قرار گرفتن آن در برخی کشورها و چیرگی سیاست در برنامه‌ریزی شهری شد. با تعریفی که از آن، پس از برنامه‌ریزی همچون یک فعالیت سیاسی انجام شد، فرصت پرداختن به جنبه‌های اجتماعی برنامه‌ریزی نیز بیشتر پیش آمد (عبدی دانشپور، ۱۳۸۷: ۳۴۹). برای نمونه، لندن برای تنظیم برنامه خود به مجموعه‌ای از مطالعات جمعیتی، اقتصادی، زیست‌محیطی، حمل‌ونقل، مسکن و... استناد می‌کند و این ارقام و مستندها هستند که در کنار نظرات مردم، کارشناسان و

مسئولان شهر، مبنایی برای تدوین چشم‌انداز، اهداف و راهبردها می‌شوند. بررسی سوابق پژوهش حاکی از آن است که در منابع خارجی پژوهش‌های متعددی در خصوص ارزیابی وضعیت سکونتگاه‌های شهری در چهارچوب برنامه‌ریزی راهبردی انجام گرفته است. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به برنامه‌ریزی راهبردی محلات شهر ورشو (vasilevska & vasic, 2009) در قالب چشم‌انداز، اهداف، راهبرد و سیاست‌ها اشاره کرد که در قالب یک برنامه پانزده‌ساله با هدف اعتلا و توسعه شهر در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی به صورت هدف‌سو انجام پذیرفته است. در نمونه دیگری برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهر با رویکرد شهر سبز پاسادنا (Hutter & Wiechmann, 2022) با هدف ارتقای سرزندگی شهری در دستورالعمل قرار گرفته تا زیست‌پذیری شهری را افزایش دهد. در پژوهش دیگری با تأکید بر ویژگی تقلیل‌مداری برنامه‌ریزی راهبردی دو هدف کلان به‌عنوان اهداف بلندمدت شهری در زمینه توسعه اقتصادی و شناسایی راه‌های کنترل جمعیت انتخاب شده تا وضعیت شهر سامان یابد (Cavenago & Trivellato, 2010; Wilhite. etal, 2005).

۱-۲- معرفی شیوه مشکل‌سو در برنامه‌ریزی شهری راهبردی

فرآیند عقلانی مشکل‌یابی-مشکل‌گشایی با پشتوانه رهیافت‌های عقلانی، فرآیندی با درون‌دادها (ارزش‌های حاکم بر جامعه، انتظارات، چشم‌داشت‌ها، محدودیت‌ها و امکانات موجود در جامعه) (Cavenago & Trivellato, 2010)، برون‌دادها (سیاست‌ها و تصمیم‌ها) و نیز سازوکارهای درونی است که دو عمل اصلی مشکل‌یابی و مشکل‌گشایی را به کار گرفته (زیاری، ۱۳۹۱: ۲۱) و پنج مرحله دارد: مرحله نخست: مشکل‌یابی: در دو حالت رخ می‌دهد:

الف) شناسایی مشکل ساده که مستقیم از سوی تصمیم‌ساز یا مشکل‌گشا انجام می‌گیرد؛
ب) شناسایی مشکل پیچیده که مشکل‌گشا با توجه به نشانه‌ها و اقدام‌هایی که برای شناسایی انجام می‌دهد، مشکل را می‌یابد.

مرحله دوم: تعریف مشکل: در پاسخ به پرسش «مشکل چیست؟» صورت‌بندی پیچیدگی‌های مشکل، ویژگی‌های وضعیت مشکل‌دار و شیوه ارتباط آن با سایر مشکل‌ها تعیین و تفسیر می‌شود. این مرحله نشان از فرآیند و نیز از فرآورده (محصول) دارد و به درک دقیق وضعیت مشکل‌دار می‌انجامد و به همین دلیل ارزیابی وضعیت نیز نامیده می‌شود (UNISDR, 2012).

مرحله سوم: علت‌یابی: علت هر مشکل با استوار بودن بر چهارچوب تفکر علت‌یابی باور که شرایط به وجود آمدن مشکل را شکل می‌دهد، شناسایی می‌شود. فرآیند تشخیص علت مشکل از گام‌های گردآوری اطلاعات، تولید و آزمون فرضیه تشکیل می‌شود.

مرحله چهارم: مشکل‌گشایی و تولید هزینه: برای درک مشکل، دستیابی و پیمودن مسیر مشکل‌گشایی، تحلیل وضعیت مشکل‌دار، جست‌وجوی گزینه‌ها در فضای مشکل و بر اساس دانش موجود در گشودن مشکل و نیز بیان علت اختیار گزینه‌ها (با به‌کارگیری تفکر تحلیلی) انجام می‌شود.

مرحله پنجم: ارزش‌گذاری، انتخاب گزینه برتر و اجرا: در پی تعیین گزینه‌های ممکن برای گشودن مشکل با به‌کارگیری سنجه‌هایی درخور، ارزش‌گذاری انجام می‌شود. این فرآیند با چالش‌هایی مرتبط با عدم قطعیت در برآمدهای حاصل از هر انتخاب، تعیین میزان مفید بودن یا مفید نبودن یک گزینه و انتخاب گزینه‌ای با اثرهای جانبی روبه‌روست (شریف‌زادگان و مؤمنی، ۱۳۹۳: ۴۳؛ Rock, 2012).

شیوه مشکل‌سو، نوعی برنامه‌ریزی عمل‌باورانه است و بر پایه واکنش نسبت به مشکلات گذشته و کنونی قرار دارد. ویژگی این نوع برنامه‌ریزی، شکل‌گیری و پیدایش موضوع‌ها و اهداف پیش از تصمیم‌گیری نشده است. در این شیوه کوشش اندکی برای نگاه به آینده با توجه به پیامدهای آتی فعالیت‌های برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد (عبدی دانشپور، ۱۳۸۷: ۱۱۵؛ Dickson. et al, 2019).

۲-۲- معرفی رهیافت سنجش نیاز در برنامه‌ریزی شهری

از سال ۱۹۸۱ میلادی، سنجش نیاز به‌عنوان ابزار مورد استفاده و رایج در بخش‌های دولتی و خصوصی به کار گرفته شد. سنجش نیاز یک فرآیند سیستماتیک برای هدایت تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است که تفکر پیش از عمل تصمیم‌گیری را در یک فرآیند برنامه‌ریزی پایه‌گذاری می‌کند (کریمی، ۱۳۸۵؛ زیاری و همکاران، ۱۳۸۸). سنجش و ارزیابی نیاز قادر است برای هر برنامه و پروژه‌ای با هر مقیاس، چهارچوب زمانی یا بودجه‌ای صورت گیرد. نیازسنجی را روش نظام‌مند در مطالعه دانش، توانایی، علایق، یا نگرش یک گروه اجتماعی درگیر در یک موضوع خاص می‌داند و سنجش نیاز را به دورهیافت مستقیم و غیرمستقیم دسته‌بندی می‌کند (حاج شیرمحمدی، ۱۳۸۶؛ جوانی، ۱۳۸۱).

نخست: رهیافت سنجش نیاز مستقیم: نیازسنجی مستقیم آن است که به‌صورت مستقیم اطلاعات در قالب پیمایش تحقیقاتی گردآوری می‌شود (Buyukdamgaci & Nuket, 2006: 671). نیازسنجی مستقیم به اطلاعاتی منجر می‌شود که از دقت و اطمینان بیشتری برخوردار است.

دوم: رهیافت سنجش نیاز غیرمستقیم: شیوه غیرمستقیم

آن است که از اطلاعات ثانویه استفاده شود یا از صاحب‌نظران پیرامون مسائل یا نیازهای مهم پرسش می‌شود. در روش غیرمستقیم از داده‌های دست دوم استفاده می‌شود و یا نظرهای مدیران اصلی درباره نیازهای اولیه و موضوع‌ها مورد پرسش قرار می‌گیرد (دلور، ۱۳۸۱). کاربردهای سنجش نیاز را این‌گونه معرفی کرده‌اند: نخست، نمایش داده و اطلاعات برای تعریف نیازها؛ دوم، اولویت‌بندی نیازها؛ سوم، نمایش معیار برای سنجش مداخلات بالقوه؛ چهارم، تولید اطلاعات برای اختیار یک یا چند گزینه به‌منظور انجام فعالیت‌های اجرایی برنامه؛ پنجم، تولید اطلاعات برای ارزیابی عملکرد سیستم مدیریت اجرای برنامه (Hutter & Wiechmann, 2022).

در این پژوهش از روش تحلیلی و استنباطی به‌منظور ردیابی و تحلیل شدت و پراکندگی نیازهای ساکنان شهر دهسرخ استفاده شده است که در آن سنجش نیاز به‌عنوان مسیر مطلوب برای دستیابی به توسعه و بهبود عملکرد معرفی شده است و برای پیش‌بینی بر پایه ارزیابی وضعیت موجود به کار گرفته می‌شود. بر این اساس، نیاز ساکنان محلات شهر دهسرخ بر اساس فاصله وضعیت موجود شهر به‌عنوان یکی از روستاهایی که به‌تازگی به‌عنوان شهر کوچک شناخته می‌شود، در برابر وضعیت مطلوب و مورد قبول شهروندان ارزیابی و سنجش می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

بر پایه اهداف مقاله (ن.ک. به مقدمه)، پژوهش در این مقاله کاربردی است که با توصیف و تحلیل پدیده مورد پژوهش (محلات شهر دهسرخ) به معرفی شدت نیازها و میزان رضایت‌مندی از امکانات فراهم‌شده برای زندگی در شهر می‌پردازد. راهبرد پژوهش استقرایی و شیوه انجام آن به‌صورت آمیخته (کمی و کیفی) است.

جدول شماره (۱): انواع تعاریف نیاز

تعریف نیاز	پایه‌های طبقه‌بندی انگاشت نیاز	مرجع معرفی تعریف نیاز
نیاز به‌عنوان تفاوت میان عملکرد مطلوب و عملکرد مشاهده‌شده یا پیش‌بینی‌شده تعریف می‌شود.	فاصله یا شکاف	استافل بیچ، ۱۹۸۵
به تعریف نیاز به‌عنوان خواسته نیز نزدیک‌تر است. اگرچه این دیدگاه ارزش بالایی در سنجش نیاز عمومی دارد، متغیرهای زیادی را در نظر می‌گیرد، در مدنظر قرار دادن زوایای گوناگون مساوی عمل می‌کند، افراد زیادی را در تعیین هدف در نظر می‌گیرد، اطلاعات مفیدی را در تعیین اهمیت نسبی نیازهای ممکن در اختیار قرار می‌دهد و به کار بردن آن آسان است. در این نوع طبقه‌بندی از نیاز، احتمال جابه‌جایی نیازها با تمایلات وجود دارد.	دموکراتیک	
نیاز مسیری است که در آن با در نظر گرفتن اطلاعات پیرامون وضع موجود امکان وقوع پیشرفت برای رفع نیاز را می‌توان پیش‌بینی کرد.	تحلیلی یا استنباطی	
نیاز بر پایه عدم وجود یا نقص مخرب تلقی می‌شود. در این دیدگاه نیازهای تأمین‌شده همراه با نیازهای تأمین‌نشده توأمان شناسایی می‌شوند.	تشخیصی	

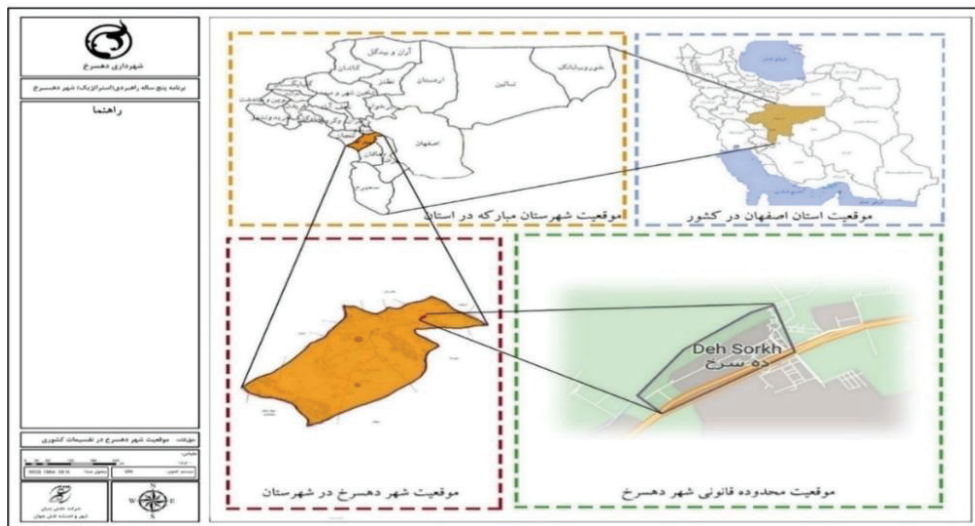
(منبع: عبداللهی، ۱۳۸۷؛ Cavenago & Trivellato, 2010)

رفتار اجتماعی طراحی گردید (ن. ک. به بخش ۲-۵ و ۳-۵) به‌منظور محاسبه حجم نمونه در سنجش نیاز و رضایت ساکنان، از فرمول کوکران استفاده شده است (حجم نمونه ۳۴۳ مورد) و نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی طبقه‌بندی‌شده با توزیع یکنواخت در سطح محله‌های شهر دهرسرخ انجام شد. همچنین برای تکمیل نیازسنجی، تحلیل‌های استنباطی انجام شده است. تحلیل داده‌های کمی در محیط نرم‌افزارهای Excel و SPSS انجام شد. پس از پیمودن مسیرهای چهارگانه و انجام تحلیل‌های مرتبط با آن‌ها، یافته‌های پژوهش با استفاده از متن و ابزارهای بصری به‌منظور تدوین الگوی توسعه فضایی محلات شهر دهرسرخ یکپارچه‌سازی شدند.

جدول شماره (۲): حجم جامعه و نمونه پژوهش

حجم جامعه	حجم نمونه	نحوه تخصیص به محلات
۳۲۳۵	۳۴۳	توزیع یکنواخت و تصادفی در سطح محلات شهر

ابزارهای گردآوری داده‌ها و اطلاعات در تولید پایه‌های نظری و فنی و نیز انجام مرحله توصیف، ترکیبی از کاوش در اسناد و بازبینی متون هستند. به‌منظور تولید بیانیه نهایی مشکلات با پیمودن مسیرهای چهارگانه (ن. ک. به مقدمه)، از مصاحبه با مسئولان به‌عنوان ذی‌نفعان و تصمیم‌گیرندگان در سیستم مدیریت شهری (شامل مدیران شهرداری، اعضای شورای اسلامی شهر، مدیران اداره‌ها و سازمان‌ها و رؤسای پایگاه‌های بسیج و روحانیون)، تحلیل ساختار فضایی شهر، واکاوی اسناد فرادست و انجام فرآیند نیازسنجی و رضایت نیاز از شهروندان دهرسرخ استفاده شده است. برون‌داد هر یک از این مسیرها، بخشی از بیانیه نهایی مشکلات موجود در شهر است که در پایان مسیر انجام تحلیل‌ها، پالایش شده و به‌عنوان محتوای اصلی برای تولید سایر اسناد برنامه راهبردی به کار گرفته می‌شود. برای گردآوری داده‌های موردنیاز در مراحل نیازسنجی، از پرسشنامه ساختاریافته با پرسش‌های بسته استفاده شد که بر پایه مقیاس‌گذاری لیکرت و با هدف اندازه‌گیری



شکل شماره (۱): موقعیت جغرافیایی شهر دهسرخ در تقسیمات سیاسی

جدول شماره (۳): وضعیت اشتغال و بیکاری در سال‌ها ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰ در شهر دهسرخ

سال	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	درصد	جمعیت بیکار	درصد
۱۳۹۰	۱۳۴۶	۱۲۰۷	۶۷٫۸۹	۱۵۷	۱۰٫۳۳
۱۳۹۵	۱۵۲۱	۱۳۷۴	۹۰٫۳	۱۴۷	۹٫۷

(منبع: شهرداری دهسرخ، ۱۴۰۰)

کوه کوچک قرار دارد. همچنین از نظر موقعیت قرارگیری در مختصات جغرافیایی ۱۱ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی و ۶۲ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی قرار دارد (شهرداری دهسرخ، ۱۴۰۰).
شهر دهسرخ براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ ه.ش دارای ۳/۸۳۷ نفر جمعیت بوده که از این تعداد ۳/۲۲۱ نفر را جمعیت بالای ۱۰ سال تشکیل داده است که از این افراد ۳۷ درصد افراد شاغل و ۴/۸ درصد افراد بیکار بوده‌اند. تعداد بیکاران با یک روند کاهشی و تعداد شاغلان با یک روند افزایشی مختصر در سال ۱۳۹۵ به ترتیب ۴/۷ و ۴۴/۷ درصد است. این آمار

۴. معرفی نمونه موردی پژوهش
شهر دهسرخ تا پیش از سال ۱۳۹۸ ه.ش. در سلسله مراتب تقسیمات شهری استان اصفهان یک روستا معرفی شده است و بر اساس مصوبه هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ به پیشنهادهاى شماره ۸۶ مورخ ۱۳۹۷/۱/۵ و شماره ۳۰۹۴۵ مورخ ۱۳۹۷/۲/۲۹ وزارت کشور و به استناد ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به شهر تبدیل شد. ارتفاع شهر دهسرخ از سطح آب‌های آزاد ۱۳۶۱ متر است. همچنین این شهر از نظر طبیعی در دشتی مسطح واقع شده و تنها در قسمت جنوبی این شهر ارتفاعات

جدول شماره (۵): بیانیه‌نیازها بر پایه تحلیل مشکلات در اسناد فرادست و برنامه‌های محلی و منطقه‌ای

منبع	فهرست مشکلات
آمایش استان اصفهان	توزیع نامتعادل فعالیت‌های شهری و کاربرد زمین
طرح هادی روستایی	نابرابری فضایی در تراکم و پراکندگی کاربری‌های زمین شهری
طرح هادی روستایی	کاستی در شبکه ارتباطی برون‌شهری و اتصالات محدود و ناامن آن‌ها با شبکه‌های ارتباطی اصلی منطقه‌ای (اتوبان مبارکه)
طرح تفصیلی	کاستی در ارتباطات کالبدی و انسجام اجتماعی بین محلات شهر

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۶): بیانیه‌نیازها بر پایه تحلیل مشکلات برآمده از تحلیل ساختار فضایی شهر

مشکلات برآمده از تحلیل ساختار فضایی شهر
کمبود و مشکل دسترسی به انواع خدمات مرتبط با سکونت از قبیل درمانی، آموزشی، گذران اوقات فراغت، فضای سبز و سایر خدمات
عدم وجود پیوستگی کالبدی بین محلات شهری
دسترسی نامناسب و ناموزون به خدمات در محلات شهری
وجود زمین‌های بایر رهاشده در محلات شهر

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

بیانگر آن است با توجه به کاهش تعداد جمعیت در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰ تعداد شاغلان افزایش یافته است، اما نرخ بیکاری همچنان وضعیت با ثباتی را تجربه می‌کند.

۵. **بحث و یافته‌ها**
 به منظور انجام تحلیل‌ها و دستیابی به پاسخ پرسش‌های مقاله، بر پایه مراحل انجام پژوهش در روش‌شناسی، مسیرهای چهارگانه دستیابی به مشکلات و نیازهای ساکنان شهر دهرسخ پیموده شده است و برون‌داد نهایی بیانیه مشکلات بر اساس نتایج برآمده از این مسیرها، با یافته‌های رضایت‌سنجی از ساکنان محلات شهر

دهرسخ یکپارچه می‌شوند. الگوی توسعه فضایی شهر دهرسخ با به‌کارگیری نتایج یکپارچه در فرایند تولید

برنامه راهبردی فضایی شهری تدوین می‌شود.
 ۱-۵- شناسایی نیازهای ساکنان بر پایه تحلیل مشکلات در شهر دهرسخ (مشکل‌یابی)

به منظور ردیابی مشکلات و نیازهای ساکنان شهر دهرسخ بر پایه تحلیل اسناد فرادست و واکاوی طرح‌های شهری (مسیر نخست)، طرح هادی روستایی، طرح جامع و طرح تفصیلی شهر در سطح محلی و طرح جامع منطقه‌ای اصفهان طرح آمایش استان در سطح منطقه‌ای بازبینی شد و مهم‌ترین مشکلات و نیازهای برآمده از آن‌ها استخراج و بازنویسی شدند (جدول شماره (۵)).

به منظور ردیابی نیازهای ساکنان شهر دهرسخ بر پایه تحلیل مشکلات ساختار فضایی شهر (مسیر دوم)،

جدول شماره (۷): بیانیه نیاز ساکنان شهر دهرسخ بر پایه تحلیل مشکلات شهر از دیدگاه ذی نفعان کلیدی و تصمیم گیرندگان

زمینه‌های موضوعی	فهرست مشکلات	فراوانی
کالبد	خطرپذیری و آسیب‌پذیری میراث تاریخی شهر به دلیل نبود نظارت برای حفاظت و ساخت‌وسازهای غیرقانونی در حریم میراث تاریخی	۸
	ازهم‌گسیختگی اجتماعی و کالبدی و دوپاره شدن شهر با عبور اتوبان مبارکه از میان شهر	۸
	وجود فعالیت‌های مزاحم شهری چون دامداری‌های در سطح شهر و با فاصله کم از بافت‌های مسکونی	۸
	کیفیت و کمیت پایین ناوگان حمل‌ونقل برون‌شهری و فقدان زیرساخت‌های لازم برای آن	۶
اقتصادی	نابرابری فضایی به دلیل توسعه‌های نامتوازن در محلات شهر (به‌ویژه محله شهرک) که باعث خالی ماندن سکونتگاه از ساکنان و کاستی در تأمین خدمات و زیرساخت‌های شهری می‌شود.	۶
	افزایش بهای زمین و هزینه تمام‌شده ساختمان ناشی از تبدیل روستا به شهر و توسعه‌های جدید در نواحی پیرامون شهر	۶
اجتماعی	مهاجرت جمعیت جوان و افزایش نسبت جمعیت سالخورده به جمعیت جوان در ساختار سنی جمعیت شهر و محلات	۴
زیست محیطی	آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت کارخانه‌های صنعتی و کارخانه قند نزدیک به شهر (به‌ویژه آلودگی هوا، آب و خاک)	۶
	الگوی نامناسب کشت و بهره‌برداری از اراضی کشاورزی	۶

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

عمومی و نیز مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای هستند. افزون بر این، رشد نامتوازن و پراکنده شهری که در اثر وجود زمین‌های بایر و رهاشده در سطح محلات، عدم انسجام و یکپارچگی محلات شهر با یکدیگر و عبور یک عامل خطی بسیار قوی در جداسازی محلات شهر از یکدیگر (اتوبان مبارکه) ایجاد شده است، به‌عنوان مشکلی اصلی در ساختار فضای شهر معرفی شده است (جدول شماره (۶)).

یافته‌های برآمده از تحلیل متون مصاحبه با ذی نفعان کلیدی و تصمیم‌گیرندگان (به‌ویژه مدیران و کارشناسان شهرداری، بخش‌داری و شورای اسلامی شهر دهرسخ، رؤسای پایگاه‌های بسیج و روحانیون) در سیستم مدیریت شهری دهرسخ (مسیر سوم) نشان می‌دهند مهم‌ترین نیازهای ساکنان شهر دهرسخ مشکلاتی،

از تحلیل استنباطی وضعیت موجود ساختار فضایی دهرسخ با استانداردهای تراکم فعالیت‌ها و سرانه‌های کاربرد زمین شهری مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران استفاده شده است. افزون بر این، چگونگی توسعه و رشد شهر (پیش و پس از تبدیل از روستا به شهر) مورد تحلیل قرار گرفت و مشکلات مرتبط با آن با سایر مشکلات در این مرحله یکپارچه شد. بر این اساس، مهم‌ترین نیازهای ساکنان شهر دهرسخ دسترسی به مرکز بهداشتی و درمانی مناسب، برخورداری از مراکز عمده‌فروشی و خرده‌فروشی متنوع در سطح محلات، دسترسی به مراکز گذران اوقات فراغت و امکانات تفریحی برای گروه‌های اجتماعی مختلف در سطح محلات و برخورداری از مراکز آموزشی مناسب و به‌روز در سطح آموزش‌های

جدول شماره (۸): ویژگی های جمعیت نمونه در سنجش نیازهای ساکنان شهر دهرسخ

جنسیت	بازه سنی	فراوانی (درصد)	بازه سنی	فراوانی (درصد)
زن	۶۰/۵	۳۰-۳۰ سال	۱۹	۴۰-۵۰ سال
مرد	۳۹/۵	۳۰-۴۰ سال	۳۳	بیش از ۶۰ سال
			۲۸/۵	فراوانی (درصد)

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۹): بیانیه نیازهای ساکنان شهر دهرسخ بر پایه یافته های نیازسنجی از ساکنان محلات

رتبه بندی نیازها	فهرست نیازهای ساکنان شهر دهرسخ (بر پایه نیازسنجی از شهروندان)	ارزش گذاری نیازها
۱	مراکز خرده فروشی (کتاب، پارچه، لوازم ورزشی، گل فروشی و...)	۹/۹۲
۲	مراکز خدمات عمومی (دفتر ثبت اسناد، ازدواج و...)	۹/۹
۳	مراکز تفریحی (پارک، فضای سبز و...)	۹/۸۵
۴	مراکز فرهنگی (کتابخانه، فرهنگسرا، موزه و...)	۹/۴۷
۵	مراکز بهداشتی (بیمارستان، درمانگاه و...)	۹/۰۷
۶	مراکز آموزشی (دبستان، راهنمایی و...)	۹/۰۲
۷	فروش پوشاک و لوازم منزل	۸/۵۸
۸	مراکز خدمات مالی (بانک، بیمه و...)	۸/۳
۹	مراکز ورزشی (باشگاه، زمین های ورزشی و...)	۸/۱۵
۱۰	فروش لوازم یدکی و تعمیرات اتومبیل و پمپ بنزین	۸/۰۳
۱۱	مراکز خدمات مصرف شخصی (آرایشگاه مردانه و زنانه، خشکشویی و لباسشویی و...)	۷/۴۸
۱۲	مراکز حفاظت و امنیت جامعه (پلیس، آتش نشانی و...)	۷/۱۶
۱۳	مراکز فروش غذا و رستوران	۶/۹۸
۱۴	فروش مواد غذایی	۴/۹۴
۱۵	مراکز مذهبی (مسجد، حسینیه و...)	۳/۱۴

(منبع: شهرداری دهرسخ، ۱۴۰۰)

چون ضعف همبستگی محلات و پراکندگی آن ها، کمبود سامانه های حمل و نقل همگانی، افزایش بهای زمین و ساختمان و کاهش توان و استطاعت تملک مسکن توسط ساکنان، مهاجرت جوانان و سالخوردگی جمعیت، آلودگی زیست محیطی ناشی از فعالیت کارخانه های صنعتی در حریم شهر (به ویژه کارخانه قند) و الگوی نامناسب کشت و بهره برداری از اراضی کشاورزی است (جدول شماره (۷)).

به منظور سنجش نیازهای شهروندان در دهرسخ در دو سطح محله و شهر، از روش پیمایش اجتماعی مبتنی بر اندازه گیری رفتار بر پایه مقیاس گذاری رفتاری لیکرت استفاده شد و برای گردآوری داده و اطلاعات مورد نیاز

جدول شماره (۱۰): تحلیل توصیفی شاخص رضایتمندی ساکنان از سکونت در شهر و محلات شهری دهسرخ

سطح بندی رضایت از سکونت	ارزش گذاری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
رضایتمندی از سکونت در شهر	کاملاً ناراضی	۳۲	۱۰/۶	۱۰/۶
	نسبتاً ناراضی	۹۴	۳۱/۲	۴۱/۹
	نسبتاً راضی	۱۲۱	۴۰/۲	۸۲/۱
	راضی	۵۲	۱۷/۳	۹۹/۳
	کاملاً راضی	۲	۷/۰	۱۰۰/۰
	مجموع	۳۰۱	۱۰۰/۰	---
رضایتمندی از سکونت در محله	کاملاً ناراضی	۶۳	۲۰/۹	۲۰/۹
	نسبتاً ناراضی	۱۰۹	۳۶/۲	۵۷/۱
	نسبتاً راضی	۹۱	۳۰/۲	۸۷/۴
	راضی	۳۶	۱۲/۰	۹۹/۳
	کاملاً راضی	۲	۷/۰	۱۰۰/۰
	مجموع	۳۰۱	۱۰۰/۰	---

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

که یافته‌های آن رتبه‌بندی انواع خدمات در سطح شهر را نشان می‌دهد. در شهر دهسرخ مهم‌ترین یافته‌های آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی انواع نیازها به ترتیب شامل نیاز به ایجاد مراکز خرده‌فروشی، توسعه مراکز خدمات عمومی و مراکز فرهنگی می‌شود و سایر نیازها در رتبه‌های بعدی قرار دارند (جدول شماره ۹).

۲-۵- سنجش رضایتمندی ساکنان محلات شهر دهسرخ

به منظور سنجش میزان رضایتمندی ساکنان از سکونت در شهر دهسرخ، همزمان با انجام پیمایش اجتماعی برای دستیابی به نیازهای آن‌ها، پرسشنامه ویژه سنجش رضایت از سکونت نیز توسط جمعیت هدف نمونه‌گیری (مشابه طرح نمونه‌گیری در نیازسنجی از ساکنان) تکمیل شد. یافته‌های رضایت‌سنجی ساکنان

از پرسشنامه ساختار یافته ویژه ساکنان بهره گرفته شد (مسیر چهارم). تعداد نمونه بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده و با هدف دستیابی به سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شد (تعداد کل نمونه ۳۰۱ عدد). پاسخ‌دهندگان شامل ۶۰/۵ درصد زن و ۳۹/۵ درصد مرد هستند. همچنین حدود ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۳ درصد از افراد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۲۸/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان ۴۰ تا ۵۰ سال، حدود ۹/۹ درصد بازه سنی ۵۰ تا ۶۰ سال و سن حدود ۹/۴ درصد از آن‌ها بالای ۶۰ سال است. علاوه بر این مذهب همه افراد شیعه است (جدول شماره ۸).

به منظور اولویت‌بندی نیازهای ساکنان محلات دهسرخ، از آزمون استنباطی فریدمن استفاده شده است

جدول شماره (۱۱): بیانیه نهایی مشکلات شهر دهرسرخ (بر پایه بکارچه‌سازی مسیرهای چهارگانه سنجش نیاز و سنجش رضایت)

ردیف	بیان مشکلات	مسیر اصلی دستیابی به نیازها
۱	مهاجرت جمعیت جوان و افزایش نسبت جمعیت سالخورده به جمعیت جوان در ساختار سنی جمعیت شهر و محلات	تحلیل اسناد فرا دست
۲	فقدان اتصال مناسب و ارتباط مطلوب بین محله شهرک با محلات بالا و پایین	تحلیل ساختار فضایی شهر
۳	خطرپذیری و آسیب‌پذیری میراث تاریخی شهر به دلیل نبود نظارت برای حفاظت و ساخت‌وسازهای غیرقانونی در حریم میراث تاریخی	تحلیل ساختار فضایی شهر
۴	ازهم‌گسیختگی اجتماعی و کالبدی و دوپاره شدن شهر با عبور اتوبان مبارکه از میان شهر و کاستی در ارتباطات کالبدی و انسجام اجتماعی بین محلات شهر	تحلیل ساختار فضایی شهر
۵	محدودیت توسعه در سطح شهر از چهار جهت جغرافیایی به دلیل حضور اتوبان، کارخانه‌های صنعتی، اراضی کشاورزی و وجود ارتفاعات	تحلیل ساختار فضایی شهر
۶	فقدان اتصال مناسب و ارتباط مطلوب بین محله شهرک با محلات بالا و پایین (اجتماعی، اقتصادی و کالبدی)	تحلیل ساختار فضایی شهر
۷	نابرابری فضایی به دلیل توسعه‌های نامتوازن در محلات شهر (به ویژه محله شهرک) که باعث خالی ماندن سکونتگاه از ساکنان و کاستی در تأمین خدمات و زیرساخت‌های شهری می‌شود (ناپایداری فضایی)	
۸	وجود فعالیت‌های مزاحم شهری، مثل دامداری‌های در سطح شهر و با فاصله کم از بافت‌های مسکونی	تحلیل ساختار فضایی شهر
۹	کیفیت و کمیت پایین ناوگان حمل‌ونقل برون‌شهری و فقدان زیرساخت‌های لازم برای آن	تحلیل ساختار فضایی شهر
۱۰	فقدان سیستم دفع فاضلاب بهداشتی و مناسب	تحلیل ساختار فضایی شهر
۱۱	کاستی در شبکه ارتباطی برون‌شهری و اتصالات محدود و ناامن آن‌ها با شبکه‌های ارتباطی اصلی منطقه‌ای (اتوبان مبارکه)	تحلیل ساختار فضایی شهر
۱۲	آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت کارخانه‌های صنعتی و کارخانه قند نزدیک به شهر (به ویژه آلودگی هوا، آب‌وخاک) و ناپایداری زیست‌محیطی	تحلیل استاد فرا دست، ساختار فضایی شهر
۱۳	مشارکت محدود ساکنان شهر در تصمیم‌گیری برای توسعه شهر و ناامیدی آن‌ها از نقش آفرینی در آینده و ناپایداری اجتماعی	تحلیل نیاز ساکنان
۱۴	نارضایتی ساکنان از سکونت در شهر و محلات شهری	تحلیل رضایت ساکنان
۱۵	عدم پاکیزگی و عدم وجود امنیت در محلات شهر	تحلیل رضایت ساکنان

ردیف	بیان مشکلات	مسیر اصلی دستیابی به نیازها
۱۶	کمبود یا دسترسی نامناسب ساکنان به انواع خدمات مرتبط با سکونت اعم از خرده‌فروشی، درمانی، ورزشی، گذران اوقات فراغت، آموزشی و سایر خدمات در سطح محلات و شهر	تحلیل رضایت ساکنان
۱۷	کمبود فضاهای تفریحی و گردشگری برای شهروندان	مصاحبه با ذی‌نفعان کلیدی
۱۸	کیفیت نامناسب حمل‌ونقل عمومی	مصاحبه با ذی‌نفعان کلیدی
۱۹	کمبود خدمات ایمنی و آتش‌نشانی و خدمات مرتبط با مدیریت بحران در شهر	مصاحبه با ذی‌نفعان کلیدی
۲۰	وجود فعالیت‌های مزاحم شهری، مثل دامداری‌های در سطح شهر و با فاصله کم از بافت‌های مسکونی	مصاحبه با ذی‌نفعان کلیدی
۲۱	افت کیفیت فضاهای آموزشی موجود در شهر و کمبود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	مصاحبه با ذی‌نفعان کلیدی

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

حس ناامنی و ناامیدی نسبت به اثرگذاری ساکنان در تصمیم‌ها و مشارکت در بهبود شرایط زندگی در آینده هستند که ماهیت زیرساختی و اجتماعی در ساختار فضایی شهر دارند. نارضایتی از نظافت و پاکیزگی شهر و محلات آن، که با سلامت محیط سکونت مرتبط می‌شود، نیز اثر قابل توجهی در افزایش شدت نارضایتی (به‌ویژه در سطح محلات) دارد (جدول شماره (۱۱)).

۳-۵- تحلیل یکپارچه نیازهای ساکنان و رضایتمندی آن‌ها

بیانیه نهایی مشکلات محصول تحلیل یکپارچه بیانیه‌های نیاز (مسیرهای چهارگانه) و بیانیه رضایت ساکنان شهر دهرسخ از سکونت در این شهر است که با ترکیب اولویت‌بندی آن‌ها و دستیابی به مهم‌ترین مشکلات، زمینه را برای تدوین الگوی توسعه فضایی شهر دهرسخ در چهارچوب رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی فضایی شهری است. در یک نگاه کل‌نگر نسبت به بیانیه نهایی مشکلات در شهر دهرسخ (جدول

از سکونت در شهر دهرسخ و محلاتی که در آن ساکن هستند، بیانگر این واقعیت است که میزان نارضایتی ساکنان از سکونت در شهر دهرسخ بیشتر است (۴۲ درصد نارضایتی در برابر ۱۸ درصد رضایتمندی) و شدت نارضایتی از سکونت در محلات بیشتر می‌شود (۵۷ درصد نارضایتی در برابر ۱۳ درصد رضایتمندی). افزایش قابل توجه نسبت افرادی که در سطح محلات نسبت به سطح شهر، گزینه کاملاً ناراضی را انتخاب کرده‌اند (۲۰ درصد در برابر ۱۰ درصد) شدت تفاوت سطح رضایتمندی ساکنان در سطح محلات را نسبت به شهر بیشتر نشان می‌دهد (جدول شماره (۱۰)).

مهم‌ترین زمینه‌های موضوعی ایجاد نارضایتی در شهر دهرسخ و محلات آن کمبود امکانات و خدمات مرتبط با سکونت (چون مراکز ارائه خدمات رفاه عمومی و مالی، خدمات مرتبط با گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های تفریحی، خدمات مرتبط با مراکز خرده‌فروشی، فروشگاه‌ها و خدمات تعمیرگاهی)

کاهش زمینه‌های تولید آلاینده‌های زیست‌محیطی، افزایش سطح مشارکت و آگاهی ساکنان در زمینه‌های برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و افزایش انسجام کالبدی و همبستگی اجتماعی در سطح شهر و محلات هستند. افزون بر این، پایه‌گذاری الگوی توسعه بر اساس مفاهیم سه‌گانه توسعه پایدار، محله‌محوری و مشارکت عمومی، امکان هدایت و کنترل دستورکارهای توسعه را در یک چهارچوب منسجم نظری و عملی فراهم می‌کند (جدول شماره (۱۲)).

نتیجه‌گیری

ویژگی‌های الگوی توسعه فضایی در یک شهر کوچک که در مرحله گذار از روستا به شهر است، از الگوی توسعه فضایی در سایر شهرها (که سابقه طولانی‌تری در برخورداری از سیستم مدیریت شهری دارند) متمایز است. در شهر دهسرخ (به‌عنوان شهری کوچک و در حال گذار از ساختار فضایی روستایی به شهری) ضرورت مداخله در دو سطح محله و شهر و توسعه همزمان آن‌ها اهمیت زیادی دارد، به‌گونه‌ای که امکان افزایش سطح رضایتمندی ساکنان را از سکونت در محله و شهر افزایش دهد و مانع مهاجرت (به‌ویژه مهاجرت گروه‌های سنی جوان) از شهر شود. افزایش امید به آینده توسعه شهر و افزایش سهم ساکنان در شکل‌گیری آن زمینه‌های افزایش همبستگی اجتماعی و ارتقای مشارکت عمومی را، که برای حرکت در مسیر توسعه پایدار اهمیت بنیادین دارند، فراهم می‌کند. بهبود انسجام کالبدی شهر نقش قابل توجهی در شکل‌گیری هویت و حس تعلق ساکنان محلات شهر دارد و به تقویت ارتباط بین محلات و ساکنان آن‌ها می‌انجامد. بهبود رفاه و آسایش زیست ساکنان در ارتباط مستقیم با تأمین خدمات مرتبط با سکونت (به‌ویژه خدمات گذران اوقات فراغت، انواع خرده‌فروشی، آموزشی

شماره (۱۱))، ناپایداری در ابعاد کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی شهر محصول کمبود خدمات و ضعف در دسترسی عادلانه به آن‌ها در سطح شهر، ضعف مشارکت اجتماعی و آلودگی‌های محیطی است که با نامتعادل بودن الگوی رشد شهری و پراکندگی ساختار کالبدی و اجتماعی تشدید شده است. همگرایی در یافته‌های برآمده از مسیرهای چهارگانه سنجش نیاز و یافته‌های سنجش رضایت (همسویی در تأکید بر ناپایداری توسعه و ضعف در انسجام کالبدی و اجتماعی)، بیانگر اطمینان از دستیابی به مهم‌ترین مشکلات و زمینه‌های موضوعی راهبردی در الگوی توسعه فضایی شهر دهسرخ است.

۴-۵- تدوین الگوی راهبردی توسعه فضایی

شهر دهسرخ (بر پایه رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی فضایی شهری)

الگوی راهبردی توسعه فضایی شهر دهسرخ بر پایه رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی فضایی شهری مشکل‌سو تدوین شده است. در این رهیافت، سطح راهبردی از بیانیه‌های چشم‌انداز، راهبردها، اهداف کلان و سیاست‌ها تشکیل می‌شود و زمینه را برای دستیابی به زمینه‌های موضوعی راهبردی مداخله در شهر و تدوین سطح عملیاتی و اجرایی فراهم می‌کند. فرایند دستیابی به اهداف خرد و کلان با استفاده از فن درخت مناسب و برقراری ارتباط سلسله‌مراتبی و منطقی بین سطوح مختلف انجام شده است (حرکت از خرد به کلان). به‌منظور دستیابی به راهبردها و سیاست‌ها از فن ساختار شکست کار و برقراری ارتباط سلسله‌مراتبی و منطقی بین سطوح برنامه از کلان به خرد بهره‌جسته شده است. مهم‌ترین زمینه‌های مداخله در روند توسعه شهر دهسرخ در سطح سیاست‌گذاری، افزایش سطح دسترسی به انواع خدمات وابسته به سکونت،

جدول شماره (۱۲): الگوی توسعه فضایی شهر دهرسخ بر پایه رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی فضایی مشکل‌سو (مبتنی بر نیازسنجی و رضایت‌سنجی ساکنان)

ردیف	بیانیه نهایی مشکلات	اهداف خرد	اهداف کلان	موضوعات راهبردی	راهبردها	سیاست‌ها	
۱	کاهش متوسط نرخ رشد سالیانه شهر و رشد منفی جمعیت	جلوگیری از روند کاهشی جمعیت	دستیابی به نرخ رشد مثبت	جذب جمعیت در شهر دهرسخ	جبران کمبود سرانه‌های خدماتی	افزایش سطح برخورداری از خدمات و امکانات شهری در سطح محلات	
		برنامه‌ریزی برای جذب جمعیت				بهبود وضعیت اشتغال به‌منظور افزایش رفاه	
۲	کمبود فضاهای گذران اوقات فراغت برای شهروندان	ایجاد قرارگاه‌های رفتاری	ایجاد فضاهای شهری جدید	های جبران کمبود سرانه خدماتی	های بهبود وضعیت سرانه خدماتی		
۳	کاستی در امکانات و خدمات شهری	ارتقای امکانات آسایشی در فضاهای شهری	ایجاد فضاهای شهری در جهت افزایش حضورپذیری شهروندان در شهر	توسعه امکانات و خدمات شهری	افزایش حضور افراد در فضاهای شهری		
		بهبود جذابیت‌های محیطی					
۴	فقدان اتصال مناسب و ارتباط مطلوب بین محله شهرک با محلات بالا و پایین	تقویت مسیرهای ارتباطی بین محلات	مسیرهای ارتباطی بین محلات	دسترسی روان	ایجاد دسترسی کالبدی بین محلات شهری	افزایش دسترسی کالبدی بین محلات شهری	
۵	ازهم‌گسیختگی کالبدی و اجتماعی بین محلات	ارتقای وضعیت حس تعلق در ساکنان	ایجاد یکپارچگی هویت شهروندی	پایداری اجتماعی	ایجاد هویت شهروندی در بین ساکنان	افزایش همبستگی اجتماعی در بین ساکنان	
۶	وضعیت نامناسب پیاده‌روها	ایجاد پیاده‌رو در مسیرهای اصلی	ساماندهی شبکه مسیر پیاده در شهر	دسترسی روان	تقویت پیوستگی شبکه مسیر پیاده	بهبود وضعیت کیفی مسیر پیاده	
۷	ساخت‌وسازهای غیرقانونی نزدیک به میراث تاریخی	حفظ و توسعه میراث تاریخی موجود	کنترل ساخت‌وساز غیرقانونی در شهر	ساماندهی میراث تاریخی	در جهت افزایش پایداری محیطی	افزایش کنترل و نظارت	
۸	وجود برخی کاربری‌های مزاحم مانند دامداری‌های در سطح شهر با فاصله کم از بافت مسکونی	انتقال کاربری‌های دامداری از سطح محیط مسکونی	تأمین سازگاری بین کاربری‌های شهری	پایداری و کیفیت زندگی	ساماندهی کاربری‌های مزاحم در بافت‌های مسکونی	کاهش تعداد دامداری‌های موجود در بافت مسکونی طی برنامه‌ای مدون	
		کنترل وضعیت چاه‌های جذبی	ساماندهی وضعیت فاضلاب‌های شهری			کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی	
۹	فقدان سیستم دفع فاضلاب بهداشتی	کنترل میزان آلودگی صوتی	کنترل میزان آلودگی صوتی	کنترل آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از کارخانه‌های صنعتی و کارخانه قند	کنترل آلودگی‌های زیست‌محیطی	کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی	
		کنترل میزان آلودگی‌های محیطی	کنترل میزان آلودگی‌های محیطی			کاهش آلودگی‌های محیطی	
۱۰	آلودگی زیست‌محیطی ناشی از کارخانه‌های صنعتی و کارخانه قند نزدیک به شهر	ایجاد انگیزه برای شهروندان در جهت مشارکت در شهر	بهبود وضعیت مشارکت مردمی در شهر	شهروندان مشارکت‌پذیر	افزایش مشارکت مردمی با شهرداری	افزایش شفافیت و همکاری در سیستم مدیریت شهری	
		ایجاد ارتباط بین سیستم مدیریت شهری و شهروندان				ایجاد و حفظ پیوسته روابط دوسویه با شهروندان برای اعتمادسازی و افزایش مشارکت مردم با یکدیگر	افزایش ارتباط بین سیستم مدیریت شهری و شهروندان
		برقراری اعتماد دوسویه بین مردم و سیستم مدیریت شهری				برقراری اعتماد دوسویه بین مردم و سیستم مدیریت شهری	افزایش آگاهی و اعتماد ذی‌نفعان جهت همکاری و مشارکت ایشان در فرایند توسعه شهری
۱۲	عدم وجود امنیت در محلات شهر دهرسخ	کنترل وضعیت فضاهای غیرقابل دفاع	ساماندهی بافت شهری به‌منظور افزایش امنیت در محلات	محیط شهری امن	کنترل و نظارت بر فضاهای شهری	افزایش حضور شهروندان در بافت‌های شهری	
		افزایش حضورپذیری بافت شهری					

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

دوم: توسعه شهری براساس بهبود کمی و کیفی ظرفیت‌های سیستم مدیریت شهری و خدمات شهری کلان

در سطح شهری سیاست‌هایی، چون افزایش شفافیت و همکاری در سیستم مدیریت شهری، افزایش ارتباط بین سیستم مدیریت شهری و شهروندان، افزایش آگاهی و اعتماد ذی‌نفعان جهت همکاری و مشارکت آن‌ها در فرایند توسعه شهری، افزایش حضور شهروندان در تصمیم‌گیری در شکل‌گیری الگوی توسعه فضایی شهر دهرسخ نقش کلیدی دارند. افزون بر این، افزایش درآمدهای پایدار شهرداری به‌منظور افزایش کیفیت خدمات‌رسانی، گسترش خدمات الکترونیک و ارتقای مشارکت عمومی در بسترهای فضای مجازی و زمینه‌سازی برای جذب و استقرار خدمات مالی، اداری و انتظامی در سطح شهر تسهیل‌کننده مسیر پیاده‌سازی و اجرای الگوی توسعه فضایی شهر دهرسخ هستند.

منابع

۱. جوانی، کاوه. (۱۳۸۱). مدیریت برنامه‌ریزی و کنترل پروژه. مجله تدبیر. شماره ۱۲۱.
۲. حاج شیر محمدی، علی. (۱۳۸۵). مدیریت و کنترل پروژه (کاربرد روش‌های CPM، PERT و GERT و PN). اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان.
۳. دلاور، علی. (۱۳۸۱). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات ارسباران. چاپ چهارم.
۴. رعنائی، احد. (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری منطقه نمونه گردشگری دیمه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه هنر اصفهان به راهنمایی دکتر مهین نسترن.

و مبادلات مالی و اقتصادی) و فراهم شدن دسترسی متعادل و متوازن به آن‌ها در کل سطح شهر است. گنجاندن دستورکارهای مرتبط با کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی بدون آسیب رساندن به رونق فعالیت‌های اقتصادی موجود در شهر و پیرامون آن نیز نقش کلیدی در بهبود الگوی توسعه فضایی شهر دارد و زمینه را برای ارتقای سطح پایداری توسعه در شهر دهرسخ فراهم می‌کند. بر پایه الگوی توسعه فضایی در شهر دهرسخ، پیشنهادها برای سیاست‌گذاری و توسعه شهری و ارتقای سطح رضایتمندی ساکنان و تأمین نیاز آن‌ها در دو سطح محلی (محله و واحدهای همسایگی) و شهری (شهری و نواحی پیرامون آن) طبقه‌بندی شده‌اند. مهم‌ترین پیشنهادها را به‌صورت فشرده این‌گونه می‌توان معرفی کرد:

نخست: توسعه محلی براساس بهبود کمی و کیفی مرکز خدمات‌رسانی در سطح واحد همسایگی و مرکز محله

در سطح محلی سیاست‌هایی، چون توزیع عادلانه خدمات شهری، بهبود وضعیت اشتغال به‌منظور افزایش رفاه، بهبود وضعیت سرانه‌های خدماتی، افزایش حضور افراد در فضاهای عمومی، افزایش دسترسی کالبدی بین محلات شهری، افزایش همبستگی اجتماعی در بین ساکنان محلات، بهبود وضعیت کیفی مسیر پیاده (مناسب‌سازی شهر جهت تردد شهروندان کم‌توان و بهبود پیاده‌روها)، افزایش کنترل و نظارت بر ساخت‌وسازها، انتقال دامداری‌های موجود در بافت مسکونی محلات، بهبود سیما و منظر ساختمان‌ها و تعیین تکلیف زمین‌های رهاشده و کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی و نظافت و پاکیزگی محلات زمینه را برای ارتقای انسجام اجتماعی و کالبدی محلات و بهبود مشارکت عمومی ساکنان فراهم می‌کنند.

5. زیاری، کرامت‌اله و حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز. (۱۳۸۸). مبانی و تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری. انتشارات دانشگاه چابهار.
6. صرافی، مظفر. (۱۳۸۰). رضایت‌سنجی شهروندان با تکیه بر میزان مداخلات سیستم مدیریت شهری. فصلنامه صفا.
7. عبداللهی ثابت، مهدی. (۱۳۸۷). معیارهای پایداری در محله مسکونی و کیفیت تحقق کالبدی آنها، بررسی تطبیقی محله نارمک و راه آهن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اصفهان.
8. عبدی دانشپور، زهره. (۱۳۸۷). معرفی رهیافت گام به گام مشکل‌یابی-مشکل‌گشایی پیشنهادی مقدماتی برای آزمون شیوه تدبیرشده مشکل‌یابی در شهر تهران. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۳۶، ۵-۱۶.
9. عبدی دانشپور، زهره. (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
10. عبدی دانشپور، زهره. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه‌ریزی اختیار راهبردی، ویژگی‌ها، تفاوت‌ها و پیش‌شرط‌ها. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۴، ۲۳-۱۴.
11. کریمی، تورج. (۱۳۸۵). مدل‌های نوین ارزیابی عملکرد سازمانی. مجله تدبیر، شماره ۱۷۱، ۲۶-۲۷.
12. Albrechts, Louis (2004). "Strategic (spatial) planning reexamined." *Environment and Planning*, 743-758.
13. ryson, J.(1995). "Strategic Planning for Public and Nonprofit Organizations: A Guide to Strengthening and Sustaining, orga 380 National Achievement, Revised and Edited, Jossey-Bass Publishers, San Frsancisci, CA."
14. Buyukdamgaci, alogan, and Yetis Nuket (2006). "Defining Strategic Objectives: A Methodology Suited for Public Organizations." *Total Quality Management*, 669-684.
15. Cavenago, D, و B Trivellato (2010). "Organising Strategic Spatial Planning: Experiences from Italian Cities." *Space and Polity*, 167-188.
16. Dickson, Eric, Judy L. Baker, Daniel Hoornweg, and Asmita Tiwari (2019). *URBAN RISK ASSESSMENTS: Understanding Disaster and Climate Risk in Cities*. Washington, D.C.: The World Bank,
17. Hutter, w, and T Wiechmann (2022). "Back to the Future – Emergent Strategies in Strategic Spatial Planning." *International Conference: Regional Growth Agendas. Regional Studies Association*
18. Rock, john (2012). *Strategic Planning Concept and rationale*. international Institute,
19. Steinberg, F. (2002). "Strategic urban planning in Latin America: experiences of building and managing the future, HIS. Rotterdam, Netherland."
20. UNISDR (2012). *Disaster Reduction in Africa: ISDR Informs. Overall Guidance and Supervision: Pedro Basabe, United Nations International Strategy for Disaster Reduction Regional Office for Africa.*
21. vasilevska, l , m vasic (2009). "STRATEGIC PLANNING AS A REGIONAL DEVELOPMENT POLICY MECHANISM EUROPEAN CONTEXT." *SPATIUM international revie*, 19-26.
22. Wilhite, Donald, Michael Hayes, and

Drought and Water Crises, by Donald A Wil-
hite, 93-135. Boca Raton: CRC Press.

Cody Knutso (2005). "Drought Preparedness
Planning: Building Institutional Capacity." In

نحوه ارجاع به این مقاله:

مرادی چادگان، داریوش، سلطانی، نرگس، راست قلم، نیلوفر، ایرجی آسیابادی، کیخسرو. (۱۴۰۳). الگوسازی توسعه فضایی در شهرهای کوچک بر پایه سنجش نیاز ساکنان (مورد مطالعه: شهر دهرسرخ). پژوهشهای فضا و مکان در شهر. ۸(۳۱)، ۹۲-۷۵. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044044.1081>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044044.1081>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_719726.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





تأثیر منظر فضاهای شهری بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان شهر تبریز

علی زینالی عظیم*

پژوهشگر پسادکترای طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران
علی آذر

دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

سولماز بابازاده اسکویی

استادیار گروه معماری، واحد اسکو، دانشگاه آزاد اسلامی، اسکو، ایران

حدیث سلوکانه میانداوب

دکترای معماری، گروه معماری، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

چکیده

شهرها با گسترش سریع و افزایش تراکم جمعیت، با چالش‌هایی در زمینه سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان خود مواجه‌اند. هدف از این پژوهش، تأثیر منظر فضاهای شهری بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان شهر تبریز است. روش پژوهش از نوع کمی و به صورت پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل ساکنان شهر تبریز است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین و داده‌ها از طریق پرسشنامه استاندارد جمع‌آوری شد. پرسشنامه به سه بخش شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی، سؤالات مرتبط با سلامت جسمانی و روانی، و سؤالات مرتبط با تعاملات اجتماعی تقسیم شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای آماری SPSS و AMOS استفاده شد و مدل‌سازی معادلات ساختاری برای بررسی روابط بین متغیرها به کار گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که منظر شهری تأثیر مستقیمی بر سلامت جسمانی و روانی ساکنان دارد. به‌ویژه، فضاهای سبز با بار عاملی ۰.۸۳ و طراحی فضاهای عمومی با بار عاملی ۰.۸۷ بیشترین تأثیر را بر کاهش استرس و اضطراب و بهبود تعاملات اجتماعی داشتند. همچنین، پیاده‌روها و معابر ایمن با بار عاملی ۰.۸۹ به‌طور قابل توجهی فعالیت بدنی و سلامت جسمانی افراد را افزایش داد. نتیجه‌گیری حاکی از آن است که توجه به منظر شهری و توسعه فضاهای سبز و فضاهای عمومی به سلامت جسمانی و روانی ساکنان و افزایش تعاملات اجتماعی منجر می‌شود.

کلید واژه‌ها: منظر شهری، فضای شهری، سلامت شهری، سلامت روان، تعاملات اجتماعی، شهر تبریز.

* ایمیل نویسنده مسئول: al.zeynali@gmail.com

طراحی مناسب فضاهای عمومی تعاملی، مانند پارک‌ها و میدان‌ها، حس تعلق به جامعه و تعاملات اجتماعی را افزایش و سلامت اجتماعی شهروندان را ارتقا می‌دهد (Seyler et al., 2023).

با این حال، فضاهای شهری با کیفیت پایین ممکن است نتایج معکوسی به دنبال داشته باشند. طراحی ناکارآمد، فقدان فضاهای سبز کافی و عدم توجه به نیازهای روانی و اجتماعی شهروندان، به افزایش انزوای اجتماعی، استرس و حتی مشکلات جسمانی منجر می‌شود (Sullivan & Chang, 2017). نبود زیرساخت‌های مناسب برای فعالیت‌های بدنی، دسترسی محدود به فضاهای تعاملی، و تمرکز بر خودرئو محور بودن طراحی شهری، از جمله عواملی هستند که سلامت و کیفیت زندگی شهری را به چالش می‌کشند (زینالی عظیم و کرمی، ۱۴۰۲).

شهر تبریز، با سابقه‌ای غنی در طراحی شهری، امروزه با چالش‌هایی همچون کاهش کیفیت منظر شهری، افزایش آلودگی‌های محیطی، و کمبود مدیریت مناسب فضاهای عمومی مواجه است. این مسائل بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین کمبود پیاده‌روهای ایمن و محیط‌های مناسب برای فعالیت‌های بدنی، ساکنان را به استفاده از وسایل نقلیه خصوصی سوق می‌دهد و موجب کاهش فعالیت‌های فیزیکی و افزایش بیماری‌های مزمن شده است. و ضرورت توجه به کیفیت منظر شهری را دوچندان کرده است.

این پژوهش با هدف تأثیر منظر فضاهای شهری بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان شهر تبریز انجام شده است. همچنین به دنبال ارائه راهکارهایی برای بهبود طراحی و مدیریت فضاهای عمومی با هدف ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تبریز

فضاهای شهری یکی از مهم‌ترین عناصر ساختار شهر هستند که به عنوان محیطی برای تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های روزمره و ارتباط میان انسان‌ها و محیط نقش آفرینی می‌کنند. این فضاها شامل پارک‌ها، میدان‌ها، معابر، و سایر فضاهای عمومی هستند که بستر اصلی زندگی شهری را تشکیل می‌دهند. فضاهای شهری، علاوه بر کارکردهای عملکردی نظیر تسهیل تردد و جابه‌جایی، جنبه‌های اجتماعی، روانی و فرهنگی زندگی را نیز پوشش می‌دهند. این فضاها محیطی برای رشد اجتماعی، ارتقای سلامت روانی و افزایش حس تعلق به جامعه فراهم می‌کنند (Shen, 2024).

در این میان، کیفیت منظر فضاهای شهری نقشی تعیین‌کننده در موفقیت یا ناکامی این فضاها ایفا می‌کند. کیفیت منظر شهری به معنای طراحی مناسب، کارکرد بهینه و جذابیت بصری فضاهای عمومی است که بر تجربه شهروندان از محیط تأثیر مستقیم دارد (کیخاونی و همکاران، ۱۳۹۹). منظر شهری با کیفیت بالا، محیطی پویا و انسان‌محور ایجاد می‌کند که ضمن فراهم کردن آرامش بصری و روانی، تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کند. ویژگی‌هایی نظیر فضاهای سبز، نورپردازی مناسب، تنوع کاربری و سهولت دسترسی، شاخص‌های کلیدی کیفیت منظر شهری به‌شمار می‌روند (Banwell et al., 2023).

فضاهای سبز، به‌عنوان یکی از ارکان منظر شهری، با کاهش استرس، بهبود کیفیت هوا و فراهم کردن محیطی برای فعالیت‌های بدنی، تأثیر شگرفی بر سلامت جسمانی و روانی شهروندان دارند (قنبری‌نژادناصری و کاظمی‌زاده، ۱۴۰۱). این فضاها نه تنها زمینه‌ساز کاهش تنش‌های روانی هستند، بلکه حس آرامش و امنیت را برای ساکنان ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر،

است. سؤال اصلی پژوهش این است: «چگونه منظر فضاهای شهری بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان شهر تبریز تأثیر می‌گذارد؟»

مبانی نظری

فضاهای شهری و اهمیت آن

فضاهای شهری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی شهرسازی، شامل انواع فضاهای سبز، معابر، پیاده‌راه‌ها، میدان‌ها و سایر فضاهای عمومی است. این فضاها بستر فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و روزمره شهروندان را تشکیل می‌دهند و دارای جنبه‌های کالبدی، عملکردی و زیرساختی متنوعی هستند (غلامی و همکاران، ۱۴۰۳). فضاهای شهری، علاوه بر تسهیل تردد و دسترسی، محیطی برای تقویت تعاملات اجتماعی، ارتقای سلامت روانی و توسعه فعالیت‌های بدنی فراهم می‌کنند. بنابراین، این فضاها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها از نظر عملکردی مؤثر باشند، بلکه به نیازهای روانی و اجتماعی ساکنان نیز پاسخ دهند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹).

منظر شهری و تعریف آن

منظر شهری بخشی از فضای شهری است که شامل کلیه اطلاعات حسی موجود در فضا است و توسط افراد از طریق حواس مختلف دریافت و در فرایند ادراک پردازش می‌شود. منظر شهری مفهومی چندبعدی است که نه تنها به جنبه‌های فیزیکی و کالبدی فضاها، بلکه به ادراک ذهنی و تجربه روانی کاربران از محیط نیز توجه دارد. این منظر شامل اطلاعاتی از عناصر فیزیکی نظیر ساختمان‌ها، معابر، پوشش‌های گیاهی و همچنین عوامل انسانی و اجتماعی مانند تعاملات و فعالیت‌هاست (Li, 2024). منظر شهری با کیفیت بالا احساسات مثبت و حس تعلق به مکان را تقویت می‌کند و از نظر بصری و عملکردی جذابیت دارد.

منظر شهری سطح تماس مستقیم انسان با محیط شهری است که شامل کلیه اطلاعات بصری، حسی و ادراکی حاصل از عناصر کالبدی، انسانی و اجتماعی محیط است. این مفهوم فراتر از یک ساختار فیزیکی، تجربه‌ای ذهنی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد که ادراک شهروندان از شهر و کیفیت زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد (Zhou et al, 2024). منظر شهری مانند یک متن خواندنی عمل می‌کند که از طریق نشانه‌های موجود، مفاهیمی مانند ایمنی، هویت اجتماعی و زیبایی‌شناختی را به مخاطبان منتقل می‌کند. شهرهایی با منظر شهری با کیفیت، علاوه بر افزایش جذابیت بصری، حس تعلق، تعاملات اجتماعی و تجربه زیباشناختی شهروندان را تقویت می‌کنند (Corović et al, 2024).

این منظر به چهار نوع اصلی تقسیم می‌شود:

۱. آرایشی-تزیینی: تمرکز بر زیبایی‌شناسی کلاسیک یا رمانتیکی؛
۲. عملکردگرا: تأکید بر کاربری و کارکرد فضا؛
۳. ادراکی-زمینه‌گرا: توجه به تعامل انسانی و حس مکان؛
۴. پایدار-هوشمند: بر اساس اصول توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی.

اهمیت منظر شهری در ایجاد ارزش افزوده برای شهرها، بهبود کیفیت زندگی و افزایش رقابت‌پذیری آن‌ها در سطح ملی و بین‌المللی است. طراحی و مدیریت مناسب این منظر نقش کلیدی در ارتقای تجربه شهروندان، کاهش مشکلات زیست‌محیطی و بهبود روابط اجتماعی ایفا می‌کند (Odgers & Bandarin, 2019).

تأثیر منظر شهری بر سلامت جسمانی

منظر شهری شامل طیفی گسترده از فضاها

عمومی، مانند پارک‌ها، میدان‌ها، مسیرهای پیاده‌روی و خیابان‌های طراحی شده است که بستر مناسبی برای فعالیت‌های بدنی و ارتقای سلامت جسمانی فراهم می‌کنند (عادلون، ۱۳۹۸). طراحی مناسب این فضاها فرصت‌هایی برای فعالیت‌های بدنی مانند پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و ورزش‌های گروهی را فراهم می‌کند، در حالی که کاهش دسترسی یا نبود چنین فضاهایی ممکن است به کاهش فعالیت بدنی و افزایش بیماری‌های مزمن منجر شود (Sprague et al., 2022). به‌طور خاص، فضاهای سبز شهری مانند پارک‌ها و باغ‌ها با فراهم کردن محیطی مناسب برای ورزش و استراحت، بر سلامت جسمانی شهروندان تأثیرات مثبتی دارد. مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری ایمن و خیابان‌هایی با پیاده‌روهای مناسب نیز به کاهش استفاده از وسایل نقلیه موتوری و در نتیجه بهبود کیفیت هوا کمک می‌کنند (Lungman et al., 2023). در مقابل، طراحی نامناسب معابر شهری، نبود فضاهای باز کافی برای فعالیت‌های ورزشی و پیاده‌روی به کاهش فعالیت‌های بدنی و بروز بیماری‌های مرتبط با سبک زندگی کم‌تحرک منجر می‌شود (Sprague et al., 2022).

تأثیر منظر شهری بر سلامت روانی

منظر شهری به‌عنوان بخشی از محیط زندگی روزمره، تأثیر قابل توجهی بر سلامت روانی ساکنان دارد. فضاهای شهری که دارای طراحی مطلوب و عناصر طبیعی مانند پارک‌ها، باغ‌ها و مسیرهای سبز باشند، محیطی آرامش‌بخش ایجاد و به کاهش استرس، اضطراب و افسردگی کمک می‌کنند. بر اساس نظریه «بیوفیلیا»، انسان‌ها به‌طور طبیعی جذب محیط‌های طبیعی و سبز می‌شوند، و این تعامل به تقویت تعادل روانی و افزایش احساس آرامش منجر می‌شود (Shen, 2024). حضور در محیط‌های سبز و دیدن مناظر

طبیعی حتی از پنجره، بر کاهش تنش‌های ذهنی، بهبود تمرکز و تقویت حس شادی مؤثر است. در مقابل، فضاهای شهری شلوغ و فاقد عناصر آرامش‌بخش، به دلیل تراکم جمعیت، آلودگی صوتی و بصری و کمبود فضاهای سبز، ممکن است به افزایش فشارهای روانی و کاهش کیفیت زندگی منجر شوند (Gavrilidis et al., 2023). علاوه بر این، طراحی مناسب منظر شهری تعاملات اجتماعی را تسهیل و حس تعلق به مکان را در افراد تقویت می‌کند. این عوامل به بهبود سلامت روانی افراد کمک می‌کنند؛ زیرا حس ارتباط با جامعه و دسترسی به محیط‌های آرام و زیبانشناختی از انزوای ناراضی‌رانی جلوگیری می‌کند. در نتیجه، منظر شهری با کیفیت مطلوب، از طریق ترکیب عناصری مانند طبیعت، زیبایی‌شناسی و دسترسی به فضاهای اجتماعی، نقش اساسی در ارتقای سلامت روانی شهروندان ایفا می‌کند.

تأثیر منظر شهری بر تعاملات اجتماعی

فضاهای عمومی با کیفیت، از جمله پارک‌ها، پیاده‌راه‌ها و میدان‌ها، نقشی کلیدی در تسهیل تعاملات اجتماعی دارند. این فضاها به‌عنوان بستری برای ملاقات، گفت‌وگو و تقویت حس تعلق به جامعه عمل می‌کنند (Qi et al., 2024). طراحی مناسب این فضاها، نظیر وجود نیمکت‌ها، مسیرهای پیاده‌روی و امکانات تفریحی، به افزایش تعاملات روزمره و تقویت همبستگی اجتماعی کمک می‌کند (زینالی عظیم، ۱۴۰۱).

در مقابل، نبود فضاهای عمومی جذاب یا طراحی نادرست آن‌ها ممکن است به کاهش تعاملات اجتماعی، انزوای فردی و کاهش حس تعلق به مکان منجر می‌شود. این مسئله به‌ویژه در شهرهای بزرگ و متراکم که افراد با محدودیت‌های فضایی و زمانی مواجه‌اند، اهمیت بیشتری دارد (Alizadeh et al., 2022).

جدول شماره (۱): موضوعات مرتبط با طراحی و برنامه‌ریزی شهری که بر سلامت تأثیر می‌گذارند

نویسندگان	عوامل تأثیرگذار به واسطه برنامه‌ریزی و طراحی شهری	موضوعات مرتبط با سلامت
کریمی و همکاران (۱۴۰۱)، دهقان و همکاران (۱۴۰۱) Zhu & Du (2024)	<ul style="list-style-type: none"> - فعالیت کمتر به خاطر سبک زندگی (تلویزیون، اینترنت و...) - برنامه‌ریزی شهری که به وسایل نقلیه موتوری ارجحیت می‌دهد؛ - کافی نبودن فضای سبز؛ - کیفیت و پراکندگی نامناسب و کافی نبودن مقدار فضای سبز موجود؛ - کافی نبودن پیاده‌روها و جاده‌های دوچرخه‌سواری؛ - انتخاب نادرست گونه‌های گیاهی برای پرورش که به آلرژی منجر می‌شوند؛ - آلودگی؛ - سروصدا؛ - مسائل مرتبط با بوم‌شناسی شهری (آلاینده‌های زیست محیطی، انعکاس و...) 	موضوعات فیزیکی (چاقی، بیماری قلبی عروقی، تنگی نفس، حساسیت، دیابت و...)
غفاری گیلانده و محمدی (۱۴۰۲) Shen (2024)	<ul style="list-style-type: none"> - تنهایی مرتبط با سبک زندگی (تلویزیون، اینترنت و...)، ساختار سازمانی چندسطحی، فقدان تسهیلات تفریحی؛ - مهاجرت از روستا به مناطق شهری (تفاوت فرهنگی - اجتماعی)؛ - فقدان تسهیلات برای ایجاد تمایل به اجتماعی شدن؛ - مسائل امنیتی؛ - زندگی آپارتمانی؛ - فقدان یکپارچگی شهری؛ - کافی نبودن سازمان‌های انبوه برای تجمع جوامع و ارتباط آنها با هم (جلسه‌ها، ملاقات، جشن‌ها و نمایشگاه‌ها). 	مناطق اجتماعی (فردگرایی، انزوا، تنهایی، فقدان خودباوری، بیگانگی)
دهقان و همکاران (۱۴۰۱)، نصیری (۱۴۰۲). Kong et al 2022 Houng et al 2019	<ul style="list-style-type: none"> - تراکم ساختمان‌ها، محیط‌های پرشده با مصالح مصنوعی؛ - تراکم ترافیک، اتلاف وقت در ترافیک؛ - ازدحام جمعیت؛ - بیگانگی، انزوای اجتماعی؛ - نورناکافی (کاهش دید به آسمان و کاهش نور طبیعی ناشی از ساختمان‌های بلند)؛ - اضطراب مرتبط با امنیت (جرم و جنایت، ترور، جیب‌بری‌ها و...). 	محدوده‌های روانی (افسردگی، استرس، سندروم ساخت بیماری و...)

تأثیر منفی طراحی نامناسب شهری

مؤثری هستند که به کاهش کیفیت زندگی و افزایش تنش‌های روانی منجر می‌شوند (حسینی، ۱۴۰۲). بر اساس مبانی نظری مورد بررسی، منظر فضاهای شهری بر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی ساکنان تأثیرات گسترده‌ای دارد. دسترسی به فضاهای سبز، فضاهای مناسب برای فعالیت بدنی و فضاهای عمومی که تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کنند، بهبود قابل

طراحی ضعیف شهری، نظیر نبود فضاهای سبز کافی، معابر غیرایمن و تراکم بالای جمعیت، بر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی تأثیرات منفی جدی دارند (Lan et al, 2024). افزایش آلودگی صوتی و هوایی، نبود محیط‌های مناسب برای فعالیت بدنی و تعاملات اجتماعی، و تراکم بیش از حد جمعیت از جمله عوامل

توجهی در کیفیت زندگی شهری ایجاد می‌کنند. طراحی مناسب شهری به کاهش مشکلات جسمانی و روانی و افزایش تعاملات اجتماعی منجر می‌شود، در حالی که طراحی نامناسب ممکن است اثرات منفی بر سلامت و رفاه عمومی داشته باشد. با توجه به این مبانی، پژوهش حاضر به بررسی دقیق‌تر تأثیرات منظر فضاهای شهری بر سلامت ساکنان تبریز خواهد پرداخت.

پیشینه پژوهش

در اینجا پیشینه پژوهشی تأثیر منظر فضاهای شهری بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی با استفاده از منابع به‌روز آورده شده است: غفاری گیلانده و محمدی (۱۴۰۲)، در بررسی وضعیت محیط و منظر شهری و ارتباط آن با سلامت روان شهروندان شهر پاره، نتایج نشان می‌دهد در شاخص‌های زیست-محیطی، امنیت، شبکه ارتباطی و حمل و نقل، مسکن، تجاری و فرهنگی، طراحی و مبلمان، مشارکت مردم و آموزشی؛ میانگین در حد متوسط و کمی بالاتر از مقدار متوسط ۳ به دست آمده است، اما در شاخص اقتصادی میانگین پایین‌تر از حد متوسط است و وضعیت آن خوب نیست. نتایج آزمون فریدمن نشان داد شاخص‌ها دارای اهمیت متفاوت اند و شاخص زیست محیطی بیشترین اهمیت را دارد. همچنین نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های مورد بررسی مرتبط با محیط و منظر شهری و سلامت روان شهروندان نشان داد که بین آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. بررسی میزان همبستگی نیز بیانگر آن است که این رابطه مستقیم است (نصیری، ۱۴۰۲). در بررسی ارتباط بین معماری و سلامت روانی ساکنان شهری، به این نتیجه می‌رسد که زندگی در نزدیکی فضاهای سبز به بهبود خلق و خو و کاهش علائم افسردگی منجر می‌شود. همچنین، طراحی

معماران فضاهایی که امکان تعامل اجتماعی را فراهم می‌کنند، به تقویت روابط اجتماعی و احساس تعلق به جامعه کمک می‌کند که از عوامل کلیدی در سلامت روانی محسوب می‌شود. علاوه بر این، طراحی فضاهای شهری باید به نیازهای روانی ساکنان توجه کند. فضاهای شلوغ و بی‌نظم می‌تواند احساس بی‌قراری و ناامنی ایجاد کنند، در حالی که فضاهای منظم و آرام می‌تواند احساس راحتی و امنیت را تقویت کند. مثلاً خیابان‌های عریض با درختان سایه‌دار و نورپردازی مناسب فضایی دلپذیر و آرامش‌بخش برای پیاده‌روی و تفریح ایجاد می‌کنند. همچنین، وجود امکاناتی مانند کافه‌ها و رستوران‌ها در فضاهای عمومی به ایجاد نقاط دید و تعاملات اجتماعی کمک می‌کند. در نهایت، توجه به اصول طراحی انسانی و نیازهای روانی ساکنان در معماری شهری به بهبود کیفیت زندگی و سلامت روانی آن‌ها منجر می‌شود. به همین دلیل، معماران و طراحان شهری باید به‌طور جدی به این موضوع توجه کنند و تلاش کنند تا فضاهایی را ایجاد کنند که نه تنها زیبا و جذاب باشند، بلکه بر سلامت روانی ساکنان تأثیر مثبتی داشته باشند. دهقان و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «نقش طراحی شهری بر سلامت روان: تبیین چهارچوب مفهومی رابطه کیفیت‌های محیط شهری و سلامت روان ساکنان شهر با تأکید بر افسردگی»، که کیفیت محیط مصنوع شهر به‌عنوان یک عامل در سطح میانی با سایر عوامل در سطوح خرد و کلان دارای اثر هم‌افزایی بر سلامت روان شهروندان است و نفوذپذیری، ایمنی، امنیت، غنای حسی، آسایش اقلیمی، زیبایی و اجتماع‌پذیری مهم‌ترین کیفیت‌ها هستند. این کیفیت‌ها، به شکل مستقیم و غیرمستقیم، بر افسردگی و سلامت روان افراد تأثیر می‌گذارند که در ارتباط غیرمستقیم، فعالیت بدنی، تعاملات اجتماعی،

کیفیت خواب، تاب‌آوری در برابر استرس و خلق‌وخو، عوامل میانجی هستند که تأثیر برخی از کیفیت‌های محیط مصنوع را ممکن و پایدارتر می‌سازند. بنابراین، این شواهد از لزوم ارتقای کیفیت محیط شهرها برای پیشگیری و درمان افسردگی ساکنان شهرها حمایت می‌کنند و نقش طراحی شهری را به‌عنوان روشی خلاقانه و مؤثر برای ارتقای سلامت روان عموم افراد در معرض محیط تبیین می‌کنند. کریمی و همکاران (۱۴۰۱)، به ارزیابی تأثیر کیفیت‌های طراحی شهری بر سلامت روانی و شادمانی شهروندان در محله‌های چهارباغ و سوران در شهر سنندج پرداخته‌اند و نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده آن است که کیفیت‌های ادراکی، بصری، محیط اجتماعی و عملکردی به‌ترتیب با آماره‌های برابر $۷/۳۷$ ، $۶/۷۸$ ، $۶/۱۳$ و $۴/۶۷$ ، بیشترین اثرگذاری را بر سلامت شهروندان دارد (آراسته و حیدرزاده، ۱۳۹۹). در تبیین معیارهای مؤثر بر تجربه حضور شهروندان و ارتقای سلامت روانی آنها در محیط‌های تفرجگاهی طبیعی شهر تبریز، به این نتیجه می‌رسند که احساس آرامش در محیط طبیعی، مؤثرترین معیار به‌منظور القای حس ذهن‌آگاهی و تجربه لذت‌بخش از حضور در این فضاست؛ درحالی‌که معیارهای زیبایی‌طبیعت، صمیمیت، عظمت و شکوه، سرزندگی و درنهایت معنویت و امکان کشف محیط در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار دارند. گفتنی است معیارها و زیرمعیارهای استخراج‌شده از مدل ذهن‌آگاهی در محیط‌های طبیعی، گذشته از کاربرد برای ارزیابی کیفیت دیگر محیط‌های طبیعی و مصنوع، به برنامه‌ریزان، طراحان و مجریان مناظر طبیعی در ارتقای طرح‌های پیشنهادی و اجرایی مناظر طبیعی کمک شایانی می‌کنند. شن^۱ (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای با عنوان «پیشرفت تحقیق در مورد تأثیر منظر

شهری بر سلامت سکونتگاه‌های انسانی»، به بررسی نقش شهرنشینی در مسائل بهداشت زیستگاه، با تمرکز بر تقاطع داده‌های بزرگ شهری و سلامت سکونتگاه انسانی می‌پردازد. مزایا و مضرات پیشرفت زیستگاه شهری، از جمله تأثیر فضاهای سبز بر سلامت روان و رفاه را برجسته می‌کند. با افزایش داده‌های سنجش از دور و رسانه‌های اجتماعی، روش‌های جدیدی برای ارزیابی و رسیدگی به چالش‌های بهداشت شهری ظهور می‌کنند و از رویکردهای یکپارچه برای ارتقای توسعه شهری پایدار و سالم حمایت می‌کنند. ژو و دو^۲ (۲۰۲۴) ارزیابی تأثیر عناصر منظر شهری بر حس تعلق محلی در تانگ دجی چین بیان می‌کنند منظر شهری به‌عنوان ابزار قدرتمندی عمل می‌کند که در صورت طراحی بهینه، تأثیر مثبتی بر زندگی شهری دارد و احساس تعلق شهروندان به شهر و محیط اطراف آن را با اولویت دادن به امنیت و ایجاد فضاهای شهری زیبا و جذاب شهر افزایش می‌دهد. کنگ و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در مطالعه انواع مختلف ویژگی‌های منظر پارک‌های شهری و اینکه چگونه بر احساسات بازدیدکنندگان تأثیر مثبت می‌گذارد، نتیجه می‌گیرند که از نظر منظر شهری بازدیدکنندگان از پارک‌های جامع و پارک‌های آثار فرهنگی به‌طور قابل توجهی شادتر از بازدیدکنندگان از پارک‌های اجتماعی بودند. بازدیدکنندگان از پارک‌های بین‌جاده‌ای در پکن کمترین میزان احساسات مثبت را داشتند. این مطالعه از طریق یک رویکرد جدید بر اساس داده‌های رسانه‌های اجتماعی، رابطه بین الگوهای چشم‌انداز پارک و احساسات مثبت بازدیدکنندگان را روشن می‌کند. هونگ و همکاران^۴ (۲۰۱۹). در بررسی «مناظر شهری، سلامت و رفاه»

2. Zhu & Du

3. Kong et al

4. Houng et al

1. Shen

مناظر شهری در شهرهای با تراکم بالا: پارک‌ها، مناظر خیابانی، اکوسیستم‌ها، به این نتیجه می‌رسند که محیط طبیعی به‌عنوان عامل قدرتمندی بر رفاه انسان تبلیغ شده است. بازدید از طبیعت بر وضعیت جسمی و روحی ما اثر ترمیمی دارد و ما را قادر می‌سازد تا از استرس زندگی شهری بهبود یابیم و شارژ شویم. با توجه به اینکه اکثریت انسان‌ها درحال حاضر در مناطق شهری زندگی می‌کنند، اهمیت فضاهای سبز با طراحی خوب به‌عنوان عناصر کلیدی یک محیط سالم شهری است.

بسیاری از مطالعات تنها به یک بُعد از سلامت (جسمانی، روانی یا اجتماعی) پرداخته‌اند و کمتر تحقیقاتی وجود دارند که تأثیرات منظر شهری را به‌طور همزمان بر هر سه حوزه بررسی کنند. این عدم جامعیت در رویکردها، یکی از شکاف‌های اصلی پژوهشی است که به توجه بیشتری نیاز دارد. طراحی شهری بر سلامت افراد تأثیرات پیچیده و چندوجهی دارد، اما پژوهش‌های پیشین معمولاً این ابعاد را به‌صورت مجزا بررسی کرده‌اند. در نتیجه، مطالعات چندوجهی که به بررسی همزمان این سه حوزه می‌پردازند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای محدود بوده و این مسئله ضرورت پژوهش حاضر را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، تحقیقات موجود اغلب به تأثیرات کوتاه‌مدت طراحی شهری و منظر بر سلامت پرداخته‌اند، درحالی‌که تأثیرات بلندمدت کمتر بررسی شده‌اند. بررسی چگونگی تغییرات طولانی‌مدت در طراحی شهری و تأثیرات آن بر سلامت ساکنان، یکی دیگر از خلأهای موجود در ادبیات پژوهشی است. محیط‌های شهری به‌طور مداوم در حال تغییر و تحول هستند، و این تغییرات تأثیرات پایداری بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی افراد دارند که به بررسی دقیق و علمی نیازمند است. کمبود داده‌های مرتبط با شهرهای در حال توسعه، به‌ویژه در

کشورهای خاورمیانه و شهرهایی با بافت تاریخی نیز یکی از شکاف‌های مهم این حوزه است. شهرهایی مانند تبریز با چالش‌های متفاوتی نسبت به شهرهای توسعه‌یافته روبرو هستند. نبود فضاهای شهری مناسب برای فعالیت‌های فیزیکی، کمبود فضاهای سبز، افزایش تراکم جمعیت و مشکلات زیست‌محیطی از جمله مسائلی است که بر سلامت ساکنان تأثیر می‌گذارد. این پژوهش با تمرکز بر شهر تبریز، درصدد است تا به این مسائل بپردازد و شکاف‌های موجود در تحقیقات مربوط به این نوع شهرها را پوشش دهد. نوآوری اصلی این پژوهش در چندوجهی بودن آن نهفته است. برخلاف بسیاری از مطالعات که تنها به یک جنبه از تأثیرات منظر شهری پرداخته‌اند، این پژوهش تلاش می‌کند تأثیرات طراحی شهری را بر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی به‌طور همزمان بررسی کند. این رویکرد جامع، امکان ارائه نتایج دقیق‌تر و کاربردی‌تر را فراهم می‌کند. همچنین، تمرکز بر تبریز به‌عنوان یک شهر با تاریخ غنی و چالش‌های مدرن، به این تحقیق بُعد جدیدی می‌بخشد. علاوه بر این، پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات بلندمدت طراحی شهری نیز می‌پردازد که می‌تواند نشان‌دهنده پویایی‌های طولانی‌مدت تغییرات در محیط شهری و تأثیرات آن بر سلامت ساکنان باشد. از دیگر جنبه‌های نوآوری این پژوهش، ارائه توصیه‌های عملی مبتنی بر ویژگی‌های خاص فرهنگی و اجتماعی تبریز است. بسیاری از راه‌حل‌های طراحی شهری که در شهرهای غربی کارآمد بوده‌اند، ممکن است در محیط‌های فرهنگی-اجتماعی متفاوت کارایی نداشته باشند. بنابراین، این پژوهش نه تنها به شناسایی مشکلات می‌پردازد، بلکه پیشنهادهایی را ارائه می‌کند که با شرایط محلی سازگار باشند و قابلیت اجرایی بالایی داشته باشند. این توصیه‌ها برای بهبود

وضعیت شهرهای مشابه نیز مفید هستند. در نهایت، این پژوهش با رویکردی جامع و دقیق به بررسی رابطه میان منظر شهری و سلامت ساکنان تبریز پرداخته و با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و تاریخی این شهر، به ارائه نتایج و پیشنهادهای کاربردی و قابل اجرا می‌پردازد. این امر به پر کردن شکاف‌های موجود در ادبیات پژوهش کمک می‌کند و زمینه‌ساز تحقیقات بیشتر در این حوزه است.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کمی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) انجام شده است. این روش به دلیل قدرت آن در تحلیل روابط پیچیده میان متغیرها و بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم، به‌عنوان روش مناسب در این پژوهش انتخاب شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کل جمعیت ساکن شهر تبریز است که برابر ۱۰۶۴۳۰۹۶ نفر است و براساس فرمول کوکران حجم نمونه برابر ۳۸۴ نفر به دست آمد. نمونه‌ها به‌صورت تصادفی طبقه‌بندی شده انتخاب شدند تا تنوع جنسیتی، سنی و مکانی به‌خوبی در نتایج پژوهش منعکس شود. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. این پرسشنامه شامل سه بخش اصلی است:

- بخش اول شامل سؤالات جمعیت‌شناختی، مانند سن، جنسیت، تحصیلات و وضعیت شغلی؛
- بخش دوم به سلامت جسمانی اختصاص دارد و شامل سؤالاتی درباره تعداد قدم‌های روزانه، شاخص توده بدنی (BMI) و میزان فعالیت بدنی است؛
- بخش سوم نیز به سلامت روانی و تعاملات اجتماعی مربوط می‌شود و از ابزارهای معتبر مانند DASS-21 که در سال ۱۹۹۵ توسط لایبوند و

لایبوند^۱ برای ارزیابی استرس و اضطراب به کار رفت و GHQ-12 برای سنجش سلامت روانی استفاده شده است که اشمیتز و همکارانش^۲ در سال ۱۹۹۹ طراحی کردند.

DASS-21 (Depression Anxiety Stress Scales-21):

این ابزار را که لایبوند و لایبوند در سال ۱۹۹۵ طراحی کرده‌اند، یک پرسشنامه استاندارد برای ارزیابی سه بُعد اصلی سلامت روانی یعنی افسردگی، اضطراب و استرس است. این پرسشنامه شامل بیست و یک سؤال است که هر یک از این سه بُعد را با استفاده از هفت سؤال ارزیابی می‌کند. DASS-21 بر اساس یک مقیاس چهاردرجه‌ای (۰ تا ۳) طراحی شده و میزان شدت هر عامل روانی را نشان می‌دهد. این ابزار به دلیل جامعیت و دقت بالا، به‌طور گسترده در پژوهش‌های سلامت روانی استفاده می‌شود و نتایج آن شاخص‌های کلیدی برای بررسی وضعیت روانی افراد ارائه می‌دهد. افسردگی: شامل احساس ناراحتی، بی‌ارزشی و کاهش لذت از زندگی؛

اضطراب: ارزیابی نشانه‌های جسمانی و شناختی اضطراب مانند تنش و بی‌قراری؛
استرس: بررسی نشانه‌هایی مانند تحریک‌پذیری، ناراحتی ناشی از فشارهای محیطی و تنش روانی.

GHQ-12 (General Health Questionnaire - 12):

این پرسشنامه که توسط اشمیتز و همکارانش در سال ۱۹۹۹ طراحی شده است، به‌منظور ارزیابی کلی سلامت روانی افراد در جامعه استفاده می‌شود. GHQ-12 شامل ۱۲ سؤال کوتاه و ساده است که به ارزیابی وضعیت عمومی سلامت روانی، شامل علائم روان‌شناختی، تعاملات اجتماعی و عملکردهای روزمره می‌پردازد. این ابزار به‌خصوص در محیط‌های

1. Lovibond & Lovibond

2. Schmitz et al

جدول شماره (۲): متغیرهای مورد مطالعه پژوهش

متغیر اصلی	شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها
منظر شهری	کیفیت فضاهای سبز شهری	میزان دسترسی به پارک‌ها و فضاهای سبز (متر از فضاهای سبز در دسترس به ازای هر نفر)
	طراحی فضاهای عمومی	کیفیت مبلمان شهری (نیمکت‌ها، نورپردازی، پوشش گیاهی)
	پیاده‌روها و معابر	پهنای پیاده‌روها، وجود مسیرهای ایمن برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری
	زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی	دسترسی به وسایل نقلیه عمومی، تعداد ایستگاه‌های اتوبوس/مترو
	میزان تراکم و ازدحام شهری	تراکم جمعیتی، فاصله بین ساختمان‌ها
سلامت جسمانی	میزان فعالیت فیزیکی	تعداد قدم‌های روزانه، فعالیت بدنی در فضای باز، استفاده از فضاهای ورزشی عمومی
	شاخص توده بدنی (BMI)	وزن و قد افراد، نسبت چاقی و اضافه وزن
	ابتلا به بیماری‌های مزمن	نرخ ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی، دیابت، چاقی
	دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی	تعداد مراکز بهداشتی و درمانی در محدوده شهری
سلامت روانی	میزان استرس و اضطراب	استفاده از مقیاس‌های استاندارد روان‌سنجی مانند GHQ-12 یا DASS-21
	سطح رضایت از زندگی	نظرسنجی در مورد کیفیت زندگی و رضایت از محل زندگی
	کیفیت محیط‌های آرامش‌بخش شهری	میزان سروصدا و آلودگی صوتی، دسترسی به فضاهای سبز و پارک‌های عمومی برای آرامش و استراحت
	احساس امنیت در فضای شهری	میزان وقوع جرائم شهری، وجود فضاهای تاریک و ناامن
	تعداد تعاملات اجتماعی روزانه	میزان حضور در فضاهای عمومی (تعداد ملاقات‌های روزانه با دوستان و همسایگان)
تعاملات اجتماعی	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	حضور در رویدادهای محلی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مانند جشنواره‌ها یا گردهمایی‌ها
	حس تعلق به جامعه	احساس وابستگی به محله یا شهر، ارزیابی میزان ارتباط با همسایگان و جامعه محلی
	کیفیت فضاهای اجتماعی	تعداد فضاهای عمومی برای تعاملات (پارک‌ها، کافه‌ها، کتابخانه‌ها) وجود فضاهای باز برای تجمعات

اجتماعی و شهری کاربرد دارد و نتایج آن به‌عنوان بخش‌های ارزیابی GHQ-12؛ شاخصی برای شناسایی مشکلات روانی اولیه و احساس خوب بودن (مثلاً میزان رضایت از زندگی)؛ اختلالات روان‌شناختی استفاده می‌شود. عملکرد اجتماعی (مانند کیفیت تعاملات بین‌فردی)؛

وجود نشانه‌های روان‌شناختی (مثلاً استرس و اضطراب روزانه).

پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که مقدار آن در تمامی بخش‌ها بالاتر از ۰.۷۰ بود و نشان‌دهنده اعتبار مناسب ابزار است. روایی نیز با استفاده از اعتبار محتوا و بازبینی متخصصان تأیید شد.

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS و AMOS تحلیل شده‌اند. ابتدا تحلیل توصیفی انجام شد تا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه و توزیع پاسخ‌ها بررسی شود. سپس، با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن داده‌ها بررسی شدند. نتایج این آزمون نشان داد که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند و امکان استفاده از روش‌های آماری پیشرفته وجود دارد. پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها، از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) برای تأیید ساختار پرسشنامه و بررسی روابط میان شاخص‌ها و متغیرهای مکنون استفاده شد. در این مرحله، تأیید شد که شاخص‌های انتخاب شده به خوبی متغیرهای مکنون مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کنند. سپس، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) برای تحلیل روابط میان متغیرهای مستقل (مانند منظر شهری) و متغیرهای وابسته (مانند سلامت جسمانی و روانی) استفاده شد. این تحلیل امکان بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را فراهم آورد.

● **منظر شهری:** مجموعه‌ای از عناصر کالبدی، طبیعی و اجتماعی در فضاهای شهری است که به صورت بصری و حسی تجربه می‌شود. این مفهوم فراتر از ظاهر فیزیکی شهر، نمایانگر تعامل انسان با محیط و حس مکان است. منظر شهری با تأثیر بر ادراک، زیباشناسی و هویت فرهنگی، نقش مهمی

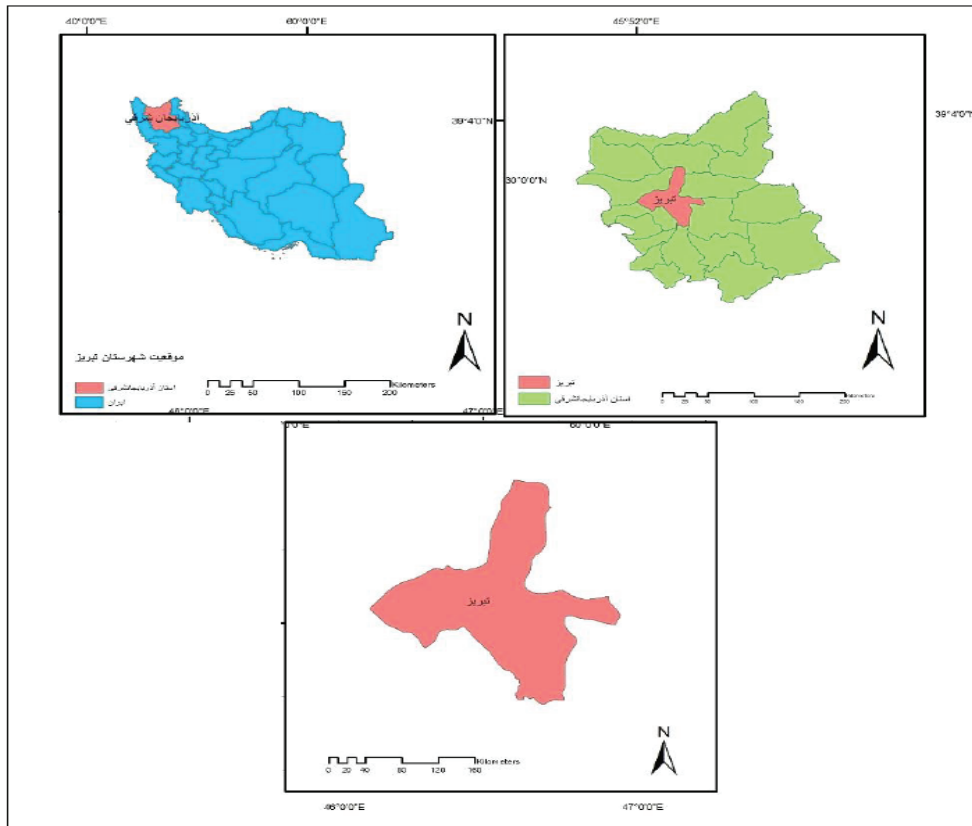
در کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کند.

- **سلامت جسمانی:** معیارهای مرتبط با سطح فعالیت بدنی، شاخص‌های مربوط به وزن و بیماری‌ها و دسترسی به خدمات درمانی در این بخش تحلیل می‌شود.
- **سلامت روانی:** این بخش به ارزیابی میزان استرس، اضطراب، احساس رضایت از زندگی و میزان آرامش ناشی از محیط شهری می‌پردازد و عوامل مربوط به امنیت شهری را نیز مد نظر قرار می‌دهد.
- **تعاملات اجتماعی:** در این بخش، شاخص‌هایی مرتبط با تعداد تعاملات روزانه، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و حس تعلق به جامعه تحلیل خواهد شد.

این جدول متغیرهای پژوهش را به همراه شاخص‌ها و زیرشاخص‌های لازم برای سنجش آنها مشخص می‌کند و مبنای تحلیل داده‌ها در پژوهش خواهد بود.

محدوده مورد مطالعه

شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی بوده و ۱.۶۴۳.۹۶۰ نفر جمعیت دارد. بر اساس تقسیمات کالبدی طرح جامع، این شهر به ده منطقه تقسیم شده است. سهم تبریز از مساحت بافت فرسوده شهری استان ۲۵۲۲ هکتار است. شهر تبریز در ۴۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و دو دقیقه عرض شمالی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۰۰ متر است. با وسعتی حدود ۱۱۸۰۰ کیلومتر در قلمرو میانی خطه آذربایجان و در قسمت شرقی شمال دریاچه ارومیه و ۶۱۹ کیلومتری غرب تهران قرار دارد. در ۱۵۰ کیلومتری جنوب جلفا، مرز ایران و جمهوری آذربایجان قرار گرفته است (زینالی عظیم و همکاران، ۱۴۰۳). تبریز از سمت جنوب به رشته‌کوه منفرد همیشه پر برف سهند و از



شکل شماره (۱): موقعیت شهر تبریز در کشور و استان (زینالی عظیم و همکاران، ۱۴۰۳)

یا طبیعی نبودن داده‌ها پرداخته شد. در این بخش، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، سن، تحصیلات و به‌وسیله آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و فراوانی بررسی می‌شوند. جدول زیر نتایج تحلیل توصیفی مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی را نشان می‌دهد.

جامعه آماری پژوهش شامل کل جمعیت ساکن شهر تبریز است که برابر ۱.۶۴۳.۹۶۰ نفر است و براساس فرمول کوکران حجم نمونه برابر ۳۸۴ نفر به دست آمد. اکثریت پاسخ‌دهندگان مرد (۵۴.۷ درصد) و باقی‌مانده زن (۴۵.۳ درصد) هستند، که نشان‌دهنده

شمال‌شرقی به کوه سرخ‌فام (عون بن علی عینالی) محدود می‌شود. رودخانه آجی چای (تلخه رود) از قسمت شمال و شمال‌غرب تبریز می‌گذرد و بعد از طی مسافتی قابل توجه در دشت تبریز به دریاچه ارومیه می‌ریزد و مهران‌رود از میانه تبریز می‌گذرد که اکثراً در فصول مختلف سال بی‌آب است (سرداری و همکاران، ۱۴۰۳).

یافته‌های پژوهش

برای انجام تحلیل اولیه داده‌ها، ابتدا به تحلیل توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سپس به آمار توصیفی متغیرها و شاخص‌های پژوهش و بررسی طبیعی بودن

جدول شماره (۳): آمار توصیفی پاسخگویان

درصد	فراوانی	ویژگی جمعیت شناختی
۵۴.۷	۲۱۰	جنسیت - مرد
۴۵.۳	۱۷۴	جنسیت - زن
۱۳.۰	۵۰	سن - زیر ۲۰ سال
۴۶.۹	۱۸۰	سن - ۲۰ تا ۴۰ سال
۲۷.۱	۱۰۴	سن - ۴۰ تا ۶۰ سال
۱۳.۰	۵۰	سن - بالای ۶۰ سال
۲۰.۸	۸۰	تحصیلات - دیپلم
۵۴.۷	۲۱۰	تحصیلات - کارشناسی
۲۴.۵	۹۴	تحصیلات - کارشناسی ارشد و بالاتر

جدول شماره (۴): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر اصلی	شاخص	میانگین	انحراف معیار	حداقل مقدار	حداکثر مقدار
منظر شهری	کیفیت فضاهای سبز	۳.۷	۰.۹	۲.۵	۵.۰
	طراحی فضاهای عمومی	۳.۹	۰.۷	۲.۸	۵.۰
	پیاده‌روها و معابر	۴.۱	۰.۶	۲.۹	۵.۰
	زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی	۳.۸	۰.۸	۲.۷	۵.۰
	تراکم و ازدحام شهری	۲.۹	۰.۸	۱.۸	۴.۵
سلامت جسمانی	میزان فعالیت فیزیکی	۶.۱	۱۱.۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰
	شاخص توده بدنی (BMI)	۲۵.۵	۲.۸	۱۸.۵	۳۰.۰
	ابتلا به بیماری‌های مزمن	۲.۷	۱.۲	۱.۰	۵.۰
	دسترسی به خدمات بهداشتی	۴.۲	۰.۶	۲.۹	۵.۰
سلامت روانی	میزان استرس و اضطراب	۳.۴	۰.۸	۱.۸	۵.۰
	رضایت از زندگی	۳.۹	۰.۹	۲.۰	۵.۰
	کیفیت محیط‌های آرامش بخش شهری	۴.۰	۰.۷	۲.۵	۵.۰
	احساس امنیت در فضای شهری	۳.۵	۱.۰	۱.۵	۵.۰
تعاملات اجتماعی	تعداد تعاملات اجتماعی روزانه	۳.۸	۰.۸	۲.۰	۵.۰
	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	۳.۶	۰.۷	۲.۵	۴.۸
	حس تعلق به شهر و جامعه	۴.۰	۰.۶	۲.۹	۴.۹
	کیفیت فضاهای اجتماعی	۴.۳	۰.۵	۳.۲	۴.۹

جدول شماره ۵: نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیر اصلی	شاخص	آماره آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (Z)	سطح معناداری (P-value)
منظر شهری	کیفیت فضاهای سبز	۰.۰۷	۰.۲۰
	طراحی فضاهای عمومی	۰.۰۶	۰.۱۹
	پیاده‌روها و معابر	۰.۰۵	۰.۲۰
	زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی	۰.۰۸	۰.۱۸
	تراکم و ازدحام شهری	۰.۰۷	۰.۲۱
سلامت جسمانی	میزان فعالیت فیزیکی	۰.۰۶	۰.۲۰
	شاخص توده بدنی (BMI)	۰.۰۷	۰.۲۲
	ابتلا به بیماری‌های مزمن	۰.۰۸	۰.۱۹
سلامت روانی	دسترسی به خدمات بهداشتی	۰.۰۶	۰.۲۳
	میزان استرس و اضطراب	۰.۰۷	۰.۲۱
	رضایت از زندگی	۰.۰۶	۰.۲۴
	کیفیت محیط‌های آرامش‌بخش	۰.۰۵	۰.۲۰
	احساس امنیت در فضای شهری	۰.۰۷	۰.۱۹
تعاملات اجتماعی	تعداد تعاملات اجتماعی روزانه	۰.۰۶	۰.۲۲
	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	۰.۰۶	۰.۲۳
	حس تعلق به جامعه	۰.۰۷	۰.۲۱
	کیفیت فضاهای اجتماعی	۰.۰۰۶	۰.۲۰

که به بهبود بیشتری نیاز دارند. طراحی بهتر فضاهای سبز می‌تواند به بهبود سلامت جسمانی و روانی ساکنان کمک کند. کیفیت پیاده‌روها و معابر با میانگین ۴.۱ نشان می‌دهد که وضعیت پیاده‌روها نسبتاً مناسب است، اما به استانداردسازی بیشتر در مناطق مختلف شهر نیاز است. از نظر سلامت جسمانی: میزان فعالیت فیزیکی با میانگین ۶.۱ قدم روزانه نشان‌دهنده سطح مناسبی از فعالیت‌های بدنی در میان ساکنان است، اما این میزان با بهبود فضاهای پیاده‌روی و فضاهای ورزشی عمومی افزایش می‌یابد. شاخص توده بدنی (BMI) با میانگین ۲۵.۵ نشان می‌دهد که ساکنان در وضعیت نزدیک

توازن نسبی بین دو گروه است. بیشترین پاسخگویان در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار دارند (۴۶.۹) درصد، و گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال نیز ۲۷.۱ درصد از نمونه را تشکیل می‌دهند. اکثریت پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی ۵۴/۷ هستند، که نشان‌دهنده سطح تحصیلی بالای نمونه است. در ادامه به آمار توصیفی براساس متغیرهای اصلی و شاخص‌های پژوهش پرداخته شد.

از نظر منظر شهری: کیفیت فضاهای سبز با میانگین ۳.۷ نشان‌دهنده سطح نسبتاً مناسبی از دسترسی به فضاهای سبز در تبریز است، اما همچنان مناطقی وجود دارند

جدول شماره (۶): تحلیل عاملی با محاسبه بارهای عاملی

سطح معناداری (P-value)	انحراف معیار (SE)	بار عاملی استاندارد شده (λ)		شاخص	متغیر اصلی
		شاخص‌ها (λ)	ابعاد (λ)		
۰.۰۰۰	۰.۰۵	۰.۸۳	۰/۸۱	کیفیت فضاهای سبز	منظر شهری
۰.۰۰۰	۰.۰۴	۰.۸۷		طراحی فضاهای عمومی	
۰.۰۰۰	۰.۰۳	۰.۸۹		پیاده‌روها و معابر	
۰.۰۰۰	۰.۰۶	۰.۷۹		زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی	
۰.۰۰۱	۰.۰۷	۰.۷۱		تراکم و ازدحام شهری	
۰.۰۰۰	۰.۰۴	۰.۹۱	۰/۸۴	میزان فعالیت فیزیکی	سلامت جسمانی
۰.۰۰۰	۰.۰۵	۰.۷۸		شاخص توده بدنی (BMI)	
۰.۰۰۲	۰.۰۸	۰.۷۲		ابتلا به بیماری‌های مزمن	
۰.۰۰۰	۰.۰۵	۰.۸۴		دسترسی به خدمات بهداشتی	
۰.۰۰۰	۰.۰۳	۰.۸۹	۰/۸۳	میزان استرس و اضطراب	سلامت روانی
۰.۰۰۰	۰.۰۴	۰.۸۶		رضایت از زندگی	
۰.۰۰۰	۰.۰۵	۰.۸۰		کیفیت محیط‌های آرامش‌بخش	
۰.۰۰۰	۰.۰۶	۰.۷۹		احساس امنیت در فضای شهری	
۰.۰۰۰	۰.۰۴	۰.۸۷	۰/۸۵	تعداد تعاملات اجتماعی روزانه	تعاملات اجتماعی
۰.۰۰۰	۰.۰۵	۰.۸۱		مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	
۰.۰۰۰	۰.۰۴	۰.۸۵		حس تعلق به جامعه	
۰.۰۰۰	۰.۰۳	۰.۹۰		کیفیت فضاهای اجتماعی	

مناسبتی از تعاملات میان ساکنان است، اما با ایجاد فضاهای عمومی بهتر می‌توان این تعاملات را افزایش داد. حس تعلق به جامعه با میانگین ۴.۰ نشان‌دهنده ارتباط نسبتاً خوب ساکنان با محله‌ها و جامعه خود است که این موضوع با تقویت فضاهای اجتماعی بیشتر تقویت می‌شود. این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که شهر تبریز به بهبود فضاهای شهری و فضای سبز در مناطق مختلف نیاز دارد تا سلامت جسمانی و روانی ساکنان بهبود یابد.

برای استفاده از معادلات ساختاری، داده‌ها باید از توزیع نرمال برخوردار باشند. برای بررسی طبیعی بودن

به اضافه وزن قرار دارند، بنابراین افزایش فعالیت‌های ورزشی و دسترسی به فضاهای سالم‌تر می‌تواند به بهبود این شاخص کمک کند. از نظر سلامت روانی: میزان استرس و اضطراب با میانگین ۳.۴ نشان‌دهنده سطح متوسطی از استرس در میان ساکنان است، که با بهبود فضاهای آرامش‌بخش شهری و کاهش تراکم و ازدحام شهری کاهش خواهد یافت. احساس امنیت در فضای شهری با میانگین ۳.۵ نشان می‌دهد که برخی مناطق نیاز به بهبود امنیت دارند؛ به‌ویژه در مناطق کم‌نور و کم‌تردد. از نظر تعاملات اجتماعی: تعداد تعاملات اجتماعی روزانه با میانگین ۳.۸ نشان‌دهنده سطح

جدول شماره (۷): برازش مدل پژوهش

شاخص برازش	حد مطلوب	مقدار به دست آمده	وضعیت برازش
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	بالای ۰.۹۰	۰.۹۳	مطلوب
شاخص تاکر-لویس (TLI)	بالای ۰.۹۰	۰.۹۲	مطلوب
ریشه میانگین مربعات خطا (RMSEA)	کمتر از ۰.۰۸	۰.۰۶۳	مطلوب
کای اسکور به درجه آزادی (Chi-square/df)	کمتر از ۳	۲.۳۲	مطلوب
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بالای ۰.۹۰	۰.۹۱	مطلوب

داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج این آزمون را برای هریک از مؤلفه‌های اصلی پژوهش در جدول زیر آورده‌ایم.

در آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، اگر P-value بزرگ‌تر از ۰.۰۵ باشد، داده‌ها طبیعی فرض می‌شوند. نتایج جدول نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌ها دارای سطح معنی‌داری بیشتر از ۰.۰۵ هستند و بنابراین می‌توان گفت که داده‌های مربوط به متغیرهای اصلی و شاخص‌های تحقیق نرمال هستند. با توجه به نتایج همه داده‌ها چون دارای سطح معنی‌داری بالای ۰/۰۵ هستند دارای توزیع نرمال هستند. در ادامه به تحلیل استنباطی از داده‌های پژوهش می‌پردازیم.

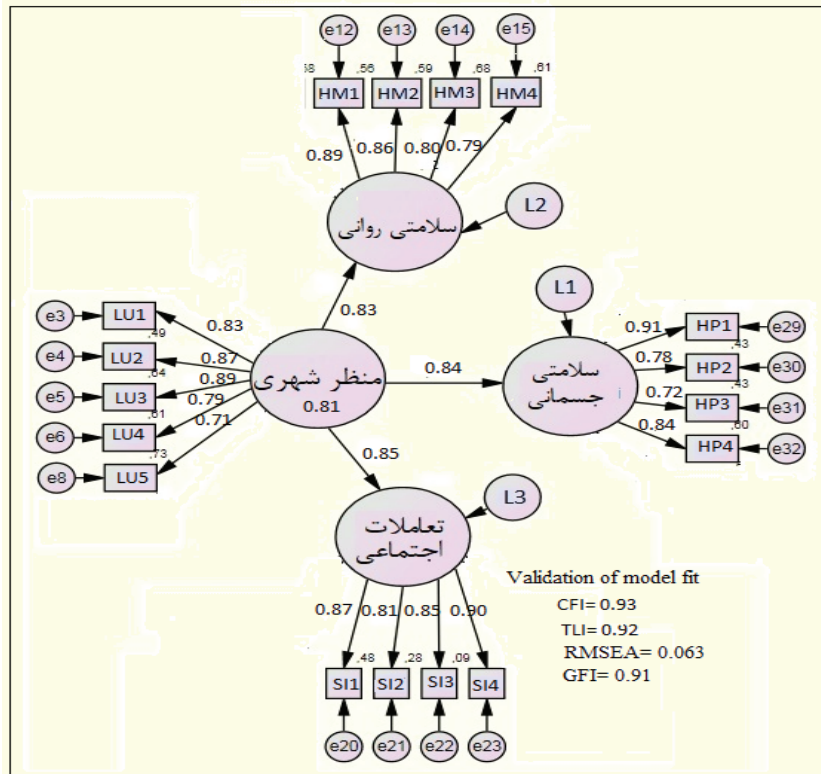
تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

بارهای عاملی (۸) در این تحلیل نشان می‌دهند که شاخص‌ها به‌طور کلی به‌خوبی متغیرهای اصلی خود را اندازه‌گیری می‌کنند. بار عاملی بالاتر از ۰.۷ نشان می‌دهد که شاخص به‌خوبی متغیر مکنون را توضیح می‌دهد، درحالی‌که بارهای عاملی بین ۰.۶ تا ۰.۷ نیاز به بهبود دارند.

تحلیل عاملی مرتبه دوم به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا متغیرهای مکنون مرتبه اول (مانند منظر شهری، سلامت جسمانی، سلامت روانی، تعاملات اجتماعی)

به‌عنوان عوامل اصلی (مرتبه دوم) عمل می‌کنند. در این مرحله، شاخص‌های مربوط به هر متغیر اصلی به‌صورت یک ساختار مرتبه دوم تحلیل می‌شوند. بر اساس بارهای عاملی مرتبه دوم:

- بیشترین تأثیرات مربوط به شاخص‌های مرتبط با تعاملات اجتماعی و سلامت جسمانی است. تعاملات اجتماعی با بار عاملی ۰.۹۰ برای کیفیت فضاهای اجتماعی و بار عاملی ۰.۸۷ برای تعداد تعاملات اجتماعی روزانه نشان می‌دهد که ایجاد و بهبود فضاهای عمومی و اجتماعی در شهر تبریز به‌شدت در افزایش تعاملات اجتماعی و حس تعلق به جامعه تأثیرگذار است. این موضوع برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری بسیار اهمیت دارد؛ زیرا به‌طور مستقیم به ایجاد فضاهای اجتماعی و فرهنگی در شهر اشاره دارد.
- سلامت جسمانی با میزان فعالیت فیزیکی (بار عاملی ۰.۹۱) و دسترسی به خدمات بهداشتی (بار عاملی ۰.۸۴) به‌عنوان دو شاخص اصلی، نشان می‌دهد که فضاهای شهری مرتبط با سلامت و ورزش، مانند پارک‌ها، مسیرهای پیاده‌روی و فضاهای ورزشی باید تقویت شوند. دسترسی به خدمات بهداشتی نیز به‌عنوان یک عامل مهم در بهبود سلامت جسمانی ساکنان شناخته می‌شود.



شکل شماره (۲): مدل برازش و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

- منظر شهری نیز از طریق شاخص‌های پیاده‌روها و معابر (بار عاملی ۰.۸۹) و طراحی فضاهای عمومی (بار عاملی ۰.۸۷) تأثیرات مهمی بر کیفیت زندگی شهری دارد. این نتایج نشان‌دهنده ضرورت توجه به طراحی و اجرای مناسب پیاده‌روها و فضاهای عمومی است.
 - سلامت روانی نیز به شدت تحت تأثیر میزان استرس و اضطراب (بار عاملی ۰.۸۹) و رضایت از زندگی (بار عاملی ۰.۸۶) قرار دارد. این موضوع به‌وضوح نشان می‌دهد که ایجاد فضاهای آرامش‌بخش و بهبود فضاهای شهری برای کاهش استرس و افزایش رضایت از زندگی در میان شهروندان از اهمیت بالایی برخوردار است.
- برازش مدل با شاخص‌های پژوهش شاخص برازش تطبیقی (CFI) میزان مطابقت مدل با داده‌های مشاهده‌شده را نشان می‌دهد. مقدار ۰.۹۳ برای CFI بیانگر این است که مدل پیشنهادی به خوبی با داده‌ها منطبق است. مقدار بالاتر از ۰.۹۰ مطلوب تلقی می‌شود. شاخص تاکر-لویس (TLI) نیز یکی دیگر از شاخص‌های مهم برازش است. مقدار ۰.۹۲ نشان می‌دهد که ساختار مکنون مدل را داده‌ها به خوبی پشتیبانی می‌کنند. این مقدار بالاتر از ۰.۹۰ نیز نشان‌دهنده برازش مناسب است. ریشه میانگین مربعات خطا (RMSEA) نشان‌دهنده میزان خطای

جدول شماره (۸): ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی

متغیرها	منظر شهری	سلامت جسمانی	سلامت روانی	تعاملات اجتماعی
منظر شهری	۱	۰.۶۸**	۰.۵۸**	۰.۶۵**
سلامت جسمانی	۰.۶۸**	۱	۰.۷۲**	۰.۶۲**
سلامت روانی	۰.۵۸**	۰.۷۲**	۱	۰.۶۶**
تعاملات اجتماعی	۰.۶۵**	۰.۶۲**	۰.۶۶**	۱

تقریبی مدل است. مقدار 0.063 نشان می‌دهد که مدل خطای کمی و برازش خوبی دارد؛ زیرا RMSEA زیر 0.08 به‌عنوان مقدار مطلوب در نظر گرفته می‌شود.

نسبت کای-اسکوئر به درجه آزادی (Chi-square/df): این شاخص نشان‌دهنده میزان تناسب کلی مدل است.

مقدار 2.32 زیر 3 است و این مقدار نشان می‌دهد که مدل برازش مناسبی دارد. شاخص نیکویی برازش (GFI) میزان کلی برازش مدل را نشان می‌دهد. مقدار 0.91 به‌عنوان مقدار بالاتر از 0.90 نشان‌دهنده برازش خوب مدل با داده‌هاست. براساس نتایج شاخص‌های

برازش مدل، این مدل با داده‌های مربوط به منظر شهری، سلامت جسمانی، سلامت روانی و تعاملات اجتماعی به خوبی منطبق است. نتایج حاکی از این

است که بهبود طراحی و فضاهای شهری مانند فضاهای سبز، پیاده‌روها و زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی، بر بهبود کیفیت زندگی و سلامت ساکنان شهر تبریز تأثیر مستقیمی دارد. مدل ارائه‌شده نشان‌دهنده اهمیت ویژه طراحی شهری و فضاهای شهری مرتبط است. بهبود فضاهای عمومی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل به بهبود سلامت جسمانی و روانی ساکنان منجر می‌شود. مدیران شهری تبریز باید با توجه به این یافته‌ها، برنامه‌ریزی‌های لازم را برای تقویت فضاهای پیاده‌روی، فضاهای سبز و ایجاد محیط‌های اجتماعی اجرا کنند.

برای تحلیل دقیق‌تر روابط بین متغیرهای اصلی، از ضریب همبستگی قوی نشان می‌دهد که بهبود منظر شهری، از جمله دسترسی به فضاهای سبز و طراحی مناسب پیاده‌روها، به‌طور مستقیم بر سلامت جسمانی ساکنان تأثیر می‌گذارد. برنامه‌ریزی شهری باید به بهبود فضاهای مربوط به پیاده‌روی و فعالیت‌های بدنی توجه کند.

تعاملات اجتماعی و سلامت روانی (ضریب همبستگی 0.66): این ضریب نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی به‌طور معناداری به کاهش استرس و بهبود سلامت روانی کمک می‌کند. ایجاد فضاهایی که امکان تعاملات اجتماعی را تقویت می‌کنند، مانند پارک‌ها و فضاهای

منظر شهری، سلامت جسمانی، سلامت روانی و تعاملات اجتماعی مشخص شود.

سلامت جسمانی و سلامت روانی (ضریب همبستگی 0.72):

این همبستگی قوی تأکید می‌کند که سلامت جسمانی و فعالیت‌های بدنی تأثیر مستقیم و مثبتی بر سلامت روانی دارند. سیاست‌گذاری برای افزایش فرصت‌های ورزشی و دسترسی به فضاهای باز و تفریحی به بهبود سلامت روانی ساکنان منجر می‌شود.

منظر شهری و سلامت جسمانی (ضریب همبستگی 0.68):

این ارتباط قوی نشان می‌دهد که بهبود منظر شهری، از جمله دسترسی به فضاهای سبز و طراحی مناسب پیاده‌روها، به‌طور مستقیم بر سلامت جسمانی ساکنان تأثیر می‌گذارد. برنامه‌ریزی شهری باید به بهبود فضاهای مربوط به پیاده‌روی و فعالیت‌های بدنی توجه کند.

تعاملات اجتماعی و سلامت روانی (ضریب همبستگی 0.66):

این ضریب نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی به‌طور معناداری به کاهش استرس و بهبود سلامت روانی کمک می‌کند. ایجاد فضاهایی که امکان تعاملات اجتماعی را تقویت می‌کنند، مانند پارک‌ها و فضاهای

جدول شماره (۹): ضرایب مسیر برای متغیرهای مستقل و وابسته

سطح اطمینان (۹۵٪)	انحراف معیار (SE)	سطح معناداری (P-value)	ضریب مسیر (Beta)	مسیر
[۰.۷۸، ۰.۵۳]	۰.۰۶	۰.۰۰۱	.۶۵۰	منظر شهری ← سلامت جسمانی
[۰.۷۲، ۰.۴۸]	۰.۰۵	۰.۰۰۲	۰.۵۸	منظر شهری ← سلامت روانی
[۰.۷۵، ۰.۵۰]	۰.۰۷	۰.۰۰۰	۰.۶۲	منظر شهری ← تعاملات اجتماعی
[۰.۶۲، ۰.۳۳]	۰.۰۸	۰.۰۰۳	۰.۴۸	سلامت جسمانی ← سلامت روانی
[۰.۶۵، ۰.۴۰]	۰.۰۶	۰.۰۰۰	۰.۵۰	تعاملات اجتماعی ← سلامت روانی

تأثیر مستقیمی بر سلامت روانی ساکنان تبریز دارد (ضریب مسیر ۰.۵۸) که نشان‌دهنده اهمیت دسترسی به فضاهای سبز و فضاهای عمومی برای کاهش استرس و اضطراب است.

علاوه بر این، تعاملات اجتماعی نیز تحت تأثیر مستقیم منظر شهری قرار می‌گیرد (ضریب مسیر ۰.۶۲). دسترسی به فضاهای عمومی و مناطق تفریحی، مانند پارک‌ها و میدان‌ها، به تسهیل تعاملات اجتماعی میان شهروندان کمک می‌کند، که به نوبه خود تأثیر مثبتی بر سلامت روانی دارد. این نتایج برای شهر تبریز اهمیت ویژه‌ای دارند؛ چراکه تراکم بالای جمعیت و افزایش نیاز به فضاهای عمومی به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهری و سطح سلامتی افراد تأثیر می‌گذارد. طراحان شهری و مدیران برنامه‌ریزی باید به توسعه فضاهای عمومی با دسترسی آسان برای ساکنان توجه ویژه‌ای داشته باشند.

در مدل معادلات ساختاری، اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر بر متغیرهای وابسته بررسی می‌شود. اثر غیرمستقیم زمانی رخ می‌دهد که یک متغیر مستقل از طریق یک متغیر واسطه‌ای تأثیر خود را بر متغیر وابسته اعمال می‌کند.

عمومی، به بهبود سلامت روانی ساکنان شهر کمک می‌کند.

مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)

مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) برای بررسی روابط میان متغیرهای مستقل (مانند منظر شهری) و متغیرهای وابسته (مانند سلامت جسمانی و روانی) در میان ساکنان شهر تبریز اجرا می‌شود. این روش به‌طور کامل از داده‌های جمع‌آوری شده استفاده می‌کند تا تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را شناسایی کند. ضرایب مسیر^۱ نشان‌دهنده میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته هستند. در این مرحله، تأثیر مستقیم منظر شهری بر سلامت جسمانی و روانی و همچنین تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی در شهر تبریز بررسی می‌شود.

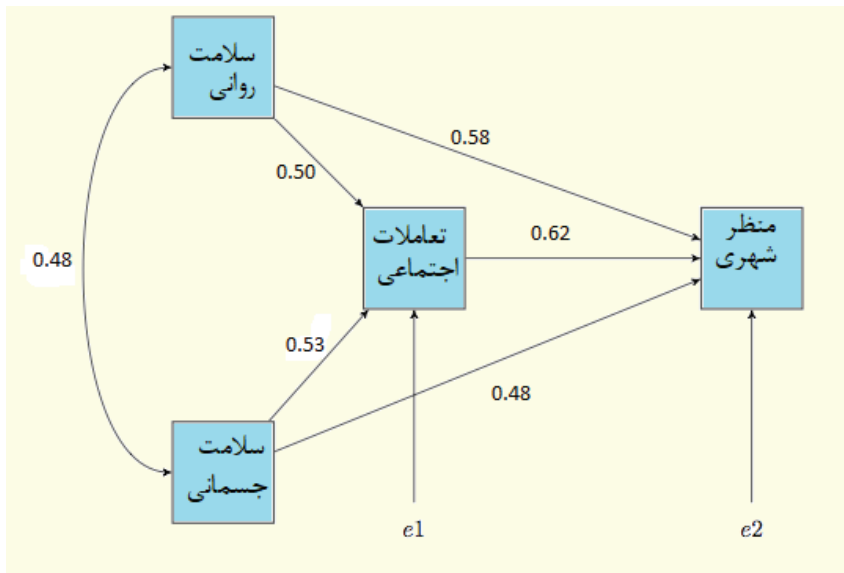
ضرایب مسیر (Beta) در مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهند که تأثیر مستقیم منظر شهری بر سلامت جسمانی ساکنان تبریز بسیار قوی است (ضریب مسیر ۰.۶۵). یعنی طراحی صحیح فضاهای شهری، از جمله پارک‌ها، پیاده‌روها و مبلمان شهری، به‌طور مستقیم به افزایش سطح فعالیت بدنی شهروندان و بهبود سلامت جسمانی آن‌ها منجر می‌شود. همچنین، منظر شهری

2. Mediating Variable

1. Path Coefficients

جدول شماره (۱۰): تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
منظر شهری ← سلامت جسمانی ← سلامت روانی	۰.۵۸	۰.۳۱	۰.۸۹
منظر شهری ← تعاملات اجتماعی ← سلامت روانی	۰.۶۲	۰.۳۰	۰.۹۲
سلامت جسمانی ← سلامت روانی	۰.۴۸	۰.۰۰	۰.۴۸
تعاملات اجتماعی ← سلامت روانی	۰.۵۰	۰.۰۰	۰.۵۰



شکل شماره (۳): تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم

جسمانی افراد را بهبود می‌بخشد و سپس از این طریق به بهبود سلامت روانی آن‌ها منجر می‌شود. این اثرات غیرمستقیم در شهرسازی اهمیت زیادی دارند. توسعه فضاهای پیاده‌روی و دسترسی به فضاهای عمومی نه تنها تأثیر مستقیمی بر سلامت جسمانی دارد، بلکه از طریق افزایش تعاملات اجتماعی، احساس تعلق به جامعه و کاهش استرس و اضطراب، به بهبود سلامت روانی ساکنان کمک می‌کند. در شهر تبریز، توجه به این روابط به طور معناداری سطح کیفیت زندگی را ارتقا

نتایج جدول شماره (۱۰) نشان می‌دهد که منظر فضاهای شهری نه تنها به طور مستقیم بر سلامت جسمانی و روانی تأثیر می‌گذارد، بلکه به طور غیرمستقیم و از طریق متغیرهای واسطه‌ای مانند سلامت جسمانی و تعاملات اجتماعی نیز تأثیر قابل توجهی بر سلامت روانی دارد. مثلاً، تأثیر غیرمستقیم منظر شهری بر سلامت روانی از طریق سلامت جسمانی و تعاملات اجتماعی به ترتیب ۰.۳۱ و ۰.۳۰ است. این بدین معناست که طراحی بهینه فضاهای شهری ابتدا سلامت

جدول شماره (۱۱): اثرات تعدیل کننده جنسیت، سن و تحصیلات بر روابط متغیرهای مستقل و وابسته

تعدیل گر	مسیر	ضریب تعدیل گری (Beta)	انحراف معیار (SE)	سطح معناداری (P-value)
جنسیت	جنسیت × منظر شهری ← سلامت جسمانی	۰.۴۰	۰.۰۵	۰.۰۰۳
	جنسیت × منظر شهری ← سلامت روانی	۰.۳۵	۰.۰۶	۰.۰۴۰
سن	سن × منظر شهری ← سلامت جسمانی	۰.۳۸	۰.۰۵	۰.۰۰۲
	سن × منظر شهری ← تعاملات اجتماعی	۰.۴۲	۰.۰۵	۰.۰۰۱
تحصیلات	تحصیلات × منظر شهری ← سلامت روانی	۰.۵۰	۰.۰۴	۰.۰۰۰
	تحصیلات × تعاملات اجتماعی ← سلامت روانی	۰.۴۵	۰.۰۵	۰.۰۰۱

نتایج جدول نشان می دهد که متغیرهای دموگرافیک جنسیت، سن و تحصیلات به طور معناداری بر روابط بین متغیرهای مستقل (مانند منظر شهری) و متغیرهای وابسته (مانند سلامت جسمانی و روانی) تأثیرگذارند.

- جنسیت: تأثیر جنسیت به عنوان یک تعدیل گر نشان می دهد که تأثیر منظر شهری بر سلامت جسمانی و روانی در میان مردان و زنان متفاوت است. زنان با دسترسی بیشتر به فضاهای سبز و پیاده روها بهبود بیشتری در سلامت روانی و جسمانی تجربه می کنند. این امر ممکن است به دلیل تفاوت های رفتاری و نیازهای جنسیتی در استفاده از فضاهای عمومی و فعالیت های بدنی باشد.

- سن: تأثیر سن به عنوان تعدیل گر نشان می دهد که تأثیر منظر شهری بر سلامت جسمانی و تعاملات اجتماعی در افراد جوان تر قوی تر است. افراد جوان تر بیشتر از فضاهای عمومی مانند پارک ها و مسیرهای پیاده روی استفاده می کنند و در تعاملات اجتماعی فعال تر هستند. این یافته ها برای سیاست گذاران شهری مهم است؛ زیرا نشان می دهد که نسل های جوان تر از فضاهای عمومی بیشتر بهره را می برند.

می دهد. تحلیل معادلات ساختاری نشان می دهد که منظر شهری تأثیرات مهمی بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان تبریز دارد. اثر مستقیم منظر شهری بر سلامت جسمانی و روانی بسیار قوی است و نشان دهنده اهمیت طراحی شهری مناسب برای بهبود کیفیت زندگی در محیط های شهری است. اثر غیر مستقیم منظر شهری از طریق سلامت جسمانی و تعاملات اجتماعی نیز به خوبی نشان می دهد که توسعه فضاهای عمومی، پیاده روها و فضاهای سبز در تقویت تعاملات اجتماعی و بهبود سلامت روانی نقش کلیدی دارند.

در این مرحله، آزمون تعدیل گری^۱ به منظور بررسی تأثیر متغیرهای دموگرافیک (مانند جنسیت، سن، تحصیلات) بر رابطه بین متغیرهای اصلی (مانند منظر شهری و سلامت جسمانی و روانی) انجام می شود. این آزمون به ما نشان می دهد که آیا این متغیرهای دموگرافیک می توانند به عنوان تعدیل گر^۲ عمل و رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را تقویت یا تضعیف کنند.

1. Moderation Analysis
2. Moderator

• **تحصیلات:** سطح تحصیلات نیز به عنوان یک تعدیل گر معنادار شناخته شد. افراد با تحصیلات بالاتر، به ویژه در تعاملات اجتماعی و سلامت روانی، تأثیر بیشتری از منظر شهری می گیرند. این موضوع به دلیل آگاهی بیشتر این افراد نسبت به فواید فضاهای عمومی و تفریحی است.

نتیجه گیری

شهرها به عنوان محیط های پیچیده و پویای زندگی انسان، نقش اساسی در تأمین سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی ساکنان خود ایفا می کنند. طراحی و مدیریت مناسب فضاهای شهری به ایجاد محیطی سالم، کارآمد و رضایت بخش برای شهروندان منجر می شود. در این راستا، منظر فضاهای شهری شامل منظر فضاهای سبز، پیاده روها و سیستم های حمل و نقل عمومی و... می شود. تعاملات اجتماعی و حس تعلق به جامعه نیز در فضاهای شهری مناسب تقویت می شوند و به بهبود کیفیت زندگی و سلامت عمومی کمک می کنند. «این پژوهش با هدف بررسی تأثیر منظر فضاهای شهری بر ابعاد مختلف سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان شهر تبریز انجام شده است.» یافته های حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که منظر شهری نقش تعیین کننده ای در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ایفا می کند. آمار و ارقام به دست آمده از این مطالعه تأثیرات ملموس منظر شهری را در حوزه های مختلف برجسته می کنند.

کیفیت فضاهای سبز با میانگین ۳.۷ نشان دهنده سطح نسبتاً مناسبی از دسترسی به این فضاها در تبریز است، اما همچنان مناطقی وجود دارند که به بهبود بیشتری نیاز دارند. این فضاها با بار عاملی ۰.۸۳ تأثیر قابل توجهی در کاهش استرس و بهبود سلامت روانی شهروندان دارند. پیاده روها و معابر با میانگین ۴.۱ و بار عاملی

۰.۸۹ از مهم ترین عوامل مؤثر در ارتقای سلامت جسمانی و روانی هستند، هر چند استانداردسازی بیشتر آن ها در بخش هایی از شهر ضروری است. از نظر سلامت جسمانی، میزان فعالیت فیزیکی روزانه شهروندان با میانگین ۶.۱ قدم نشان دهنده سطح مناسبی از فعالیت های بدنی است، اما می تواند با بهبود فضاهای پیاده روی و فضاهای ورزشی عمومی افزایش یابد. شاخص توده بدنی (BMI) با میانگین ۲۵.۵ نشان دهنده وضعیت نزدیک به اضافه وزن ساکنان است، که تأکید بر توسعه فضاهای مرتبط با ورزش و فعالیت بدنی را دوچندان می کند.

در حوزه سلامت روانی، میزان استرس و اضطراب با میانگین ۳.۴ نشان دهنده سطح متوسطی از استرس در میان ساکنان است. منظر شهری، به ویژه فضاهای سبز و فضاهای عمومی با طراحی مناسب، با کاهش استرس و افزایش رضایت از زندگی نقش مؤثری دارند. احساس امنیت در فضای شهری با میانگین ۳.۵ نشان می دهد که در برخی مناطق، نیاز به بهبود امنیت، به ویژه در محیط های کم نور و کم تردد وجود دارد.

از نظر تعاملات اجتماعی، تعداد تعاملات اجتماعی روزانه با میانگین ۳.۸ بیانگر سطح مناسبی از تعاملات میان ساکنان است. فضاهای عمومی و اجتماعی با بار عاملی ۰.۹۰ بیشترین تأثیر را در افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت حس تعلق به جامعه دارند.

تحلیل معادلات ساختاری (SEM) نشان داد که منظر شهری تأثیر مستقیمی بر سلامت جسمانی (ضریب مسیر ۰.۶۵)، سلامت روانی (ضریب مسیر ۰.۵۸) و تعاملات اجتماعی (ضریب مسیر ۰.۶۲) دارد. همچنین، اثرات غیرمستقیم منظر شهری از طریق متغیرهای واسطه ای مانند سلامت جسمانی و تعاملات اجتماعی بر سلامت روانی تأیید شد.

این نتایج به وضوح اهمیت بهبود منظر شهری را در کاهش استرس، تقویت تعاملات اجتماعی و ارتقای سلامت جسمانی نشان می‌دهد. مدیران و برنامه‌ریزان شهری تبریز باید با تکیه بر این داده‌ها، کارهایی نظیر افزایش فضاهای سبز، بهبود پیاده‌روها و توسعه فضاهای عمومی را در اولویت قرار دهند تا شهر تبریز به محیطی سالم‌تر، زیباتر و اجتماعی‌تر تبدیل شود.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادها زیر برای ارتقای تأثیر منظر فضاهای شهری بر ابعاد مختلف سلامت جسمانی، روانی، و تعاملات اجتماعی ساکنان شهر ارائه می‌شود:

- گسترش و بهبود فضاهای سبز شهری در تبریز: ایجاد فضاهای سبز در مناطق کم‌برخوردار تبریز، به‌ویژه در نواحی پرجمعیت، برای افزایش دسترسی عادلانه شهروندان به این فضاها. طراحی پارک‌ها و بوستان‌ها باید شامل مسیرهای پیاده‌روی، نقاط تجمع اجتماعی، و فضاهای آرامش‌بخش باشد تا سلامت جسمانی و روانی ساکنان تقویت شود.

- بهسازی و استانداردسازی پیاده‌روها و معابر شهری تبریز:

گسترش پیاده‌روهای ایمن و استاندارد با استفاده از نورپردازی مناسب، مبلمان شهری، و سایه‌بان‌ها. این کارها به کاهش وابستگی به خودروها و افزایش فعالیت‌های بدنی روزانه کمک می‌کند. مناطق با تراکم بالای جمعیت یا نزدیکی به مراکز آموزشی و اداری باید در اولویت قرار گیرند.

- تقویت فضاهای عمومی برای تعاملات اجتماعی در شهر تبریز:

ایجاد فضاهای عمومی نظیر میدان‌ها، مراکز فرهنگی و تفریحی با امکانات مناسب برای گردهمایی‌های اجتماعی. این فضاها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند

که حس تعلق به جامعه و تعاملات اجتماعی میان شهروندان را تقویت کنند. تمرکز بر مناطقی که تعاملات اجتماعی کمتری دارند، اهمیت بیشتری دارد.

- ایجاد فضاهای آرامش‌بخش در شهر تبریز: طراحی باغ‌های کوچک شهری، مسیرهای سبز و فضاهای آرامش‌بخش در مناطق پرتراکم برای کاهش استرس و اضطراب ساکنان. این فضاها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که امکان استفاده آسان و مکرر برای همه گروه‌های سنی را فراهم کنند.

- تقویت زیرساخت‌های ورزشی در فضاهای باز: ایجاد فضاهای ورزشی عمومی در پارک‌ها و محلات، مانند مسیرهای دوچرخه‌سواری و ایستگاه‌های ورزشی، برای افزایش فعالیت‌های فیزیکی و بهبود شاخص توده بدنی (BMI) شهروندان.

- بهبود امنیت در فضاهای شهری: ارتقای امنیت در فضاهای کم‌نور و کم‌تردد، به‌ویژه در پیاده‌روها و معابر، از طریق افزایش نورپردازی، نصب دوربین‌های نظارتی و حضور نیروهای امنیتی. این اقدام احساس امنیت شهروندان را افزایش می‌دهد و استفاده از فضاهای شهری را تسهیل می‌کند.

برنامه‌ریزی برای توسعه متوازن شهری: اولویت‌دهی به مناطق محروم و کم‌توسعه‌یافته در توسعه فضاهای سبز، پیاده‌روها، و فضاهای عمومی. این اقدام به کاهش نابرابری‌های فضایی در شهر تبریز کمک می‌کند و سلامت جسمانی و روانی ساکنان را بهبود می‌بخشد.

- آگاهی‌بخشی و مشارکت شهروندان در مدیریت منظر شهری تبریز:

برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آگاهی‌بخش درباره اهمیت منظر شهری و نقش آن در سلامت جسمانی و روانی. جلب مشارکت شهروندان در نگهداری و استفاده بهینه از فضاهای سبز و عمومی کیفیت این

فضاها را پایدارتر می‌کند.

پیاده‌راه‌ها به‌عنوان یک فضای شهری با کمک روش‌های تحلیل عاملی و معادلات ساختاری (موردمطالعه: پیاده‌راه ولیعصر تبریز). توسعه پایدار شهری، ۳(۷)، ۹۹-۱۱۹.

- ایجاد راهبردهای بلندمدت برای توسعه منظر شهری تبریز:

تدوین سیاست‌های شهری مبتنی بر رویکرد منظر شهری که به‌طور مداوم سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی را بهبود بخشد. این راهبردها باید بر مبنای داده‌های به‌دست‌آمده از این تحقیق و سایر نیازسنجی‌های محلی باشد.

منابع

۶. زینالی عظیم، علی؛ کرمی، اسلام. (۱۴۰۲). ارزیابی یکپارچه دلبستگی و تعلق ساکنان شهر از مولفه‌های عملکردی زیست‌پذیری شهری و روابط اجتماعی همسایگان (مطالعه موردی: منطقه ۸ تبریز). پژوهش‌های دانش زمین، ۱۴(۳)، ۱۳۰-۱۴۸.

۱. آراسته، مجتبی؛ حیدرزاده، احسان. (۱۳۹۹). تبیین معیارهای مؤثر بر تجربه حضور شهروندان و ارتقای سلامت روانی آنها در محیط‌های تفرجگاهی طبیعی شهر تبریز. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۱(۴)، ۹۵-۱۱۲.

۷. زینالی عظیم، علی. (۱۴۰۱). تحلیل دلبستگی مکانی در شهر تبریز با به‌کارگیری مقیاس شهرهای هوشمند در دوران بیماری کووید ۱۹. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۱۰(۳)، ۶۵-۸۰.

۲. حسینی، سید هادی. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط ویژگی‌های محیط مصنوع شهری با سلامت روانی شهروندان (مطالعه موردی شهر مشهد). مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۱۰(۳۶)، ۲۳۳-۲۵۷.

۸. سرداری، رؤیا؛ تقوی، ابراهیم؛ عزت‌پناه، بختیار. (۱۴۰۳). تبیین عوامل مؤثر در ضعف گردشگری شهری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز. اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۲)، ۴۲-۵۶.

۳. دهقان، فاطمه؛ گلکار، کورش؛ حکیمیان، پانته‌آ. (۱۴۰۱). نقش طراحی شهری بر سلامت روان: تبیین چارچوب مفهومی رابطه کیفیت‌های محیط شهری و سلامت روان ساکنان شهر با تأکید بر افسردگی. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۵(۳۸)، ۱۹۹-۲۱۵.

۹. طاهری، فرناز. (۱۴۰۰). فرصت‌ها و چالش‌های فرارو در زیباسازی سیما و منظر شهری (مورد مطالعه: استان خوزستان، شهر ایذه). فصلنامه علمی پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، ۱۴۰۰(۲۱)، ۵۷-۶۸.

۴. زینالی عظیم، علی؛ فدائی حقی، مه‌ری؛ علیزاده، امین؛ جدیری عباسی، محمد؛ فتحی‌پور، رضا؛ شریفی، محمدعلی. (۱۴۰۳). سنجش عوامل مؤثر در عدم توسعه شهر هوشمند پایدار تبریز. فصلنامه علوم محیطی، ۲۲(۳)، ۴۲۷-۴۴۶.

۱۰. عادلوند، پگاه. (۱۳۹۸). رابطه متقابل سیستم ایمنی انسان و شاخص‌های منظر شهری. منظر، ۱۱(۴۸)، ۲۲-۳۱.

۵. زینالی عظیم، علی؛ بابازاده اسکویی، سولماز؛ نوری‌زاده، زینب. (۱۴۰۱). سنجش رضایت از خدمات


۱۱. غفاری گیلاننده، عطا؛ محمدی، چنور. (۱۴۰۲). بررسی وضعیت محیط و منظر شهری و ارتباط آن با سلامت روان شهروندان شهر پاره. جغرافیا و روابط انسانی، ۵(۴)، ۲۶۲-۲۸۰.

۱۲. غلامی، مهدی؛ صابری، حمید؛ طغیانی، شیرین، و شمس، مجید. (۱۴۰۳). واکاوی فضاهای مطلوب

20. Alizadeh, H., Bork-Hüffer, T., Kohlbacher, J., Mohammed-Amin, R. K., & Naimi, K. (2022). The contribution of urban public space to the social interactions and empowerment of women. *Journal of Urban Affairs*, 46(4), 717-740. <https://doi.org/10.1080/07352166.2022.2095915>.
21. Banwell N, Michel S and Senn N (2024) Greenspaces and Health: Scoping Review of studies in Europe. *Public Health Rev* 45:1606863. <https://doi.org/10.3389/phrs.2024.1606863>.
22. Corović, D., Milinković, M., Vasiljević, N., Tilinger, D., Mitrović, S., & Vuksanović-Macura, Z. (2024). Investigating spatial criteria for the urban landscape assessment of mass housing heritage: The case of the central zone of New Belgrade. *Land*, 13(7), 906. <https://doi.org/10.3390/land13070906>.
23. Gavrilidis, A.-A., Nita, M.-R., & Onose, D.-A. (2023). Healthy landscapes: A review of the research on urban landscapes associated with health and wellbeing. *Journal of Urban and Regional Analysis*, 15(1), 27-53. <https://doi.org/10.37043/JURA.2023.15.1.2>.
24. Hu, Y.; Lin, Z.; Jiao, S.; Zhang, R. (2024), High-Density Communities and Infectious Disease Vulnerability: A Built Environment Perspective for Sustainable Health Development. *Buildings*, 14(1), 103. <https://doi.org/10.3390/buildings14010103>.
25. Hung, Shih-Han, Wu, Chia-Ching, Tsai, Yu-Ping, Lin, Ying-Hsuan, Su, Yi-Ping and Chang, Chun-Yen (2019), "Urban Landscapes, Health, and Well-Being". *Urban Landscapes in High-Density Cities: Parks, شهری و نقش آن بر تحقق نظریه حق به شهر در کلانشهر اهواز. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*, ۳۹(۲)، ۱۲۹-۱۳۸.
۱۳. قنبری نژادناصری، ندا؛ کاظمی‌زاده، وحید. (۱۴۰۱). برنامه‌ریزی فضای سبز شهری با رویکرد ورزش، سلامتی و رفاه اجتماعی (مروری). فرهنگ و ارتقای سلامت، ۶(۲)، ۳۲۳-۳۳۱.
۱۴. کریمی، اسلام؛ بصیری، مصطفی؛ زینالی عظیم، علی. (۱۳۹۹). تحلیل طراحی فضاهای شهری ایمن برای زنان براساس تعاملات اجتماعی مادر و کودک (پارک بانوان آنا در تبریز). نشریه علمی شهر ایمن، ۳(۳)، ۴۹-۶۷.
۱۵. کریمی، فیروزه؛ چاره‌جو، فرزین؛ کتاب‌اللهی، کسری. (۱۴۰۱). ارزیابی تأثیر کیفیت‌های طراحی شهری بر سلامت روانی و شادمانی شهروندان (نمونه موردی: محله‌های چهارباغ و سوران در شهر سنندج). جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۳(۴)، ۲۷-۴۸.
۱۶. کیانی، مریم. (۱۳۹۹). ارتقای فضای سبز شهری براساس معیارهای منظر اکولوژیک (نمونه موردی: جاده سلامت پارک ناژوان). فصلنامه علمی پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، ۱۳۹۹(۱۴)، ۱-۱۸.
۱۷. کیخاونی، شیلر؛ صفاری‌نیا، مجید؛ علی‌پور، احمد؛ فرزاد، ولی‌الله. (۱۳۹۹). تدوین ابعاد اجتماعی سلامت از منظر مدیریت شهری. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۴۱-۶۴.
۱۸. نصیری، بهروز. (۱۴۰۲). ارتباط بین معماری و سلامت روانی ساکنان شهری. فصلنامه اکولوژی انسانی، ۲(۴)، ۲۹۳-۳۰۳.
۱۹. یان، گل. (۱۳۹۶). زندگی میان ساختمان‌ها: کاربرد فضای جمعی. (ترجمه: علی اکبری، فرشته کریمیان، نسترن محرایی)، تهران: انتشارات پرهام نقش.

- toric Urban Landscape Approach in Action. Springer Nature, London, UK.
- Qi, J., Mazumdar, S. & Vasconcelos, A.C. (2024), Understanding the Relationship between Urban Public Space and Social Cohesion: A Systematic Review. *Int. Journal of Com. WB* 7, 155-212. <https://doi.org/10.1007/s42413-024-00204-5>.
32. Rehman Z, Zubair M, Hafiz DO and Manzoor SA (2024) Biodiversity and quality of urban green landscape affect mental restorativeness of residents in Multan, Pakistan. *Front. Sustain. Cities* 5:1286125. <https://doi.org/10.3389/frsc.2023.1286125>.
33. Seyler BC, Luo H, Wang X, Zuoqiu S, Xie Y, Wang Y. Assessing the impact of urban greenspace on physical health: An empirical study from Southwest China. *Front Public Health*. 21(11):1148582. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2023.1148582>.
34. Schmitz N, Kruse J, Tress W. (1999), Psychometric properties of the General Health Questionnaire (GHQ)-12 in a German primary care. *Acta Psychiatr Scand*; 100: 462-468.
35. Shen X, (2024), Research progress on the impact of urban landscape on the health of human settlements, *E3S Web Conf.* 56, 5th International Conference on Urban Engineering and Management Science (ICUEMS2024). <https://doi.org/10.1051/e3s-conf/202456503001>.
36. Sprague, NL, Bancalari, P, Karim, W, Siddiq, S. (2022), Growing up Green: A Systematic Review of the Influence of Greenspace on Youth Development and Health Outcomes. *Streetscapes, Ecosystems*, edited by Bianca Maria Rinaldi and Puay Tan, Berlin, Boston: Birkhäuser, 216-226. <https://doi.org/10.1515/9783035617207-016>.
26. Iungman, T, Cirach, M, Marando, F, Barboza, EP, Khomenko, S, Masselot, P, et al. (2023), Cooling Cities Through Urban green Infrastructure: A Health Impact Assessment of European Cities. *The Lancet* 401(10376):577–89. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(22\)02585-5](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(22)02585-5).
27. Kong, L., Liu, Z., Pan, X., Wang, Y., Guo, X., & Wu, J. (2022). How do different types and landscape attributes of urban parks affect visitors' positive emotions? *Landscape and Urban Planning*. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2022.104482>.
28. Lan, F, Pan, J, Zhou, Y, Huang, X, (2024), Impact of the Built Environment on Residents' Health: Evidence from the China Labor Dynamics Survey in 2016 *Journal of Environmental and Public Health*, 5(3), <https://doi.org/10.1155/2023/3414849>.
29. Li, L. (2024). The Role of Landscaping Design in Urban Landscape Design in the Context of Big Data” *Applied Mathematics and Nonlinear Sciences*, 9(1), Sciendo, <https://doi.org/10.2478/amns-2024-2268>.
30. Lovibond, P. F., & Lovibond, S. H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behaviour research and therapy*, 33(3), 335-343.
31. Oders, A.P.; Bandarin, F. (Eds.). (2019). *Reshaping Urban Conservation: The His-*

39. Zhu Y & Du R (2024), Evaluating the impact of urban landscape elements on the sense of security and local belonging-case study: Tongdejie, China. *Front. Environ. Sci.* 12:1340394. <https://doi.org/10.3389/fenvs.2024.1340394>.
40. Zhou, W. (2024). Research on the application of ecological landscape design in urban construction. *Academic Journal of Humanities & Social Sciences*, 7(3), 194-198. <https://doi.org/10.25236/AJHSS.2024.070330>.
- J Expo Sci Environ Epidemiol 32(5):660–81. <https://doi.org/10.1038/s41370-022-00445-6>.
37. Sullivan WC, Chang CY. Landscapes and Human Health. *Int J Environ Res Public Health*. 2017 Oct 11;14(10):1212. <https://doi.org/10.3390/ijerph14101212>.
38. Wei YD, Wang Y, Curtis DS, Shin S, Wen M. (2024), Built Environment, Natural Environment, and Mental Health. *Geohhealth*. 22;8(6): e2024GH001047. <https://doi.org/10.1029/2024GH001047>.

<p>نحوه ارجاع به این مقاله: زینالی عظیم، علی، آذر، علی، بابازاده اسکونی، سولماز و سلوکانه میاندوب، حدیث. (۱۴۰۳). تأثیر منظر فضاهای شهری بر سلامت جسمانی، روانی و تعاملات اجتماعی ساکنان شهر تبریز. پژوهشهای فضا و مکان در شهر. ۸(۳۱)، ۱۱۹-۹۳. https://doi.org/10.22034/jspr.2024.2042819.1080</p> <p>DOI: https://doi.org/10.22034/jspr.2024.2042819.1080 URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_719327.html</p>	
<p>Copyrights: ©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).</p>	



مطالعه شیوه‌های اعلان وقت و ساعت در ارسن نقش جهان اصفهان در دوره صفوی با نگاهی به شیوه‌های مرسوم در شهرهای بزرگ اسلامی*

امیرمحمد چنگیزی محمدی

دانشجوی دکتری گروه معماری، دانشکده هنر، معماری و مهندسی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران

زینب طالبی ریزی**

استادیار گروه معماری، دانشکده هنر، معماری و مهندسی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران

ناصر جدیدی

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، ایران

چکیده

همان‌گونه که ساعت‌های عمومی با اهداف گوناگون از جمله نمایش قدرت فنی و یا کنترل ضرباهنگ زندگی شهری در شهرهای اروپایی رواج بسیار داشته‌اند؛ اعلان زمان یکی از کارکردهای اصلی مکان‌های همگانی در شهرهای اسلامی بوده است که به همراه اذان و رویدادهای دیگر در طی شبانه‌روز زیست عمومی شهرنشینان مسلمان را انتظام می‌بخشیده است. از سوی دیگر، ساخت مجموعه‌های شهری متشکل از عملکردهای گوناگون نظیر مسجد، میدان و... از جمله سنت‌های مهم شهرهای اسلامی به شمار می‌رود که افزودن ساعت‌های عمومی (شهری) ساختار کالبدی و عملکردی آنها را تکامل بخشیده است. در این پژوهش، بر روی اهمیت و ضرورت موضوع بررسی شیوه‌های اعلان زمان، به ویژه نقش ساعت‌های شهری در فضای معماری و شهرسازی اسلامی، تأکید شده است. هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل ساختمان‌های کمتر شناخته‌شده‌ای است که به اعلان زمان در شهرهای اسلامی ایران می‌پرداخته‌اند. پژوهش با روش تفسیری-تاریخی و توصیفی-تحلیلی انجام شده و بر مبنای متون تاریخی به ردیابی، معرفی و تحلیل ساعت‌ها پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گاه‌شمارهای شهری مانند ساعت شاه، که بخشی از میدان نقش جهان بوده‌اند، نقش مهمی در اعلان زمان به شیوه‌های متنوع (اسلامی، ملی، اروپایی و زمانی) داشته‌اند. این گاه‌شمارها تفسیرهای تازه‌ای از سازمان‌دهی میدان نقش جهان ارائه می‌دهند. واژگان کلیدی: عمارت وقت و ساعت، رصد اوقات و ساعات، ساعت شاه، علم الحیل، میدان نقش جهان، فضای شهری

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان: «شاه و شهر، نقش پادشاهان صفوی در معماری اصفهان دوره پایتختی» است که با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد در حال انجام است.

** ایمیل نویسنده مسئول: Z.talebii@par.iaun.ac.ir

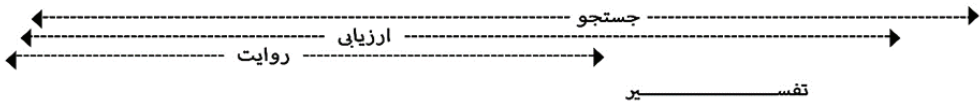
سابقه ساخت ساعت‌های عمومی در شهرها را می‌توان از قرن ۴ میلادی دنبال کرد؛ بر خلاف نوسان‌های موجود در وضعیت شهرنشینی طی قرون ۷ تا ۹ میلادی، ساعت‌ها جزء مهمی از منظر شهرها به شمار می‌رفته‌اند و تعمیر و نگهداری ساعت‌های عمومی از مهم‌ترین اقدامات عمرانی در شهرها بوده است. محل استقرار و نصب این ساعت‌ها بنا بر انگیزه‌های ساخت آن از سردر ورودی کلیساها، کاخ‌ها و یا مجاور میدان شهر متغیر بوده است، به گونه‌ای که هر چه بهتر بتواند قدرت فنی به‌کاررفته در ساخت آن را نمایش بدهد و ضربه‌انگ زندگی شهرنشینان را تداعی کند (anderson, 2014).

در سرزمین‌های اسلامی نیز استفاده از ساعت‌ها و گاه‌شمارها با مقاصد گوناگون از جمله اعلان زمان عبادت و رواج بسیار یافت. بررسی گاه‌شمارها و شیوه‌های اعلان زمان در شهرهای اسلامی، به‌ویژه میدان نقش جهان اصفهان، فرصتی برای بازنگری در فضاهای عمومی و احیای مفاهیم فرهنگی در طراحی شهری معاصر فراهم می‌کند. با وجود اهمیت تاریخی این بناها، نبود آثار فیزیکی از گاه‌شمارهایی چون «ساعت شاه»، پژوهشگران را به استفاده از اسناد مکتوب تاریخی برای بازنشاسی و تحلیل نقش آن‌ها در نظام فضایی و فرهنگی شهرهای اسلامی سوق داده است. میدان نقش جهان به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های معماری و شهرسازی اسلامی، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته تا ضمن رفع خلأ پژوهشی در شناخت این بناهای کمتر شناخته‌شده، بر اهمیت آن‌ها در بازنمایی فرهنگ و آیین‌های اسلامی تأکید شود. این پژوهش با روش‌های تفسیری-تاریخی و توصیفی-تحلیلی، تلاش دارد تا تأثیر این گاه‌شمارها

بر سازماندهی فضاهای شهری را آشکار کند.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش‌های تفسیری-تاریخی و توصیفی-تحلیلی به شناسایی ساعت‌های شهری پرداخته است که نشانی فیزیکی از آن‌ها باقی‌مانده و جایگاه این ساعت‌ها در فضاهای شهری مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا با روش تفسیری-تاریخی و براساس متون علمی تاریخی، ریشه‌یابی ساختمان‌هایی که ترکیبی از ساختارهای کالبدی و دستگاه‌های مکانیکی هستند، انجام و تلاش شده تا از منابع دست‌اول تاریخی به‌ویژه در مورد ساعت‌های ایران استفاده شود. منابع دست‌اول به متون یا اسناد تاریخی اطلاق می‌شود که در زمان وقوع رویدادها یا در همان دوره تاریخی نوشته شده و به‌طور مستقیم از آن زمان اطلاعات می‌دهند. سپس با روش توصیفی-تحلیلی، ویژگی‌های مشترک گاه‌شمارها و شیوه‌های کار آن‌ها در فضاهای شهری بررسی شده است. در ادامه، با بازخوانی متون دست‌اول تاریخی، شماری از این گاه‌شمارها در جهان اسلام معرفی و تحلیل شده‌اند. در نهایت، سه ساعت مهم در ایران، یعنی عمارت وقت و ساعت میدان سنگ کاشان، رصد اوقات و ساعت میدان وقت و ساعت یزد و ساعت شاه میدان نقش جهان اصفهان، بررسی شده و تأثیر آن‌ها بر فضای شهری و نظم اجتماعی-زمانی مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش از رویکرد کیفی و تاریخی پیروی کرده و تفسیر داده‌ها و ارزیابی مدارک برای ایجاد یک روایت جامع و منسجم از این گاه‌شمارها در نظر گرفته شده است. روند کلی این پژوهش مطابق با نمودار زیر ارائه شده که شامل جست‌وجو، جمع‌آوری، سامان‌دهی مدارک، ارزیابی و تفسیر داده‌ها برای ساخت یک روایت کلی است (گروت و وانک، ۱۳۸۴، ۱۳۶).



نمودار شماره (۱): نمودار تحقیق تفسیری
(منبع: گروت و وانک، ۱۳۸۴، ۱۳۶)

۵ ق)، المعترف فی الحکمه (ابوالبرکات بغدادی، قرن ۶ ق)، رساله پانزدهم اخوان الصفا (قرن ۴ ق)، مباحث المشرفیه (فخر رازی، قرن ۷ ق)، الحیل (ابوبکر رازی، قرن ۴ ق) و معیار العقول منسوب به ابن سینا (قرن ۵ ق). بخشی از این نوشته‌ها دستور کار ساخت دستگاه‌های مکانیکی را توضیح می‌دهند. دستگاه‌های گوناگونی از قفل‌های مکانیکی گرفته تا روش‌های جابه‌جایی آب به بالا^۱. تحلیل کتاب‌هایی که ذکر کردیم، نشان می‌دهد یکی از فصل‌های مشترک بیشتر این دست از نوشته‌های مکانیکی روش‌های ساخت ساعت است. کتاب‌هایی چون الحیل (بنوموسی، قرن سوم هجری)، فی المعرفة الحیل الهندسیه اثر بدیع الزمان الجزری نوشته شده در سال ۶۰۲ قمری، علم الساعات و العمل بها اثر رضوان بن محمد ابن ساعاتی نوشته شده در سال ۶۰۰ قمری، الطرق السنیه فی آلات روحانیه اثر تقی الدین محمد بن معروف نوشته شده در سال ۹۵۹ ق و نتیجه الدوله

علم الحیل
علم الحیل یا به گفته‌ای دانش مکانیک در جهان اسلام، یکی از دانش‌هایی بود که تا اندازه‌ای به دست مسلمان پیشرفت کرد و نوشته‌های گوناگونی در زمینه این دانش پدید آمد (میرسلیم، ۱۳۷۲: ۱۱-۱۴). بیشترین پیشرفت‌های این علم از پایان سده دوم هجری قمری تا پایان سده هشتم رخ داد (همان، ۱۳۷۲: ۱۴-۱۵). چنانکه در منبع دست‌اول احصاء العلوم می‌بینیم، فارابی علم الحیل را هفتمین دانش از علم تعالیم طبقه بندی کرده و جبر و مقابله، معماری و علم ساخت ابزارهایی چون اخترشناسی، آینه‌ها و ظرف‌های شگفت‌انگیز را جز آن شمرده است (فارابی، ۱۳۷۵: ۷۳). درباره این دانش کتاب‌های گوناگونی به دست مسلمانان نوشته شد. کتاب‌های چون میزان الحکمه (خازنی، قرن ۶ ق)، الشفا بخش طبیعیات (ابن سینا، قرن ۵ ق)، التحصیل (بهمنیر مرزبان، قرن ۵ ق)، المناظر (ابن هیثم، قرن

نوشته محمد حافظ مخترع اصفهانی نوشته شده پس از سال ۹۱۲ قمری، نگاه ویژه‌ای به ساعت داشتند. نگاه به ساخت ساعت چنان در میان این مهندسان همه‌گیری داشته است که شاهد آن هستیم که کتابی چون علم الساعات و العمل بها تنها در زمینه موضوع چگونگی کار کردن و ساخت و درست کردن ساعت‌های گوناگون نوشته شده است.

ساعت‌های مستوی و زمانی (نجومی)

ساعت‌های مکانیکی که در این دست از کتاب‌ها توضیح داده شده‌اند، به دو دسته ساعت‌های مستوی و زمانی (نجومی) تقسیم می‌شوند.

ساعت‌های مستوی (مستویه)

ساعت مستوی مانند بیشتر ساعت‌های امروزی گاه‌شماری است که یک شبانه‌روز را به بیست و چهار بخش برابر تقسیم می‌کند و هر ساعت یکی از این بیست و چهار بخش است (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶-۱۳۱۸: ۷۰-۷۱).

ساعت زمانی

ولی ساعت زمانی روز و شب را هرکدام به صورت جداگانه به دوازده بخش تقسیم می‌کند و با آگاهی از اینکه در روزهای گوناگون سال به جز روز اعتدال بهاری نوروز و روز اعتدال پاییزی یکم مهرماه، مدت زمان روز و شب برای هر مدار جغرافیایی ناهمسان است، مدت هر ساعت در روز با هر ساعت در شب در ساعت زمانی ناهمسان می‌شود. در این ساعت برخلاف ساعت‌های مستوی همواره طلوع خورشید ساعت صفر، نیمروز شرعی ساعت شش و غروب خورشید یا در برخی از موارد غروب آفتاب ساعت دوازده روز را نشان می‌داد؛ (اختلاف در غروب خورشید یا آفتاب اختلافی فقهی و عموماً یکی از موارد تفرق فقه شیعی و سنی است.) (موسوی غروی، ۱۳۹۷)

و به همین ترتیب، نیمه‌شب نجومی برابر با نیمه‌شب شرعی معادل ساعت شش شب بود. بیشتر ساعت‌های توضیح داده شده در این کتاب‌ها ساعت‌های زمانی را تشکیل می‌دادند که ساخت آن‌ها سخت‌تر و دارای محاسبات بیشتری در برابر ساعت‌های مستوی است. برای نمونه، در نوشتارهای فی المعرفت الحیل الهندسیه اثر بدیع الزمان الجزری و علم الساعات و العمل بها اثر رضوان بن محمد ساعتی و نتیجه الدوله اثر محمد حافظ مخترع اصفهانی بخش عمده ساعت‌های توضیح داده شده زمانی اند (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۴۷). عامل جنبش این گاه‌شمارها بیشتر نیروی پتانسیل گرانشی آب بود که به صورت برنامه‌ریزی شده‌ای مایه نمایش ساعت می‌شد. به جز آب در برخی از موارد برای حرکت این ساعت‌ها از شمع و نیروی‌های پتانسیل دیگری نیز استفاده شده است (هم‌و، ۱۳۹۱: ۱۴۸-۱۴۹)؛ و ۱۰۵-۱۰۶).

نمایش گذر زمان در ساعت‌های زمانی

ابعاد این ساعت‌های زمانی فراخور با یک دستگاه مکانیکی کوچک نیست. بالاتر از آن بیشتر به یک ساختمان می‌ماند (همان: ۱۵۰؛ ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۳۱-۳۳۲). نمای این اتاقک‌ها که همان نمای ساعت است در بیشتر موارد درازا و پهنایی به بلندی دو برابر یک مرد متوسط دارد. تحلیل این بناها نشان می‌دهد با ساختمان‌هایی در تاریخ معماری روبه‌رو هستیم که دستگاهی یا گاه‌شماری مکانیکی بوده‌اند؛ ولی خود این نما و به‌ویژه بزرگی و تزیینات زمان‌نمای آن نشان می‌دهد که این دست از ساعت‌ها، ساختمان‌هایی بودند که در فضای همگانی و هسته‌ای شهرها به‌صورتی برجسته و نمایی پرآزین ساخته می‌شدند. بیشتر این ساختمان‌ها برای نشان دادن زمان در روز از یک عقربه بزرگ بهره‌برداری می‌کردند که با جنبش آن گذر زمان

روشن می‌شد. افزون بر آن پیکره‌های بیشتر فلزی از یک پرنده مانند عقاب، شاهین، طاووس یا خروس مهره‌ای فلزی را رأس آغاز هر ساعت از نوک خود می‌انداختند. این گوی فلزی به سنجی در زیر خود برخورد می‌کرد و آهنگ سنج آغاز یک ساعت را اعلام می‌کرد. در برخی این گاه‌شمارها سه یا پنج بار در روز پیکره‌های انسانی با کوفتن بر طبل و دمیدن شیپور و زدن سنج اعلام گذر زمان را می‌کردند. شب‌هنگام برخلاف روز که گذر زمان بیشتر با آهنگ اعلام می‌شد، گذر زمان به‌وسیله نور به نمایش درمی‌آمد. دوازده دایره در روی این گاه‌شمارها نشان‌دهنده دوازده ساعت شب بود که در هر ساعت یکی از آن‌ها روشن می‌شد؛ ولی خود هر کدام از این دوازده دایره در یک ساعت اندک‌اندک روشن می‌شدند. برای نمونه، اگر یک ساعت و ربع از شب گذشته بود، دایره نخست بی‌کم‌وکاست روشن و یک‌چهارم دایره دوم نیز روشن بود و اگر شش ساعت و نیم از شب می‌گذشت، شش دایره نخستین روشن و یک‌نیم دایره از دایره هفتم نیز روشن بود (همان: ۱۴۸-۱۵۰). این دست از گاه‌شمارها بیشتر به این شیوه گذر زمان را در شهر اعلام می‌کردند. میزان هزینه‌ای که برای هر ساختمان ساعت می‌شد هماهنگ با شمار تندیس‌ها و تزئینات آن بود و در پاره‌ای از موارد در ساعت‌های پیشرفته‌تر بخش دیگری نیز به این دستگاه‌ها اضافه می‌شد که جایگاه هفت ستاره اصلی (هفت شمی نورانی در هیئت بطلمیوسی است که عبارت‌اند از ماه (قمر)، ناهید (زهره)، تیر (عطارد)، خورشید (شمس)، بهرام (مریخ)، هرمز (مشتری) و کیوان (زحل).) (دباغ منش، ۱۳۸۸: ۱۰۰) را در بروج دوازده‌گانه به نمایش می‌گذاشت تا سعد و نحس بودن زمان‌ها نیز به نمایش درآید. گاهی نیز به این دستگاه‌ها فصل، ماه و روزشماری نیز اضافه شده بود و در برخی از این

دستگاه‌های پیشرفته‌تر، چهارفصل، دوازده ماه سال و سی روز ماه هم نشان داده می‌شد (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۱۴)؛ بنابراین، ساماندهی این گاه‌شمارها بیشتر به یک اخترشناس نیاز داشت.

برخی از ساعت‌های زمانی شهری جهان اسلام
این ساختمان‌ها در زبان فارسی نام‌های گوناگونی، چون عمارت وقت و ساعت، رصد اوقات و ساعات و یا ساعت داشتند و در جهان عرب‌زبان به جز ساعت به المنجانه و المیقاته شناخته می‌شدند (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۳۲). در خاور سرزمین‌های عرب‌زبان یعنی شامات و عراق عرب ساعت‌های تاریخی فراوانی وجود داشته است که برخی از آن‌ها ویژگی‌های ساعت‌های مدنظر ما یعنی ساعت‌های بزرگ شهری را داشتند (Hill, 1981). در اینجا ما تنها به توصیف دو ساعت قلعه دیاربکر و ساعت مسجد جامع اموی می‌پردازیم. ساعت نخست به‌خاطر آنکه توصیفات ساخت و همچنین خصوصیاتش به دست مهندس سازنده‌اش به‌صورت ریزبینانه و کامل ثبت شده و از آن نگاره‌هایی است که از ارزش برخوردار است و ساعت دوم نیز یکی از باارزش‌ترین ساعت‌های سرزمین شام است که گردشگران از آن توصیفات خوبی داشته‌اند.

ساعت قلعه دیاربکر:

سازنده این ساعت بدیع‌الزمان الجزری در سال ۶۰۲ قمری شیوه کار و همچنین روش ساخت ساعتش را در کتاب الجامع بین العلم والعمل النافع فی صناعة الحیل با نام دیگر فی المعرفة الحیل الهندسیه توضیح داده است. به احتمال زیاد دستورالعمل ساخت این ساعت در بسیاری از ساعت‌های دیگر دنبال شده است، نسخه‌های متعدد این کتاب به زبان‌های عربی و فارسی که در قرن‌های مختلف از آغاز نگارش تا قرن دوازدهم هجری نوشته شده‌اند و در شرق جهان اسلام



شکل شماره (۱): نمای ساعت دیاربکر از کتاب فی المعرفة الحیل الهندسیه اثر بدیع الزمان الجزری. حیوانات و انسان‌های تصویر عروسک‌های متحرک و نوازنده ساعت‌اند (current, 10 junauray, 2010)

ساعت‌های خاصی را می‌کردند. در شب نیز قرص‌های نورانی، چنانکه توصیف کردیم، روشن می‌شدند و تنها صدای ساعت در شب مربوط به مجسمه‌های نوازنده بود که نیمه‌شب و پایان آن را اعلام می‌کردند. دستگاه دیگری نیز به این ساعت افزوده شده بود که موقعیت ماه و خورشید در بروج دوازده‌گانه به نمایش درمی‌آمد. (همان: ۱۴۷-۱۴۹) از مکان نصب این ساعت اطلاع درستی در دست نیست و تنها نام قلعه دیاربکر شهری کردنشین واقع در ترکیه امروزی آمده است.

ساعت مسجد جامع اموی:

این ساعت در اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین ورودی مسجد

از ترکیه تا هند وجود دارند، نشان‌دهنده توجه مهندسان و خصوصاً ساعت‌سازان به این دستورالعمل بوده است^۱ (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۴۵). (شکل شماره (۱)).

این ساعت کاملاً خصوصیات ساعت‌های ذکر شده را داشت. ساعتی که با نیروی آب کار می‌کرد و یک عقربه با حرکت خود ساعت را در روز اعلام می‌کرد. علاوه بر آن در هنگام پایان و آغاز یک ساعت، عروسکی برای هر ساعت بیرون می‌آمد، صفحه‌ای می‌چرخید و همچنین از دهان دو پرنده شکاری گویی بر سنجی می‌خورد و صدایی به وجود می‌آمد. مجسمه‌های طبل‌زن شیپورزن و همچنین سنج‌زن نیز سه بار در روز اعلام

جامع اموی، یعنی باب العیرون (باب الساعت) یا جایی که بازار به مسجد جامع منتهی می‌شد، قرار داشت و امروز اثری از آن نیست (المنجد، ۱۳۸۲). این ساعت در قرن دوازدهم میلادی توسط رضوان بن محمد ساعتی نویسنده کتاب علم الساعت و العمل بها، که در سال ۶۰۰ ق نوشته شده، بنا شد (بکلی و دیگران، ۲۰۱۴: ۳۳). ابن جبیر (۶ و ۷ ق) در سفرنامه‌اش طرز کار این ساعت را در روز این چنین توصیف می‌کند:

"در سمت راست بیرونی باب العیرون، در دیوار مشرف بر سنگفرشی که برابر آن است، اتاقی هست و بر آن طاقی چون کمانی بزرگ و دایره‌وار زده‌اند و زیر آن طاق‌نماهایی برنجین قرار دارد که هر یک را به شمار ساعت‌های روز دریچه‌ای به تدبیر هندسی و فن صنعتگری تعبیه کرده‌اند. چون ساعتی از روز بگذرد، دو وزنه کروی برنجین از دهان دو شهباز برنجی که بر سر دو طاس برنجی ایستاده‌اند، فرومی‌افتد. یکی از آن طاس‌ها زیر نخستین و دیگری زیر آخرین دریچه واقع شده و هر دو طاس سوراخ دارد. چون گلوله‌ها بر طاس‌ها افتد، به درون دیوار و داخل اتاق رود و آن دو شهباز را بینی که دو گلوله را به منقار گرفته به جانب طاس‌ها گردن کشند و آن‌ها را با تمهیدی فنی و عجیب، چنان به سرعت پرتاب کنند که پنداری سحری در کار است. هنگام افتادن آن دو گلوله بدان دو طاس، صدایی برخیزد و دریچه‌ای که نشان‌دهنده آن ساعت از زمان است با لوحه‌ای برنجین پوشانده شود و همچنین با سپری شدن هر ساعت از روز چنین شود تا تمامی دریچه‌ها یکایک بسته شود و ساعات روز، به پایان رسد، سپس دریچه‌ها به حال اول درآید و تمامی گشاده ماند" (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۳۱-۳۳۲).

از توصیف ساعت مشخص است که دریچه‌هایی که رأس هر ساعت بسته می‌شدند و همچنین گوی‌هایی

که از دهان مجسمه‌های پرندگان به سنج‌های زیرش می‌خورده است، به صورت تصویری و سوتی همانند ساعت‌های گفته‌شده ساعت را در طول روز اعلام می‌کردند و باز هم شب‌هنگام به شیوه‌ای دیگر گذر زمان اعلام می‌شد. ابن جبیر به این صورت اعلام گذر زمان را در شب‌هنگام در این ساعت توصیف می‌کند:

"به شب تدبیری دیگر کرده‌اند، به این تدبیر که در کمان‌وار تابیده بر آن طاق‌نماها دوازده دایره مسین تراشیده و از درون دیوار، به هر دایره‌ای از پشت شیشه‌ای چسبانده‌اند و این همه را پشت طاق‌نماها تعبیه کرده‌اند و پشت شیشه‌ها چراغی نهاده‌اند که به نوبت برحسب مقدار ساعت آبی که کار می‌کند. چون ساعتی بگذرد، نور چراغ از تمامی سطح شیشه بیرون تابد و پرتو آن بر دایره برابر خود افتد و دایره‌ای سرخ‌رنگ به نظر آید، سپس این نور به هر ساعت از دایره‌ای به دایره دیگر منتقل شود تا ساعات شب به پایان آید و تمام دایره‌ها سرخ‌رنگ گردد" (همان: ۳۳۲).

مشخص است که شیوه کار کردن این ساعت در هنگام شب نیز مانند ساعتی است که الجزری شیوه ساخت آن را توضیح داده بود.

ساعت‌هایی در باختر جهان اسلام نیز هستند. در اینجا به‌خاطر آنکه شیوه کار کردن این گاه‌شمارها با ساعت الجزری و ساعت ساعتی یکسان است، شیوه کار کردن آن‌ها را بیان نکردیم و تنها به ویژگی‌های برجسته آن‌ها پرداخته‌ایم.

ساعت عامه شهر فاس:

از برجسته‌ترین این گاه‌شمارها، ساعت عامه شهر فاس بود که در بخشی از دیوار بیرونی مدرسه ابی‌عنان (مدرسه بازار قصر) و در کنار مسجد جامع بوعلانیه قرار داشت. این گاه‌شمار در سال ۷۵۷ ق به‌دست ابوالحسن علی معروف به ابن الفحام و به فرمان السلطان

ابوعنان دوم ساخته شد.^۳ این گاه‌شمار مانند ساعت دمشق بود (الجزنانی، ۱۳۶۹: ۵۳).

خزانه المنجانه تلمسان:

ساعت بعدی خزانه المنجانه در تلمسان الجزایر است که ابی زکریا یحیی ابن خلدون^۴ (قرن ۸ ق) در کتاب خود از آن توصیفات کاملی دارد^۵ و به صورت کلی از خصوصیات ساعت‌های گفته‌شده برخوردار بود (خلدون، ۱۴۰۰: ۳۸-۴۰). این ساعت در زمان زمامداری تاشفین اول از حدود ۷۱۲ تا ۷۷۵ ق ساخته شد. این ساعت نیز دارای مجسمه‌های بسیاری بود که حرکت می‌کردند و بسیار شبیه ساعت قلعه دیاربکر بود که آن را توصیف کردیم (بکلی و دیگران، ۲۰۱۴: ۳۵).

ساعت مسجد جامع مراکش:

در حدود سال‌های ۷۳۷-۷۴۷ قمری و در بالای ایوان در مسجد جامع مراکش و در ارتفاع پنجاه ذرعی ساخته شد و به خاطر آنکه گوی‌هایی که به سنج‌ها برخورد می‌کرد از ارتفاع بسیاری می‌افتاد، صدای سنج آن از فاصله‌های دوری در شهر شنیده می‌شد.^۶ این ساعت بسیار شبیه ساعت عامه فاس بود (بکلی و دیگران، ۲۰۱۴: ۳۶).

ساعت‌های ایران

درباره ساعت‌های شهری در جهان اسلام به‌ویژه درباره ساعت‌های سرزمین‌های عرب‌زبان کتاب‌ها و نوشتارهایی هست (بکلی و دیگران، ۲۰۱۴: هیل، ۱۹۷۱). ولی درباره همین گاه‌شمارها در ایران که در میان جهان اسلام است، جستارهای چندانی وجود ندارد. در اینجا به ساعت‌های برجسته ایران که تاکنون نگارنده شناخته است، می‌پردازم^۷ و سپس ویژگی‌های برجسته و مشترک آن‌ها را بررسی می‌کنم.

ساعت کاشان

ساعت کاشان در مجموعه شهری میرعماد و توسط

خواجه امیر عمادالدین محمود بن امیر معین‌الدین شیخ شبلی شیروانی از وزرای جهان‌شاه قره قویونلو ساخته شد. با توجه به آنکه کل مجموعه بین سال‌های ۸۶۸ تا ۸۷۷ قمری ساخته شده و وقف‌نامه آن به سال ۸۷۷ قمری است، به نظر می‌رسد که ساخت ساعت نیز در همین سال پایان یافته است. چنانکه از وقف‌نامه این مجموعه بزرگ شهری مشخص است، ساختمان‌هایی عمومی به دور میدانی ساخته شدند که به بازار متصل بود. جنوب این میدان مسجیدی جدید به حکم مسجد جامع جدید ساخته شد که در کنارش مدرسه، روبرو و سمت راستش خانقاه و روبروی درش عمارت وقت‌وساعت نیز بنا شدند. این مجموعه بناهای دیگری چون حمام، دارالشفاء، سقاخانه، باغ، کاروانسرا و حجره‌های تجاری گوناگون و سرانجام مقبره سازنده را نیز در بر داشت. از این مجموعه تنها مسجد و سنگ‌قبر سازنده و همسرش باقی مانده است (انجمن ادبی صبا، ۱۳۴۹: ۱۲۸-۱۵۹؛ ضرابی، ۱۳۵۶: ۵۰۸-۵۱۰).

راجع به عمارت وقت‌وساعت می‌خوانیم:

"اما بعد چون عالی جناب ... واقف مومی الیه الضمن جزاء الله خیرا از بنای مسجد مذکور و وقف کردن موقوفات مذکوره آن توفیق سبحانی و الهام ربانی به بنای خانقاه واقعه به حذاء (روبرو، مقابل) مسجد مذکور بر جانب یمین مسجد و درازای (روبرو، مقابل) آن عمارت وقت‌وساعت بنا نهاد که از مخترعات ذهن وقاد جناب فضائل پناه افتخار العلماء المحققین اعتضاد الحکماء المتالهمین مولانا فخرالدین علی بن الصدر السعید الخواجه شمس‌الدین محمد کاشی است و چندین صنع حکمت‌آمیز در آن تعبیه نمود که هر یک از آن فنی از فنون خبیه اسرار حکما و سلفا است و دال بر صفاء قریه وقاد و خاطر نقاد مولانا مشارالبه است" (انجمن ادبی صبا، ۱۳۴۹: ۱۴۸؛ ضرابی، ۱۳۵۶: ۱۳۵۶).

آن‌گونه که از این متن پیداست، فخرالدین علی بن صدر سعید خواجه شمس‌الدین محمد کاشی این ساعت را براساس فنون دانشمندان پیشین خود و افرادی چون جزری و ساعاتی و در آن چندین دستگاه ساخته است. در بخشی از وقف‌نامه دیگری مشخص می‌شود که وظیفه نگهبان و فراش این ساعت انتقال آب به‌قدر احتیاج به آن است (انجمن ادبی صبا، ۱۳۴۹: ۱۵۵؛ ضرابی، ۱۳۵۶: ۵۲۸) که معلوم می‌شود این ساعت نیز آبی بوده است و از طرف دیگر در وقف‌نامه‌های آن می‌بینیم موقوفاتی برای هزینه پنبه و روغن برای این ساعت تعیین شده بود (انجمن ادبی صبا، ۱۳۴۹: ۱۴۸) که نشان از آن داشت که این ساعت در شب‌هنگام همانند ساعت‌های ذکرشده به‌وسیله نور ساعت را اعلام می‌کرد. از بخش دیگری از وقف‌نامه‌های این مجموعه متوجه می‌شویم که مسئولیت نگهداری از این ساعت بر عهده فخرالدین علی منجم از منجمان کاشان و فرزندان وی که منجم بودند، بوده است (انجمن ادبی صبا، ۱۳۴۹: ۱۵۵؛ ضرابی، ۱۳۵۶: ۵۲۸). این موضوع نشان می‌دهد این ساعت نیز مانند ساعت‌های الجزری و ساعاتی نیاز به برنامه‌ریزی توسط منجمان داشته است؛ بنابراین، به‌صورت کلی، در عمارت وقت‌وساعت کاشان با ساعتی روبه‌رو هستیم که همانند ساعت‌های گفته‌شده کار می‌کرد.

این ساعت در اوایل دوره صفوی احتمالاً به دست محمد حافظ مخترع اصفهانی نویسنده کتاب نتیجه الدوله که سه بخش آن کتاب نیز راجع به ساعت‌سازی بود، تعمیر شده است. گرچه نویسندگان کتاب کاشان در آئینه گذشته و حال می‌گویند این دو ساعت با هم متفاوت‌اند، ولی به نظر می‌رسد اشتباه می‌کنند؛ چراکه مصحح کتاب ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس

دوم (۱۰۳۸-۱۰۷۱ ه. ق) نیز تأکید دارد که این دو ساعت یکی هستند. (انجمن ادبی صبا، ۱۳۴۹: ۱۶۰؛ واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۷۰۰-۷۰۱). چنانکه در زینت المجالس (قرن ۱۱ ق) می‌خوانیم:

"و در مقابل آن بر ضلع دیگرش خواجه عمادالدین شیروانی که بانسی میدان و مدرسه مذکور است، مسجدی وسیع ساخته و هم خواجه مشارالیه بر شرق میدان حمامی و کاروانسرای به اتمام رسانیده و بر ضلع غربی آن کاروانسرای دیگر عمارت کرده و بر این جانب مولانا محمد مخترع عمارتی در جنب دارالشفاء ساخته و صندوقی چوبین بر غرفه آن عمارت نصب کرده که چون ساعتی از روز گذشتی، خروسی چوبین که بر آن عمارت نصب است در گردش آمدی و در این زمان خلل پذیرفته" (الحسینی الحایری، ۱۳۴۲: ۲۳۴؛ ۷۷۷).

این متن حضور مجسمه‌های پرندگانی چون خروس را در این ساعت تأیید می‌کند و احتمالاً این ساعت تا پایان دوره صفوی کار می‌کرده است؛ چراکه شاه عباس دوم در کودکی از آن بازدید کرده بود و از دیدن حرکات عروسک‌های این ساعت لذت می‌برد. محمدیوسف واله اصفهانی راجع به بازدید شاه عباس دوم از این ساعت در کتاب خلدبرین قرن ۱۱ قمری می‌گوید:

"و چون در دیده حقیقت‌بین، تماشای وقت ساعت کاشان از صورت به معنی رسیدن و از گلزار انتباه و آگاهی گل چیدن بود، در حین معاودت از سیر و شکار یک‌دو بار به آن طرف میل فرموده از سیر حرکات مختلفه آن تماثل بی‌جان ابواب جهان آگاهی و انتباه بر روی خاطر آگاه گشودند"^۸ (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۳۷۲)

ساعت یزد

همانند مجموعه میرعماد کاشان در یزد نیز مجموعه‌ای عظیم به نام مجموعه رکنیه توسط سید رکن‌الدین ساخته شد. این مجموعه توسط مرتضی اعظم سعید سید

رکن‌الدین محمد بن سید نظام‌الدین محمد قاضی از سال ۷۲۴ قمری آغاز شد. وی در سال ۷۳۲ قمری فوت می‌کند و مولانا شرف‌الدین علی و همچنین مرتضی اعظم امیر شمس‌الدین محمد و دیگران این مجموعه را تکمیل و مرمت کردند (جعفری، ۱۳۴۳: ۲۳۲). این مجموعه شامل مسجد، مدرسه، کتابخانه، بیت‌الادویه، دارالشفاء و خانقاه بوده و از آن تنها گنبدخانه‌ای که خود سید رکن‌الدین در آن مدفون است، باقی مانده است. براساس وقف‌نامه عربی این مجموعه (دانش پژوه و افشار، ۱۳۴۰)^۹ ساعت یزد با نام الرصد اوقات و الساعت معرفی شده است که بخشی از دیوار بیرونی مدرسه رکنیه بوده است و از زیر آن نهری عبور می‌کرده (همان، ۱۳۴۰: ۸۰) که احتمالاً نیروی حرکت آب این نهر در آبرسانی به این ساعت و حرکت آن تأثیر داشته است. این دستگاه پیشرفته توسط الخلیل ابی بکر بن محمد خلیل به سال ۷۲۵ قمری ساخته شد (کاتب یزدی، ۱۳۱۷: ۱۱۴) و یکی از کامل‌ترین ساعت‌هایی است که توصیف آن به دست ما رسیده است. احمد بن حسین کاتب یزدی در تاریخ جدید یزد (قرن ۹ ق) راجع به این ساعت می‌گوید:

"و چون ساعتی می‌گذرد از دو دریچه بالای چرخ دو مرغ روئین سر بیرون می‌کنند و مهره‌ای در طاس که در زیر آن دریچه نهاده‌اند، می‌اندازند و چرخ در گردش می‌آید و از آن دوازده تخته سفید که نشان دوازده ساعت است یکی می‌افتد و تخته سیاه بر جای آن می‌آید (کاتب یزدی، ۱۳۱۷: ۱۱۳).

به نظر می‌رسد، شیوه کار این ساعت در روز مانند ساعت‌های وصف شده بود. این ساعت در هنگام شب نیز مانند ساعت‌های دیگر کار می‌کرده است:

"و از یک طرف دیگر مقابل ساعات دوازده تخته دیگر نهاده که در شب چون یک ساعت می‌گذرد، یک چراغ

از آن دوازده چراغ که نهاده شده باز نشانده می‌شود" (همان‌جا).

اما آنچه این ساعت را نسبت به ساعت‌های دیگر متمایز می‌کند دستگاه‌های دیگری است که این ساختمان دارد. نخستین دستگاه مجسمه‌ای از پرنده است که همواره صورتش به سمت حرکت خورشید است و بالای یکی از مناره‌های کناری این مدرسه و ساعت نصب شده است^{۱۰}. دستگاه دوم پرچی هست که پنج نوبت (پنج وقت نماز) در روز بر بالای مناره‌ای دیگر دیده می‌شود^{۱۱}. سومین دستگاه آن روز و ماه‌نمایی است که نام ماه‌های ترکی، رومی، عربی و جلالی در آن نوشته شده است و با علامتی روز و ماه را مشخص می‌کرده است^{۱۲}. چهارمین دستگاه دایره‌ای است که دوازده منطقه البروج و چهل و هشت منزل ماه در آن مشخص شده بود و جایگاه ماه و پنج ستاره دیگر یعنی زحل، مشتری، عطارد، مریخ و زهره را در آن مشخص می‌کرد^{۱۳}. به جز این‌ها این ساعت آبی یک دقیقه‌شمار نیز داشت^{۱۴}. این تعداد دستگاه زیاد در هیچ‌یک از ساعت‌های قبلی که توضیح دادیم، وجود نداشت و این ساعت احتمالاً یکی از کامل‌ترین ساعت‌های شهری بود^{۱۵}. مجموع این دستگاه‌ها باعث شده این ساختمان را رصد اوقات و ساعات بنامند و پس از مدتی میدانی که این ساعت در دیوار مدرسه جنب آن ساخته شد، به میدان وقت و ساعت مشهور شود.

اعلان وقت و ساعت در مجموعه نقش جهان

مجموعه میدان و دولت‌خانه مبارکه نقش جهان شاید یکی از بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین مجموعه‌های شهری بزرگ جهان اسلام و ایران است که همچون مجموعه‌های گذشته به جز میدان وسیع از ساختمان‌های مهم عمومی چون مساجد مثل مسجد جامع عباسی (امام^{۱۶}، سلطانی، شاه یا مهدی^{۱۷}) و مسجد شیخ



شکل شماره (۲): مأذنه مسجد شاه (منبع: آرمان، ۲ آگوست ۲۰۱۰)



شکل شماره (۳): جایگاه مأذنه به گونه‌ای طراحی شده است تا حد فاصل صحن میدان و مسجد باشد (منبع: آرمان، ۲ آگوست ۲۰۱۰)

ضرابخانه، کارگاه‌های سلطنتی، حمام و... برخوردار بود. این مجموعه غول‌پیکر شهری دارای نمایی شهری و طراحی شده دور میدان بازی چوگان بود که برخی از ساختمان‌های ذکر شده را دارای نمایی شهری می‌کرد و آن‌ها را به نمایش می‌گذاشت (شاردن، بی‌تا: ۱۴۲۰-۱۴۲۴، ۱۴۳۹، ۱۴۵۷).

از میان این ساختمان‌های به نمایش درآمده در میدان در مسجد شاه و سردر قیصریه قسمت‌هایی از بنا و وظیفه اعلان وقت را بر عهده داشتند و از سوی دیگر، ساعت شاه نیز به صورت یک ساختمان مجزا و وظیفه اعلان وقت

لطف‌الله، بازارهایی چون قیصریه، کاخ‌های اداری چون هفت حوض (تالار تیموری)^{۱۸}، بارعام چون چهل ستون، تفریحی چون طویله (همان: ۱۴۴۶) و حرم‌سرای چون هشت بهشت (شاردن، بی‌تا: ۶۴۰، ۱۷۶۶-۱۷۶۹) و تالار اشرف (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۰: ۴۴۱)، کاروانسراهایی متعدد چون کاروانسرای شاه (شاردن، بی‌تا، ۱۴۳۹) و مقصود بیک^{۱۹}، مدرسه‌هایی چون مدرسه شیخ لطف‌الله (با مسجد شیخ لطف‌الله اشتباه نشود)^{۲۰} و مدرسه ملا عبدالله (خوانساری، ۱۳۵۶: ج ۵، ۴۵-۴۶)، خانقاه توحیدخانه،^{۲۱} دارالشفاء،

و ساعت را در میدان نقش جهان داشت. این اعلان وقت و ساعت در میدان نقش جهان به شیوه‌های گوناگون، به‌گونه‌ای منحصر به فرد، نشان‌دهنده میدانی با هویتی جهانی در زمان صفوی است. مآذنه مسجد شاه، نقاره‌خانه بالای در قیصریه، ساعت مستوی پرتغالی‌ها بر فراز سردر قیصریه و ساعت شاه هرکدام به طریقی در میدان نقش جهان اعلان وقت و ساعت می‌کردند.

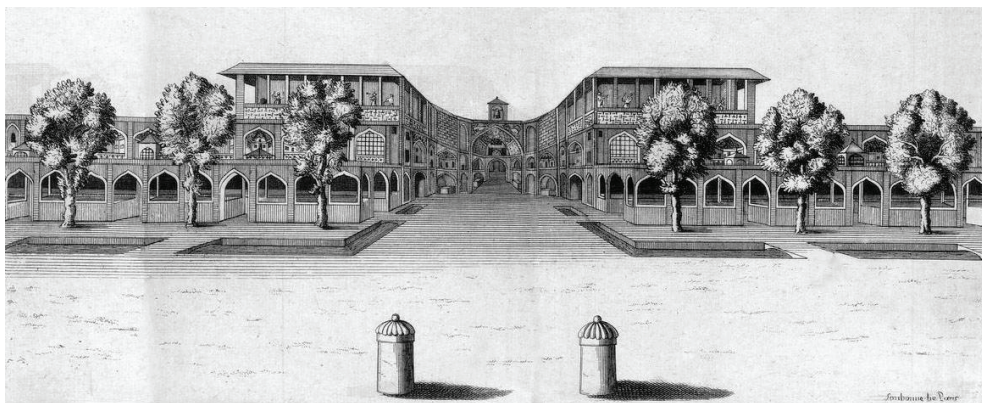
مآذنه مسجد شاه:

گرچه چهار مناره مسجد شاه اصفهان تزیینی بودند و به جهت قدرت‌نمایی و نشان‌دهنده حجم ثروت و قدرت بانی بنا به وجود آمده بودند، اما مآذنه بزرگ مسجد شاه در مکانی میان ایوان غربی مسجد شاه و در مکانی که امکان رؤیت و رسیدن صدا به میدان نقش جهان را داشت، براساس اسلام و فقه امامیه، سه بار در روز یعنی اذان صبح (طلوع آفتاب)، اذان ظهر (انقلاب خورشیدی در ظهر نجومی)، اذان مغرب (غروب خورشید) از طریق این مآذنه اعلان ساعت به مردم صورت می‌گرفت (شاردن، بی تا، ۱۴۳۶؛ موسوی

نقاره‌خانه شاهی سردر قیصریه:

نقاره‌خانه نمادی از حضور دولت در فرهنگ ایرانی است، چنانچه شاردن در قرن ۱۱ قمری می‌گوید: "امتیاز داشتن نقاره‌خانه در ایران باستان تنها در اختیار شاه بود و نمادی از حضور شاه است و گاه شاه با دریافت هزینه‌ای هنگفت امتیاز داشتن نقاره‌خانه را به برخی از خان‌های محلی می‌بخشید. نقاره‌خانه سردر قیصریه بالای دروازه ورودی و زیر سقف مسطح واقع بود" (شکل شماره (۴)).

این نقاره‌خانه به صورت معمولی اعلان طلوع خورشید و غروب آفتاب را در میدان برعهده داشت و در هنگام



شکل شماره (۴): نگاره شاردن از قیصریه، نقاره‌خانه میدان نقش جهان و برج ناقوس ساعت پرتغالی‌ها، خود ساعت به‌دلیلی نامعلوم در زمان کشیدن این نگاره در محل خود نبود است (Chardin, 1723, tome 8, 47)



شکل شماره (۵): پیش آمدگی عالی قاپو سمت راست و عقب نشستگی در کاخ شاه (کوچه سعدی امروزی) سمت چپ (منبع: برشی از تصویر سه بعدی) (omid360.com/iran/isfahan/naghshe-jahan)

به عمد محو نشده بود تا دل مسیحیان پر جمعیت شهر را به دست آورد. این ساعت اعلان وقتی غربی را در میدان نقش جهان بر عهده داشت. در همین زمان در ایران تعداد زیادی ساعت ساز اروپایی در خدمت شاه کار می کردند، محل کار گروهی از آنان تالار تیموری (عمارت چهارحوض) و گروهی دیگر کارخانه اسلحه سازی بود (شاردن، بی تا: ۱۴۳۱، ۱۴۳۸، ۱۴۲۳).

ساعت شاه مکان:

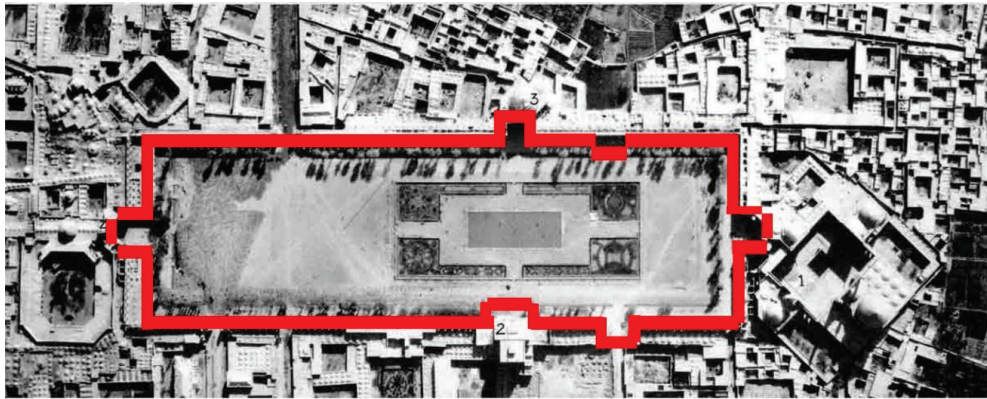
از میان ساختمان های به نمایش درآمده در میدان عالی قاپو، مسجد جامع عباسی، مسجد شیخ لطف الله و سردر قیصریه شناخته شده تر هستند؛ اما این میدان دو ساختمان دیگر نیز در زمان صفوی داشت که نمایشی عمومی در مقابل یکدیگر داشتند و میدان نقش جهان را تکمیل می کردند، یکی از این ساختمان ها در کاخ شاه است (با عالی قاپو اشتباه نشود) و ساختمان بعدی ساعت شاه است. هر دوی این ساختمان ها مقابل یکدیگر و در طول میدان و به ترتیب میان عالی قاپو و مسجد شیخ لطف الله با مسجد شاه بودند (همان: ۱۴۲۳)، (شکل شماره (۵)). این ساختمان ها نسبت به میدان پیش آمدگی و فرورفتگی ای داشته و این پیش آمدگی و فرورفتگی در مقابل یکدیگر و ساختمان های هم جوارشان متضاد بود، به گونه ای که در کاخ شاه فرورفتگی نسبت به میدان دارد که نسبت به ساختمان مقابلش یعنی ساعت شاه و عالی قاپو که

جشن های بیشتر ملی که خود نوعی اعلان زمان بودند نیز به صدا در می آمد. همچون نوروز، آغاز ماه های جلالی و اعلان تاج گذاری ها (شاردن، بی تا: ۱۵۳۳، ۱۴۲۸، ۱۶۴۷) و...

این اعلان ساعت به این طریق نشانی از ایرانی بودن میدان و پایتخت بودن یا حضور شاه ایران در شهر اصفهان بود.

ساعت پرتغالی بالای سردر قیصریه:

ساعتی مستوی و اروپایی و یادگاری از پیروزی شاه عباس بزرگ، پادشاه صفوی ایران، بر بزرگ ترین قدرت اروپایی آن زمان یعنی امپراتوری پرتغال در جنگ بندر گمرون (بندرعباس) در خلیج فارس است (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۱۵)؛ چراکه این ساعت به همراه چندین ارابه توپ پس از غنیمت گرفته شدن از پرتغالی ها عمداً به اصفهان منتقل و در میدان نقش جهان نصب شدند تا نشانی از قدرت شاه صفوی ایران باشند. ساعت پرتغالی ها ساعتی عقربه ای و کوکی با اعلان دوازده ساعت با صدا و هر ساعت به تعداد نواختن ساعت بود. برای مثال، در ساعت یک این ساعت یک بار نواخته می شد و در ساعت دو، دو بار به صدا در می آمد. همچنین این ساعت بر پایه ای بلند و دارای ناقوس بود که روی آن جمله ای به زبان لاتین نقش بسته بود و این جمله دعایی مسیحی در درخواست نیاز به مادر مقدس (مریم مقدس علیهما السلام) بود. شاید این جمله



شکل شماره (۶): عقب‌نشستگی‌ها و پیش‌آمدگی‌های میدان نقش جهان در اواخر دوره صفوی (منبع: نگارنده)

علاوه بر این، این ساختمان‌های کمتر شناخته شده جایی در میدان و با ابعادی بودند که اگر فردی از سردر قیصریه به میدان می‌نگریست، با تأکید بر پرسپکتیو ابعاد یا به عبارتی بهتر، طول میدان را بلندتر درک می‌کرد؛ بنابراین، با شناخت این دو ساختمان درک از میدان نقش جهان متحول خواهد شد.

ویژگی‌ها:

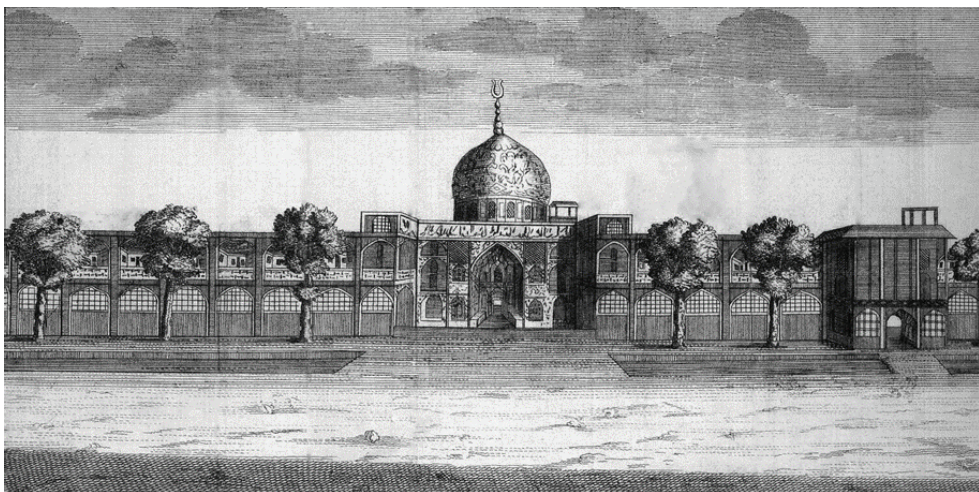
احتمالاً یکی از آخرین ساعت‌های از نوع زمانی که در ایران و در قرن یازدهم ساخته شد، ساعت میدان نقش جهان است. این ساعت احتمالاً در نخستین سال‌های سلطنت شاه عباس دوم و در دوره نخست‌وزیری ساروتقی یا محمدمهدی (مهندس) در میدان نقش جهان و حدفاصل میان مسجد شیخ لطف‌الله و گوشه جنوب شرقی میدان بنا شد. این ساعت که به ساعت شاه معروف بود، بنایی بسیار شبیه نمای تالار ستون‌دار عالی‌قاو داشت (چنگیزی محمدی، ۱۳۹۵: ۸۶-۹۰). شاردن با مقایسه این ساعت با ساعت استراسبورگ می‌گوید (شکل شماره (۷)).

"در عمارت ساعت، ساعتی تعبیه شده که عروسک‌ها سرودست و بازوهای خود را همراه با کار کردن ساعت به صورتی متناسب و تماشایی حرکت می‌دهند

نسبت به میدان بیرون‌زدگی داشتند، متقابل بود. به همین طریق، ساعت شاه نیز بیرون‌زدگی نسبت به میدان داشت که نسبت به ساختمان روبه‌رویش یعنی در کاخ شاه و ساختمان هم‌بادش، یعنی مسجد شیخ لطف‌الله، متضاد بود (شکل شماره (۶)).



شکل شماره (۷): ساعت کلیسای جامع استراسبورگ فرانسه که شاردن آن را با ساعت شاه میدان نقش جهان تا حدی متشابه می‌داند (Diliff, 10 March 2014)



شکل شماره (۸): نگارگری شاردن از مسجد شیخ لطف‌الله و ساعت شاه، بخشی از بدنه شرقی میدان نقش جهان اصفهان در دوره صفوی
 (URL: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/d3/34_Chardin_Sheikh_Lotf_Allah_Mosque_1705_v2.jpg B2%D8%AF.jpgsfahan/15.JPG)

جهان به حرکت‌های عروسک‌های این ساعت جلب می‌شدند" (شاردن، بی تا، ۱۴۳۷-۱۴۳۸).

تحلیل و تفسیر:

تحلیل ساعت‌های شهری در جهان اسلام براساس روش‌شناسی تفسیری-تاریخی، نیازمند شفافیت در روند تحلیل محتوای اسناد تاریخی است تا از بروز سوگیری جلوگیری شود. در این راستا، با استفاده از داده‌های استخراج‌شده از متون اصلی و شواهد تاریخی، تلاش شد تا یافته‌ها به شکلی نظام‌مند و قابل استناد جمع‌آوری و تفسیر شوند. همچنین، ارائه جمع‌بندی دقیق از نقاط اشتراک و تفاوت‌های نمونه‌ها، امکان بررسی دقیق‌تر روابط میان آنها را فراهم می‌کند. در پژوهش‌های تاریخی، تحلیل محتوای اسناد نیازمند شناسایی و دسته‌بندی دقیق داده‌هاست. بر این اساس، در این پژوهش، روند زیر برای تحلیل یافته‌ها اتخاذ شده است:

۱. شناسایی اسناد معتبر: متون دست‌اول، مانند

و هماهنگ با حرکتشان نوای موسیقی نیز به گوش می‌رسد. هم‌چنین در آن عمارت مجسمه خوبی برخی پرندگان و حیوانات است که همراه با حرکت پاندول ساعت به جنبش درمی‌آیند و در سر ساعت صدا می‌کنند" (شاردن، بی تا، ۱۴۳۷-۱۴۳۸)، (شکل شماره (۸)).

و چنانچه گفتیم، این ساختمان را نایستی با ساعت پرتغالی روی سردر قیصریه که تا قبل از ساخت این ساعت وجود داشت و پس از ساخته شدن آن تنها پایه ناقوس آن به یاد فتح هرمز باقی ماند، اشتباه گرفت (چنگیزی محمدی، ۱۳۹۵: ۸۶-۹۰). هم‌اکنون از این ساعت و ساعت پرتغالی‌ها اثری باقی نیست.

این ساعت به شیوه‌ای شرقی و نشان‌دهنده گذر زمان در میدان نقش جهان بود و از سوی دیگر، نشانی از قدرت علمی و مهندسی دولت وقت ایران یعنی صفویان داشت. چنانچه شاردن می‌گوید: "برخی از مردم و خصوصاً شرقیان بیش از هر چیز دیگری در میدان نقش

نوشته‌های الجزری و سایر مهندسان مسلمان به‌عنوان منابع اصلی انتخاب شده‌اند. همچنین متون تاریخی مربوط به نمونه‌های ایرانی و عربی، مانند ساعت‌های یزد، کاشان، قلعه دیاربکر و مسجد جامع اموی دمشق بررسی شده‌اند.

۲. دسته‌بندی داده‌ها: محتوای این اسناد در پنج محور اصلی شامل فناوری، عملکرد اجتماعی، نقش مذهبی، آموزش سرگرمی و جایگاه هنری و معماری دسته‌بندی و تحلیل شده است.

۳. تفکیک و تفسیر داده‌ها: داده‌های مربوط به هر محور، براساس روند تاریخی و ویژگی‌های منطقه‌ای تفسیر شده‌اند تا زمینه‌های اشتراک و تفاوت در نمونه‌های مختلف مشخص شود.

بررسی ساعت‌های شهری در جهان اسلام از دیدگاه تفسیری-تاریخی، فرصتی فراهم می‌آورد تا نقش این سازه‌ها در زمینه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی به‌دقت تحلیل شود. این روش با تأکید بر فهم تاریخی داده‌ها و مقایسه بین عناصر مشابه در بافت‌های مختلف زمانی و مکانی، امکان شناسایی روندهای معنادار و الگوهای کاربردی را فراهم می‌کند. یافته‌های ارائه‌شده در این پژوهش به روشنی تنوع و تکامل فناوری، طراحی و نقش اجتماعی این ساعت‌ها را نشان می‌دهد.

۱. نقاط اشتراک:

الف. فناوری پیشرفته: در تمامی نمونه‌ها، استفاده از فناوری‌های پیچیده، مانند چرخ‌دنده‌ها، وزنه‌ها و نیروی آب مشهود است. این امر نشان‌دهنده پیشرفت علم مهندسی در جهان اسلام است.

ب. نقش اجتماعی: ساعت‌های شهری در جهان اسلام بیش از یک ابزار اندازه‌گیری زمان بودند. آنها به‌عنوان عناصر فرهنگی-اجتماعی در نقاط مرکزی شهرها نصب می‌شدند و علاوه بر اطلاع‌رسانی اوقات شرعی،

به تثبیت هویت شهری کمک می‌کردند.

ج. عملکرد مذهبی: بیشتر این ساعت‌ها برای اعلام اوقات نماز و تنظیم فعالیت‌های مذهبی طراحی شده بودند. این امر نشان می‌دهد که فناوری و دین در فرهنگ اسلامی پیوند نزدیکی داشته‌اند.

د. آموزش و سرگرمی: افزودن عناصر متحرک، مانند پرندگان آهن‌گین یا عروسک‌ها به طراحی برخی ساعت‌ها (مانند ساعت‌های دمشق و دیاربکر شاه اصفهان) نشان‌دهنده تلاش برای جلب توجه عمومی و انتقال مفاهیم زمان به‌صورت بصری و هنری بوده است.

ه. نقش هنری و معماری: طراحی این ساعت‌ها فراتر از ابعاد علمی، به‌عنوان نمادهایی از هویت فرهنگی و هنری شهرها عمل کرده است. طراحی و موقعیت مکانی این ساعت‌ها به‌گونه‌ای بود که علاوه بر کاربرد عملی، به زیباسازی فضاهای شهری نیز کمک می‌کردند.

۲. نقاط افتراق:

جایگاه در معماری شهری: در مناطق عربی، مانند دمشق، ساعت‌ها بیشتر به‌عنوان ابزارهای کاربردی و مذهبی در مساجد یا برج‌ها قرار داشتند. در مقابل، در ایران، ساعت‌ها در مکان‌های عمومی شهرها، مانند میدان‌های شهری نصب می‌شدند و در تعامل با دیگر سازه‌های شهری قرار داشتند و بیشتر به‌عنوان عناصر تزئینی و نمادین عمل می‌کردند.

تأثیرات فرهنگی: برخی از ساعت‌ها مانند ساعت پرتغالی میدان نقش جهان تأثیر فناوری اروپایی آغاز دوران مدرن اولیه را در شهری با انبوه مهاجران مسیحی نشان می‌دهند، درحالی‌که، نمونه‌هایی دیگر عمدتاً مبتنی بر سنت‌های بومی و اسلامی طراحی شده‌اند.

در رویکرد تفسیری-تاریخی، درک زمینه‌های تاریخی و فرهنگی این سازه‌ها اهمیت دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند این ساعت‌ها دارای ویژگی‌های زیریند:

۱. پیوند میان علم و دین: در تمامی نمونه‌ها، پیوند عمیقی میان فناوری‌های مهندسی و نیازهای مذهبی دیده می‌شود.

۲. بازتاب قدرت سیاسی و فرهنگی: ساعت‌هایی مانند ساعت شاه نقش جهان نه تنها به عنوان ابزار علمی، بلکه به عنوان نماد قدرت و تعامل فرهنگی در دوره صفوی شناخته می‌شوند.

۳. نقش آموزشی و هنری: برخی ساعت‌ها به منظور آموزش عمومی و جلب توجه مردم طراحی شده‌اند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که ساعت‌های شهری در جهان اسلام، بازتابی از تعامل پیچیده میان علم، دین و جامعه بوده‌اند. روش تفسیری-تاریخی نشان می‌دهد که این سازه‌ها نه تنها به عنوان ابزارهای تنظیم زمان، بلکه به عنوان نمادهای فرهنگی، علمی و سیاسی در جوامع اسلامی عمل کرده‌اند. به ویژه، تنوع جغرافیایی و فرهنگی این سازه‌ها نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و تطبیق فناوری با نیازهای محلی است. این تحلیل به شیوه شفاف و نظام‌مند، پایه‌ای برای درک عمیق‌تر روابط تاریخی میان جوامع اسلامی و پیشرفت‌های علمی آنها فراهم می‌کند.

نتیجه

اعلان وقت و ساعت در شهرهای اسلامی، به ویژه در دوره صفوی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و گاه‌شمارهای شهری به عنوان یکی از عناصر کمتر شناخته‌شده، نقش مهمی در ساماندهی زمان و فضا داشته‌اند. این گاه‌شمارها با ترکیب دانش مهندسی مکانیک، معماری و هنر، ساختمان‌هایی منحصر به فرد ایجاد کردند که در میدان‌های اصلی شهرها قرار داشتند. یافته‌ها نشان می‌دهد گاه‌شمارهایی مانند ساعت کاشان، یزد و میدان نقش جهان اصفهان، نه تنها ابزارهایی برای اندازه‌گیری زمان بودند، بلکه با طراحی‌های دقیق

و تزئینات هنری، بخش جدایی‌ناپذیری از هویت معماری شهرهای اسلامی به شمار می‌رفتند.

این گاه‌شمارها علاوه بر نقش فنی و کاربردی، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای داشتند. قرارگیری آن‌ها در فضاهای عمومی مانند میدان‌ها و مساجد جامع، نشان از اهمیتشان در نظم‌بخشی به زندگی شهری داشت. جنبه‌های دینی و آیینی این گاه‌شمارها نیز قابل توجه است؛ چراکه بسیاری از آن‌ها علاوه بر اعلام ساعت، زمان‌های خاصی، مانند اوقات شرعی را نیز مشخص می‌کردند. همچنین با ترکیب عناصر نمایشی، مانند عروسک‌های متحرک، پیکره‌های حیوانات و بازی‌های نور و صدا، جنبه‌ای از سرگرمی و آموزش را نیز به شهروندان ارائه می‌دادند. این عناصر، علاوه بر جلب توجه عمومی، به نمایش قدرت علمی و فرهنگی حاکمان وقت نیز کمک می‌کرد.

پیشنهاد می‌شود در طراحی فضاهای شهری معاصر، در نقش گاه‌شمارهای تاریخی بازنگری صورت گیرد و از عناصر فرهنگی و اجتماعی آن‌ها الهام گرفته شود. تلفیق دانش فنی و هنری این گاه‌شمارها الگویی برای ایجاد سازه‌های فرهنگی-اجتماعی در شهرهای امروزی است. همچنین، توجه به ساختمان‌های کمتر شناخته‌شده، مانند ساعت شاه در میدان نقش جهان و عناصر معماری نادیده‌گرفته‌شده آن، به درک عمیق‌تر از نظم فضایی و فرهنگی این فضاها کمک می‌کند. احیای این میراث به بازآفرینی هویت فرهنگی در طراحی شهری کمک شایانی می‌کند.

پی‌نوشت:

۱. باید آگاهی داشت که چگونگی کار کردن بسیاری از ساختمان‌ها، همچون آسیاب‌ها و آسیاب‌ها، جابه‌جایی آب به بالای ساختمان‌ها به ویژه کاخ‌ها و آبنشان‌های حوض‌ها در این نوشته‌های مهندسی توضیح داده شده

است که تاکنون کسی به پیوستگی آن‌ها با ساختمان‌های تاریخی نپرداخته است. برای نمونه جابه‌جایی آب و کار کردن آیفشان‌های اشکوب بالایی عالی قاپو، یا حرکات گوناگون آب در ساختمان‌هایی، همچون کاخ هشت‌بهشت و مهتابی دوری مجموعه سعادت‌آباد را می‌توان بر پایه دستگاه‌های موجود در این دست از نوشتارها توضیح داد.

۲. از این کتاب تاکنون بیست نسخه خطی معرفی شده است. از این تعداد، سه نسخه در ایران است که دو نسخه آن به فارسی است و هر سه در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری یا سپه‌سالار نگهداری می‌شوند. از نسخه‌هایی از این کتاب که در کتابخانه‌های اروپاست یک نسخه فارسی متعلق به قرن هجدهم در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود و نسخه فارسی دیگری نیز مربوط به سال ۱۲۹۱ ه. ق/۱۸۷۴ م در کتابخانه لنین‌گراد موجود است. با این حساب حداقل یک‌چهارم از نسخه‌های این کتاب در ایران مورد استفاده بوده؛ چراکه مشخص نیست سایر نسخه‌های عربی این کتاب که در کتابخانه‌های اروپایی است، از کجا خریداری شده و ممکن است برخی از نسخه‌های آن از ایران خریداری شده باشد. همچنین زبان دونسخه‌ای از کتاب که در هندوستان است، مشخص نیست که به عربی یا فارسی یا کدام‌یک از زبان‌های مشهور شبه‌قاره هندوستان است. این تعداد نسخه به زبان فارسی و در ایران نشان می‌دهد ایرانیان به این کتاب و دستگاه‌های آن توجهی خاص داشته‌اند؛ بنابراین، بایستی در آثار معماری چون ساعت‌ها، حوض‌ها و... بیشتر دنبال کارهایی الجزری بود و شواهد آن را یافت؛ کاری که تاکنون به جز در این مقاله انجام نشده است (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۴۵).

۳. ابوالحسن علی الجززائی مورخ قرن هفتم هجری در کتاب جنی زهره الآس فی بناء مدینه فاس این ساعت

را این‌گونه توصیف می‌کند: "وقد صنع مولانا المتوکل أبو عنان رحمه الله منجانه بطیقان و طسوس من نحاس مقابله لباب مدرسته الجديده التي أهدتها بسوق القصر من فاس و جعل شعار كل ساعة أن تسقط صنجه في طاس و تفتح طاق و ذلك في أيام آخرها الرابع عشر لجمادی الأولى عام ثمانية و خمسين و سبعمئة على يد مؤتفه علی بن أحمد التلمسانی المعدل" (الجززائی، ۱۳۶۹: ۵۳).

۴. وی را با ابن خلدون مشهور اشتباه نگیرد. فرد موردنظر ما الشیخ الفقیه ابی زکریا یحیی بن ابی بکر محمد بن محمد بن محمد بن الحسن ابن خلدون (۷۳۲-۷۸۱ ق) و ابن خلدون مشهور با نام ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حصرمی (۷۳۲-۸۰۸ ق) شناخته می‌شود.

۵. یحیی بن خلدون در کتاب بغیة الرواد فی أخبار بنی عبد الواد وایام ابی حمو الشامخة الأطواد این ساعت را این‌چنین توصیف می‌کند: "و خزانه المنجانه ذات تماثل اللجین المحکمه قائمه المصنع تجاهه، بأعلاها أیکه تحمل طائرا فرخاه تحت جناحیه و یخاتله فیهما أرقم خارج من کوه بجذر الأیکه صعدا و بصدرا أبواب موجفه عدد ساعات اللیل الزمانیه، یصاقب طرفیها بابان محفآن أطول من الأولى و أعرض، فوق جمیعها و دوین رأس الخزانه قمر أكمل یسیر علی خط استواء سیر نظیره فی الفلك و یسامت أول كل ساعة بابها المرتج، فینقض من البایین الكبیرین عقابان، بفی كل واحد منهما صنجه صفر یلقیها إلى طست من الصفر مجوف، بوسطه ثقب یفضی بها إلى داخل الخزانه فیرن و ینهش الأرقم أحد الفرخین فیصفر له أبوه فهناك یفتح باب الساعه الراهنه و تبرز منه جاریه محترمه كأظرف ما أنت راء، بیمنها إذبارة فیها اسم ساعتها منظوما، و یسراها موضوعه علی فیها كالمبايعه بالخلافة لأمیر المسلمین" (خلدون،

۱۴۰۰: ج ۲، ۳۹).

مباره و خیراته و ثقل میزان حسناته فقد وقف المدرسه الركنية الواقعة بدار الملك يزد المذكورة اماما و هي احد المدارس الثلاث واقعة في محلة باب و سادة على قرب من المدرسه المحمود شاهية محفوظه بانيه خرى هيمن خيراتاه من مسجد متصل بهوتها من غير فاصل و حجاب و حدّ المسجد مصنعه هي مغتسل بارد و شراب و حدّ المصنعه الرصد المعروف للوقات و الساعات و تحت الرصد نهر محفوظ على ماء قناه زارج" (همان، ۱۳۴۰: ۸۰) و "كذا شرط ان تصرف المتولى لهذا الامر مصالح الرصد المبنية باب المدرسه للاعلام و الاشهار بكيفية الاوقاف و الساعات و الاناتفي كل يوم كل سنه مبلغ ثلاثمائة دينار و ستين دينارا من العين الرايجه الموصوف، لترم آلاتها و ادواتها المحتاج اليها و ليعطى منه وظيفه منيرتب تدويره و تسويته" (همان، ۱۳۴۰: ۹۵).

۱۰. در متن اصلي مي خوانيم: "در مقابل درگاه مدرسه دو منار بر دو گوشه ايوان او نهاده و بريك منار مرغى از مس ساخته و از هر طرف كه آفتاب بر مي آيد، آن مرغ روى به آفتاب دارد و مي گردد" (كاتب يزدى، ۱۳۱۷: ۱۱۳).

۱۱. در متن اصلي مي خوانيم: "و بر مناره ديگر علمي هنگام پنج وقت كه طبل زده مي شود بر مي آيد" (همان جا).

۱۲. در متن اصلي مي خوانيم: "و بر سر آن مناره در ميان رصد چرخى چوبين منقش ساخته و به سيصد و شصت قسمت کرده و هر قسمتي درجه اي و هر روز كه آفتاب بر مي آيد و هر درجه اي كه نموده مي شود به حروف ابجد؛ و بر چهار گوشه چرخ، چهار دايره نهاده و بر هر دايره سى خانه و نام ماه هاي ترك و رومي و عربى و جلالى نوشته. هريك روز كه مي گذرد، يك خانه از آن دايره سياه مي شود" (همان جا).

۱۳. در متن اصلي مي خوانيم: "همچنان كمرى بر ميان

۶. شهاب الدين احمد بن يحيى بن فضل الله العمرى در مسالك الابصار في ممالك المصار اين ساعت را اين چنين توصيف مي كند: "و على باب جامعها ساعات ارتفاعها في الهواء خمسون ذراعا، ينزل عند النقصاء كل ساعه صنجه الوزنها منه الدرهم، يحرك بنزولها اجراس يسمع وقعها من بعيد و تسمى عندهم المنجانه و هي الان بطلاله لا تدور" (ابن فضل الله عمرى، ۱۳۴۲: ۱۹۷-۱۹۸).

۷. احتمالاً ساعت هاي ديگري نيز وجود داشته اند كه ناشناخته باقي مانده اند و بايستي پژوهشى كامل تر راجع به آنها صورت گيرد.

۸. محمديوسف والمحمدطاهر وحيد قزويني راجع به همين بازديد مي گويد: "بعد از شكار متوجه تماشاى وقت ساعت كاشان كه انموذج بست و گشاد عالم ناسوت است گشته، آن تماثيل بي جان را از فيض نظر اعجاز اثر سررشته حرکات طبيعي به دست داده، سير كيفيت قبض و بسط عالم آخشيجان مي نمودند" (وحيد قزويني، ۱۳۸۳: ۴۳۲-۴۳۳).

۹. در اين وقف نامه راجع به اين ساعت مي خوانيم: "منها المدرسه الرفيعة لمسماة بالركنيت التي بناها داخل البادية فيمحلة مدعوة بباب الوسادة بجنب المدرسه المحمود شاهية مع ما يتبعها من الرصد المربوط حذاء باب المدرسه و المسجد الساقط في دهليز تلك المدرسه قد كان منهدما الى زمانه فعمره تمسكا بقوله تعالى انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الاخر" (دانش پژوه و افشار، ۱۳۴۰: ۷۳-۷۴)؛ و اما "الوالد المولى الاعظم السعيد المرتضى الاكرم سلطان سلاطين النقا و القضاة في عهده ركن الحق و الدين عون الضعفاء معين المسلمين شرف اولاد سيد المرسلين محمد او صل الله الى روضه المعطرة بركات

- آن چرخ نهاده مثل منطقه البروج و اسامی چهل و هشت منازل قمر ثبت کرده: اول شرطین و بطین و ثریا و دبران و هقعه و نهنه و ذراع و نثره و طرف و جبهه و زیره و صرفه و عوا و سماک اعزل و غفر و زبانی و اکلیل و قلب و شوله و نعیم و بلده و سعد ذابح و سعد بلع و سعد السعود و سعد الاخبیه و مقدم و مؤخر و رشا و بطن الحوت؛ و بر بالای دایره قمر خمسه متحیره زحل و مشتری و عطارد و مریخ و زهره و منسوبات هر روز نوشته، به هر کوکب که باشد" (کاتب یزدی، ۱۳۱۷: ۱۱۴).
۱۴. در متن اصلی: "و طاس کوچک چون جام آویخته نشان دقیقه است که هر دقیقه میلی بر آن جام خورده می شود و آوازی می کند" (همان جا).
۱۵. ساعت هرات که محمد حافظ مخترع اصفهانی آن را ساخته است به نظر کامل تر از این ساعت می آید، ولی چنانکه خود محمد حافظ اصفهانی در کتابش نتیجه الدوله شرح می دهد، این ساعت یک ساعت شهری نیست (فکرت، ۱۳۷۶: ۵۱-۵۲).
۱۶. این مسجد پس از انقلاب ۱۳۵۷ خورشیدی در ایران به نام امام شناخته شد.
۱۷. نام نخستی که شاه عباس به این مسجد داد مسجد حضرت مهدی (عج) بود، اما بسیار زود در میان مردم به مسجد سلطانی یا شاه معروف می شود.
۱۸. تالار تیموری در زمان صفوی مقابل میدانی به نام هفت حوض بود، پس به هفت حوض شناخته می شد و این میدان خود حداثی بین تالار تیموری و میدان نقش جهان بود. متأسفانه در طول تاریخ این میدان از میان رفته است و امروزه با کشیده شدن خیابان استانداری هیچ اثری از آن نیست. این ساختمان دفترخانه اداری صفویان بوده است.
۱۹. یا کاروانسرای مقصود عطار. متأسفانه این بنا در سال های اخیر تخریب شد (شاردن، بی تا، ۱۴۱۷).
۲۰. این بنا مدرسه ای کوچک و مستقل کنار مسجد شیخ لطف الله بوده است که در دوره پهلوی تخریب و در جای آن مدرسه ای جدید می سازند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۷۶۵).
۲۱. شاردن این بنا را طاووس خانه و مترجم آن را طاعت خانه نوشته است، ولی نام آن امروز توحیدخانه و بخشی از دانشگاه هنر اصفهان است (شاردن، بی تا، ۱۴۴۶).

منابع

۱. دانشگاه کمبریج. (۱۳۸۰). تاریخ ایران (ج ۱). یعقوب آژند. جامی.
۲. ابن جبیر، محمد بن احمد. (۱۳۷۰). سفرنامه ابن جبیر. پرویز اتابکی و ولیام رایت. آستان قدس رضوی، موسسه چاپ و انتشارات.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۳۷۰ - ۴۲۸ ق). (بی تا) الشفاء الطبیعیات. [قم]: بیدار، ۱۳.
۴. ابن فضل الله عمری، احمد بن یحیی. (۱۳۴۲). مسالک الابصار فی ممالک الابصار. احمدزکی باشا. دارالکتب المصریه.
۵. ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. (۳۶۲ - ۴۴۰ ق). (۱۳۱۶-۱۳۱۸). التفهیم لاولئیل صناعه التنجیم/ ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی؛ با تصحیح و مقدمه جلال همایی. تهران: علمی.
۶. الجزنائی، علی. (۱۳۶۹). جنی زهره الالاس فی بناء مدینه فاس. المطبعه الملكیه.
۷. المنجد، صلاح الدین. (۱۳۸۲). ساعات جامع دمشق و کتاب ابن الخراسانی عنها. المجمع اللغه العربیه بدمشق، ۳۲۷ (۳۸)، ۱۲۰-۱۲۸.
۸. انجمن ادبی صبا. (۱۳۴۹). کاشان در آئینه گذشته و حال. بی جا.
۹. بکلی، محمدرضا و عیسائی جمیل، شادوالهام.

- (۲۰۱۴). جوانب من تقنيات التوقيت و أدوات الرصد في المغرب الإسلامي. مجلة تاريخ العلوم الدقيقة والطبيعية في الحضارة الإسلامية. - مج. ۱۳، ص. [۷].
۱۰. تأليف مجدالدين محمد الحسيني متخلص بمجدي. (۱۳۴۲). زينت المجالس. كتابخانه سنایی.
۱۱. جعفری، جعفر بن محمد. (۱۳۴۳). تاریخ یزد. ایرج افشار. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۲. جعفریان، رسول. (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست (ج ۲). پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۳. چنگیزی محمدی، امیر محمد. (۱۳۹۵). روند تغییرات شهری اصفهان صفی از آغاز دوره شاه صفی تا پایان دوره شاه عباس دوم. پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران به راهنمایی دکتر زهرا اهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری.
۱۴. خلدون، ابی زکریاء یحیی بن. (۱۴۰۰). بغیه الرواد فی ذکر الملول من بنی عبدالواد. عبدالحمید حاجیات. اصدرات المكتبة الوطنية.
۱۵. خازنی، عبدالرحمن. (قرن ۶ ق). (۱۳۴۶). میزان الحکمة فارسی. ترجمه میزان الحکمة/تصنیف ابوالفتح عبدالرحمن خازنی؛ با مقدمه و تعلیقات مدرس رضوی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۶. خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین. (۱۳۵۶). روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات (ج ۱). محمد باقر ساعدی خراسانی. اسلامیة.
۱۷. دانش پژوه، محمد تقی؛ و افشار، ایرج. (۱۳۴۰). جامع الخیرات (وقف نامه سید رکن الدین). فرهنگ ایران زمین، (۱۱۹)، ۶۸-۲۷۷. <http://noo.rs/A7aa6>.
۱۸. دباغ منش، سمیرا. (۱۳۸۸). نجوم بطلموسی. کتاب ماه علوم و فنون، (۳)، ۱۲۲-۸۸-۱۰۱. <http://noo.rs/i9ggY>
۱۹. شاردن، ژان. (بی تا). سفرنامه شاردن (ج ۱). اقبال یغمایی. توس.
۲۰. فکرت، محمد آصف. (۱۳۷۶). نگاهی به کتاب نتیجه الدوله. آینه پژوهش، (۸)، ۴۵-۵۰. <http://noo.rs/KuqUx>
۲۱. کاتب یزدی، احمد بن حسین. (۱۳۱۷). تاریخ جدید یزد. (ایران). اداره فرهنگ یزد.
۲۲. اولیویه، گیوم آنتوان. (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه (ج ۱). محمد طاهر قاجار و غلامرضا ورهام. اطلاعات.
۲۳. موسوی غروی، سید محمد جواد. (۱۳۹۷). چند گفتار: مغرب و هلال. علی اصغر غروی. نگارش.
۲۴. ناطق، محمد جواد. (۱۳۷۵). بدیع الزمان جزری (مهندس مشهور قرن ششم هجری). وقف میراث جاویدان، ۱۵-۱۶ (۴)، ۱۴۳-۱۵۶. <http://noo.rs/WxkCg>
۲۵. واله اصفهانی، محمدیوسف؛ و نصیری. (۱۳۸۰). ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (۱۰۳۸-۱۰۷۱ ه. ق) (حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم) خلد برین. (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) (ویرایش محمد رضا نصیری). انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۶. وحید قزوینی، محمد طاهر بن حسین. (۱۳۸۳). تاریخ جهان آرای عباسی. سعید میر محمد صادق. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
27. Anderson, B. (2014). *Public clocks in late antique and early medieval Constantinople*. Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften.
28. URL: <https://omid360.com/iran/isfahan/naghshe-jahan> (access date: 2021/04/20).
29. URL: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/3d/Clock_of_al_Jazari_before_1206.jpg (access date: 2021/04/20).
30. URL: <https://upload.wikimedia.org/wiki>

din_Sheikh_Lotf_Allah_Mosque_1705_ v2.jpgB2%D8%AF.jpg esfahan/15. JPG(access date: 2021/04/20).
33. Hill, by Donald R. (1981). *Arabic water-clocks*. University of Aleppo Institute for the History of Arabic Science.

pedia/commons/a/ac/37_Chardin_Keisaria_gate_(access date: 2021/04/20).
31.URL:https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/c1/Naghshe_Jahan_Square_Isfahan(access date: 2021/04/20).
32.URL:https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/d3/34_Char-

نحوه ارجاع به این مقاله:

چنگیزی، امیرمحمد، طالبی ریزی، زینب و جدیدی، ناصر. (۱۴۰۳). مطالعه شیوه‌های اعلان وقت و ساعت در ارسن نقش جهان اصفهان در دوره صفوی با نگاهی به شیوه‌های مرسوم در شهرهای بزرگ اسلامی. پژوهشهای فضا و مکان در شهر، ۸(۳۱)، ۱۴۲-۱۲۱. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2045437.1086>

jspr.2025.2045437.1086

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2045437.1086>
URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_720158.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.
This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



in Islamic cities. These mechanisms combined advanced engineering, artistic craftsmanship, and architectural design. They served religious, social, and political purposes, including the announcement of prayer times, structuring urban life, and symbolizing the authority and technological sophistication of ruling powers.

The study highlights the integration of Islamic, Persian, and European time-keeping methods, as evident in the Shah Clock and the Portuguese mechanical clock in Naqsh-e Jahan Square. The presence of artistic elements, such as moving figurines and musical features, added an educational and entertaining dimension, enhancing their public appeal. Moreover, the spatial arrangement of these structures in key urban areas underlined their cultural and social significance.

Conclusion

The study concludes that time-keeping mechanisms in Islamic cities were more than functional devices; they were integral to urban identity, cultural heritage, and public life. The Shah Clock and other similar structures in Isfahan, Yazd, and Kashan exemplify the intersection of technology, art, and religion in Islamic architecture. The absence of many of these structures today underscores the need for further research and preservation efforts to uncover their historical and cultural importance.

This analysis provides valuable insights for contemporary urban planning by emphasizing the cultural and architectural integration of functional and aesthetic elements. Reintroducing such culturally significant structures in modern cities could foster a renewed appreciation of historical identity and urban harmony.

Keywords: Time and Clock Building, Time and Clock Observation, Shah's Clock, Science of Knowledge, Naqsh-e Jahan Square, Urban Space.

Citation:

Changizi Mohammadi, A., Talebi, Z & Jadidi, N. (2024). Studying the methods of announcing time and hour at the Naqsh-e Jahan complex in Isfahan era the Safavid period with a glance at the conventional methods in large Islamic cities. *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(31), 121-142. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2045437.1086>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2045437.1086>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_720158.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





Studying the methods of announcing time and hour at the Naqsh-e Jahan complex in Isfahan era the Safavid period with a glance at the conventional methods in large Islamic cities

Amirmohammad Changizi Mohammadi

PhD Student, Department of Architecture, Islamic azad university, Najafabad branch, Najafabad, Iran

Zeinab Talebi*

Assistant professor, Department of Urban planning, Islamic Azad university, Najafabad branch, Najafabad, Iran

Naser Jadidi

Associate professor, Department of History, Islamic Azad University, Najafabad branch, Najafabad, Iran

Extended Abstract

Introduction

The announcement of time has played a crucial role in shaping the rhythm of daily life in Islamic cities, much like public clocks in European urban centers demonstrated technological prowess and controlled urban life. Islamic urban architecture, particularly during the Safavid era, emphasized the integration of time-keeping structures into public spaces such as mosques and squares. This research investigates the architectural and cultural significance of time-announcing mechanisms in Iranian Islamic cities, focusing on Naqsh-e Jahan Square in Isfahan, which housed diverse time-keeping structures like the “Shah Clock.”

Theoretical Framework

The study explores the historical role of public clocks and time-keeping mechanisms in Islamic urban planning, emphasizing their integration into architectural elements and their role in public and religious life. Drawing on historical texts and the interpretative-historical method, the research connects the development of these structures with advancements in Islamic mechanical engineering and urban design.

Methodology

This qualitative research employs interpretative-historical and descriptive-analytical methods. Primary historical texts and documents were analyzed to trace and identify urban clocks and their functions. The study categorizes these mechanisms based on their technology, cultural significance, and spatial organization in urban environments. Specific examples, such as the Shah Clock of Naqsh-e Jahan Square and the time-keeping structures of Kashan and Yazd, were examined in detail to reconstruct their role in shaping public life and urban identity.

Results and Discussion

Findings indicate that time-keeping structures, such as the Shah Clock, played a multifaceted role

I. Corresponding Author: Z.talebii@par.iaun.ac.ir

in Tabriz should prioritize actions such as increasing green spaces, improving sidewalks, and developing public spaces, based on these findings, to transform Tabriz into a healthier, more beautiful, and more socially engaging city.

Keywords: Urban landscape, Urban space, Urban health, Mental health, Social interactions, Tabriz city

Citation:

Zeynali Azim, A., Azar, A., Babazadeh Oskouei, S & Soloukaneh Miandoab, H. (2024). The effect of the landscape of urban spaces on the physical, mental health and social interactions of the residents of Tabriz city. *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(31), 93-119 <https://doi.org/10.22034/jspr.2024.2042819.1080>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2024.2042819.1080>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_719327.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



research will take a closer look at the impacts of urban space landscapes on the health of Tabriz residents.

Methodology

This study employed a quantitative research method based on Structural Equation Modeling (SEM). The statistical population included the entire population of Tabriz (1,643,960 people), with a sample size of 384 determined using Cochran's formula and selected through stratified random sampling to ensure diversity in gender, age, and location. Data were collected using a three-part questionnaire addressing demographic information, physical health, and mental and social well-being. Tools such as DASS-21 and GHQ-12 were utilized to assess mental health. The reliability of the questionnaire was confirmed using Cronbach's alpha coefficient (above 0.70), and validity was ensured through expert review. Data were analyzed using SPSS and AMOS software, and SEM was employed to explore the relationships between variables.

Result and discussion

This study aimed to investigate the impact of urban space landscapes on the physical and mental health and social interactions of Tabriz residents. The findings revealed that urban landscapes play a decisive role in enhancing the quality of life for citizens. The statistics highlight the tangible effects of urban landscapes in various domains.

The quality of green spaces, with an average score of 3.7, indicates a relatively adequate level of access in Tabriz, though certain areas still require improvement. These spaces, with a factor loading of 0.83, significantly reduce stress and improve the mental health of citizens. Sidewalks and pathways, with an average score of 4.1 and a factor loading of 0.89, are among the most important factors in enhancing both physical and mental health, though further standardization is needed in parts of the city.

In terms of physical health, the average daily physical activity of residents, with 6.1 steps per day, suggests a moderate level of physical activity. However, this could be improved by enhancing pedestrian areas and public sports spaces. The Body Mass Index (BMI) of residents, with an average of 25.5, indicates a near-overweight condition, underlining the need for expanding spaces for sports and physical activity.

In mental health, stress and anxiety levels, with an average score of 3.4, point to a moderate level of stress among residents. Urban landscapes, particularly green spaces and well-designed public areas, play a crucial role in reducing stress and increasing life satisfaction. The sense of security in urban spaces, with an average score of 3.5, suggests that improvements in security, especially in poorly lit and less frequented areas, are necessary.

Regarding social interactions, the number of daily social interactions, with an average score of 3.8, indicates a reasonable level of interaction among residents. Public and social spaces, with a factor loading of 0.90, have the most significant impact on increasing social interactions and fostering a sense of community belonging.

The Structural Equation Modeling (SEM) analysis demonstrated that urban landscapes have a direct impact on physical health (path coefficient: 0.65), mental health (path coefficient: 0.58), and social interactions (path coefficient: 0.62). Additionally, the indirect effects of urban landscapes on mental health through intermediary variables such as physical health and social interactions were confirmed.

Conclusion

The results clearly underscore the importance of improving urban landscapes in reducing stress, enhancing social interactions, and promoting physical health. Urban managers and planners



The effect of the landscape of urban spaces on the physical, mental health and social interactions of the residents of Tabriz city

Ali Zeynali Azim*

Postdoctoral student of Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tarbiat Dabir Shahid Rajaei University, Tehran, Iran

Ali Azar

Associate Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

Solmaz Babazadeh Oskouei

Assistant Professor, Architecture Department, Oskou Branch, Islamic Azad University, Oskou, Iran.

Hadis Soloukaneh Miandoab

PhD in Architecture, Department of Architecture, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

Extended Abstract

Introduction

The city of Tabriz, with a rich history in urban design, is currently facing challenges such as declining urban landscape quality, the prelude to increasing environmental pollution, and a lack of proper management of public spaces. These issues negatively impact the physical and mental health of citizens as well as their social interactions. Furthermore, the shortage of safe sidewalks and suitable environments for physical activities has pushed residents toward using private vehicles, resulting in reduced physical activity and an increase in chronic diseases. This underscores the critical need to pay attention to urban landscape quality.

This research aims to examine the impact of urban space landscapes on the physical and mental health and social interactions of Tabriz residents. It also seeks to provide solutions for improving the design and management of public spaces to enhance the quality of life for Tabriz citizens. The main research question is: "How do urban space landscapes affect the physical and mental health and social interactions of Tabriz residents?"

Theoretical framework

Based on the theoretical foundations reviewed, the landscapes of urban spaces have significant impacts on the physical, mental, and social health of residents. Access to green spaces, areas suitable for physical activity, and public spaces that facilitate social interactions can significantly improve urban quality of life. Proper urban design can lead to a reduction in physical and mental health issues and an increase in social interactions, while poor design may negatively affect public health and well-being. Considering these foundations, the present

*. Corresponding Author: al.zeynaly@gmail.com

paying attention to the role of various actors (stakeholders); and the ability to support urban planning models based on dual or multiple integrated basic concepts.

Focusing on the study area's main and strategic problems allows for guiding the issue and promoting the phenomenon's values. Program priorities are considered by identifying and analyzing problems, and indicators to measure and evaluate program status can be identified.

Methodology

The research method used in this study, in order to analyses related to needs and satisfaction assessment, quantitative (by analyzing descriptive statistical and Friedman test) and qualitative (by analyzing texts and documents by focus group of key stakeholders) techniques and methods have been used based on a descriptive analysis and a prescriptive-analytical study, based on an inductive, applied research strategy.

Results and Discussion

The achievement of this research suggest that the importance of intervention based on fundamental concepts such as sustainability, social unity, and public participation, which prevent social disintegration and physical rupture in urban spatial structure and to guide and control the development process of the city in the direction of improving and improving residents' access to services and facilities supporting housing.

Conclusion

Finally, according to the obtained results, need for intervention based on fundamental concepts such as sustainability, social solidarity, and public participation that prevent social and physical disintegration in the spatial structure of the city and guide controlling the development process of the city in the direction of improving and promoting residents' access to services and facilities supporting housing. Improving the level of satisfaction of residents (especially at the neighborhood level) is directly related to providing fair and balanced access to urban facilities and infrastructure.

Keywords: Needs assessment, Satisfaction, Strategic Urban Spatial Planning, Dehsorkh

Citation:

Moradi Chadegani, D., Soltani, N., Rastghalam, N & Irajy Asiabadi, K. (2024). Spatial Development Modeling in Small Cities Based on Habitant's Needs Assessment (Case Study: Dehsorkh). *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(31), 75-92. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044044.1081>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044044.1081>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_719726.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





Spatial Development Modeling in Small Cities Based on Habitant's Needs Assessment (Case Study: Dehsorkh)

Daryoush Moradi Chadegani

Assistant Professor, Urban Planning Department, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Narges Soltani*

Assistant Professor Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Engineering and Technology, Shahid Ashrafi Esfahani University, Isfahan, Iran.

Niloofar Rastghalam

PhD Candidate, Urban Planning Department, Fine Arts College, Tehran University, Tehran, Iran

Keykhosro Irajji Asiabadi

Master of Civil Engineering, Dehsorkh Municipality, Isfahan, Iran

Extended Abstract

Introduction

The spatial development model is of particular importance for guiding and controlling the development of cities in the future and creates intervention agendas of urban management system in the spatial structure of the city. Strategic planning is a systematic approach to deciding and implementing activities related to forming and managing a system and its functions. Urban strategic spatial planning emphasizes selectivity, choice of strategic issues, and identification of the planning environment with an analytical-critical perspective. Needs have been introduced as important motivations of individual and collective behavior, so behaviors are reflections of the needs, and sustainability and continuity of human life depend on their satisfaction. Satisfaction can be defined as the level of actual performance of an organization to respond to the expectations of its clients. The lack of needs and satisfaction' assessment processes in urban planning and management system will lead to shortcomings such as: the absence of complete knowledge about citizens' requests and needs, the lack of mutual relationship between decision-makers and the community, and the absence of applicable theoretical foundations in urban planning and governance.

Theoretical Framework

In this article, by applying the problem-oriented strategic urban space planning approach, based on needs and satisfaction' assessment processes of residents in the city of Dehsorkh (a small city in transition from a village to a city), the urban spatial planning model has been produced at the strategic level and its distinctive features have been traced and introduced. Urban strategic spatial planning was employed due to the emphasis on the principle of uncertainty in planning, the probability of the planning process, the need to expand the scope of planning in broader political, social, economic, and environmental fields; emphasis on

*. Corresponding Author: n.soltani@ashrafi.ac.ir

only material and financial resources, but also social and human resources; Resources that can enhance women's ability to exercise their choices. Examples of these resources include age, education, employment, social capital, networks, and asset ownership. Women's empowerment is a multidimensional concept, and women who are powerful and empowered in one dimension are not necessarily powerful in another. It has also been proven that women need resources and a sense of agency to achieve their life outcomes. The multidimensional concept of agency encompasses various domains, including decision-making authority, control over finances, and freedom of movement. Having decision-making authority and excessive use of money is a more accurate and accurate description of women's power.

Methodology

The present research is based on a qualitative approach and in terms of the purpose of an applied research. In this study, a systematic review of 43 studies in the period from 2007 to 2024 was conducted using the meta-synthesis method. The statistical population consisted of books, articles, theses, dissertations, and scientific documents related to the urban women, empowerment, and the research resources were selected by convenience sampling.

Result and discussion

The results indicate that the empowerment of urban women depends on the realization of 24 sub-categories and 166 codes. Based on the results of integrating research data in the meta-synthesis process, the main development discourse category accounted for 33.73 percent of the total extracted codes. The category of the type of knowledge required for development accounted for 32.54 percent, the category of empowerment stages accounted for 6.03 percent, the category of capacity building accounted for 18.67 percent, and the category of institution building accounted for 9.03 percent of the total extracted codes. Therefore, the majority of extracted codes belong to the main development discourse category. The Kappa-Cohen coefficient of the present study is equal to 0.774 with a significance of 0.000, which indicates a valid agreement and the appropriateness of reliability (higher than 0.6).

Conclusion

The present study, by combining and synthesizing the results of previous studies, has been able to present a model of the conceptual framework of women's empowerment and has provided the ground for its application in urban places.

Keywords: Empowerment, Women's Empowerment, Agency, Mainstream, Urban Space, Meta-synthesis

Citation:

Mahdavi Saeidi, P., Behzadfar, M., Masood, M & Rashtiyani, SM. (2024). Compilation of the conceptual framework of women's empowerment feasibility in urban spaces. *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(31), 51-74. <https://doi.org/10.22034/jspr.2024.2045395.1085>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2024.2045395.1085>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_719279.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





Compilation of the conceptual framework of women's empowerment feasibility in urban spaces

Pasand Mahdavi Saeidi

Ph.D Candidate of Urban Planning, Architecture and Urban Planning Faculty, Isfahan (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Mostafa Behzadfar*

Professor, Department of Urbanization, Architecture and Urbanization faculty, Science and Technology University of Iran, Tehran, Iran

Mohammad Masood

Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Seyed Mohammad Rashtiyani

Assistant Professor, Department of Urban Planning, Isfahan (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Extended Abstract

Introduction

Empowerment in women's development is a way to define challenge and overcome the obstacles in their lives, through which they increase their ability to shape their lives. The empowerment process can not only improve their skills and access to productive resources, but will also be successful in improving the quality, status and place of work in society. women's empowerment creates a powerful influence on the norms, values and ultimately the laws that govern these societies. In this regard, the aim of this study is to integrate and synthesize the results of studies on the feasibility of urban women empowerment.

Theoretical framework

The idea of empowerment is often linked to the concept of power relations, which specifically refers to gaining more or less power among actors. However, women's empowerment differs from the empowerment of other disadvantaged groups due to intra-household dynamics.

Women's empowerment and gender equality are often considered two sides of the same coin: progress towards gender equality requires women's empowerment, while women's empowerment helps to increase gender equality. In the case of gender inequality or discrimination, it is generally believed that women are disadvantaged or excluded in terms of decision-making and access to economic and social resources.

All definitions of women's empowerment refer to women's ability in certain areas, particularly in controlling their lives, having freedom to make decisions, and having input into changing life choices. Women's empowerment is usually combined with the position that women hold, which is often demonstrated by their acquisition and control of resources, which include not

*. Corresponding Author: behzadfar@iust.ac.ir

nature of women and their practical methods of urban space. Misunderstanding of women's urban needs is the first reason for the inequality between men and women's urban space and ultimately results in less presence of women in urban spaces.

Keywords: Urban Public Spaces, Women presence, Women's security, Shahrekord

Citation:

Rezaee, M., Ronaghi, M & Kouhi kamali, S. (2024). Examining the level of desirability and responsiveness of urban public spaces for the presence of women (Case study: Shahrekord city). *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(31), 31-50. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2046121.1089>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2046121.1089>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_719838.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



Result and discussion

The study of descriptive statistics shows that among the people of the research sample, approximately 35% of the sample is in the age group of 25-35 years. Also, in terms of marital status, 57.5% are married. 37% of the respondents have bachelor's education and 38.3% of the women of the statistical population declared their occupation as housewives, which has the highest frequency in this statistical sample. The findings from the one-sample t-test indicate that, in relation to the general indicators of the study, none of the indicators of women's presence in urban spaces of Shahrekord have an average higher than the desirable level. Among the four main indicators studied, the socio-cultural activities have a higher score than the other indicators.

In order to examine the impact of urban space indicators (including physical conditions, security, accessibility, and socio-cultural activities) as independent research variables on the presence of women in urban spaces as the dependent variable, a multivariate stepwise regression method was used. The findings of the regression analysis show that the dimensions of security, access, and physical conditions were able to predict the presence of women in urban spaces in three stages. More precisely, in the first stage, only the security dimension with a standard beta coefficient of 0.446 explained 20 percent of the variance in women's presence. In the second stage, access conditions were added to the security dimension with a standard beta coefficient of 0.2, and the ability to explain women's activity and presence reached 23/0. In the third stage, physical dimensions with a standard beta coefficient of 0.134 were added to the security and accessibility dimensions, and the explanatory power of efficiency reached 25/0. An examination of the results obtained from the sample T-Tech test shows that none of the indicators of women's presence in urban spaces of Shahrekord had an average higher than the desirable level. Also, among the four main indicators examined, the cultural-social activities index was far better than other indicators in the studied area. In general, according to the results of this section, it can be said that the urban spaces of Shahrekord do not meet the needs of women. The results of the study are in line with the research of Pourmohammadi et al. (2014). Cities are designed by men who have little or limited information about the needs of women. The specific physiology of women in many cases keeps them away from urban spaces. The inappropriateness of urban design, streets, sidewalks, etc. causes women to be deprived of access in many cases for reasons that they themselves are not exactly aware of. Also, the results of the step-by-step regression analysis to investigate the effect of the quality of urban spaces on the activity and presence of women show that the "security" variable has the greatest effect on the criterion variable. The findings of the research are in line with the findings of Beizaei et al.'s research (2017), which showed that the security index is very important in relation to the presence of women in urban spaces. This means that the women of our society still face a sense of insecurity in urban spaces, and this factor is one of the main factors in deterring and limiting the use of urban spaces.

Conclusion

The analysis of the research results shows that women in the studied area have long realized the difficulties and issues they face in urban spaces. The urban life of women is full of experiencing situations and conditions that make them face different issues than men. Planners should put aside their old approaches to the development of the space and understand the existential

space (Beebejaun, 2017: 326). From the mid-twentieth century to the present, the concept of urban space, with reference to the ideas of Patrick Geddes, Lewis Mumford, Jane Jacobs, Kevin Lynch and other thinkers of the humanist and culturalist school, relies on the principle that urban space is part of the city structure, which has a continuous and harmonious whole and is physically enclosed. (Parsi, 2002: 44). Until the end of the 20th century, the concept of urban space was summarized in spatial and physical issues. But since 1990, other concepts such as economic, cultural and social concepts in connection with the urban space were taken into consideration (ibid.). Based on this; The urban space is a part of the construction of the city, and its concept is not only a physical identity, but also a functional space that provides opportunities for citizens to communicate and interact. Desirable urban spaces enable the presence of more citizens in the environment and have human and physical dimensions. The characteristics of urban spaces are strongly influenced by the activity and behavioral patterns of their users (Farhadian and Nafti, 2012: 2).

In these urban spaces, women, as half of the human society, need laws and regulations as well as supporting factors and components in order to perform their activities optimally and play their role; (Sadeghi and Pourgholami, 2019: 427). This is despite the fact that feminist thinkers agree that the city is man-made because women have contributed to its planning and construction, and they benefit from being surrounded by a man-made environment. The built environment is a reflection of men's activities, men's values and men's tendencies towards residential space (Gottdiener & Hutchison, 2011: 148).

Since the conditions governing urban spaces are different, the level of satisfaction with these spaces also varies. In order to check the desirability of urban spaces, there must be specific criteria and indicators. Therefore, in the current research, the basis of the study is the concept of women's use of urban spaces and indicators to meet the needs of women, which will lead to an increase in their presence and activity in urban spaces. These indicators and concepts include physical conditions, socio-cultural conditions, the issue of security and also the issue of access, which themselves have sub-criteria.

Methodology

This research is applied in terms of purpose and descriptive and analytical in terms of nature and method. In the first step, the current situation was identified through exploring various documents related to the subject. Also, the method of collecting information and the indicators required for developing the questionnaire were determined. In the next step, in order to check the validity of the research tool, the questionnaire prepared by several professors and experts related to the subject was studied, and with their approval, its validity was confirmed. The reliability of the tool was checked through pilot testing and Cronbach's alpha test. The value of Cronbach's alpha for different indicators varied between 0.752 and 0.840, and considering that it is above 0.70, its reliability was confirmed. The statistical population of the research is women and girls aged 15 to 55 years of Shahrekord city, and using Cochran's formula, 384 questionnaires were distributed among the sample people who were selected by multi-stage cluster sampling method. This questionnaire contains 42 questions with general and specialized questions, which are valued and designed as a Likert scale from completely disagree to completely agree. The results of the questionnaire have been analyzed and evaluated using SPSS software and single-sample T-tests and step-by-step regression.

Examining the level of desirability and responsiveness of urban public spaces for the presence of women (Case study: Shahrekord city)

Maryam Rezaee¹

Lecturer, Urban Planning Department, Isfahan Azad University (Khorasgan), Isfahan, Iran

Marziyeh Ronaghi

Assistant Professor, Social Sciences Education Department, Farhangian University of Isfahan, Isfahan, Iran

Sara Kouhi kamali

MA in Urban Planning, Noor Hedayat Shahrekord Institute of Higher Education, Shahrekord, Iran

Extended Abstract

Introduction

In recent years, despite the rapid trend of women's presence in urban public spaces, these places are designed without considering the needs of women, and men have more facilities to use urban spaces (Azimi, 2015: 122). In other words, although public spaces are created for the use of the general public, regardless of gender, ethnicity, etc., women have more limited access to such spaces than men. Even in some cases they are completely excluded from spaces that are generally free for men and their presence. Limiting factors such as danger and fear are among the most important elements in women's experience in the urban space and make their use unsafe, as a result, women limit their access to public space due to the existence of such issues (Rush, 2012: 9).

The city of Shahrekord, as one of the middle cities and the center of Chaharmahal Bakhtiari province, like most cities in Iran, has a male-oriented structure in terms of public and physical spaces; Today, this has created problems for the presence of women in the public spaces of this city, which account for almost half of the population; Therefore, in this research, it has been tried to measure and evaluate the variables and criteria that have a role in the presence of women in the public spaces of Shahrekord. For this purpose and according to the material raised, the main question of the research is whether the urban spaces of Shahrekord are compatible with the needs of women and are responsive to their needs? What is the desirability of these spaces? And how effective are these spaces in the activity and presence of women?

Theoretical Framework

Urban space is an area that is formed through the performance of different human groups, their activities and behaviors, and social and cultural interactions of citizens take place in this

1. Corresponding Author: m.rezaee@khuisf.ac.ir

issues and gender, local governance, environmental perception, mental disorders, well-being, coping behavior, environmental violence, etc.

Conclusion

In the presented model, 3 layers or levels can be identified, the first level includes the management-institutional system and includes the factors that empower local communities, and decision-making and regulation tasks occur in this layer. This level interacts closely with its lower level, the central layer, which oversees the capacities and potentials of communities and is responsible for providing public services with the aim of supporting and protecting against crises. The lower level also creates the physical-spatial context of the above levels and includes environmental elements and components and spatial patterns or the objective manifestation of the local community. The three themes of mobilization capacity, experience capacity, and role-taking capacity are established in all the aforementioned levels and are expressed through the 12 categories stated, in a round-trip cycle.

Keywords: Resilience Place, Local communities, Social-physical space, Mobilization capacity, Experience capacity

Citation:

Shams, F., Pourjafar, M R., Khatami, S M & and Sotani, A. (2024). Reviewing the discourse of resilience of local communities, the resilient neighborhood model with the emphasis on the social-spatial sphere. *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(31), 5-30 <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2049697.1096>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2049697.1096>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_720050.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.
This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



theoretical literature. In this regard, the main questions are posed as follows: What dimensions does a rigorous definition of a resilient local community cover? And what are the themes, categories, and levels of the resilient urban neighborhood model in its social space?

Theoretical framework

This research, which aims to apply resilience thinking in the social space of urban neighborhoods and present a resilient neighborhood model from a social perspective through a descriptive-analytical review of theoretical literature, seeks to answer the first question, namely, what dimensions does a rigorous definition of a resilient local community cover? After reviewing studies in this field, and considering that it seems that three general categories of definitions can be identified; Definitions regarding the process of resilience, definitions regarding the neutralization of adverse effects and the ability to maintain sustainable performance, and definitions that address the range of characteristics of resilient communities provide the following definition: “By understanding resilience as a process, local community resilience can be introduced as an integrated framework including interactions between enabling factors (citizens, institutions, public attention and government support) and capacities (such as coping, adaptation and providing solutions) that are current at different levels. In fact, local community resilience is defined as the ability of a community to resist crises or disruptions, which emphasizes variables related to leadership, collective efficacy, attachment to place, preparedness, learning and social trust. The local community as a whole must effectively cope with adversity and learn from it.”

Methodology

In order to achieve the main objective of the research, the methodology is followed in two main steps; A systematic review of the studies conducted as the first step, for a descriptive analysis of the general characteristics of these studies, including the process of publication and temporal and geographical distribution and extraction of the main sources to conduct a qualitative content analysis as the second step. The PRISMA method was used for a systematic review of the studies conducted due to the clarity of the steps and a more detailed examination. In response to the main research question and within the framework of the interpretivist paradigm, a qualitative content analysis method guided by an inductive approach was used. This analysis was carried out in 4 stages including summarization, coding, classification and discovery of themes.

Result and Discussion

A descriptive analysis of all studies conducted in the field of local community resilience shows that after a steady trend from the beginning, resilience theories have been raised more seriously in 2015. This increasing trend continues at a very high speed until it reaches its peak between 2020 and 2022. This period coincides with the onset of the global pandemic, and the resurgence of ideas related to local soft governance and micro-planning in self-sufficient and autonomous neighborhoods and resilient communities. Also, in the two-phase search that was conducted (1993-2015 and 2016-2024), the graphs show that in addition to the multiplicity of links in the second period, in the latter period, the multiplicity of keywords used has grown significantly and has generally shifted from general and general areas such as individuals, adults, parents, infrastructure, green space and the like, towards more specialized micro-areas such as environmental psychology, spatial poverty, vulnerable groups, racial and minority



Reviewing the discourse of resilience of local communities, the resilient neighborhood model with the emphasis on the social-spatial sphere

Fatemeh Shams

PhD Student, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Mohammad Reza Pourjafar¹

Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Seyyed Mahdi Khatami

Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Ali Sotani

Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Extended Abstract

Introduction

The focus is on defining resilient communities as local institutional and adaptive capacities, skills, energy and resources that empower local individuals and groups to take control of their communities to determine how to build strong, healthy and vibrant communities in which people are proud to live. Local communities, as the cells of urban life, are part of the spatial organization of the city that have the ability to be identified socio-culturally. Values such as social trust, social solidarity and social integration are seen as internal capacities and hidden wealth in urban local communities. Despite the efforts made, the lack of deep clarity in the conceptualization of local community resilience is one of the main reasons for the confusion about related concepts, so that it can be said that to date, a comprehensive model of local community resilience that includes the functioning of all physical and socio-economic components from the immediate impact to the recovery phase in the face of a crisis has not been available, or clarifying the concept and operationalizing the mechanisms that lead to increasing the capacity of the local community for resilience has been ignored, and until there is a correct and accurate understanding of the concept, it is not possible to move towards operationalizing it in the real city context. This research gap emphasizes the innovative aspect of the upcoming study. Therefore, the need to address this issue in order to make human settlements as sustainable as possible is felt more than ever. The aim of this article is to apply resilience thinking in the social space of urban neighborhoods and to present a resilient neighborhood model from a social perspective through a descriptive-analytical review of

1. Corresponding Author: pourja_m@modares.ac.ir

Index of articles

Reviewing the discourse of resilience of local communities, the resilient neighborhood model with the emphasis on the social-spatial sphere 5

Fatemeh Shams, Mohammad Reza Pourjafar, Seyyed Mahdi Khatami, Ali Sotani

Examining the level of desirability and responsiveness of urban public spaces for the presence of women (Case study: Shahrekord city) 31

Maryam Rezaee, Marziyeh Ronaghi, Sara Kouhi kamali

Compilation of the conceptual framework of women's empowerment feasibility in urban spaces 51

Pasand Mahdavi Saeidi, Mostafa Behzadfar, Mohammad Masood, Seyyed Mohammad Rashtiyani

Spatial Development Modeling in Small Cities Based on Habitant's Needs Assessment (Case Study: Dehsorkh) 75

Daryoush Moradi Chadegani, Narges Soltani, Niloofar Rastghalam, Keykhosro Irajii Asiabadi

The effect of the landscape of urban spaces on the physical, mental health and social interactions of the residents of Tabriz city 93

Ali Zeynali Azim, Ali Azar, Solmaz Babazadeh Oskouei, Hadis Slookaneh Miandoab

Studying the methods of announcing time and hour at the Naqsh-e Jahan complex in Isfahan era the Safavid period with a glance at the conventional methods in large Islamic cities 121

Amirmohammad Changizi Mohammadi, Zeinab Talebi, Naser Jadidi

Journal of Urban Studies on Space and Place

Vol.8, No 31, Summer 2024 | <https://jspr.jdisf.ac.ir>



Concessionaire: Academic Center for Education Culture and Research

Director responsible: Mehdi Zhianpour

Chief editor: Mohamad Masoud

Specialized secretary: Ehsan Ranjbar

Editorial board:

Nematullah Akbari, Hamed Bakhshi, Frozandeh Jafarzadehpour, Ali Hassani, Zahed Shafiei, Nematullah Fazeli, Iraj Ghasemi, Mahmoud Ghalehnoee, Mohammad Masoud, Mehdi Montazeri, Hojjah, Morteza Mirgholami

Manager: Elham Ghasemi

Executive Manager: Khaterreh Amiri

Managing Editor: Reyhaneh Sajadi

Persian editor: Aida Ghavidel

English editor: Zahra Sadat Esmaelian

Cover designer: Erfan Gholami

Sketch on the cover: Ziba Azar

Layout: Jafare Khoddady

Dedicated site: www.jspr.ac.ir

Email: jsprjdisf@gmail.com / jspr.es@acecr.ac.ir

Licenses: 78539 of the Ministry of Culture and Islamic Guidance

ISSN: 3060-6985

ISSN: 3060-7094

Quarterly articles will be displayed in the following databases:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

Journal of Urban Studies on Space and Place

Volume 8, No 31, Summer 2024

- Reviewing the discourse of resilience of local communities, the resilient neighborhood model with the emphasis on the social-spatial sphere
- Examining the level of desirability and responsiveness of urban public spaces for the presence of women (Case study: Shahrekord city)
- Compiliation Of The Conceptual Framework Of Women's Empowerment Feasibility In Urban Spaces
- Spatial Development Modeling in Small Cities Based on Habitant's Needs Assessment (Case Study: Dehsorkh)
- The effect of the landscape of urban spaces on the physical, mental health and social interactions of the residents of Tabriz city
- Studying the methods of announcing time and hour at the Naqsh-e Jahan complex in Isfahan era the Safavid period with a glance at the conventional methods in large Islamic cities



Print ISSN: 3060-6985
Online ISSN: 3060-7094